تاریخ نظامی جنگ فرانسه و آلمان

۱۸۷۰ - ۱۸۷۱

تاکتیک عمومی

دوره علوم عملی گاز های جنگی

تاکتیک (۲ - ۱)

فرماندهی (خداوند جنگ)

روی قطر

سلسله دروس

دانشکده افسری

روی جلد

تاریخ نظامی جنگ فرانسه و آلمان

۱۸۷۰-۱۸۷۱

تاکتیک عمومی

دوره علوم عملی گازهای جنگی

تاکتیک (۲-۱)

فرماندهی (خدا و فن جنگ)

روی قطر

سلسله دروس

دانشکده افسری

روی جلد:

تاریخ نظامی جنگ فرانسه و آلمان


۱۸۷۰-۱۸۷۱

تاکتیک عمومی

دوره علوم عملی گازهای جنگی

تاکتیک (۲-۱)

فرماندهی (خداوند جنگ)



روی قطر

سلسله دروس

دانشکده افسری

روی جلد:

تاریخ نظامی جنگ فرانسه و آلمان

۱۸۷۰-۱۸۷۱

تاکتیک عمومی

دوره علوم عملی گازهای جنگی

تاکتیک (۲-۱)

فرماندهی (خداوند جنگ)

از انتشارات مدارس نظام

تاریخ نظامی

جنك فرانسه و آلمان

472795 ۱۸۷۰ - ۱۸۷۱



ترجمه

یاور خداداد



طهران

۱۳۱۲

شرکت « چاپخانه فردوسی » طهران

قسمت اول

مطالعات مفصل جنك پروس و اطریش « ۱۸۶۶ »

فصل اول

جنك ۱۸۶۶ در بوهم

مانور سادوا

فهرست

۱ — نقشجات جنك
۲ — تجهیزات عمومی
۳ — تعرضات پروس و مانور سادوا
٤ — نبرد سادوا

۱ — نقشجات جنك (طرح نمره الف

الف — نقشه پروس

از ۱۸۰۵ ملتکه رئیس ارکانحرب کبیر پروس نقشه جنك تعرضی بر علیه اطریش تنظیم نموده و چون احتمال میداد که اطریشیها قوای خود را در بوهم « ۱ » بین پراك و پاردوبیتس «۲» جمع نمایند پیشنهاد کرد قشونهای پروس را در سیلزی علیا سمت راتی بور «۳» تمرکز داده و مستقیما از طریق الموتس «٤» بجانب وین حرکت کند این

---

(۱) Bohême (۲) Pardûbitz (۳) Ratibor (٤) Olmûtz

نقشه که تقلید از نقشه عملیات ناپلئون در ۱۸۰۶ شده بمنظور آن بود که دشمن را از پایتختش جدا نمایند تا مجبور بعقب‌نشینی شود و در جبهه معکوس نبردی بروی تحمیل کنند

برای اجرای این نقشه لازم بود قشون پروس ابتکار عملیات را بدست گیرد ولی سیاست شاه پروس بدلائلی مقتضی آن بود که بدواً تخطی از جانب اطریش شروع شود

باین لحاظ ملتکه نقشهٔ تعرضی خود را تعویض بنقشهٔ انتظار سوق‌الجیشی نموده و طبق آن قشونهای پروس اطراف گرلیتس (۱) در اوزاس (۲) دریك موضع مرکزی مجتمع شده و آمادهٔ مواجهه با تعرضی بودند که از بوهم در امتداد برلن یا از موراوی (۳) در درهٔ علیای رودا در شروع شود

بدون تردید از این نقشه چنین مفهوم میشد که ناحیه مورد استیلا یا ناحیهٔ الب وسطی است و یا ناحیهٔ سیلزی علیا و ملتکه مانند یك نفر استراتژ حقیقی تنها فکرش متوجه جمع نگاهداشتن قوا برای نبرد قطعی بوده و باشغال موقتی یك قسمت از پروس اهمیتی نمیداد معذالك برای احتراز از کدورت شاه پروس درنتیجه ویرانی قسمتی از مملکت اجبارا قوای پروس را در طول تمام سرحد بوضعیت خط زنجیر متفرق نمود روز پانزدهم مه ۱۸۶۶ احکامی که صدور یافتند قوا رابرسه قشون تقسیم مینمودند (طرح نمره ب)

۱ — قشون الب (۵۶۰۰۰ نفر بریاست ژنرال هروارت فن بیتن فلد) (٤): سپاه هشتم چهاردهم پیاده با یك لشکر سوار در اطراف هال (٥)

۲ — قشون اول (۱۰۰۰۰۰ نفر بریاست پرنس فریدریش کارل معروف به پرنس سرخ) سپاه دوم سوم چهارم و دو لشکر سواره نظام در طول السترا سود (٦)

۳ — قشون دوم (۸۵۰۰۰ نفر بریاست ولیعهد پروس) : سپاه پنجم و ششم یك لشکر سواره نظام بین شوایدنیتس ونایسه (۷) سپاه اول در گرلیتس مامور ارتباط بود سه قشون پروس باین نحو در قوس دایره بطول ٤٥۰ کیلومتر واقع شدند که فاصله هریك صد الی دویست کیلومتر بود و ارتباطی که بوسیله سپاه اول تامین میشد کاملا تصوری و موهومی بوده است زیرا این سپاه با رعایت صعوبت اراضی کوهستانی از قشون اول ۹۰ کیلومتر

---

(۱) Goerlitz (۲) Lusace (۳) Moravie (٤) Herwarth von Bittenfeld
(٥) Halle (٦) Elster noir (۷) Schweidnitz, Neisse

و از قشون دوم ۱۱۰ کیلومتر دور بود

خطرات این وضعیت از نظر ملتکه دور نبود و از ایام اول ژوئن از شاه استیذان نمود که قشون الب و قشون اول بقشون دوم نزدیك شوند سپس قشون اول در مشرق تورگاو (۱) و قشون الب در مغرب گرلیتس آمده استقرار یافتند .

بالاخره روز یازدهم ژوئن ارکان حرب کبیر اطلاع حاصل کرد که شش سپاه اطریش در مراوی اجتماع نموده و فقط یك سپاه در بوهم باقیست لذا در برلن چنین نتیجه گرفته که قشون اطریش بجانب سیلزی تعرض خواهد کرد و از طرف دیگر در برابر قوائیکه در بوهم متمرکز شده است (یك سپاه ـ قشون ساکسون) قشون الب (مرکب از سه لشگر پیاده) غیر مکفی است لذا برای تقویت این قسمت سپاه ذخیره را نیز بان ضمیمه نمودند و گارد مامور بقشون دوم شد بعلاوه برای بهتر پوشانیدن سیلزی قشون دوم سپاههای خود را بسمت نایسه حرکت داد و فاصله ۵۰ کیلومتری که بین آن و قشون اول بود شش منزل نیز بر آن اضافه گردید (طرح نمره پ)

بطور خلاصه روز ششم ژوئن سه قشون پروس نقاط ذیل را در تصاحب داشتند (طرح نمره ت)

قشون الب : تورگاو

قشون اول : از گرلیتس تا هیرش برك (۲)

قشون دوم : در عقب نایسه از کلاتس (۳) تاشتایناو (٤) با داشتن قشون ششم در جلو داری

ب ـ نقشه اطریش

اطریش بمناسبت جنگی که در آن واحد با ایطالی و پروس در پیش داشت دو قشون حاضر کرد : قشون جنوب (آرشیدوك آلبر) مرکب از سه سپاه و قشون شمال (فلدتسویکماریشال بندك) (۱) مشتمل بر هفت سپاه و پنج لشگر سوار

---

(۱) Torgau (۲) Hirschberg (۳) Glatz (٤) Steinau

بطور کلی چنین منظور شده بود که تسلیحات مطابق با دشمن انجام گیرد وتجهیزات نیز بسیار بطی و تدریجی پیش میرفت امپراطور فرانسوا ژوزف چون اراده داشت ابتکار اقدام بجنگ را بدلائلی چند به پروس تفویض نماید مقرر داشت که قسمت عمده قشون در الموتس (۲) بنحوی قرار گیرد که قادر به سد کردن راه پروسی ها باشند اعم از اینکه بسرحدات بوهم تجاوز نمایند یا اینکه به موراوی مستولی شوند این نقشه کاملا تدافعی بود و حتی همکاری متحدین اطریش نیز در آن پیش بینی نشده بود هیئت فرماندهی اطریش از ابتکار عملیات دست کشیده و اختیار عملیات را بدایة بحریف خود واگذار کردند

علی ای حال شانزدهم ژوئن قشون شمال در اطراف الموتس باستثناء سپاه اول (ژنرال کلام گالاس) (۳) که در کنار ایزر باتکاء ساکسون ها که در سمت درسد متمرکز شده جمع شدند

۲ — تجهیزات دو قشون

قشون پروس

پروس ۶۷۰۰۰۰ نفر حاضر نمود که سیصد وسی هزار نفر آن در خط اول بودند و بقیه در احتیاط و قلاع مستحکمه قرار داشتند

قشون خط اول مرکب بود از نه سپاه (گاردهم جزء آن بود) پنج لشگر سوار نظام و یك احتیاط کل توپخانه

سپاه پروس تشکیل میشد از :

دو لشگر پیاده یك احتیاط سوار یك احتیاط توپخانه یك لشگر ستون مهمات لشگر پیاده ترکیب میشد از :

(۱) Feldzeugmeister Benedek (۲) Olmûtz (۳) Clam Gallas

دو تیپ دو فوجی و هر فوج سه گردان یك گردان تیر انداز یك گردان مهندس یك فوج سوار یك فوج توپخانه چهار آتشباری و یك مریضخانه سفری سبك ابوابجمعی کل سپاه سی هزار نفر بوده است

قشون اطریش

اطریش ۶۲۰۰۰۰ نفر تجهیز نمود که سیصد و پنجاه هزار نفر آن در خط اول و دو قشون عملیاتی تشکیل داده بودند

قشون جنوب یا قشون ونه سی (۱) (۱۰۰ هزار نفر)

قشون شمال یا قشون بوهم (۲۷۰ هزار نفر)

این قشون اخیر شامل هفت سپاه (اول دوم سوم چهارم ششم هشتم دهم) و یك احتیاط کل توپخانه بعلاوه سپاه ساکسون بود

سپاه اطریش مرکب بود از :

چهار تیپ پیاده هر یك دارای یك آتشبار یك فوج سوار یك احتیاط توپخانه شش آتشباری

مجموع کل ۳۰ هزار نفر

فرماندهی اطریش

قسمتی که مخصوصا در اطریش ناقص بود موضوع فرماندهی است اجمالا قسمت فرماندهی بسیار ضعیف بلکه متوسط بوده است و خود را برای عملیات مهم حاضر نساخته و بحد افراط مقید بظاهر سازی بودند و مخصوصا اراده فتح و غلبه در آنها دیده نمیشد و حال آنکه روسای پروس از این حیث هیجانی داشتند

بنا باصرار مکرر امپراطور فادتسویك مایستر بندك فرماندهی قشون بوهم را قبول کرده و برای اجتناب از شکستی که بنظر حتمی بود امپراطور آرشیدوك آلبر بهترین ژنرال خود را به صحنه درجه دوم یعنی ایطالی فرستاد و برای فرماندهی قشون بوهم ژنرال

(۱) Vénétie

بندك را مامور ساخت که بخوبی با ایطالیا آشنا و از بوهم بی اطلاع بود و در آنجا عملیاتی نکرده بود

تعلیمات و تسلیحات قشون اطریش

اول – پیاده نظام مسلح بود به تفنگ لورنس (۱) سوزنی سربر کلیبر ۱۳ میلیمتر بابرد موثر ۸۰۰ متر

نظامنامه ۱۸۶۳ استعمال ستونهای لشکری را قائل شده بود لیکن استفادهٔ که قشون فرانسه در جنگهای ایطالی از استعمال سر نیزه برده بود بی اندازه مورد توجه قرار گرفته بنحوی که مایل بودند در صورت بندی بسیار جمعی بدون تهیه آتش اقدام بحمله کنند

و این دلیل نتایج شوم و تلفات سنگینی است که در ۱۸۶۶ بمحض اولین تصادف پیاده نظام اطریش را فلج ساخت

دوم – توپخانه دارای توپهای برنزی خاندار بود باکالیبر چهار و هشت دهن برابن حربه سبك بخوبی بوظیفه خود عمل و سه هزار متر را بخوبی میزد

سرعت حرکت این توپخانه نسبتا زیاد و بخوبی میتوانست تیر اندازی نموده و با پیاده مانور نماید و عده زیاد آن دفعهٔ مورد عمل واقع میشد و ظاهرا نسبت بتوپخانه پروس امتیازی داشت

سوم – سوار نظام اطریش که از بهترین سوار نظام اروپا بشمار میرفت ولی درضمن عمل نتوانست بخوبی این شهرت را ثابت نماید و حال آنکه شاید در نتیجه فداکاری آن در ۱۸۶۶ بلای عظیمی را در خاتمه نبرد سادوا از سر پیاده نظام رفع نمود

(۱) Lorenz

۳ – تعرض قشونهای پروس

مانور سادوا

بر اثر رای مجلس فرانکفور شاه پروس تصمیم نمود ابتکار عملیات را تقبل نماید موقعیکه قشون ژنرال فن‌فالکن شتاین (۱) به هانور (۲) تجاوز کرده بود ارکانحرب کبیر در صدد تهیه آرایشی بود که سه قشون خود را در شمال بوهم تمرکز دهد لیکن فاصله بین این سه قشون موضوع را از نقطه نظر سوق‌الجیشی مشکل نموده ونمیدانستند آیا بایدآنهارا قبلا در گورلیتس جمع نموده بعد اقدام بتعرض کند یا آنکه در ضمن حرکت درخاك‌اطریش بیکدیگر ملحق سازند و برای آنکه پیش قدمی خود را نسبت باطریش از دست ندهند ارکان حرب کبیر شق ثانی را باوجود معایب و مخاطراتش قبول نموده و بر حسب عقیده ملتکه الحاق مساعد قشونهای پروس هیچگاه موضوع و فرض فوق العاده نبوده و فقط یك فکر سریعی میباشد

چنین انتظار میرفت که دو قوه را میتواند در شش روز در اطراف گیتشین [۳] مرکز قوس دایرهٔ که از سرحد تشکیل شده بود تمرکز دهند فاصله از گورلیتس و نایس تا گیتشین ۱۰۰ الی ۱۵۰ کیلومتر بود و ۱۸۰ کیلومتر از الموتس تا گیتشین و با رعایت بطی حرکت معمولی اطریشیها امید بود که میتوانند زودتر از آنها به محل مزبور واردشوند

روز ۲۲ ژوئن ملتکه خط مشی ذیل را برای فرماندهان خود معین نمود :

اول – قشون الب که تحت فرماندهی عالی پرنس فریدریش کارل بود به جانب مونشن گرتس(٤) حرکت کند

دوم – قشون اول بجانب تورناو (۵)

سوم – قشون دوم به آرناو (٦) و گرادلیتس (۷) برود

بفرماندهان قشونها ابتکارات لازمه برای عملیات داده شده بود و قبل از هر چیز باید معاونت متقابله بیکدیگر نموده و قوای خود ر جهت نتیجه قطعی جمع آوری کنند

(۱) Von Fatkenstein (۲) Hanovre (۳) Gitchin (٤) Munchen Graetz
(۵) Turnau (٦) Arnau (۷) Gradlitz

چون وظیفه مهمتری بر عهده قشون دوم برگذار شده بود پرنس فریدریش کارل مامور شد بمحض ملحق شدن بقشون الب در حرکت بیشتر تسریع نماید

ملتکه نیز اضافه نمود که گیتشین نقطه سمت است و اتصال این سه قوا منوط به حوادث میباشد

الف ــ عملیات پرنس فریدریش کارل (طرح نمره ث)

روز بیست و سوم ژوئن دو قشون قوای غربی از سرحد بوهم عبور نمودند قشون الب در شلوکناو « ۱ » و قشون اول در سیتاو « ۲ » روز بیست و پنجم قوای مزبور بنوبه به گابل « ۳ » و رایشم برگ « ٤ » بدون مواجهه بمقاومتی وارد شدند درحقیقت ژنرال کلام گالاس که بندك امر نموده بود پس از رسیدن بساکسون ها به قسمت عمده قشون ملحق شود کفایت کرد با حفظ اصطکاك با دشمن عقب نشینی کند

لیکن روز بیست و هشتم بندك تغییر عقیده داده و به پرنس دوساکس امر دادمونشن گرتس و تورناو را بهر قیمتی است در تصرف بدارد و عصر همان روز مجددا بعقیده اول باز گشته و او را در تحقیق وضعیت آزاد گذاشت پرنس دوساکس از این احکام متضاد نتوانست عقیده بندك را دریابد و میترسید از اینکه قوای مهمتری او را محصور سازد لذا از نگاهداری خط ایزر منصرف شده و بجانب گیتشین عقب نشست و در آنجا تصورمیکرد بتواند مقاومت نماید

لذا جلو دار پروس بدون زحمت به ایزر رسیده و تورناو را که خالی بود متصرف شدند و در نتیجه یك جنك شبانه پل پودول «۵» را نیز اشغال کردند

روز بیست و هشتم پس از درگیری مختصری در مونشن گرتس پرنس

(۱) Schlucknau (۲) Zittau (۳) Gabel (٤) Reichemberg (۵) Podol

پس از مختصر در گیری روز بیست و هشتم در مونشن گرتس پرنس فریدریش کارل روز بیست و نهم از طریق تورناو و مونشن گرتس به گیتشین برفت لشگرهای مقدم آن که بواسطه کوهستان مشجر از یکدیگر جدا شده بزحمت توانستند گسترده شوند و از توپخانه استفاده کافی بنمایند ولی اطریشی ها بواسطه تردید فرماندهی عالی روحیه خود را باخته و خوب نمیجنگیدند پرنس دوساکس بالاخره مجبور شد بجانب میلتین (۱) و سمیدار (۲) عقب نشینی کند

باین منوال قوای غرب بدون زحمت بنقطه میعادگاه وارد شد «۲۹ ژوئن»

ب ــ قشون اطریش از هفدهم تا بیست و ششم ژوئن

بندك پس از اتمام تمرکز در الموتس شنید که قوای مهم پروس به الب علیا نزدیك میشود و حرکت قوای دیگر پروس را در اطراف نایسه حمل بر یك نوع تظاهر نموده مصمم شد قشون خود را بان سمت الب از طریق یوزف شتاد «۳» سوق دهد و در سمت سیلزی بوسیله سپاه دوم که بعنوان پهلو داری معین شده بود خود را محفوظ دارد

روز بیست و ششم ژوئن قسمتهای مقدم ستون اطریش به الب رسیدند از شب قبل بندك مطلع شد که پروسی ها تراوتن آو «٤» براوناو «۵» و ناخود «۶» را تهدید مینمایند ولی در ازاء آنکه از تفرقه که بواسطه کوهها بین قوای دشمن ایجاد شده و قوای مزبور نمیتوانستند بیکدیگر کمك متقابله برسانند استفاده نموده بانان حمله ور شود و پس از درهم شکستن مجددا بکوه ها رجعتشان دهد عمل تمرکز قوای خود را بین یوزف شتاد و میلتین ادامه داده و قناعت نمود باعزام سپاه دهم و ششم به تراوتن آو و سکالیتس «۷» و از روی غفلت غیر قابل تصوری فراموش نمود مخرج براوناو را درآیپل «۸» و کوستلتس «۹» مسدود کند

(۱) Miletin (۲) Smidar (۳) Josephstadt (٤) Trautenau (۵) Braunau (۶) Nachod (۷) Skalitz (۸) Eipel (۹) Kosteletz

ج - حرکت قوای ولیعهد طرح نمره ج

روز بیست و ششم ژوئن قشون دوم پس از عبور از شکاف گلاتس «۱» بجبهه ملحق شد :

لیباو «۲» سپاه اول » ، براوناو «گارد» ، راین‌ارتس «۳» «سپاه پنجم»

برای وصول به گیتشین مجبور بود از یك ناحیه بسیار مشکلی عبور نماید و چهار جاده در اختیار داشت که بین خود ارتباط عرضی نداشتند

ولیعهد برای اینکه مدت عبور از این کوهستان را بحد اقل تقلیل دهد تصمیم نمود از هر چهار جاده استفاده کند و روز بیست و هفتم ژوئن قشون دوم با آرایش ذیل پیشروی نمود

سپاه سمت راست اول در جاده های لیباو — تراوتن آو – آبیل

گارد در مرکز در جاده های براوناو - و گستلتس

سمت چپ سپاه پنجم در جاده راین ارتس ـ ناخود

۲۷ ژوئن ـ روز بیست و هفتم سپاه اول هنگام خروج از مخرج تراو تن آو بدست سپاه دهم اطریش شکست کامل خورده و با بی نظمی بجانب لیباو عقب نشینی کرد بدون آنکه مورد تعقیب اطریشی ها واقع شود

بالعکس در ناخود یك فتح شایانی در مقابل سپاه ششم اطریش براثر پافشاری‌قسمت جلو دار نصیب سپاه پنجم « ژنرال شتاین‌متس » زیرا در مقابل حملات پی در پی چهار تیپ دشمن مقاومت نموده و به قسمت عمده وقت کافی داد تا از تنکه خارج شده گسترده شود

بالاخره در نتیجه غفلت بندك گارد بدون دادن تلفات به ایپل و گوستلتس وارد گردید

روز بیست و هشتم — عصر روز بیست و هفتم ولیعهد که از شکست سپاه اول آگاه شد به گارد امر داد در حرکت خود روز بیست و هشتم تسریع کند تا راه را برای عبور

(۱) Glatz (۲) Liebau (۳) Reinetrz

سپاه مزبور بگشاید در اجرای این امر گارد مصادف شد با جناح سپاه دهم که بتصور اتمام ماموریت خود عازم محلق شدن به بندك بود و در سور «۱» تیپ عقب دار آن را کاملا مضمحل ساخت

از طرف دیگر سپاه پنجم در نزدیکی سکالیتس «۲» سپاه هشتم اطریش را که‌بندك برای استخلاص سپاه هشتم فرستاده بود شکست بداد

بیست و نهم ژوئن — روز بیست و نهم سپاه پنجم پس از متفرق ساختن سپاه چهارم اطریش در شواین‌شدل «۳» به گرادلیتس «٤» وارد گردیدگارد گونیگین‌هوف«٥» را اشغال نمود سپاه اول به پیلنیکاو «٦» رسید سپاه ششم پس از دادن تظاهراتی در جنوب نایسه در سکالیتس بقشون خود ملحق شد

سی‌ام ژوئن — «طرح نمره ج» روز سی ام ژوئن قشونهای پروس بطور قطع در بوهم استقرار یافته و بیکدیگر ملحق شدند

قشون الب در ساحل چپ ایذر قشون اول در اطراف گیتشین ، قشون دوم در الب علیا در فراز یوزف شتاد

بندك خیلی دیر تصمیم‌نمود برای مواجهه با ولیعهد فشون خود را در ساحل راست الب در فلات دوبنتس «۷» تمرکز دهد و بمحض شروع باین اقدام خود را در معرض حمله جناحی قوای پروس که در مغرب مشاهده شد یافته ناچارا قوای خود را به فلات بین الب و بیس تریتس «۸» برگردانیده و در آنجا به سختی قوا را در انتظار نبرد مجتمع ساخت

د — مانور سادوا « طرح نمره ح و خ »

این حرکت عقب نشینی را قشون دوم بخوبی درك‌نمود لیکن بواسطه تشکیلات‌ناقص دائره اکتشاف اصطکاك با آن را کاملا از دست بداد

در این موقع ملتکه با آنکه محل اطریشی ها را صحیحا نمیدانست مانوری را

(۱) Soor (۲) Skalitz (۳)Schweinschaedel (٤)Gradlitz(٥)Koeniginbol
(٦) Pilnikau (۷) Dubenetz (۸) Bistritz

طرح نمود که اگر خصم مختصر ابتکاری ابراز میداشت موفق باضمحلال قشونهای پروس میشد

قبلا بتصور اینکه بندك در عقب الب بین یوزف شتاد و کونیك گرتس «۱» خود آرائی کرده است ملتکه خیال کرد در جبهه باو حمله نموده و با تهدید ارتباطات خلفی او را مجبور به تخلیه موضع مزبور نماید و باین منظور لازم بود چهل کیلو متر در پهلو راه پیمائی نموده تا بتواند مخفیانه بخط رجعت دشمن حمله نماید

احکام صادره برای دوم ژوییه بقرار ذیل بوده است :

قشون الب به پاردوبیتس رفته پلهای الب را اشغال کند

قشون اول این حرکت را بپیروی نماید و در جناح چپ خود قسمتی جهت پهلو داری مامور سازد تا خط الب را بین یوزف شتاد و کونیك گرتس شناسائی نماید وهر گاه در جلو این خط مصادف با قوای خصم شد اگر مهم نباشد بلا تامل پس از تحصیل اطمینان از برتری تعداد قوای خود حمله ور شود

قشون دوم در مواضع فعلی خود منتظر افتتاح راه های جلو بشود روز دوم پرنس فریدریش کارل توسط سوار نظام خود اطلاع حاصل کرد که حد اقل چهار سپاه اطریش بین الب و بیزریتس «۲» قرار دارند لذا حکم ملتکه را بمیل خود تعبیر نموده روح آن را بکلی تغییر داد و مصمم شد با تمام قوا بدشمن حمله کند و نبرد را بقوای خود منحصر سازد :

قشون الب بجناح چپ اطریشی ها از طریق نخانیتس تجاوز کند

قشون اول بوضع دشتبانی در آمده و در محاذات سادوا بدشمن حمله نماید

لشگر فرانسکی «۳» شبانه به سرك ویتس «٤» برود تا بتواند صبح روز سوم پهلوی راست مواضع دشمن را احاطه کند

بالاخره پرنس فریدریش کارل از ولیعهد تقاضا کرد جناح چپش را بوسیله یك یا

(۱) Koeniggraetz (۲) Bisritz (۳) Fransecky (٤) Cerekwitz

دو سپاه در مقابل قوای دشمن که ممکن است از یوزف شتاد تجاوز کند بپوشاند سپس ملتکه را از اطلاعات واصله و آرایش متخذه آگاه ساخت

ملتکه چون با نظریه پرنس موافقت حاصل کرد لازم دید تمام قوای پروس در نبرد شرکت جوید و به ولیعهد امر داد با تمام قوایش به کمك قشون اول برود

ضمنا متذکر میشویم که :

اولا — پرنس فریدریش کارل در ظاهر از حدود ابتکاریکه یك رئیس داده میشود تجاوز نموده بود

دوم — چون وقت ارسال احکام دیر بود « نصف شب » احتمال میرفت قوای ولیعهد نتواند بموقع موفق باجرای ماموریت خود بشود زیرا نزدیکترین سپاه آن بیست کیلومتر از سادوا فاصله داشت

سوم — قرار گاههای عمومی مع‌التعجب با ارکان حرب کبیر ارتباط تلگرافی نداشتند حامل امر ملتکه برای ولیعهد یك نفر نایب سرهنك بود که در باران شدیدی چهل کیلو متر فاصله بین گیتشین و کونیگین هوف «۱» را سواره در شب پیمود « مقدرات پروس در ان شب بپای بند چهار دست و پای یك اسب بوده است

٤ — نبرد سادوا سوم ژوئیه ۱۸۶۶

« طرح های نمره د ، ذ ، ر ، »

مواضعی را که قشون اطریش اشغال نموده عبارت از استحکاماتی بودند زاویهٔ شکل که راس ان در ارتفاعات کلوم «۲» واقع شده بود جبهه غربی ان بوسیله بیزریتس پوشیده میشد که عرض ان ده متر و عمق ان یك متر است و گدارهای ان را قسمتهای کوچك پاسداری حفظ میکردند ولی شیبهای جاو جبهه را اتش مدافعین میزد استحکامات در ارتفاعات بنا شده بود و اجرای انرا به مهندسی محول نموده بدون انکه منظور تاکتیکی را متذکر شده باشند بنحویکه اکثر سنگرها بهیچوجه با مقصد مطابقت نمیکردند و بعضی قسمتها حتی

(۱) Koeniginhot (۲) Chlum

محلی را که باید اشغال نمایند نمیشناختند

بندك که فکر مغلوبیت در او حلول کرده بود دستوراتی که برای نبرد صادر میکرد بسیار مبهم و حتی ذکری هم از قشون دوم پروس در ان نشده بود قشون او که بروی هم متراکم و در مثلثی باضلاع ده کیلومتر مجتمع شده بودند فاقد دستجات مخصوص اصطکاك و پاسدار های مقدم بوده و هدف خوبی برای دشمن عرضه میداشتند .

حکم نبرد بقرار ذیل بوده است :

جبهه غربی : سپاه چهارم و دوم از کاوم تالوخه نیتس

جبهه غربی : سپاه سوم و دهم و ساکسون از لیپا « ۲ » به پروبوس « ۳ » و پریم سفلی « ٤ »

در ذخیره : سپاه اول و ششم با سه لشکر سوار در عقب مرکز ، سپاه هشتم عقب جناح چپ

الف — حمله جبهه قشون اول

سوم ژوئیه قشون اول که سه لشکر در خط دوم داشت به بیزریتس رفته و چون هوای مه مساعد بود معابر سادوا ، دوهالیکا «٥» و مکرووس «٦» را متصرف شد و چون توپخانه نمیتوانست کمك مؤثر به پیاده نماید دفعتا دوچار اتش ۱۶۰ عراده توپ اطریش شده و در پای شیبها بجای خود میخکوب گردید ظهر پنج لشگر قشون اول در گیر شدند بدون انکه بتوانند پیشرفتی کنند وضعیت آنها در ساحل چپ بیزریتس بسیار خطرناك بود و یك حمله متقابله شدید کفایت آنها را مینمود در ارکانحرب کبیر وحشت نیز بحد کمال رسیده و به شاه پروس پیشنهاد حکم رجعت را مینمودند

درسمت چپ قشون اول لشگر فرانسکی دربدو امر موفق شد بیك یورش تمام جنگل سویپ والد (۷) را تصرف کند لیکن سپاه چهارم و بعد سپاه دوم اطریش حمله متقابله نموده و بدون نظم موضع نبرد خود را ترك گفته و رو به مغرب بین کلوم و ماسلوود (۸) گسترده شدند بعد از سه ساعت محاربه شجاعانه لشگر مزبور از سویت والد رانده

(۱) Lochenitz (۲) Lipa (۳) Probus (٤) Nieder-Prim (٥) Dohalicka (٦) Mokrowous (۷) Swip Wald (۸) Maslowed

شد ولی خدمت بزرگی ضمنا اجرا نموده آرایش دو سپاه اطریش را برهم زد

ب — حمله احاطه قشون الب

قشون الب بنوبه خود موفق گردید به نخانیتس رسیده و بواسطه تاخیریکه هنگام عبور از پل پیش آمده بود جلودارش ساعت ۱۱ بزحمت توانست به ارتفاعات لوبنو برسد و بمجرد آنکه لشگر اول حاضر شد ژنرال هروارت آنرا برای کمك بقشون اول درگیر نمود این لشگر به تنهائی دو سپاه اطریش را که مامور حفاظت پربلوس (۲) و پریم علیا بودند بعقب نشینی بسمت روزبریتس (۳) نمود قشون الب چون خسته و وامانده شده بدون آنکه دشمن را تعقیب کند متوقف شد

پ — حمله احاطه قشون دوم

ژنرال بندك از خلاء حاصله در جبهه شمالی بواسطه حرکت تعاقبی بیموقع سپاه چهارم و دوم در پی لشکر فرانسکی مضطرب شده و چندین نوبه باین دو سپاه امر داد رزم را متروك داشته و مواضع اولیه خود را مجددا اشغال کنند

در ضمن اجرای حرکت عقب نشینی حمله قشون دوم شروع شد موقع برای حمله بسیار مساعد بود و با یك سرعت حیرت انگیزی پیش میرفت ساعت چهارده ماسلوود سندرازیتس (٤) و تروتینا (٥) تقریبا بدون نزاع بتصرف در آمدند

ولیعهد مصمم بود بلا تامل از این پیشرفت استفاده کند و باطریشیها مجال خودآرائی ندهد لشکر اول گارد بتعرض ز شیبهای کلوم بالا رفته و آبادیها را تقریبا بغفلت متصرف شد یك قسمت از آن لشکر مشغول تشکیلات مواضع مفتوحه شده و بقیه حرکت خود را بجانب رزبریتس (٦) ادامه داده و مانند میخی در مرکز قشون اطریش نفوذ نمود در

(۱) Lubno (۲) Problus (۳) Rosnitz (٤) Sendrasitz (٥) Trotina (٦) Rosberitz

همان ضمن سپاه ششم ندلیتس (۱) را اشغال کرد این نتایج معظم که ازعملیات پنج تیپ پیاده بدست آمد مرهون اثرات غفلت گیری حمله و وضعیت پریشان سپاه هائی بود که در معرض تحمل آن بودند

بندك مصمم شد با قوای احتیاط خود در استرداد کلوم جدیتی مرئی دارد لیکن این تصمیم بسیار دیر بود : سپاه های سوم و دهم که در جناحین خود را در خطر میدیدند عقب نشینی نمودند ذخیره عمومی (سپاه اول و ششم) که در جهت رزبریتس واقع شده و تقریبا در خط رزم قرار داشت بزودی در معرض آتش جناحی واقع گردید روحیه اومشوب آرایشهای متخذه نیز تحت تاثیر واقع شدند و بعلاوه توپخانه بخوبی تهیه حمله نمیکرد

خلاصه رزبریتس را مجددا بدست آوردند ولی در مقابل کلوم شکست خورده ودو سپاه ذخیره با نهایت نظمی مبادرت بجنك و گریز نمودند

ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه قشون اطریش کاملا در حال عقب نشینی بود سواره نظام این عقب نشینی را تامین نموده و با کمال شجاعت سوارنظام پروس را که درمعبرنیزریتس معطل شده عقب براند و ارادهٔ تعقیب را نیز از او سلب نمود

توپخانه قوای ذخیره نیز خود را وقف استخلاص قشون نمود آتشبار ها ئیکه بین وستار (۲) وسوتی (۳) قرار داشتند آتش خود را تا حد امکان ادامه داده و بعد از ساعت ۱۷ تا ۱۸ بیش از یکصد عراده که بین شتوسر (٤) و پلوتیت (٥) موضع گرفته بودند آخرین مجاهدات پروسی ها را متوقف ساختند

موفقیت و فتح بمنتهای کمال رسیده بود : بواسطه خستگی قسمتهای قشون اول بی اطلاعی ارکان حرب کبیر از محل صحیح قشون دوم دشمن را تعقیب نکردند

ولیعهد نیز باین منظور لشکر سوار نظام و سپاه پنجم خودرا بسمت کونیك گرتس اعزام داشت ولی حکمی بلافاصله از ملتکه در ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه دریافت داشت که حاکی بود از راحت باش تمام قوا در روز بعد این حکم قشون اطریش را که در مغرب کونیك

(۱) Nedelitz (۲) Westar (۳) Sweti (٤) Stoesser (٥) Plotict

کونیك گرتس جمع شده بودند و حاکم آن از افتتاح دروازه های شهر در آن موقع شب بنا بر دستورات امتناع میکرد خلاصی بخشید

نبرد سادوا برای اطریش بقیمت ٤٥ هزار نفر و قریب ۲۰۰ عرابه توپ تمام شد که ۲۰ هزار آن اسیر شدند تلفات پروسی ها که اغلب نصیب قشون اول شده به ۱۰هزار نفر تجاوز میکرد

نتیجه

اول — نبرد سادوا بعد از نبرد لایپ سیك (۱) بزرگترین نبردی است کهمطابق استراتژی ناپلئون فتح شده و عبارت از اخذ تصمیم در اعزام یك قشون بطور ناگهان در جناح یا عقب دشمنی است که فرسوده شده باشد

دوم — اساس فتح پروس بیشتر ناشی از بی احتیاطی برنس فریدریش کارل است که لشکر دانسکی را به تنهائی در ساحل چپ بیزریتس در گیر نمود ولی احتمال میرفت که سپاه های چهارم و دوم در مواضع خود باقی مانده و بتوانند در مقابل حمله قشون دوم پافشاری کنند

سوم — بندك تقصیر عمدهٔ مرتکب شد که در سمت الب با داشتن پنج لشکر سوار اکتشافی نکرد و اطراف ظهر که حاکم یوزف شتاد حرکت قشون دوم را باو اطلاع داد هیچ اقدامی برای ممانعت بعمل نیاورد با آنکه میتوانست بفوریت تمام سوار خود را با یك سپاه ذخیره برای تاخیر در حرکت آن بفرستد

مخصوصا بحالت تدافعی کامل باقی بماند

(۱) Leipzig

از انتشارات مدارس نظام

تاریخ نظامی

جنك فرانسه و آلمان

۱۸۷۰ - ۱۸۷۱

ترجمه

یاور خداداد

طهران

۱۳۱۲

شرکت «چاپخانه فردوسی» طهران

جریان جنگ تا واقعه سدان (۱)

۱ — نقشه های محاربات — تمرکز — عملیات در آلزاس (۲)

۲ — عملیات در لورن (۳) مانور سنت پریوا (٤)

وقایع چهاردهم اوت (بورنی) (۵)

وقایع شانزدهم اوت (رزون ویل) (٦)

وقایع هیجدهم اوت (سنت پریوا)

۳ — قشون شالون (۷) محاصره متس (۸)

۱ — نقشه محاربه

تمرکز عملیات در الزاس

نقشه های محاربه

نقشه المان . (طرح نمره ۱ و ۲)

ملتکه (۹) تاریخ ۱۸۵۷ بریاست ارکان حرب کبیر آلمان منتخب گردیده و بلا فاصله اقدام بطرح نقشه محاربه برعلیه فرانسه نمود . این نقشه بدوا صورت تدافعی داشت لیکن بعدا بصورت تعرضی در آمد

---

(۱)Sedan(۲)Alsace(۳)Lorraine(٤) Saint Privat(۵)Borny (٦)Rezonville (۷) Châlons (۸) Metz (۹) Moltke

اساس نقشه عبارت بود از اقدام بتعرض در امتداد مایانس — نانسی (۱) بوسیله قشون اصلی که دو قشون فرعی او را در جناحین تقویت نموده و یك قشون احتیاطی هم در عقب جبهه قرار میگرفت تا عندالزوم برای کمك قشون اصلی داخل در آن بشود

محل اجتماع در پالاتینا (۲) انتخاب شده و مزایای آن بشرح ذیل است :

۱ — قشون آلمان چنانچه ملتکه بخوبی آگاه و مطلع بود قبل از قوای فرانسه آماده محاربه شده و جمیع صدمات و خسارات منتجه از جنك عاید مملکت فرانسه میگردید

۲ — چنانچه قشون فرانسه مقدم در حمله شده و انتظار ورود قوای احتیاطی را نکشد هر گاه این حمله دفعة از آلزاس و لورن از جانبی و از ووژ (۳) از جانب دیگر شروع گردد از محل مزبورممکن است مبادرت به مانور «از موضع مرکزی» بنمایند و هر گاه قوای دشمن منصرف از شکافتن و عبور از موانع طبیعی رود رن (٤) وسطی گردد و اقدام بحمله از داخل خاك باژیك بسمت رن سفلی بنمایند ممکن است جناح او را مورد تعرض قرار دهند

۳— بالاخره منطقه مزبور من غیر مستقیم ممالك جنوبی آلمان را از حملات بدوی قشون فرانسه مصون و محفوظ میدارد چنانچه پروس با هیچ قیمتی حاضر نبود در ایام اولیه جنك اجازه دهد قوای فرانسه از رن عبور کرده و ممالك متحده او را که صمیمیتشان هنگام مواجه با انواع مخاطرات غیر مسلم بود خلع سلاح نماید

ملتکه می پنداشت نخستین جنك بزرك در سار (٥) رخ دهد لذا تصمیم نمود اصول محاربات تحلیلی را در جبهه که عملی است سهل و ضمنا مؤثر از حیطه تاکتیك مقدماتی داخل در تاکتیك عملیات معظمه نماید و در نظر داشت که پس از جمع شدن قشون عمده و تحصیل ارتباط با قشون جناح راست با این دو قشون قوای فرانسه را در سار وسطی

(۱) Mayence - Nancy (۲) Palatinat (۳) Voges (٤) Rhin (٥) Saar

باستعانت قشون جناح چپ از راه در گیر ساختن در جبهه و مورد حمله قرار دادن در پهلو محصور سازد زیرا قشون جناح چپ مامور بوده است پس از راندن قوای ضعیف آلزاس فرانسه بطرف جنوب متوجه سار علیا بشود

نقشه محاربات بیش از این پیش بینی نشده بود

نقشه فرانسه — در فرانسه دو نقشه مطرح بود یکی نقشه آرشیدوك آلبر فاتح کوستوزا (۱) که فقط براصل تعرض قرار گرفته و منظورآن بود باتمام قوائیکه بلافاصله حاضر میشود ازرود رن عبور نموده و قبل ازآنکه عملیات تمرکزی قشون آلمان که حداقل شش هفته وقت برای آن قائل بودند خاتمه پذیرد ممالك جنوبی را ازپروس منتزع نماید . نقشه دیگر که بکمك ژنرال فروسار (۲) تهیه شده مبتنی بود به فرض حمله دفعة واحد از جانب آلزاس و لورن بترتیبیکه یك قشون مواجه هر یك از قوای دشمن شود و خود در مواضعی که قبلا انتخاب شده بودند مقاومت منفی بنماید .

از این دو نقشه نقشه اول که مستلزم پیش دستی و تقدم تمرکز قوای فرانسه بود غیر عملی مینمود زیرا دلیلی بر این تقدم وجود نداشت و نقشه ثانی طبعا منجر بشکست میشد و بالاخره کسی نمیدانست نقشه قطعی ناپلئون سوم چیست و آنچه بتصور نزدیکتر مینمود هیچنوع نقشه نداشتند

(۱) Custozza (۲) Frossard

تجهیزات و تمرکز

۱ — در فرانسه : (طرح نمره ۳)

تغییر تشکیلات قشون فرانسه از پایه زمان صلح بنحویکه امپراطوری دوم قائل شده بود به پایه زمان جنك بسی مشگل مینمود و از طرفی تقسیم مملکت بنواحی بزرك نظـامی کفایت رفع حوائج و ترکیبات واحدهای مجهز شده بزرك را کاملا نمینمود ارکان حرب ها و دوائر لازمه دیگر را در موقع لزوم جدیدا تشکیل میدادند و بجهت حمل و نقل هم نقشه در نظر گرفته نشده بود که مهمترین موضوع تمرکز را تنظیم نماید

فتوحاتیکه در ۱۸۵۰ نصیب قوای ایطالی‌شده‌بود موجب‌گردید وضعیت‌مدهش‌تشکیلات کنونی قوای مذکور از نظر دور ماند

برای مشتبه ساختن امر بحد کمال دعوی نمودند که دو عمل کاملا متفاوت یعنی تجهیزات و تمرکز را بتصور موهوم صرفه جوئی در وقت در خود جبهه معمول دارند :

حکم احضار قوای ذخیره عصر روز چهاردهم صادر شد و روز شانزدهم حمل و نقل‌قسمتهای قوای‌تحت السلاح بسرحدات‌شروع گردید

قوائیراکه توانستند حاضرنمایند :

هشت سپاه پیاده نظام هریك مرکب از سه الی چهارلشکر (فقط سپاه گارد دارای دو لشکر پیاده بود)

يك ذخیره کل توپخانه (۱۶ آتشبار)

يك ذخیره کل‌سوار (سه لشکر)

يك ذخیره کل مهندس (چهار گروهان)

از لحاظ استفاده کامل از خطوط راه آهن مملکتی و مصون داشتن حدود مملکت از هر نوع تهاجمی قوای فوقرا در جبهه بطول ۲۴۰ کیلومتر از بلفورت تا تیون‌ویل (۱) پراکنده ساختند مجموع این قوا بعنوان قشون رن تحت فرماندهی خود امپراطورقرار گرفت عده کل نفرات از دویست و پنجاه هزار تجاوز نمینمود و قسمت ها فاقد احتیاجات لازمـه برای دخول در میدان محاربه بودند

با شرایط مذکوره دیگر تصور نمیرفت حمله پر عرض و طولی میسر باشد معهذابجهت ترضیه خاطر عامه امپراطور در دوم اوت امری صادر نمود که در ساربروك (۲) يك نوع اکتشاف تهاجمی معمول گردد و چون منظوری در این عمل متصور نبود نتیجهٔ نیز از آن حاصل نگردید

در المان — (طرح نمره ٤ و ٥)

المان ها تجهیزات و تمرکز را متناوبا شروع نموده وطبق نقشه که در ایام صلح جزء بجزء تهیه شده بود با اسلوب منظمی معمول داشتند

قوائیکه المان حاضر نمود شانزده سپاه : دوازده سپاه پروسی (توام با گارد)، يك سپاه ساکسن (۳) ، ۲ سپاه باویری (٤) ، يك سپاه وورتمبرگی (۵) - بادنی ، هشت لشکر سوار ، چهار لشکر ذخیره

این قوا به چهار قشون تقسیم شدند :

قشون اول (ژنرال فن‌شتاین متس) (٦) مرکب از سپاه هفتـم و هشتم و لشکر سوم سوار

قشون دوم (پرنس فریدریش کارل) عبارت از سپاه سوم— چهارم و دهم ـ گارد ـ لشکر پنجم و ششم سوار لشکر سوار گارد

قشون سوم (ولیعهد پروس) تشکیل میشد از سپاه پنجم و یازدهم — سپاه اول‌و دوم باویری ـ سپاه وور تمبرگی ـ بادنی ، لشکر چهارم سوار

---

(۱) Thionville - Belfort (۲) Sarrbruck (۳) Saxon (٤) Baviére
(۵) Wurtemberg - Baden (٦) Von Steinmetz

قشون چهارم (ذخیره) سپاه نهم و سپاه دوازدهم (ساکسن)

در پروس نیز سه سپاه (۱) اول — دوم و ششم با دو لشگر سوار باقی ماندند

با مطالعه تفصیلی خطوط راه اهن له خط انتقالیه متقارب بسرحدات فرانسه درچهار مرکز بارگیری انتخاب گردید که هر یك متناسبا بیك قشون تخصیص داده شد

اکس لاشاپل (۲) برای قشون اول

نوین کیرشن (۳) و هومبورك برای قشون دوم

لاندوا (٤) برای قشون سوم

مایانس برای قشون چهارم

بیست و سوم ژویه ابلاغیه صادر شد که حرکت قشون دوم را بطرف رن موقـوف نمود زیرا احتمال ان میرفت قوای مذکور بغتة دوچار حمله شدید فرانسه واقع شودبنحویکه قشون‌چهارم ملحق وممزوج با قشون‌دوم شد اما پس‌از مرتفع شدن احتمال مذکور انتقال‌قشون دوم ار تاریخ دوم اوت تحت حمایت سپاه سوم و چهارم تاکایزرس لاوترن (٥) وبیر کن‌فلد ادامه (٦) یافت

وضعیت طرفین در سوم اوت (طرح نمره ٦)

در سوم اوت وضعیت متخاصمین بقرار ذیل بوده است :

الف — **فرانسه** : در الزاس

سپاه اول (۷) بین‌ویسمبورك «۸» رایشس هوفن « ۹ » . هاگن‌آو (۱۰) ستراسبورك «۱۱» پراکنده بود

۱ — در اوایل ماه اوت به جبهه لورن ملحق شدند

(۲) Aix - la - chapelle (۳)Neunkirchen(٤) Landau (٥) Kaiserslautern

(٦) Birkenfeld (۷) Mac - Mahon سپاه اول (ماك ماهون) تشکیل شده بود ازقوائیکه معجلا از افریقا احضار شده و طبعا نواقصی که فوقا اشاره شد در بر داشتند

(۸) Wissembourg(۹) Reichshoffen (۱۰) Haguenau (۱۱) Strasburg

سپاه هفتم که بهیچوجه تکمیل نبود در کلمار (۱) و بلفور قرارگرفت

دوم — **در لورن :**

سپاه دوم (ژنرال فروسار) در ساربروك و فورباخ (۲)

سپاه سوم (مارشال بازن) (۳) درسنت آولد و اطراف آن

سپاه چهارم (ژنرال لادمیرو) (٤) در بولای - تترشن (٥)

سپاه پنجم (ژنرال دوفائی) (٦) در سارگمین و بیتچه (۷)

گارد (ژنرال بوربا گی)در متس

احتیاط سوار در لونه ویل (۸) و در پنت آموسون (۹)

سپاه ششم (مارشال کان روبر (۱۰) وارد اردوگاه شالون میشد

ب - المانها:

قشون اول (ژنرال شتانیمتس) در جبهه مرسیك — هنس وایلر آماده حرکت‌بود

قشون دوم (پرنس فرید ریش‌کارل) در عقب‌کوهستان‌ها رد (۱۱) مشغول پیاده‌نمودن قوای خود بود و تا چند روزی بجهت عبور از کوهستان قادر نبود مانور نماید .

قشون سوم (ولیعهد پروس) اطراف لانداو جمع شده و آماده عزیمت بود

عملیات در آلزاس

ویسمبورك — فروش ویلر (۱۲)

ویسمبورك (چهارم اوت) (طرح نمره ۷ و ۸)

مارشال دوماك ماهون که در اواخر ماه ژویه بسمت فرماندهی عالی سپاه اول‌و هفتم بر قرار گردیده بود مامور شد حدود آلزاس را از بال (۱۳) تا لاوتربورك (١٤) محفوظ بدارد

(۱) Colmar, (۲) Forbach (۳) Bazaine (٤) Ladmirault (٥) Boulay Tetterchen (٦) Bitche, Saarguemein (۷) de Failly (۸) Lunéville (۹) Pont-à-Mousson (۱۰) Canrobert (۱۱) Hardt (۱۲) Froeschwiller (۱۳) Bâle (١٤) Lauterbourg

سپاه هفتم را مارشال بنا بر اصرار ژنرال ف . دو آی (۱) در آلزاس علیا باقی گذاشت و چون از تفرقه و تشتت چهار لشکر سپاه اول بیم وافر داشت اراده نمود آنها را در ناحیه هاگن آو (۲) جمع آوری کند تا هر گاه دشمن از سمت شمال وارد آلزاس بشود جناح او را تهدید نماید تمرکز مزبور که بروز چهارم موکول شده بود تعرض قشون سوم آلمان مجال اجرای آنرا نداد .

لشکر ف . دو آی که سهم مانند در ویسمبورك واقع شده چون فاقد خدمت اکتشافیه و تامینیه بود قریبا تحت فشار مضمحل کننده چهار سپاه واقع میگردید

ولیعهد پروس در حقیقت روز سوم اوت تمرکز قشون خود و حرکات مقدماتی راه پیمائی را بسمت جلو خاتمه داده و بجهت روز چهارم حکم ذیل را صادر نمود :

امر میدهم فردا صبح قشون تالاوتر (۳) پیش روی نموده و قوائیکه پیشاپیش گسیل میشود از رود مزبور عبور کرده و هر کجا با خصم تصادف حاصل آمد بدون تامل او را بقهقرا برانند »

لشکر چهارم سوار تا اوتر باخ (۴) جلو میرود .

صبح چهارم قشون سوم در چهار ستون بحرکت در آمد:

سپاه دوم باویری بسوی ویسمبورك

سپاه پنجم بسوی آلتن شتاد (۵)

سپاه یازدهم بسمت آسیای بین والد (۶)

سپاه وور تمبرك ـ بادنی سمت لاوتر بورك (۷)

ساعت هشت مکتشفین فرانسه که بشمال لاوتر روانه شده بودند مراجعت کرده و راپرت دادند چیزی مشاهده نشده است ؛ در ساعت هشت و نیم دو آتشبار جلو دار

(۱) F . Douay (۲) Haguenau (۳) Lauter (۴) Otterabch (۵) Altenstadt
(۶) Bìenvald (۷) Lauterbourg

باویری آتش خود را بسوی ویسمبورك در مسافت ۱۲۰۰ متری باز نمود و قوای فرانسه را دوچار تحیر کامل ساخت

قشون فرانسه پس از زائل شدن حیرت اولیه خطوط دفاعیه را درخاکریزویسمبورك ایستگاه راه آهن و آلتن شتاد دایر ساختند

سپاه پنجم و یازدهم آلمان در حرکت خود تسریع نموده و بسوی توپخانه‌شتافتند: سربازان شجاع لشگر دو آی که زیر آتش شدید توپخانه مضمحل شده و درامواج دائم ـ التزاید مهاجمین مستغرق بودند پس از استقامت شدیدی در دامنه های کوه گایس برك ۱ مشغول عقب نشینی از راه گردنه پیژونیه (۲) بسوی قوای عمده سپاه اول شدند

پروسی ها بعلت خستگی زیاد در صدد تعاقب بر نیامده و لشگر چهارم سوار که احتیاطا در عقب گماشته شده بود دیر بمیدان محاربه رسیده نتوانست با دشمن اصطکاك حاصل نماید

ملاحظات

خلاصه هفت هزار نفر با سه آتش بار مدت هفت ساعت در مقابل هفتاد هزار آلمانی مجهز با ۱۴۴ عرابه توپ با دادن ربع عده تلفاف مقاومت نمودند

روز مزبور با آنکه مایه افتخار قشون فرانسه محسوب است کلیه معایب قشونی که آماده نشده وارد محاربه میگردد بشرح ذیل مشهود ساخته و آتیه تیرهٔ را برای مملکت فرانسه پیش بینی مینمود .

اول ـ **قوای فرانسه فاقد خدمت (دائره) اطلاعات و استخبارات بود .** لذا هیچ نوع اطلاعی ازدشمن نمیتوانست تحصیل نماید

دوم ـ **خدمت تامینیه نداشتند :** گردان ویسمبورك اطراف خود را تامین نمینمود . اردو های گایس برك را فقط معدودی از قراولان عمده تامین میکردند که پیش از صد قدم از قرار گاه مسافت نداشتند

(۱) Geisberg (۲) Pigeonnier

سوم — **حس رفاقت جنگی در قوای مزبور دیده نمیشد** زیرا موقعیکه قوای آلمان متوجه توپخانه شده بود دو فوج فرانسه در گردنه پیژونیه مانند تماشاچیان ایستاده و از این نبرد خونین متاثر نمیشدند

چهارم — **توپخانه فرانسه بطور وضوح** از لحاظ قدرت و تعداد پست تر از توپخانه آلمان بود

پنجم — **مسلسل ها** در زیر آتش توپخانه خصم قادر بخود داری نبودند

بعلاوه از نقطه نظر فرماندهی عالی ایرادات ذیل وارد است :

با ملاحظه عدم تناسب عددی بین متخاصمین بهتر آن بود از قبول محاربه امتناع نموده و از طریق گردنه پیژونیه به لشکر دوکرو (۱) عقب نشینی نماید بنحویکه مارشال ماکماهون نیز در تلکراف صبح خود صلاح اندیشی نموده بود

برای تقویت ساخلو ویسمبورك نباید از ارتفاعات پائین بیایند

حوادث روز پنجم (جانب فرانسه) (طرح نمره ۹ و ۱۰)

شدت حمله و کثرت عده قوائیکه در آن شرکت داشت ظاهر میساخت یك قشون تمام از لاوتر تجاوز کرده است مارشال ماك ماهون تصمیم داشت حتی الامکان بدون محاربه معابر ووژ را تخلیه ننماید صبح روز پنجم باو اطلاع رسید که میتواند سپاه های اول و پنجم و هفتم را تحت اختیار خود در آورد . بلا فاصله امر نمود این سه سپاه در فلات فروش ویلر (یکی از مواضع خوب نقشه فروسار) مجتمع شوند و امیدوار بود روز هفتم در این موضع وسائل نبرد تدافعی را فراهم ساخته و بعدا در صورتیکه قوای امدادیه دیگری برسد اقدام بتعرض کند

سپاه اول بمناسبت بعد مسافت با سپاه هفتم و خود داری ژنرال دوفائی (سپاه پنجم) بدون کمك و منحصر بقوای خود در مقابل قوای نیرومند آلمان باقی ماند چنانچه یکی از سه لشکر پیاده سپاه هفتم بدون توپخانه بزحمت توانست خود را بسپاه اول برساند و سپاه

(۱) Ducrot

پنجم نیز مواضع بسیار نامناسبی اختیار کرد که هیچ یك از لشکر هایش نتوانستند درنبرد شرکت جویند

موضع وورت (۱) — فروش ویلر (طرح نمره ۸)

موضعیکه مارشال دوماك ماهون در نظر داشت انتخاب نماید بین زاوئر (۲) که زولس باخ (۳) نیز در امتداد آنست و جویبار ابرباخ (٤) واقع شده بود

وسعت این فلات از نه ویلر (۵) تامورس برون (٦) هفت کیلومتر است قسمتی از ان که با جنگل پوشیده شده با شیب تندی که از تاکستان مفروش است بسمت زاوئر سرازیر می شود

دره زاوئر قریب هشتصد مطر عرض دارد عرض رودخانه پنج الی شش مطر است و با وجود طوفان شب ششم که بر طغیانش افزوده است گدار هائی دارد که عبور از ان مقدور است

اشغال موضع

قرار و ترتیبی برای استقرار قوا پیش بینی نشده بود لشکر ها بنا بر میل روسای خود و بترتیب ورود محلی را در فلات مزبور انتخاب می نمودند و این مواضع از نظر دشمن که از سمت شرق سرازیر شده بود و جز چند قراول عمده ضعیف سد راه اونبودند مستور نمی ماند

روز پنجم و شب ششم قوا استقرار یافتند

در خط اول : لشکر اول دو کرو در جناح چپ لشکر سوم رائو (۷) درمرکز و لشکر چهارم لارتیك (۸) در جناح راست

در خط دوم : لشکر دوم (پله (۹) لشکر قدیم دوآی (لشکر کونسای دومنیل (۱۰) (از سپاه هفتم)

(۱) Woerth (۲) Sauer (۳) Sulzbach (٤) Eberbach (۵) Nehwiller
(٦) Morsbrown (۷) Raoult (۸) Lartigue (۹) Pellé (۱۰) Conseil-Duménil

لشکر های سوار دو هم (۱) و دوبن من (۲) نیز در عقب بودند و برای استطلاع از وضعیت دشمن نخواستند انها را بکار برند

ملاحظات

۱ — قشون فرانسه بدین منوال (۴۵ هزار که ۵ هزار ان سوار بود با یك صد و بیست عرابه توپ) در جبهه هفت کیلومتری قبل از وقت پراکنده شده بود و البته طول این جبهه برای عده موجوده خیلی زیاد بوده است زیرا قشون بهمین مناسبت ازقابلیت حرکت محروم شده و نمیتوانست مانور نماید

۲ — جناحین موضع ضعیف بودند : در سمت راست نقطه اتکائی وجود نداشت و سمت چپ جنگل مانع دیدن میشد

۳ — قسمت تامینیه بساحل شرقی رود زوائر گسیل نداشته بودند و توپخانه المان میتوانست با اطمینان کامل در مسافت سه هزار متری اردو گاه فرانسه قرار بگیرد و این مسافت بیش از برد موثر توپخانه فرانسه بود

۴ — فقط پل وورت را خراب ساخته و هیچیك از قراء دره زاوئر را اشغال نکرده بودند و حال انکه از قراء مزبور بجای پست مقدم کاملا استفاده ممکن میشد

۵ — بنا بر صلاح دید ژنرال دوکروو بعذر اینکه نفرات را خسته ننمایندورساختمان استحکامات موقتی نیز غفلت نمودند

روحیه قوای فرانسه با وجود شکست ویسمبورك خوب بود لیکن صبح پنجم پس از انکه مارشال اطمینان حاصل نمود نمیتوالد از سپاه پنجم انتظار مساعدتی داشته باشدوضعیت بنحوی تیره و عدم تناسب عددی جمعی قوای حاضره طرفین بنحوی مبرهن بود که بنا بر اصرار ژنرال دوکر و حکم عقب نشینی صادر گردید ولی وقت سپری شده و توپ های دشمن با غریو خود قوای مزبور را ناچار نمود تن بجنك در دهد

(۱) Duhesme (۲) de Bonnemains

وقایع پنجم اوت - « جانب المان » « طرح نمره ۸ »

موقع عقب نشینی چهارم اوت لشکر سوار چون موفق نگردید سمت عقب نشینی قوای فرانسه را معین دارد ولیعهد تصمیم نمود حرکت قوای خود را روز پنجم بسمت هاگن او « ۱ » که تصور میرفت مرکز تجمع عمومی قوای فرانسه باشد ادامه دهد و برای آنکه موقع لزوم بتواند تغییر سمتی بجانب مغرب دهد ارایشی اتخاذ نمود که سه سپاه قشون اول پس از خاتمه راه پیمائی مورخه پنجم در صف اول جبهه پروش درف « ۲ » زولس « ۳ » اشباخ « ۴ » بطول دوازده کیلومتر استقرار یابد و دوسپاه دیگر در صف دوم عقب جناحین صف اول واقع گردند

روز پنجم بوسیله سپاه چهارم اطلاع حاصل نمود دشمن در اطراف هاگن او و فروش ویلر مجتمع شده است لذا ولیعهد تصمیم نمود روز بعد تغییر جبهه بسمتمغرب بمنظور تهیه مقدمات حمله روز هفتم بدهد سپاه اول باویری مامور شد بین سپاه یازدهم باویری و سپاه پنجم استقرار یابد سپاه یازدهم با فاصله که برای توسعه یافتن لازم داشت در جنوب سپاه پنجم واقع گردید سپاه وور تمبرکی بادنی مخصوصا مامور شد راههای خروجی شمال جنگل هاگن او را حفاظت نماید

سپاه پنجم چون پیش از سایرین مورد تهدید بود سپاه دوم مامور شد هر گاه صدای توپ از جانب وورت شنیده شود یك لشکر بطرف فروش ویلر اعزام دارد

این دستور اخیر بر خلاف میل دو فرمانده کل در گیری نبرد را روز ششم مسلم نمود .

نبرد وورت - فروش ویلر « ۶ اوت « طرح۹ »

از ساعت شش صبح مارشال دوماك ماهون با استحضار کامل به مخاطره که قشون کوچك او را تهدید مینمود وبا پراکندگی قوای مذکور در وسعت جلگه فروش ویلرونداشتن

(۱) Haguenau (۲) Preuschdorf (۳) Soulz (٤) Aschboch

قوای احتیاط جز لشگر سوار بون من بنابر اصرار مجدد ژنرال دوگرو امر داد موضع مزبور را تخلیه نمایند

ساعت شش فرمانده جلودار سپاه پنجم «۱» استنباط نمود در اردوی فرانسه علائم عزیمت نمودار است لذا قسمت اکتشافیه بسوی وورت گسیل داشته و یک اتش بار نیز برای تقویت ان اعزام داشت که بلافاصله بسوی اردوی فرانسه افتتاح اتش نمود .

قوای فرانسه بدون تامل مسلح شده و مواضع خود را اشغال نمود در این ضمن سپاه باویری که صدای توپ را شنید حسب‌الامر شروع بتجاوز از حدود جنگل لانگن‌زولس‌باخ «۲» نمود ولی بفوریت اتش لشکر دوگرو این لشکر را از حرکت باز داشت

سپاه پنجم بنوبه خود داخل محاربه گردید تا انکه نگذارد سپاه دوم باویری مضمحل گردد جمیع توپخانه حاضره «۸٤ توپ» در طرفین راه دیفن باخ «۳» به وورت قرار گرفته و هشت اتشبار فرانسه را که بین فروش ویلرو الزاس ها وزن واقع بودند مجبور بسکوت نمود پیاده نظام سپاه پنجم در صدد بر امد از رود زاوئر در ووزات و شپاخ باخ «٤» بگذرد ولی چون توپخانه نمی توانست در عمق جبهه کمك موثری بنماید عقب رانده شد جلودار سپاه پنجم نیز با انکه متوسل بتوپخانه گردید مقدرات ان یك را در گونشتت «۵» طی نمود تا ظهر پیاده نظام المان در همه جا متوقف گردیده و در مقابل حملات متقابله شدید بناچار وضعیت تدافعی را اختیار نمود

قریب ظهر ولیعهد پروس بمیدان محاربه فرا رسید و چون وضعیت را کاملا تیره یافت تصمیم نمود بر خلاف اراده اولیه تا اخرین حد امکان عملیات شروع شده را تعقیب نماید

---

(۱) سپاه اول تحت‌فرمان‌سرتیپ کیرش باخ Kirchbach واقع‌بود (۲) Languensoulzbach
(۳) Diffenbach (٤) Spachbach (۵) Gunstett

لذا احکام ذیل را صادر نمود

سپاه اول باویری یك لشگر در صف دشتبانی بین سپاه دوم باویری و سپاه پنج مقرر دارد - سپاه دوم باویری شدیدا حمله ور شود - سپاه یازدهم از جانب آلزاسس ها وزن در جهت فروش ویلر تجاوز بجناحین قشون فرانسه بنماید - سپاه و ور تمبرگی - بادنی عملیات سپاه یازدهم را پیروی مینماید :

نبرد از این پس بصورت ذیل در میاید

سپاه پنجم و سپاه اول باویری بایك لشگر از سپاه یازدهم در جبهه حمله ور شدند سپاه دوم باویری از سمت شمال ولشگر دیگر سپاه یازدهم از جنوب جناحین را مورد حمله قرار دادند

حمله جبهه با وجود مزیت توپخانه آلمان در مقابل با فشاری پیاده فرانسه مؤثر واقع نشد .

حمله جناحی سپاه دوم باویری در مقابل تفنك های شاس پوی (۱) لشکر دوکرو و رائو درهم شکست

لیکن در جنوب سپاه یازدهم موفق شد از زاوئر عبور نماید لشگر لارتیك فوق العاده کوشش نمود افواج سنگین اسلحه تیپ سوار میشل (۲) در کوچه های مورس براون بیهوده جان بازی میکردند و فقط چند لحظه توانستند جلوی هجوم قوای آلمان را بگیرند پس از کوشش مجدد قوای آلمانرا بار دیگر بزاوئر بر گردانیده ولی چون جناح راست زیاده از حد تحلیل رفته و ضعیف شده بود مجبور بعقب نشینی گردیدند آلمانها نیدروالد (۳) را تصاحب کردند ساعت سه و نیم آلزاس‌ها وزن دوچار حریق شد بقیه قوای فرانسه عقب نشینی اختیار نمود

برای تامین عقب نشینی پیاده احتیاطی وجود نداشت و مارشال دوماك ماهون فقط هشت آتشبار از احتیاط توپخانه و لشکر سواربون من را در اختیار باقی داشت این لشگر که در راه ابر باخ مجتمع بود مامور شد در امتداد وورت اقدام بحمله نماید زمین

---

(۱) Chassepot (۲) Michel (۳) Niederwald

برای اجرای این حمله بسیار نامساعد بود زیرا سطح ان ازخندقهای بسیار و مزارع بیشماز پوشیده شده و سواران سنگین اسلحه با دادن تلفات زیاد در مقابل پیاده های سپاه پنج که خود را پنهان ساخته بودند منهزم شدند

هشت آتشبار احتیاطی در ضمن حمله سوار موقع را مغتنم شمرده بین فروش ویلروآلزاس ها وزن قسمتی رو بمشرق (سپاه پنجم) و قسمتی دیگر سمت بجنوب (سپاه یازدهم) قرار گرفتند .

پیاده های سپاه یازدهم که از جنگل نیدروالد تجاوز نموده و آلزاس‌ها وزن را اشغال کرده بودند برای تصاحب توپخانه خود را بان نزدیك میساختند ولی حمله متقابله تیر اندازان سپاه اول توپخانه را رهائی بخشید

ساعت چهار و نیم فروش ویلر را دائره از آتش محصور ساخته و آتشبار های سپاه پنجم و یازدهم که خیز جدیدی بجلو نموده بودند از مسافت هزار مطری آنرا تحت آتش خود قرار دادند

ژنرال دوکرو باستعانت چند گردانی که در حواشی جنگل گروسروالد (۱) جمع آوری نموده بود توانست بقایای قشون فرانسه را که بسمت رایشس هوفن ونیدر برون قسمتی از طریق بیتچه و قسمت دیگر از راه ساورن (۲) عقب نشینی می نمودند تامین نماید .

سپاه اول و پنجم فرانسه بالاخره در سار بروك جمع شده و بمیدان شالون انتقال یافتند

آلمانها چون فوق‌العاده فرسوده شده بودند نتوانستند قوای فرانسه را تعقیب نمایند و مجددا اصطکاك با دشمن را از دست دادند .

ملاحظات راجع به نبرد فروش ویلر

اول — قوای فرانسه

(۱) Grosserwald (۲) Saverne

قسمت فرماندهی

۱ — مارشال دوماك ماهون چون موفق بجمع آوری کلیه قوای خود نشده بود نباید نبردرا قبول نماید .

۲ — قبل از آنکه نقشه طرح نماید اقدام به نبرد نمود .

۳ — مارشال بمدافعه منفی قناعت نموده و حملات متقابله چون خالی از تقویت توپخانه و منفردا بدون ارتباط با هم معمول میشد مفید واقع نگردید در سمت جنوب لازم بود احتیاط مکفی بگمارند تا در این جانب که زمین مساعد تر است اقدام بحمله متقابله بشود .

٤ — حکم عقب نشینی دیر صادر شد

استعمال صنوف :

پیاده ابرار رشادت فوق‌العاده نمود ولی در عملیات توحید مساعی نداشته وترکیب بندی آن سست و کم عمق بود

سوار با آنکه شجاعت بسیار نمود از فداکاریش تقریبا ثمری عاید نگردید

توپخانه مشترکا در محاربه داخل نشد و از توپخانه احتیاط نیز نخواستند استفادهٔ حاصل نمایند

خدمت تامینه نیز وجود نداشت

دوم ـ آلمان

قسمت فرماندهی

۱ — آلمانها عملیات عموم قسمتها را برای پیشرفت یك مقصد مشترك یعنی مغلوب ساختن حریف خود وفق میدادند عموم متوجه اهمیت توپخانه بودند و در عملیات آن را مغتنم میشمردند — هر کس در بدو ورود بمیدان محاربه کوشش داشت وارد در وضعیت و کیفیت میدان جنك شده و عملیات خود را با سایرین که در گیر شده اند وفق دهد و در صورت لزوم برای منافع سایرین از منظور و نقشه خود نیز منصرف میشد — فرماندهی

قشون نسبت به تجاوزاتی که در مورد او امر او از طرف زیر دستان شده بود اعتراض ننموده و بر عکس اقدامات آنها را تصدیق و عملیات را بنحویکه جریان امر و آنها فراهم ساخته بودند پیروی میکرد

۲ — اقدامات فرماندهی عالی تقریبا صفر است زیرا ولیعهد فقط عملیاتیکه ازطرف قسمتهای تابعه ناشی شده بود بپایان میرسانید .

۳ — حملات جانبی از نقطه نظر طرح نبرد اسمی بیش نبود و بیشتر پای بند جنك جبهه بودند

استعمال صنوف

پیاده آلمان — چالاك و کار آزموده بود و اصول نبرد را بترتیب صحیحی بکار میبرد .

توپخانه را مجتمعا بکار انداخته و از بدو عمل از کلیه توپخانه حاضره استفاده مینمودند و توپخانه حریف را بوسیله تمرکز آتش متناسب محو و نابود میساختند

سوار از بدو نبرد تا خاتمه آن اقدامی ننمود

خاتمه عملیات آلزاس

قشون آلزاس پس از فروش ویلر

سپاه اول پس از فرار شبانه به ساورن روز های بعد نیز با بی نظمی و سرعت فوق‌العاده عقب نشینی مینمود و حال آنکه آلمانها در صدد تعاقب بر نیامدند و این سرعت دلیلی جز شدت ترس و واهمه نداشت (۱)

(۱) بهمین دلیل فراموش نمودند تونل ساورون را که قبلاتوسط قسمت مهندس وسائل تخریبش فراهم شده‌بود خراب نمایند و آلمانها بلافاصله‌موفق شدند از راه‌آهن‌پاریس — استراسبورك استفاده نمایند ،

امپراطور امر داد از سپاه اول و پنجم و هفتم تشکیل سپاه جدید دوازدهم را بدهند و این سپاه که بعد بنام قشون شالون مشهور شد در همان اوقات اردوی شالون را تشکیل داد

سپاه پنجم منزل بمنزل به شومونت (۱) آمده از آنجا بوسیله راه آهن به شالون رهسپار گردید

لشگر های سپاه هفتم که در لیون و الزاس علیا مانده بودند از طریق پاریس به رمس (۲) اعزام گردیدند

قشون سوم پس از وقایع ششم اوت

فتح فروش ویلر امواج قشون سوم را فرسوده ساخته و هفتم اوت احتیاج کامل باستراحت داشتند

سوار که در چهارده کیلومتری میدان نبرد مانده بود بلافاصله در صددتعاقب قوای فرانسه بر امد و چون نیت خود را دیر شروع نمود لشگر گویودولپار (۳) درنیدر برون مانع او گردیده و باعث شد مجددا اصطکاك را با قشون فرانسه از دست بدهند

مالتکه بتصور اینکه نبرد قطعی روز نهم اوت در قرب سار واقع میشود قشون سوم را مامور نمود به سار گمین برود (و این نبرد بجهاتیکه بعدا گفته میشود در محل‌مذکور واقع نگردید) لیکن اخبار واصله از جدالیکه توسط قشون اول در فورباخ و شپیشرن (٤) حادث گردیده بود حرکت قشون سوم را بی نتیجه ساخت حال باید متوجه جنوب شده و با چپ دو قشون دیگر المان که وارد لورن میشدند اصطکاك و ارتباط حاصل نمود

ولیعهد پروس تاریخ هفتم اوت مقدمات لازمه رابرای عبور قشون سوم از ووژفراهم ساخته و در ضمن این حرکت لشگر بادنی مامور شد ستراسبورك را محاصره سازد (۲۸

(۱) Chaumonr (۲) Reims (۳) Guyot de Lespart (٤) Spicheren

سپتامبر شهر مزبور تسلیم شد) و لشگر و ورتمبرگی هم شهر پتیت پیر (۱) را تصرف نمود لیکن سپاه دوم باویری و سپاه یازدهم که بنوبه مامور محاصره قلاع بیتچه و فالبورك گردیده بودند سعی بیهوده در تسلیم قلاع مزبور مینمودند

بالاخره روز دوازدهم اوت قشون سوم بین سار بروکو ساراوینون (۲) بکنارسارعلیا ورود نموده و بنا بر منظور اصلی مارشال ملتکه بجانب موزل (۳) متوجه شدند و شانزدهم اوت وارد جبهه بایون – لونهویل – نانسی (٤) گردیدند

دوم - عملیات در لورن

مانور سنت پریوا

مطالعه تاکتیکی نبرد رزون ویل (۱٦ اوت)

نبرد سنت پریوا (۱۸ اوت)

شپیشرن — فورباخ (ششم اوت) (طرح نمره ۱۰ – ۱۱ – ۱۲ - ۱۳ - ۱٤)

ششم اوت قشون اول در انتهای دیگر جبهه با ابتکاری که ناشی از حس عدم متابعت بود در سار اقدام بتعرض نموده و سپاه دوم فرانسهرا شکست داد و هر گاهفرماندهان عالیمرتبه قوای فرانسه اندك حرارتی ابراز میداشتند این فتح قشون اول منجر بشکستقطعی ان میگردید

شرح ماجری باین قرار است

ملتکه با اطمینان از بطوء تصمیم و سستی اقدام فرماندهی عالی فرانسه دوم اوت مصمم شد منظور اولیه خود را که عبارت از عملیات سوقالجیسی در کنار سار بود مجری دارد و قبل از مبادرت بتعرض لازم بود قشون دوم را از تنگه های هارد عبور داده و به بلی (٥) اعزام دارد چون عبور از تنگه های مزبور دو الی سه روز وقت میخواستدر ظرف این مدت ناچار بودند نهایت مراقبت را معمول دارند تا پس از خروج از کوهستان

(۱) Petite Piərre (۲) Saarunion (۳) Mɔsellc (٤) Nancv (٥) Blies

سر ستونها دوچار حمله یا محاصره واقع نگردد

ملتگه بنا بمراتب فوق روز سوم اوت به قشون اول که نزدیکتر بسرحد بود و احتمال میداد منفردا و قبل از وقت معین خود را در گیر محاربه سازد امر نمود بعقب رجعت کرده و نزدیك تولای (۱) مجتمع شود قشون دوم هم مامور گردید سوم اوت در مغرب هارد طبق جبهه نوین کیرسن — هومبورك متمرکز گردد .

پنجم اوت ژنرال شتاینمتس که با نهایت بی میلی از سار دور میشد دو سپاهخود را در مثلث : تولای — لوباخ — اوت وایلر تمرکز داده و حال آنکه سپاه های مقدم قشون دوم مرتبا به نوین کیرشن (سپاه سوم) و هومبورك (سپاه چهارم) ورود می نمودند .

ژنرال شتاینمتس که بایستی متمایل بمغرب کشته و جاده اوت وایلر را که بقشون دوم تخصیص داده بودند تخلیه نماید با وجود احکام شدید ارکانحرب کبیر بمسئولیت خود عصر روز پنجم تصمیم نمود قشون خود را روز ششم به سار گسیل داشته و بین ساربروك و فولك لینگن (۲) از سار عبور نماید

و چنانچه در وورت دبدیم ابتکار یك مادون منجر بدر گیری نبرد برخلاف میل و اراده فرماندهی عالی گردید و در این موقع هم بنحوی که در وورت مشهود شد اتفاق عقیده و موافقت جنگی آلمانها را باز فاتح ساخت .

پس از وقایع ساربروك (دوم اوت) سپاه دوم فرانسه در منطقه فورباخ شپیشرن بدون آنکه معابر سار را خراب سازد یا تحت مراقبت قرار دهد باقی ماند

(۱) Tholey (۲) Volklingen

صبح ششم اوت جلودار لشگر چهاردهم بدون زحمت پل ساربروك را تصاحب نمود رئیس آن ژنرال کاماکه (۱) تا باین حد قناعت نکرد خواست ارتفاعات شپیشرن را که‌دولشکر ازسپاه دوم فرانسه مدافع آن بودند تصرف نماید این منظور چون فوق قـدرت لشکر مزبور بود بیهوده قوای خود را در محاربه فرسوده ساخته و تحت تاثیر حمله متقابله خصم واقع گردید متاسفانه ژنرال فروسار که در فورباخ مانده و از سمت چپ خود مورد تهدید لشگر سیزدهم که از فولك لینگن از راه در روزل (۲) تجاوز مینمود واقع گردیده بود نتوانست امور این نبرد راشخصا اداره نماید لذا بدون آنکه بتواند در عملیات با آنها مساعدتی نماید اداره کردن نبرد را باختیار خود فرماندهان لشگر گـذارده و بیهوده از مارشال خواستار شد توسط سپاه سوم مساعدتی باشگر های مزبور بنماید مارشال در سنت آولد (۳) خاموشی اختیار نموده و در ضمن اینکه سپاه سوم در مسافتی مـانند تماچیان در اضمحلال سپاه دوم حضور داشت تمام قوای آلمان که در قرب میدان محاربه بودند باستمداد لشگر چهاردهم خود می شتافتند

توپخانه لشگر شانزدهم و لشکر پنجم بدوا از پیاده خود عبور نموده وبرای‌تقویت آتشبار های لشگر چهاردهم حاضر شدند پس از آن پیاده نظام سپاه هشتم و همچنین‌سپاه سوم در جنوب سار حضور بهم رسانیدند و بترتیبیکه قوای امدادیه میرسید فرماندهی بدست امرای ارشد تر منتقل میشد عموما قبل از ورود بمیدان مزبور از جریان وضعیت متخذه و اقدامات متشبثه اطلاع حاصل مینمودند و از پیشرفت محـاربه چنان مینمود که در تحت فرماندهی شخص واحدی جریان دارد

قریب ساعت پنج ژنرال آلونس لبن (٤) (سپاه پنجم) تصمیم نمود حمله قطعی بمرکز موضع فرانسه بنماید ساعت هفت تقریبا این حمله منجر بعدم پیشرفت‌گردید زیرا ژنرال فروسار فرمان حمله متقابله عمومی را صادر نمود و بنابر اذعان خود آلمان ها این حملـه متقابله موجب پریشان روزگاری آنها گردید

(۱) Kamecke (۲) Moselle (۳) Saint Avold (٤) Alvonsleben

اما در این لحظه توپخانه لشگر سیزدهم مجددا بسمت فورباخ شروع باتش فشانی نمود ژنرال فروسار بتصور اینکه مبادا خط رجعتش قطع شود امر بختم محاربه داد وسپاه خود را بسار گمین برگردانید در آنجا از شکست فروش وپار اطلاع حاصل کرد و برای اجتناب از گرفتاری بین دو قشون آلمان به پوتلانژ (۱) عقب نشینی نمود یك تیپ ازسپاه پنجم نیز با خود همراه آورده برای تامین ارتباط بین سپاه های لورن وآلزاس‌درسار گمین باقی گذاشت

ملاحظات در اطراف نبرد فورباخ شپیشرن

نبرد فورباخ را نمیتوان شکست تاکتیکی (۲) برای قشون فرانسه تصور نمود ژنرال فروسار عقب نشینی مینماید زیرا خود را مغلوب می پندارد و ژنرال زاسترو(۳) باقی میماند چون خود را مغلوب نمی بیند

نبرد فورباخ که فقط بمیل یك فرمانده لشگر فراهم گردید قاعدتا باید منجـر باضمحلال کامل چهار لشگر آلمان شده ونقشه ارکانحرب کبیر را برهم زده باشد ولی‌منجر بفتح گردید چرا ؟ برای آنکه :

از طرف آلمان ها : تمام فوائیکه در محیط عمل واقع بودند بصـدای اولین تیر توپ بمعاضدت لشگر چهاردهم شتافته و تمام رؤسا آنها در شجاعت و تهور بریکدیگر سبقت می جستند زیرا مقصود نه تنها مساعدت به رفقای گرفتار خود بود بلکه استحضار از مقاصد آنان و تعقیب عملیاتشان چنانچه فرماندهی متوالیا بدست چهار نفر از امراء افتـاد بدون آنکه رقابت یا مغایرتی با یکدیگر بنمایند و یا در خط مشی عمومی جـدال تغییر یا اصلاحی معمول دارند زیرا مقصود غلبه کردن برخصم بود نه کسب شهرت .

از جانب فرانسه ها ـ یك فرمانده سپاه که جدا خود را مورد حمله می‌بیند دو ساعت وقت را تلف نموده بعد قوای امدادیه برای خـود می طلبد و حـال آنکه از

(۱) Puttelange (۲) سپاه دوم نه یك توپ و نه یك بیرق تسلیم دشمن نمود
(۳) Zastrove

وجود این قوا کاملا مستحضر بوده است **و شش ساعت تامل میکند تا شخصا بمیدان نبرد داخل شود**

فرمانده قشون احتیاط موثری منظور ننموده بود تا در موقع لزوم بتواند مساعدت مکفی بقوای ابوابجمعی خود بنماید لشکر های تابعه با نهایت بطوء حرکت میکردند و هر لحظه توقف نموده اشغال موضع مینمودند و کسی نمیدانست این احتیاط بچه منظور و برعلیه چه دشمنی است و از خطرات وارده برای رفقای خود نیز واهمه و هراس نداشتند .

آرایش ژنرال فروسار مبدل بدفاع منفی شد لشگر باتای (۱) را ژنرال بی‌شك برای ذخیره منظور نموده بود ولی بزودی لشکر را باختیار فرمانده آن واگذار کرد که او هم بنوبه خود لشگر را بدو تیپ قسمت نموده ترتیبی را بمعاضدت دولشگری که در گیر جدال بودند گسیل داشت

خلاصه آنکه قوای فرانسه بر اثر شجاعت خود مشهور شد و ثابت کرد میتواند با دشمنی فزونتر از خود مقابله بنماید اما فرماندهی عالی متاسفانه فاقد شرایط لازمه بود.

مانور سنت پریوا

(۱۴ تا ۱۸ اوت ۱۸۷۰)

مانور سنت پریوا عبارت از مجموع عملیاتی است که قشون های اول و دوم آلمان از چهاردهم تا هیجدهم اوت جهت طی مسافت بین سواحل نید و خطوط آمان‌ویلر (۲) معمول نمودند در محل اول قوای آلمان سمت بمغرب قرار داشت و در محل ثانی بطرف مشرق ورود نمود و در نتیجه عقب نشینی قوای فرانسه را ۱۶ اوت بجانب وردن عقیم نموده و در هیجدهم اوت محصورش ساخت

(۱) Bataille (۲) Amanviller

قشونهای آلمان از هفتم تا سیزدهم اوت :

بر اثر حمله بیموقعی که لشگر اول بر خلاف میل ارکان حرب کبیر در شپیشرن اجری نمود اساس نقشه ملتکه که با دقت فوق‌العاده تنظیم شده بود واژگون گردید نبردعمومی که موکول به نهم اوت و موقوف به باز شدن قشون دوم پس از خروج از کوهستان هارد در سار بود غیر عملی گردید زیرا شکار از دام برهید و لازم شد نقشه جدیدی طرح گردد .

ملتکه با آنکه مانع جریان باز شدن قشون دوم در سار نگردید ناچار شد نقشه جدیدی برای مانور محاصره طرح نماید که در سار بهدر رفته بود و پنج روز وقت صرف نمود تا درسپاه هائیکه بر اثر پیش آمد سوء پریشان شده بودند مجددا نظمی برقرار نماید بالاخره آنها را بترتیب ذیل بسوی مغرب بحرکت در آورد (طرح نمره ۱۵) :

قشون اول که تشکیل جناح ثابت (پاشنه) را مینمود از راه سارلوی - بولای لزاتانز (۱) و ناحیه جنوبی

قشون دوم از جاده سنت آولد - نومنی (۲) و ناحیه جنوبی

قشون سوم که تشکیل جناح متحرك را میداد از جاده ساراوینون - دیوز (۳) و ناحیه جنوبی .

وضعیت طرفین در سیزدهم اوت (طرح نمره ۱۶)

روز سیزدهم قشون اول و دوم آلمان امکنه ذیل را در اشغال خود داشتند :

قشون اول	دو سپاه در خط اول (در نید فرانسه)	سپاه اول لزاتانز سپاه دوم پانژ (۴)
	یك سپاه در خط دوم (در نید آلمان)	سپاه هشتم واریز (۵)

(۱) Les Etangs -Boulay - Sarrelouis (۲)Nomeny(۳)Dieuze (۴)Pange (۵) Varize

قشون دوم	یك سپاه درجلو داری : سپاه نهم	پنت آموسن اول نواسورسای (۱)
	سه سپاه در خط اول	سپاه سوم بوشی (۲) گارد : اورون (۳) سپاه چهارم : شاتوسالن (٤)
	دو سپاه در خط دوم	سپاه نهم هرنی (٥) سپاه دوازدهم شه مری (٦)

یك سپاه دیگر کاملا در عقب : سپاه دوم سنت آولد (۷)

لشکر های سوار در تمام مدت حرکت تقرب در اختیار سپاه ها قرار گـرفته و فقط اکتفا میکردند بخدمت تامینیه در خط اول و چون از پیاده فاصله کافی نمیگـرفتند اطلاعات و اکتشافاتشان موقعیکه توسط سلسله مراتب بفرماندهی کل واصل میشدقدر وارزشی نداشت زیرا از وسعت کم میرسید

چنانچه ملتکه عصر روز سیزدهم اطلاع حاصل نمود که قشون فرانسه بسمت‌وردن عقب نشینی مینماید و اطلاعات بعدی حاکی بود از اینکه قوای مزبور هنوز درساحل راست رود موزل قرار دارد

موضوع جدیدی تقریبا بدون مقدمه بخاطر ملتکه خطور نمود که حل آن‌بدو طریق ذیل ممکن بود :

۱ — بوسیله قشون اول و جناح راست قشون دوم حمله ور شده و دشمن را در مشرق متس پای بند مبارزه سازد تا آنکه قشون سوم آماده عملیات محاصره شود

۲ — در حرکت عمومی بجانب موزل تسریع نموده و در ساحل چپ آن پس از قطع راه وردن در مقابل بازن فتح قطعی را عاید دارد

---

(۱)Aulnois-s-Seille(۲)Buchy (۳)Oron (٤) Château Salins (٥) Herny (٦) Chémery

(۷) سپاه اول و دوم که بدوا در آلمان جهت تامین سواحل مانده بودند بمحض آنکه اطمینان حاصل شد که‌خطری از جانب فرانسه در آن طرف متوجه نیست مامور شدند بجبهه لورن آمده و سپاه اول ملحق بقشون اول و سپاه دوم ملحق بقشون دوم بشود .

ملتکه چون میخواست در هر موقع با هر نوع احتمالی مواجهه نماید بجای آنکه‌یکی از این دو شق را صریحا اختیار کند وسیله و راه متناسب دیگری قبول نموده‌وعصر سیزدهم مقررات ذیل را صادرکرد :

۱ — قشون اول در مواضع خود در نید باقی مانده و مراقبت نماید در صورتیکه دشمن اقدام بحمله کند با او مقابله شود

۲ — قشون دوم — جناح راست خود را (سپاه‌های سوم — چهارم ـ ششم) احتیاطا برای تقویت و حمایت قشون اول باقی گذارده و با سپاه های دیگر خود حرکت به موزل را از سمت پنت اموسن دیولوارد (۱) مارباش (۲) تعقیب نماید .

لذا در ظرف روز چهاردهم شش سپاه در جلو قشون فرانسه بدون حـرکت باقی ماندند و فقط سه سپاه مخصوصا آنهائیکه دورتر بودند ماموریت یافتند هدف حقیقی‌را تحصیل نمایند باین منوال که در ساحل چپ بر دشمن سبقت جسته و قبل از انکه بتواند بموزعقب نشینی کند او را فرا گیرند

قشون فرانسه از هفتم تا سیزدهم اوت — عقب نشینی به متس

اکنون مراجعه بقشون فرانسه نموده وضعیت او را در نظر میاوریم

پس از نبرد ششم اوت امپراطوری مصمم شد سپاه‌های لورن را قبلا در سنت‌اولد تمرکز دهد (صرف نظر از سپاه پنجم که در بیتچه برای ارتباط با قشون الزاس گماشته شده بود قبل از ظهر روز هفتم ممکن بود ۱۳۰۰۰۰ نفر حاضر نمایند) طولی نکشید که از این تصمیم منصرف شده بخیال افتاد تمام قوا را بشالون اورده پاریس را حفاظت کند و در ضمن تحصیل وقت کافی برای عملیات اتی خود بنماید

احـکام لازمه را در این باب صادر کرد ولی دخالت ملکه و هیئت دولت باز این نقشه را تغییر داد زیرا صلاح ندانستند لورن را بدون جدال ترك و تخلیه کنند زیرا احتمال

---

(۱) Dieulouard (۲) Marbache

میرفت در پاریس عکس‌العمل نموده ایجاد انقلابی کند و بالاخره تصمیم بر ان شد قشون را بدو قسمت عمده منقسم نموده یکی را در حوالی متس مرکب از قشون لورن و دیگری را در اطراف پاریس استقرار دهند

امپراطور پس از انکه تصمیم گرفت در لورن نبرد نماید، قشون متس را در ساحل چپ نید متمرکز ساخت و بر اثر این تمرکز که در دهم اوت عملی شد اعتماد مجددی در اذهان عامه پدید امد — در این ضمن گفتگوی تعرض بمیان امد

فشار افکار عمومی امپراطور را وادار نمود فرماندهی را به مارشال واگذار کند مارشال اقدام فوری کرد قشون را باطراف متس باز اورد تا بعد بتواند بشالون عقب نشینی کند.

عصر سیزدهم قوای فرانسه بانتظار خاتمه ساختمان پلهائیکه قسمت مهندسی روی موزل انداخته بود بدون تامین وسائل مادی و تاکتیکی در نیم دایره سمت بمغرب در فلات ساحل راست موزل قرار گرفته بود نه حفاظتی داشت و نه اکتشاف یا اطلاعی از وضعیت دشمن

وقایع چهاردهم اوت

جدال بورنی

(طرح نمره ۱۸)

بنا بر اصرار ناپلئون سوم بازن تصمیم نمود روز چهاردهم بموز (۱) عزیمت نماید برای اجرای این منظور سه راه در پیش داشت که یکی از ان سه یعنی راه بریئی (۲) از سایرین اطمینان بخش‌تر بود بازن از این راه غفلت کرده و دو راه دیگر یکی کن فلان (۳) و دیگری مارس لاتور (٤) را انتخاب نمود این دو راه در یك قطعه از متس تا گراولت (٥) با هم مشترك بودند و در نتیجه تصادم دو ستون در این قسمت از راه درهم ریختگی وحشتناکی بین قسمتها فراهم شد

(۱) Meuse (۲) Briey (۳) Conflans (٤) Mars-la-Tour (٥) Gravelotte

صبح چهاردهم قسمت بنه مقدمتا شروع بعبور از رودخانه نمود سپس سپاه ششم ـ دوم چهارم و بالاخره سپاه سوم اقدام بعبور نمودند ولی بمحض انکه قسمت اخیر بحرکت درامد توپخانه از جانب دیگر دره کولومبی (۱) شروع به آتش فشانی نمود سپاه سوم مواضع جنگی خود را بفوریت اشغال نمود ژنرال دولامیرو (۲) که با ده لشکر خود از موز عبور کرده بود بجانب چپ باز شد

شرح ماجری بدین قرار است :

ژنرال فن‌در گلتس (۳) فرمانده پستهای مستحفظی سپاه هفتم بر اثر حرکاتی که در اردوگاه فرانسه مشاهده نمود استنباط کرد قوای مزبور مشغول عقب نشینی بساحل چپ است لذا ممانعت از این حرکت را شخصا متقبل شد با تیپ خود بجلو رفته سپاه خود را با سپاه اول نیز داخل در این کشمکش نمود

اطراف بورنی یك نبرد تردید آمیزی شروع شد طرفین بدون داشتن مقصد معینی تا هنگام شب آن را تعقیب مینمودند سپاه‌های چهارم و سوم و گارد فرانسه باوجود پیشرفتهای قشون آلمان در نتیجه حملات در طرف چپ در ظرف شب موفق شدند حرکت خود را تعقیب نموده و از موزل عبور نمایند

جدال بورنی از لحاظ تعبیة‌الجیش برای قشون آلمان پیشرفت مهمی بود امابالعکس این منظور از نقطه نظر سوق‌الجیش تامین نمیشد زیرا یك فرمانده کل اقدام به نبرد نمی نماید و خود را در گیر مجادلات ساده نمیسازد مگر آنکه منظور مسلم و نقشه معینی طرح کرده باشد مارشال بازن هرگاه اراده میداشت متس را تخلیه نماید برای عقب‌نشینی قوا کافی بود با استعانت قلاع محلی یك یا دو لشکر در ساحل راست باقی گذارد و یا آنکه با استفاده از مزیت عددی قوای خود شکست عمده به قشون اول وارد سازد

قبول جدال بدون آنکه در نظر داشته باشند از غلبه حاصله اخذ نتیجه کنند منجر بان شد که یك روز تعویق در عقب نشینی پدید آید

(۱) Colombey (۲) de Lamirault (۳) Von der Goltz

جانب آلمان ها

از نقطه نظر تعبئه‌الجیش باید روح ابتکار و اتحا د روسای پروسـی را تحسین و تقدیر نمود تصمیم فن در گلتس نمونه است خطرناك این فرمانده که سمت ریاست پستهای مستحفظی مقدم را داشت بلا شك چون در محل خوبی واقع شده بود پس از مشاهده‌وضعیت توانست موقعیت را بسنجد او موظف بود حتی‌الامکان سریعتر حرکت بازگشت فرانسویان را که مشاهده‌کرده بود راپرت نماید و شاید محق نبود عقیده خود را قائم مقام عقیده‌فرماندهی کل بنماید و جدالی فراهم سازد که در تصمیم فرماندهی منظور نبود فن در گلتس روز مزبوز بر اثر حمله که نمود مزیت ذکائی خود را اثبات کرد و تردیدی نیست که عمده نتیجه عمل ابتکار او بود که بر خـلاف دستور ارکان حـرب کبیر قشون دوم را بسمت موزل بطی نمود .

وقایع هیجدهم اوت

(طرح نمره ۱۸)

الف ـــ آلمانها

اخبار جدال بورنی چیزی از تردید ملتکه نکاسته بلکه بر اضطرابش نیز افزودملتکه نمیخواست قبول نماید که هر گاه بازن اراده عقب نشینی بمغـرب موزل را میداشت در شب قبل قوای معتنابه خود را جمع آوری مینمود و تشویش آن را داشت که از طـرف تمام قوای فرانسه یك تعرض شدیدی در ساعات اول صبح معمول شـود و از سـاعت شش تلگرافی به پرنس فریدریش کارل مخابره کرد مبنی بر اینکه سه سپاه سمت راست خود را در مجاورت میدان نبرد استقرار دهد در خاتمه تلگراف باین عبارت متذکر بود : شـرط عمده آنست که بجاده متس و وردن تجاوز شود » و حال آنکه برای فرمانده قشون دوم فقط سه سپاه جناح چپ را برای این اقدام در امتداد منظور باقی گذاشته بود و از این سه سپاه چهارم و گارد نبرد خارج از دسترس عمل بودند

در ساعت یازده ملتکه در نتیجه اکتشافات شخصی دانست که قشون فرانسه ساحل راست موزل را تخلیه کرده است و چون از موقعیت و مقدرات قشون اول اطمینان حاصل کرد در ثانی به پرنس فریدریش کارل تلگرافی مخابره نمود مبنی بر اینکه فرانسویان کاملا بمتس عقب رانده شده اند و شاید فعلا در حال عقب نشینی بوردن باشند لذا سـه سپاه جناح راست کاملا در اختیار فرمانده قشون دوم باقی بماند

ملتکه با آنکه ظن قوی داشت با زن‌بجانب وردن عقب نشینی می کند احتمال‌میداد که قسمت مهمی از قوای خود را در متس باقی گذاشته باشد روز پانزدهم ساعت هیجده سومین تلگراف را مؤکد تر از دو تلگراف ماقبل به پرنس فریدریش کارل مخابره نمـود هر چند مطلب آن بسیار مبهم بود برای اولین مرتبه نیت ملتکه را ابراز میداشت که عملیات محاصره باید در جنوب غربی متس صورت گیرد : « تا زمانیکه اطلاع صحیحی از میز ان قوای خصم که در متس باقی مانده است فراهم‌آید قشون اول یك سپاه در اطراف کورسل (۱) باقی گذارده و با دو سپاه دیگر روزشانزدهم بین سای و موزل اشغال‌موضع نماید... آرایش جدید قشون دوم منوط بمراتب ذیل خواهد بود : موفقیتی که عصر روز چهاردهم نصیب شد بنحوی است که مانع هر نوع تعاقبی میشود و ثمره فتح را فقط میتوان‌درنتیجه تعرض شدید قشون دوم بر علیه جاده متس ـــ وردن از جانب فرن (۲) یا اتن (۳) عاید داشت . فرمانده قشون دوم لذا مامور است این عملیات را بنحویکه صلاح میداندباجمیع وسائل حاضره خود معمول دارد .

ولی فریدریش کارل نظریه دیگری که کاملا خبط و اشتباه بود نسبت بوضعیت‌اتخاذ کرده بود بقراریکه فن در گلتس بیان میکند « از تاریخ سیزدهم که مسافت بین پل‌موزل تا پنت آموسن بدست قوای آلمان افتاد در قرار گاه عمومی قشون دوم عقیده بر آن بود که فرماندهی قشون رن نمیتواند در نزدیکی متس و در عقب موزل قبول نبرد بنماید و بسیار

---

(۱) Courcelles (۲) Fresne (۳) Etain

بعید میدانستند که فرانسویان میدان نبرد قطعی خود را بین موزل و موز انتخاب کنند

فریدریش کارل می پنداشت قشون فرانسه بجانب وردن عقب نشینی مینماید و مقصد اصلی خود را چنان دید که هر چه سریعتر بموز رسیده و مانع شود قشون رن با قوائی که پس از شکست فروش ویلر مستقیما بمغرب عقب نشینی کرده بود ملحق شود .

حرکت سریع‌عقب نشینی قشون فرانسه از متس بوردن در حقیقت فرضی بودمقرون بصحت و البته این فرض را باید لشکر سوار بتحقیق در آورد اما باستثناء لشکر پنجم‌سوار که در سمت شمال غربی در امتداد ترون ویل مامور بود لشکری های دیگر سوار از پیاده مفارقت نمیکردند پرنس فریدریش کارل چون پای بند فرضیات خالی از مدرك خود بود از اطلاعات حاصله قسمتی را می پذیرفت که مؤید حدثیات او بود و طبعا از سایر بن روی گردان بود او معتقد بود ملتکه در اهمیت قوائیکه در بورنی می جنگید مبالغه می نماید قشون اول فقط با عقب دار نیرومندی سر و کار داشت یعنی همان قسمتی که صبح پانزدهم اوت در مغرب متس مشاهده شده بود و در مقابل این قوه کافی بود روز شانزدهم دو سپاه فرستاده شود و بدین وسیله موجبات ترضیه تلگراف دوم ملتکه فراهم آید ساعت نوزده حکم روز شانزدهم را انشاء نمودطبق آن باید سپاه های سوم و دهم باتفاق‌لشگرهای پنجم و ششم سوار بجانب مارس لاتور و سنت هیلر (۱) گسیل شده و بقیه قشون‌دوم‌حرکت خود را بجانب مغرب ادامه دهند

هر چند فریدریش کارل موقعیکه این حکم را صادر مینمود سومین تلگراف راندیده بود ولی ظهر روز شانزدهم هنگامیکه نبرد در زون ویل بمنتهای شدت رسیده و تلگراف مزبور را در دست داشت دستور روز هفدهم را انشاء نمود این وضعیت موجب کمال تردید

(۱) Saint Hilaire

و بلا ارادگی میشد فرماندهی کل نظریات قطعی خود را تعیین و ابلاغ نموده ومنتظر تعرض شدید قشون دوم به راهای متس به فرن و متس به اتن میباشد و با آنکه انجام این ماموریت را بنظر خود فرمانده قشون دوم واگذار نموده بود و مخصوصا تصریح میکند که کلیه وسائل موجوده خود را بکار برد . مع کل ذالك فریدریش کارل ظهر روز شانزدهم چنین‌مقررداشت که « فورا قشون دوم حرکت خود را بجانب موز تعقیب نماید و در یك حکم واحد دیگر دستور عملیات روز هفدهم و هجدهم را تنظیم کرده و خط سیر خود را بمنوالی ترتیب داد که گویا مطلقا خارج از محیط دشمن راه پیمائی مینمود و جهت روز نوزدهم مقرر نمود پنج سپاه در خط اول در جهت موزبین کومرسی (۱) و وردن و دو سپاه دیگر در خط دوم قرار گیرد و بمجرد آنکه قشون دوم بموز رسیده و پلهای آن رودخانه را اشغال نمود قوا محتمل استچند روزی در محل خود اقامت نماید تا آنکه قشونهای‌جانبی بمحاذات او برسند .

موقعیت قشون های آلمان عصر روز پانزدهم با وجود تفاصیل فوق بشرح ذیل بوده است .

قشون اول : از تاریخ چهاردهم تغییر محلی نداده بود

قشون دوم:
- چهار سپاه نزدیك موزل:
  - سپاه سوم در نوه‌آنت (۲) و آناویل(۳)
  - سپاه دهم درپنت‌آموسن وتیون کور (٤)
  - گارد دردیو لوارد
  - سپاه چهارم در مارباش
- سپاه های دیگر در یك یا دو منزل عقب تر بودند

قشون سوم — بخط نانسی — لونه‌ویل — بایون رسیده بود

بر حسب اوامر پرنس فریدریش کارل روز شانزدهم اوت قشون دوم در عرض و

(۱) Courmercy (۲) Noveant (۳) Arnaville (٤) Thiancourt

عمق دوچار تفرقه شده و از شش لشگر سوار مامور بقشونهای اول و دوم فقط لشکرپنجم آن بجانب شمال غربی اعزام شده بود صبح شانزدهم بر خلاف انتظارات سوق‌الجیشی سپاه سوم منفردا مصادف با کلیه قشون فرانسه گردید

ب — قوای فرانسه (طرح نمرهٔ ۱۹)

حرکت عقب نشینی قوای فرانسه که در نتیجه رزم بورنی مقطوع شده بود درشب ۱٤—۱٥ با کندی و آشفتگی تامی که ناشی از پراکندگی ٥۰ هزار نفر جمعیت و بنه لاینتاهی آن در جادهٔ منحصر بفردی بود شروع گردید .

با تحمل خستگی بسیار سپاه های سر یعنی سپاه دوم و ششم موفق شدند بعد از ظهر خود را بنزدیکی رزون ویل برسانند .

لشگر سوار فورتن (۱) که مامور مستحفظی آن دو سپاه بود پس از عقب نشینی در مقابل تیپ ردرن (۲) از لشکر پنجم سوار آلمان در قرب ویون ویل نزدیك بسه کیلومتر جلو آن اردوی خود را برپا نمود بدون آنکه احتیاط مستحفظی جناح چپ خود را کاملا منظور دارد و حال آن که می دانست در این جهت کـاملا مورد تهدید قرار گـرفته است .

سپاه های دیگر شبانگاه خیلی دیر بنقاط ذیل ورود نمودند .

لشکر اول سوار (دوباری) (۳) به دون کور (٤)

سپاه چهارم به لسی (٥) و ووایی (٦)

از سپاه سوم : لشکر اول و دوم به ورنه‌ویل (۷) لشکر های سوم و چهارم‌به‌پلاپ‌ویل (۸) گارد و ذخیره‌توپخانه به گراولوت .

وقایع روز شانزدهم اوت

بازن برای شانزدهم امر داد چادر ها را خوابانیده و ساعت چهـار و نیم آماده حرکت باشند .

---

(۱) Forton (۲) Redern (۳) Du Barail (٤) Doncourt (٥) Lessy (٦) Voippy (۷) Vernéville (۸) Plappeville

ساعت سه امپراطور با اتفاق یك تیپ سوار اسکورت بجانب شالون حرکت نمود و مارشال بلا فاصله حکم ثانی در الغاء حکم اول صادر نمود که چادر ها را مجددا برپا نمایند و برای حفظ ظاهر اضافه نمود ممکن است بعد از ظهر امروز حرکت نمائیم (۱) لیکن ژنرال الونسر لبن مجالی برای او باقی‌نگذاشته و در اثر تعرض متهورانه‌بلکه‌گستاخانه سپاه سوم آلمان که باید قاعدهٔ فتح مشعشع سهلی نصیب قشون فرانسه بنماید بطور کلی مانع عقب نشینی قوای مزبور گردید و فقط بانتظار ان بودند که فشار قوای المان کـه بیشتر ناشی‌ازسستی غیرقانونی بازن بود قشون فرانسه را وادار به بازگشت بجانب دیوار های قلاع متس بنماید .

نبردرزون‌ویل

(طرح نمره ۲۰ و ۲۱)

نبرد رزون‌ویل بچهار قسمت منقسم میشود

۱ — اکتشاف تعرضی لشگر های پنجم و ششم سوار المان
۲ — جدال سپاه سوم منفردا
۳ — داخل شدن سپاه دهم در عملیات
٤ — خاتمه نبرد

۱ — اکتشاف تعرضی لشگر های پنجم و ششم سوار (طرح‌نمره۲۲)

لشگر پنجم سوار صبح شانزدهم ساعت ۳ از طرف سرتیپ فرمانده سپاه دهم‌ماموریت یافت از اردوگاه فرانسه که شب قبل اطلاع رسیده بود درنزدیکی رزون‌ویل بر قرار شـده است اکتشاف کاملی نموده و بهر وسیله است او را مورد حماه خود قرار بدهد

---

(۱) امپراطور موقعیکه از بازن جدا میشد باز اصرار ورزید که هرچه زودتر قوارا بوردن برسانند و بازن که ازنقطه نظرنظامی‌نیاتش غیر مفهوم بنظر می‌اید و بایدحمل بافکـار سیاسی او نمود میل نداشت متس را ترك کند

این لشکر ازاردوگاهای هانوون ویل (۱) پوکسیو (۲) و کسونویل (۳) از بیراهه مستقیما بجانب ویون‌ویل حرکت نمود و قریب ساعت ۹ تیپ ردرن که با چهار اتشبار سوار تشکیل جلودار را میداد تا ارتفاعات تیون‌ویل پیش میرود بدو ن انکه بیك نفر گشتی برخورد نماید از انجابمسافت هزار و دویست مطری اردوگاه فرانسه را می بیند که درنهایت اسایش قرار گرفته است

اردوگاه مزبور متعلق به تیپ مورا (٤) از لشکر فورتون بوده است که بافراقت تام به تیمار پرداخته و با اطمینان کامل از خطوط مستحفظی مفروض خود در مسافت پانصدمتری بتهیه غذا مشغول بودند

چهار اتشبار المان بلا تامل شروع باتش مینمایند و انقلاب کاملی در اردوگاه‌سوار مزبور برپا میکنند لشکر فورتون چون تا اندازه پراکنده بود بسمت ویارز او ـ بوا (٥)عقب نشینی کرده و لشکر سوار والابرك (٦) منتسب به سپاه دوم را هم با خود میبرد اتشبارها که از این پیش امد غیر منتظره تشجیع شده بودند یك خیز دیگر بجلو نمودند تا انکه موقعیت مناسبی نسبت باردوگاه لشکر دوم نیز احراز نمایند پیاده نظام فرانسه که لحظه‌چند دوچار حیرت و اضطراب شده بود مسلح شده و بجلو حمله ور شد : لشکر لافند دو ویلیر (۷) از سپاه ششم از سمت شمال جاده مارس لاتور شروع به‌پیشروی نمود ولشکر باتای از سپاه دوم در دهات فلاویتی (۸) به ویون‌ویل داخل شده از مسافت کمی سوار وتوپخانه المان را تحت اتش قرار میدهد بهادرانهای تیپ ردرن مجبور بعقب نشینی میشوند وبه‌اتشبارها هم تلفات سنگینی وارد می سازند کـه قسمتی از ان بناچاری بسرعت مو اضـع خود را تخلیه نمودند .

در همان لحظه لشکر ششم سوار که پیشا پیش سپاه سوم حرکت میگرد از دره

(۱) Hannouville (۲)Puxieux(۳)Xonville (٤)Murat (٥)Villers-aux-boix
(٦) Valabrègue (۷) Lafond devilliers (۸) Flavigny

گورتس تجاوز نمود و چون مصادف با شلیك شدید قوای فرانسه گردید مجبور شد مجددا از دامنهٔ ها پائین برود و خود را در حفاظ حاشیه‌جنگل گومونت (۱) بکشد اتشبازهائی که در معیت ان بودند پس از شلیك چند تیر توپ مجبور شدند عقب رفته جای مناسبتری برای خود انتخاب نمایند

اکتشاف منظور بقرار فوق خاتمه یافت ولی نتایج متخذه از ان بنسبت وسائلی که در اختیار قسمتهای مامور قرار داده بودند ارزش کافی نداشت .

خلاصه آنکه تنها نتیجه قابل ملاحظه این اکتشاف بیموقع که با تیر توپخانه توام‌بود در اردوگاه فرانسه آشوب فراهم ساخته و وظیفه سر ستون سپاه سوم را کـه یك ساعت دیگر بفلات مزبور میرسید مشکلتر نمود و آنرا با خصمی مواجه کرد که از نقشه حـریف خود مطلع شده و خود را کاملا حفاظت مینماید .

درگیری سپاه سوم به تنهائی

در اجرای امر پرنس فریدریش کارل ژنرال آلونس لین فرمانده سپاه سوم برای روز شانزدهم راه پیمائی را در دو ستون مقرر نمود .

لشکر پنجم که در راس آن لشکرششم سوار حرکت میکرد از نوه‌آن از طریق دره گورتس به ویون‌ویل

لشکر ششم که توپخانه لشگری در دنبال آن بود از آرناویل (۲) به مارس لاتور از طریق اون‌ویل (۳) و بوکسیر (٤)

درگیری لشکر پنجم پیاده (طرح نمره ۲۳ و۲٦)

موقع خروج از دره گورتس جلودار لشکر پنجم که بمناسبت تیر اندازی بی مورد توپخانه لشکر ششم سوار بسمت جنوب باز شده بود مصادف شد با لشکر ورژه(٥) از سپاه دوم وتیپ لاپاسه (٦) ازسپاه پنجم فرانسه

(۱) Gaumont (۲) Ornaville (۳) Onville (٤) Buxière (٥) Vergé
(٦) Lappasset

اولین سعی فرمانده جلو دار پس از رسیدن به انتهای جنوبی جلگه رزنویل تصرف تنها نقطه اتکائی بود که برای افواج او وجود داشت یعنی برجستگی غربی جنگل ویانویل و بهمین لحاظ دو گردان اول خود را بدین سمت راهنمائی نمود و آتشبار جلو دار که تحت حمایت این دو گردان بود با جسارتی در نزدیکی جاده ویانویل بفاصله کمی از پیاده‌های فرانسه قرار گرفت .

سپس بجهت تامین سمت چپ این آتشبار گردان اول قسمت عمده جلو دار را بسمت فلاوینئی هدایت نموده و بالاخره دو گردان دیگر خود را بجانب جنگل سنت ارنول گسیل داشت تا آنکه در مقابل تپه لاپاسه قرار دهد زیرا تپه مزبور سمت راست او را تهدید مینمود محاصره نماید

باین منوال جلودار لشکر پنجم در زمین وسیعی پراکنده شد و نقاط اتکائی را تصاحب نمود تا محل کافی برای باز شدن توپخانه و در گیری قوای عمده داشته باشد .

در اینجا رزم دو صورت متفاوت بخود گرفت : سمت راست در جنگل چهار گردان آلمانی در مقابل قوای فرانسه با عناد مخصوص در گیر رزم شده و به کمك حملات و حملات متقابله قدم بقدم جلو میرفتند و موقعیت سمت چپ در زمینی بدون حفاظ سخت تر مینمود : آتشبار های قسمت عمده که بزودی باو ملحق شدند فقط برای تامین خود يك گردان بیشتر در دسترس نداشتند و يك حمله متقابله قوای فرانسه آنها را تا جنگل گمونت بعقب راند .

اولین گردان قوای عمده بدون رعایت زمانی که برای باز شدن لازم داشت باصورت بندی تقربی بشتافت تا آتشبار های خود را محفوظ دارد لیکن مصادف با آتش شدید شده و در جنگل گمونت متواری گردید

دو گردان دیگر که بعدا رسیدند خوش طالعتر بودند زیرا تیر اندازان فرانسوی را متنبه ساخته و تا فلاوینئی آنها را بعقب راندند از این به بعد میتوان قائل شد توسعه و باز شدن لشکر پنجم خاتمه پذیرفت زیرا ــ کلیه قسمت توپخانه آن داخل در خط جبهه شده و در تحت حفاظت پیادهٔ واقع گردید که آن پیاده بزودی محل خود را تخلیه نمي نمود .

در جانب راست چهار گردان در داخل جنگل هائی در گیر رزم شده بودند که تمام روز از حدود آن نمی توانستند تجاوز کنند لذا این چهار گردان را باید فرض کرد بهدر رفته اند .

سمت چپ دو گردان شکست فاحشی خورده و کاملا متفرق شده بودند دو گردان دیگر سمت چپ توپخانه در گیر شده و شدیدا پایداری میکردند این دو گردان در زمین مکشوفی گسترده شده و فقط می توانستند مستقیما رزم را در قسمت مقابل تعقیب نمایند و از وجود آنها در محل دیگر استفادهٔ حاصل نبود

بالاخره آخرین دو گردان لشکر که هنوز در گیر نشده تنها ذخیرهٔ بود که سرتیپ فرمانده لشکر پنجم با آنها رزم را تا انتهای روز تعقیب نماید

در گیر شدن لشکر پنجم از چندین نقطه نظر جالب دقت است

در سمت چپ در زمین مکشوفی گردانهای آلمانی در نتیجه حملات متقابله که در تعقیب آتش شدیدی اجرا شده بود پراکنده گردیده و بمسافت بعیدی عقب رانده شدند و بالعکس گردانهای تازه نفس آنها از دره بیرون آمده و پیاده های فرانسه را تافلاوینئی بلا تامل عقب راندند در زمین مسطحی در بدو رزم موقعیکه هنوز پیاده میتوانست از اسلحه خود استفاده کامل بنماید کلیه قسمتها عقب نشینی کرده و برای استفاده از زمین تحت آتش مرك باری تا نزدیکترین مامن عقب رفتند و هر گاه این مامن دور می بود با دادن تلفات بسیار متفرق شده و تا مدت مدیدی از کار عاری می ماندند

سمت راست در داخله جنگل رزم قیافه دیگری بخود گرفت در آنجا حملات ناگهانی یا عقب نشینی معجل دیده نشده واثرات آتش نیز خفیف تر بود ولی نفوذرئیس بمناسبت مشکلاتی که در اداره کردن و هدایت نفرات خود در چنین محلی دچار بود بیشتر جالب توجه میباشد هر يك از واحد های جزء در محیط محدودی مستقلا بدون حفظ رابطه با واحد های جزء همجوار محاربه مینمودند و غالبا محاربات آنها داخل جنگل بدون نتیجه میماند

بالاخره وظیفه تهاجمی که بر عهده جلو دار بر گذار شده بود از لحاظ هدایت‌عملیات قابل ملاحظه میباشد لشکر پنجم بین نووه آن و گورتس داخل در تنگه طویلی شده بود که نمیتوانست گسترده شده و با جمیع وسائل موجوده داخل مبارزه بشود و با احتمال اینکه شاید ستون لشکر در دره گورتس گرفتار دشمن شده و از هر حیث فلج گردد فرمانده لشکر جلو دار خود را مامور نمود دشمن را بعقب براند و جلکه فلاوینئی را تا آنطرف مزارع آن کن ویل (۱) تصرف نماید یعنی حمله ور شده جبهه ایجاد نماید که در پناه آن قوای عمده لشکر پنجم بتواند وارد عمل بشود ولی در صورت حاضره در چنین زمین نا مساعدی و در مقابل دشمنی که بر اثر تیر اندازی بی موقع توپخانه لشکر سوار پروس از وضعیت مطلع شده بود این ماموریت از حدود وسائل این قسمت متجاوز مینمود و در حقیقت بایستی از کلیه قوای لشکر استمداد جسته تا آنکه بتواند بطور قطع در مقابل قوای سپاه‌دوم استقرار یابد

باین ترتیب کلیه لشکر پنجم وظیفه جلودار را انجام میداد ولی در عقب سر این جلودار دیگر قوه برای تقویت آن موجود نبود و البته این چنین اشتباه متوجه فرماندهی عالی آلمان است که بدون مطالعه ستون ضعیف و منفردی را در مقابل قوای عمده‌فرانسه بکار برد .

درگیر شدن لشکر ششم پیاده نظام (طرح نمره ۲۵ و ۲٦)

موقعیکه لشکر پنجم از دره گورتس خارج شده و وارد جلکه رزون ویل میشد لشکر ششم که در ساعت پنج از آرناویل حرکت کرده بود بجانب مارس لاتور متوجه گردید

ژنرال آلونس لبن پیشا پیش ستون از ارتفاع لاستاتودولاویرژ (۲) اردو گاه فرانسه را در روزن ویل دیدبانی میکرد و در نتیجه مشاهدات خود بر خلاف عقیده سایرین مصر بود قوای مشهوده فرانسه عبارتست از قوای عقب دار و چنین تصور مینمود که قوای‌مذکور

(۱) Anconville (۲) La statue de la viérge

بجانب‌شمال عقب نشینی میکند و به لشگر ششم امر داد حرکت خود را بجانب ژارنی (۱) ادامه دهد و کلیه مخرجهای سمت غربی را بروی دشمن مسدود نماید عواقب این تصمیم بسیار وخیم بود زیرا این دو لشکر سپاه سوم که چهار کیلو متر بیش از یکدیگر فاصله نداشتند متدرجاً فاصله خود را زیادمیکردند درصورتیکه از نقطه نظر رزم لازم بود قوای آلمان تمرکز یابد

در این ضمن لشکر پنجم سوار حمله بیموقع خود را معمول داشت ژنرال‌فن‌بولو(۲) فرمانده توپخانه لشکری و سپاه توپخانه های مزبوره رابحدود ترون‌ویل‌احضار نمود آتشبارها با سرعت یورتمه تحت پوشش چند بهادران سوار از خطوط پیاده جلو افتاده و در جنوب ویان‌ویل بفاصله هزار الی هزار و پانصد متر از پیاده نظام فرانسه استقرار یافتند لیکن آتشبار ها با رجود رشادت و تهور خود نتوانستند مانع اشغال ویان‌ویل و فلاو ینئی بدست لشکر باتای بشوند و چون از مسافت قلیلی تحت آتش تیر اندازان فرانسه واقع گردیدند تلفات سنگینی بر آنها وارد آمده و عده از آتشبار ها مجبور بعقب نشینی شدند خلاصه آنکه تا ساعت ده و نیم موقعیت این خط طویل توپخانه بدون کمك پیاده موجب نگرانی بسیار بود زیرا نه تنها با وسائل خود نمیتوانست مانع پیشرفت پیاده شود بلکه تلفات کثیری که متحمل شده بود زمان قلیلی آنرا از کار بکلی باز میداشت .

در ساعت ده و نیم پیاده لشکر ششم از جاده مارس لاتور منحرف شده متوجه سمت راست گردید تیپ دوم از جنوب ترونویل گذشته فوج مقدم خود را در مقابل جبهه ویانویل فلاوینئی بگسترانید تیپ دیگر بحالت ذخیره او را تعقیب مینمود تیپ دوازدهم در حدود شوسه حرکت میکرد و یك فوج خود را نیز بگسترانید این فوج مامور شد ازجانب مغرب و شمال به ویانویل حمله نماید فوج دیگر تشکیل رده عقب را داده و مامور بوددر صورت لزوم جبهه چپ لشگر پیاده را از جانب جنگل ترانویل بپوشاند

(۱) Jarny (۲) von Bulow

از این موقع وضعیت توپخانه بکلی عوض شد تمام انشبار ها بمحض انکه صف‌اول پیاده از انها عبور نمود منفردا داخل عمل شده و در ساعت یازده هنگامیکه حمله‌بویانویل از مغرب ـ شمال و جنوب شروع شد اتش خودرا متوجه نقاط اتکائی که در دست قوای فرانسه بود نمودند حمله متحده پیاده نظام و توپخانه در این نوبه مشرف بموفقیت بـود یك زد و خورد شدیدی جلو وبون‌ویل و فلاوینئی بر پاشد ارتباط المان مشعر است براینکه کلیه عملیات اجتماعی در شرف از بین رفتن بود اصابت نظر روسای زیر دست با شجاعت‌سربازان توام گردید بنابر وضعیت زمین و هدایت اتش دشمن خط جبهه که بستونهای گــروهانی تقسیم شده بود شروع به پیشرفت و تصرف اراضی نمود باقیمانده گروهانیکه مضمحل میشدند با بقایای گروهانهای دیگر مجددا قسمت جدیدی تشکیل نموده و با بهترین وجهی مجدداداخل نبرد میشدند

کمی قبل از ظهر تیپ پوژه (۱) از لشگر باتای که بر اثر اتش توپخانه المان مضمحل گردیده و تقریبا محصور پیاده شده بود که عددا فزونتر از خود او بود نا گزیر شد پس از یك مقاومت خونینی عقب نشینی نماید وبون‌ویل و فلاوینئی تقریبا در یك موقع بتصرف قوای المان در امدند

از این لحظه دو قطعه خطوط پروس بیکدیگر ملحق گردیدند اولین مرحــله نبرد خاتمه پذیرفت پروسیها جلگه فلاوینئی را بطور کامل متصرف شدند توپخانه انها بر توپخانه فرانسه تسلط و امتیاز کامل یافت لیکن چون تمام پیاده های انها درگیر بودند و افواج بیکدیگر مخلوط شدند بدین لحاظ اداره کردن انها فوق‌العاده مشکل مینمود و در هرلشکری بیش از دو الی سه گردان در احتیاط باقی نمانده بود

بالاخره تمام سپاه سوم که بی مطالعه داخل نبرد شده بود شغل جلو دار را عهده‌دار گردیده و کلیه نقاط اتکاء را تصرف نمود بدون تردید سپاه های همجوار طبق‌عادت‌معمولی

(۱) Poujet

المانها شتاب در رسانیدن کمك مینمودند ولی قبل از انکه بتوانند کمکی برسانند چند ساعتی وقت صرف میشد بازن میتوانست در این مدت دو لشگر را که قدرت مقاومت در مقا بل حمله متقابله عمومی نداشتند از بین براندازد

تعرض سپاه ششم (طرح نمره ۲۵ — ۲۶ — ۲۷)

لشگر باتای از سپاه دوم که از نقاط اتکائش اخراج شده و بجاـیکه مکشوف بین رزون‌ویل و فلاوینئی رانده شده بود تاگراولت عقب نشینی اختیار نمود برای پوشش عقب نشینی ان با زن قسمت سوار سنگین اسلحه‌گارد را مامور بحمله نمود این قسمت نیزدوچار اسیب بسیار شد ولی موفق گردید پیاده المان را موقة مجبور بتامل بنماید حمله‌سواربمحض انکه خاتمه پذیرفت دو فوج از لشگر پنجم سوار بنوبه خود بجانب رزونویل حمله ور شدند و تا نزدیك مارشال بازن که مشغول برقرار نمودن یك انشبار بود رسیدند و چیزی نمانده بود که مارشال را دستگیر نمایند

برای پر کردن فضائی که سپاه دوم‌باقی گذارده بود لشگر بمب اندازگارد در جلو رزون ویل در جنوب جاده گسترده شد

تا قریب ساعت سیزده از لشگر لافونددوویلیر (۱) ازسپاه ششم که درشمال جــاده درگیر شده بود فقط مختصر تاثیری در جریان محاربه مشهود میشد لیکن در این لحظـه مارشال کان‌روبر (۲) لشگر اول (تیکسیر ۳) را از جنگلهای شمال جاده قدیم رومی‌ها بر علیه بر جستگیهای شمال شرقی جنگــل ترونویل برانگیخت در صورتیکه لشگر چهــارم او لوواسور سوروال (٤) در شرق رزون ویل بین لشگر سوم و جاده گستر ده میشد در همان حین لشگر ای‌مار (۵) از سپاه سوم از حوالی سنت‌مارسل (۶) خارج شده و جنــاح چپ المان را تهدید بمحاصره نمود

بقرار اظهار ارتباط المانها دو ساعت از روز بیش نگذشته زمان بسیاری تا خــاتمه

(۱) Lafond de villiers (۲) Canrobert (۳) Tixier (٤) Levassor-Sorval
(۵) Aymard (۶) Saint Marcel

روز هنوز باقی بود و بمنظور قوه احتیاط نه یك توپ و نه یك پیاده وجود داشت و لشکر ششم که میتوانست قبل از سایرین کمك برساند هنوز فاصله زیاد داشت

تنها اشعه امید برای مقابله با حمله طرح شده از طرف مارشال کانروبر توسل بـه فداکاری سواره نظام بود ــ افتخار این ماموریت پر از فداکاری نصیب تیپ (۱) بردوو از لشکر پنجم سوار گردید و حمله شجاعانه این قسمت در انطرف رود رن بنام تاخت‌وتاز مرك معروف ابد گردید تیپ بردوو از اطراف ترون‌ویل حرکت نمود و در طول درهٔ که از ویان‌ویل بجانب شمال متوجه است سرازیر شده و در صف دشتبان روبمشرق گسترده شد و در فاصله کمی در مقابل افواج سپاه ششم ظاهر گردید و با تاخت تمام از این قوا عبور نموده اتشبار هائیرا که در حال استقرار یافتن بودند زیر پا گرفتند پس از رسیدن بمحاذات رزون‌ویل بهادران هائیکه تلفات بسیار دیده بودند به لشکر سوار فرتن وولابریك مصادف شده و مجبورا به فلاوینئی عودت داده شدند

این حمله هر چند تلفات سنگینی بقوای فرانسه وارد نکرد ولی بر مارشال‌بازن‌بحدی موثر گردید که امر اکید در موقوف نمودن تعرض مارشال کانروبر صادر کرده و باو دستور داد فقط مواضع خود را حفظ کند در این وحله نیز عدم قابلیت این فرمانده کل سپاه‌سوم دشمن را از خطر نیستی برهانید

لشکر ایمار که بزودی از طرف لشکر گرونیه (۲) از سپاه چهارم کمك تحصیل نمود بدون تصمیم داخل جنکل ترون‌ویل شده به تنهائی مشغول نبرد گردید و موفق‌شدقسمت شمالی جنکل را تصرف نماید بالاخره عمل محاربه در تمام جبهه هنگامی که سپاه دهم المان بجانب مارس لاتور باکمال شتاب حرکت مینمود دچار سستی و فتور گردید

سوم : ورود سپاه‌دهم در خط جنك (طرح نمره ۲۸)

سابقا مشاهده شد کـه سپاه دهم از طرف پرنس فریدریش کـارل مامور شد به

(۱) Bredow (۲) Grenier

پونت آموسن کنار رود مزرای (۱) وسنت هسلر (۲) برود رئیس آن ژنرال فن‌فویکت‌رتس چون باشتباه فرمانده قشون دوم دچار نشده بود لازم دانست قبل از حرکت از اردو هائیکه شب قبل در اطراف رزونویل از وجود آنها اطلاع حاصل شده بود اکتشاف کاملی بنماید لذا لشگر پنجم سوار را بکمك تیپ ۳۷ کلنل لهمان (۳) مامور اجرای این امر نموده از طلوع صبح بجانب شامبلی (٤) کسیل داشت

بقیهٔ لشکر نوزدهم (تیپ ۳۸) متعاقب تیپ دراگون گارد بجانب مزرای‌حرکت نمود و لشکر بیستم نیز به پنت آموسن‌و تیوکور روانه گردید

در گیر شدن لشگر بیستم پیاده

ساعت یازده و نیم لشکر بیستم بین تیوکو روبه‌نی (۵) رسیده در صدد تهیه اردو بر آمد در همین موقع صاحبمنصبی که از میدان نبرد از طرف رئیس ارکان حرب سپاه دهم مامور بود به ژنرال فرمانده لشکر ابلاغ نمود هر چه زودتر خود را به ویانویل بکمك سپاه سوم برساند

قریب ساعت ۱۶ لشکر بیستم و توپخانه‌سپاه اطراف مارس لاتور پدید امدندبلافاصله یك فوج برای تقویت لشکر پنجم روانه شد سه فوج دیگر متوجه جنکل ترونویل شده و بدون زحمت زیاد انرا از تصرف لشکر ایمار خارج نمودند و آتشبار هائیکـه در مغرب ترونویل قرارگرفته بودند از حرکت تعرضی لشکر گرونیه درجنوب بروویل (٦) جلو گیری کامل نمودند .

در گیر شدن تیپ ۳۸ (طرح نمره ۲۹)

تیپ سی و هشتم بمحض انکه وارد اردو گاه سنت هیلر شد ناگهان اطراف ظهراتش توپخانه با نهایت شدت از طرف مارسلاتور بروی ان شروع گردید ژنرال فرمانده‌لشکرنوزدهم بفوریت علامت اشوب زده و در ساعت دوازده و نیم تیپ سی و هشتم بجانب مارس لاتوراز طرف شوسه بحرکت در امد

(۱) Maizeray (۲) Saint Hilaire (۳) Lehmann (٤) Chamblay
(۵) Beney (٦) Bruville

ژنرال ودل (۱) فرمانده تیپ سی و هشتم پس از رسیدن به مارس لاتور ازطرف ژنرال فرمانده سپاه دهم بطور مبهم مامور شد به جناح راست دشمن کـه تهدید امیز بو د حمله نماید بدون انکه دستور یا اطلاعی از محل تقریبی جناح راست دشمن یا دخالتی که لشکر بیستم مینماید حاصل کرده باشد

تیپ ودل به بهت و سرگردانی دچار شد زیرا بدون اکتشاف مقدماتی و بدون تهیه توپخانه ه گردان خود را در یك خط باریکی بطول ۲۵۰۰ متر بین مارس لاتور وجنك های ترونویل گسترده و با قدم دو بسمت شمال شرقی روانه گردید و بی خبر بمانع وحشت نا کی برخورد نمودند این مانع عبارت بود از دره رودخانه کوو (۲) با خندقی به عمق ۲۰ متر که عبور از جدار های پرتگاه ان غیر مقدور بود

چند گروهانی خود را بدره پرت نموده و در صدد بالا رفتن از جدار مقابل برامدند ولی چنان دچار اتش شدید شدندی که که مجبورا باز خود را بدره افکندند در همان لحظه لشکر سیسی (۳) که‌از برویل خارج شده بود ملحق بجناح راست لشکر گروینه شده و جناح چپ تیپ پروس را محصور ساخت

در چند دقیقه حمله مبدل به هزیمت شد کلیه گردانها در مقابل حمله متقابله قشو ن فرانسه شروع بعقب‌نشینی کردند و ۲۴۶۰ نفر از ۴۶۴۰ نفر یعنی قریب ۶۰ در صد عـده خود را باقی گذاشتند

لشکر های گرونیه و سیسی بحرکت تعرضی خود ادامه دادند و بنوبه خود از دره عبور نموده و به جلگه غربی جنگل ترونویل رسیدند و باین منوال کاملا سمت چپ پروسیها را که باین صورت مدهش در امده بودند تهدید محاصره میکردند

ژنرال فرمانده سپاه دهم از حوالی مارس لاتور شاهد و ناظر مصیبت‌وارده‌برسرتیپ ودل بود نظر به نداشتن ذخیره یك فوج در اگن گارد را مامور حمله به پیا ده نظـام فرانسه نمود سواره نظام پروس شجاعانه حمله به تیر اندازان فرانسه کرده دچار خسارت بسیار شدند و با آنکه در مقابل ذخیره آن شکست خورد فداکاری آن بی ثمر نمـاند زیرا از تعرض فرانسه جلـوگیری نمود و بقایای تیپ ۳۸ توانست در ترونویل بیکدیگر ملحق شود .

(۱) Vedell (۲) Cuve (۳) Cissey

ملاحظات

حمله تیپ سی و هشتم از لحاظ اشتباهات و خبطهای کثیرة که مرتکب شده است قابل ملاحظه و شایان مطالعه میباشد زیرا :

۱ — حمله مساعد نبود

این حمله در ساعت ۱۰ و سی دقیقه یعنی همان لحظه که ژنرال فرمـانده سپاه دهم برای حمایت جناح چپ لشکر ششم امر باجرای آن نمود چون این جناح لشکر قویا مورد خطر بود بسیار لازم مینمود ولی فرماندهی عالی پیش بینی وقت لازمه را جهت ابلاغ احکام و اجرای آن ننموده بود قریب ساعت هفده موقعی که اقـدامات تیپ سی و هشتم شروع می شد لشکر هشتم جـنگل ترون ویل را مجـددا تصاحب نموده و قـوای فرانسه بصورت تدافعی در آمده بودند و حمله تیپ ودل در مقابل پا فشاری حـریف مفید واقع نگردید .

۲ — قبل از مبادرت بهیچ گونه اکتشافی این تیپ با سرعت غریبی گسترده شده و به محیط مجهولـی گسیل شد که اگر قریه مارس لاتور در تصرف پیاره فرانسه بود البته بنتایج مخوفی دوچار می گردید و ژنرال ودل مطلقا از این موضـوع اطـلاعی نداشت .

۳ — پنج گردان از این تیپ در جبهه طویلی گسترده شده و فواصل بین آنها بقدری بود که هنگام لزوم نمیتوانستند کمك و مساعدت متقابله بیکدیگر بنماید

۴ — تمام گردانها در یك خط واحدی گسترده شده و از بدو عمل احتیاط آنها داخل در خط محاربه گردیده بود و حال آنکه هر اندازه بخصم نزدیکتر میشدند پیشـروی مشکلتر شده و بیشتر وجود قوای تازه نفس لازم میگردید تمام تیپ منجر بیك خط طـویل ضعیف و بدون استقامتی شده بود مرکب‌از تیر اندازان که بواسطه حاضر نبودن‌قوای‌احتیاطی عملیات آنها طبعا منجر بعدم موفقیت میگردید و عقب‌نشینی منظم آنها مبدل بدرهم ریختگی شدیدی میشد

رزم سواره نظام ویل سور ایرون : (۱)

در نتیجه این عدم موفقیت ژنرال فرمانده قشون دهم به بهادرا نهائی که ان موقع اطراف ترون ویل بودند امر نمود بمغرب مارس لاتور رفته و با سوار نظام حریف که در منتهای راست قوای فرانسه مشهود بود مقابله نماید

در این بین کشمکش حقیقی سواره نظام در جلگه ایرون شروع شد و ازاین رزم درهم و برهم و بدون تصمیم چنین مفهوم میشد که در این قسمت میدان نبردمحاربه باتمام رسیده است

٤ ــ خاتمه مجادله

قریب ساعت چهارده پرنس فریدریش کارل در پنت اموسن اطلاع حاصل نمود که در قسمت شمال نبردی در گیر شده است لذا شخصا ساعت شانزده در نزدیکی لشکر پنجم وارد میدان محاربه شد

این لشکر که قسمت اعظم لشکر شانزدهم او را تقویت می نمود اراده گرد از حدود شمالی جنگلهای ویون ویل و سنتارنولد تجاوز نماید لیکن مارشال بازن درتمام روز فقط بخیال اینکه مبادا ارتباطش از متس قطع شود در سمت چپ بقدری قوای احتیا طـی جمع آوری کرده بود که تمام مجاهدات آلمان ها در مقابل آتش پیاده فرانسه دراین قسمت خنثی ماند .

اندکی بعد نزدیك ساعت نوزده چهار گردان از سپاه نهم بنوبه خود یك حرکتدورانی بر علیه جناح چپ فرانسه از جانب جنگل انیون (۲) معمول نمودند ولی دوچار شاسورهای گارد شده نتوانستند از آنجا تجاوز کنند

در ضمن انکه جدال در جناحین خط نبرد متدرجا رو بسکونت میرفت پرنس فریدریش کارل در مرکز از جانب جنوب غربی با نهایت یاس اقدام بحمله بررزون ویل نمـود تا بر حریف خود مشتبه نماید که پروسی ها تصمیم قطعی دارند در این مجادلـه لا معلـوم نیز فاتح گردند .

---

(۱) Ville sur Yron (۲) Ognons

این تصمیم بخودی خود قابل تحسین است اما امر حمله برزون ویل کاملا غیر قابل اجرا بود قوای سپاه سوم کـه از بدو طلوع صبح در زیر آتش گذرانیده و فاقد قوای احتیاطی بود تشکیل خطوط طویل ضعیفی را داده و قدرت اقدام بحمله جدیدی نداشت فقط توپخانه موفق شد در حوالی ساعت بیست یك خیز بجلو بطرف جنوب غربی جنگل ویون ویل بنماید و چون پیاده نظام او را پیروی ننمود مجبورا بمحل های سابق خود عودت کرد ساعت ۲۲ عملیات در تمام میدان نبرد قطع شد

نتیجه

نبرد رزون ویل نمونه است از نبرد های تصادفی

آلمان ها عموما حتی سواره نظامیکه مامور اطلاع رسانیدن بفرماندهی بود تصـور میکردند که قوای فرانسه بحال عقب نشینی به موز میباشد و قـوای مشهوده در اطـراف رزون ویل بیش از یك عقب دار ساده نیست در جـریان عملیات اجتماعی بهیچوجـه نقشه مشترکی وجود نداشت ستونها بترتیب ورود در گیر نبرد میشدند ولی خیلی دیر و تمرکز آنها نیز در همان میدان نبرد صورت میگرفت

از ساعت نه الی شانزده یك سپاه به تنهائی بمعیت دو لشکر سوار پایداری نموده و تمام قشون فرانسه را محترمانه معطل می نمودند در صورتیکه مارشـال بازن میتوانست با امر بیك حمله حریف خود را متفرق ساخته و فتح مشعشی عـاید دارد بالعکس در قشـون آلمان یك نوع روح تعرضی مشاهده میشد که بحد گستاخی رسیده بود قشون فرانسه متحیرانه برحسب امر فرمانده کل در موضع های خود باقی مانده بودند و نتیجه دخالت هـای این فرمانده در اداره امور نبرد فقط فلج ساختن اقدامات معاونین خود بوده است در رزون ویل قشون فرانسه مانند بورنی قناعت بحفظ مواضع خود نمود و البته نتیجه این عمل منفی بودو در هیچ صورت موفقیت تاکتیکی حاصل نمیگردید(۱)

---

(۱) نتیجه اصلی نبرد رزون ویل آن بود که جاده مستقیم عقب نشینی بوردن ازاختیار قوای فرانسه خارج شد

بعقیده نماینده آلمانها فتح زمانی میسر است که ارادهٔ ثابت برای مغلوب نمودن طرف وجود داشته باشد در قوای آلمان این اراده حکمفرما بود اما با نداشتن وسائل برای اثبات آن این عقیده عقیم ماند و مارشال بازن با داشتن کلیه وسائل لازمه نتوانست فتح نماید زیرا نمیدانست اراده بنماید

وقایع روز هفدهم اوت

(طرح نمره ۳۰ و ۳۱)

باوجود موقعیت غیر منتظره سپاه سوم موقعیت آلمانها خالی از اشکال و ایراد نبود زیرا از طرفی بمناسبت اقامت قشون اول در ساحل راست موزل و از طرف دیگر بر اثر تفرقه قشون دوم قوائیکه روز شانزدهم در گیرشده بود چون بسیار خسته شده و قادرباجرای یك جدیت جدید فوری نبود صبح روز هفدهم در معرض حمله شدیدی واقع گردیدند

ملتکه و پرنس فریدریش کارل علاوه بر آنکه تصور اخذ نتیجه از پیشرفت خود نمینمودند در تمام شب در فکر بودند حتی الامکان سریعا یك قوای کمکی برسانند و بتصور اینکه در اطراف متس هنوز قوای کثیری وجود دارد برای قطع رابطه آن از شالون و پاریس ملتکه صلاح ندانست تمام قوای آلمان را در این صحنه عملیات جمع نماید و بجهت تقویت سپاه های سوم و دهم فقط چهار سپاه (هفتم ـ هشتم ـ نهم و دوازدهم) را احضار نمود بنا بر امر مجدد فریدریش کارل دو سپاه دیگر (گارد و دوم) برای شرکت در نبرد قطعی حرکت نمودند در حقیقت ارکان حرب کبیر آلمان برای روز هیجدهم توانست فقط نصف قوای موجوده خود یعنی هشت سپاه از شانزده سپاه را حاضر نماید و البته این تناسب بسیار ضعیف بود و شباهتی بعملیات تمرکزی مهمه که ناپلئون جهت نبرد های قطعی خود معمول مینمود نداشت

بعلاوه ورود قوای کمکی خیلی بطی و تدریجی بود زیرا اگر سپاه های هفتم و هشتم و نهم که در نزدیکی متس مانده بودند میتوانستند از ساعات اولیه روز در جناح راست مورد استفاده واقع شوند نظر بتوسعه مفرط جبهه قشون دوم جناح چپ سپاه دهم که بیشتر در خطر محاصره شدن بود تا قریب ظهر بدون کمك باقی میماند لیکن بمحض آنکه ملتکه از ارتفاعات فلاوینئی مشاهده نمود قوای فرانسه بدون مبادرت بجنك مشغول عقب نشینی است بسیار خوشوقت و مسرور شده و اضطراب قبل را فراموش نمود و برای آنکه اگر نبرد را بفردای آن روز محول نماید قشون فرانسه را از دست خواهد داد لذا در نظر گرفت جدال را تجدید نماید لیکن شاه بنا بر نظریه فریدریش کارل مبنی بر بطی معمولی حرکت بازن دعوی نمود قشون فرانسه بهر جانبی که عقب نشینی کند روز هیجدهم بچنك می افتد لذا در حوالی ظهر امر نمود برزم خاتمه داده شود

چون در ظرف روز هفدهم از تجدید محاربه بنا بر اطمینان باینکه روز هیجدهم بدشمن میرسند منصرف شده بودند او را کاملا در عقب نشینی بخیال خود آزاد گذاشتند ولی لازم بود اطلاع حاصل شود دشمن در چه جهتی عقب نشینی میکند و بدون آنکه پیادهٔ در تعقیب او بفرستند تا هر لحظه احتمال تجدید رزم برود و چون بایستی از این قضیه کاملا اجتناب شود کافی بود یك قسمت سواره نظام مامور تعاقب او بنمایند

در حقیقت هر گاه در ازاء این عمل نزدیك گراولت و جنگل وو (۱) وصل بدشمن باقی می ماندند در جناح چپ منجر به تصادم اتفاقی نمیگردید :

زیرا بطور مسلم معلوم نبود که دشمن بجانب متس عقب نشینی کرده یا آنکه بخلاف انتظار تحت پوشش یك عقبداری که در گراولت تشکیل شده است بجانب بریئی(۲) برگشته است تعجب آنکه از ساعت ۱۴ ملتکه از اکتشاف محل دشمن منصرف شده ودراین ساعت قبل از ورود به پنت آموسن قرار گاه کل حکم عملیاتی روز هیجدهم را صادر نمود :

(۱) Vaux (۲) Briey

« فردا ساعت پنج قشون دوم بستون یله در جناح چپ برای پیش روی بین ایزون و جدول کورتس بجلو حرکت مینماید سپاه هشتم قبلا مامور است حرکت قشون دوم را در مقابل هر نوع سوء قصدی که از جانب متس متوجه شود بپوشاند . »

مسلما با عدم اطلاع از وضعیت دشمن و آرایشی که اتخاذ کرده است با حرکت بحال ستون یله ممکن بود با دو نوع احتمال مواجه شوند : چنانچه دشمن درشمال باشد جناح چپ حمله نموده و جناح راست بعدا بان ملحق میشود و هر گاه دشمن هنوزاطراف متس باشد جناح راست شروع بیك رزم تحلیلی نموده و جناح چپ بجانب راست متوجه شده در صدد تجاوز بر آن بر می‌آید

موقعیت عصر روز هفدهم

الف — آلمان ها (طرح نمره ۳۰)

عصر روز هفدهم موقعیت قشونهای اول و دوم آلمان بقرار ذیل بوده است

قشون اول : سپاه هفتم در آرس سور موزل (۱) سپاه هشتم در گورتس سپاه اول لشکر اول و پنجم سوار در ساحل راست رود موزل

قشون دوم : سپاه نهم و لشکر ششم سواره نظام در فلاوینئی سپاه سوم درویون‌ویل و بوکسبر سپاه دهم و لشکر پنجم سواره نظام در ترون‌ویل سپاه سوم در مارس لاتور و بوکسیو گارد با لشکر سواره نظام در هانون ویل لشکر ساکسون در پارفون دروپ (۲) سپاه دوم در پنت آموسن

هفت لشکر تحت پوشش سه لشکر سوار در یك خطی بطول بیست کیلومتر تقریبا بین آرس — سور موزل و هانون ویل گسترده شده بودند

یك خط متصل از پستهای مقدم اردوها را در سمت شمال می پوشانید . باستثناء لشکر سواره نظام ساکسون تمام لشکر های سواره نظام با سپاه های خود از دو زده بودند .

(۱) Ars-sur-Moselle (۲) Parfondrupt

ب — فرانسه ها — (طرح نمره ۳۱)

پس از گذرانیدن یك شب در میدان نبرد قشون فرانسه با تاسف تمام دریافت که صبح روز هفدهم زمینی را تسلیم دشمن نموده است که او نمیتوانسته فتح نماید و بایستی بمتس رجعت نماید

تحت حفاظت لشکر متمان (۱) از سپاه سوم که در حدود گراولت مقرر شده بود سپاه های قشون فرانسه بعد از ظهر محل های ذیل را اشغال نمودند

سپاه دوم بین روزه ریو (۲) و مزرعه سنت هوبر (۳)

سپاه سوم بین مزارع مسکو و مزارع لافولی (٤)

سپاه چهارم در مونتینی (٥) و آمان ویلیر

سپاه ششم در سنت پریوا ورون کور (٦)

گارد بحالت احتیاط عقب سمت چپ نزدیك قلعه پلاپ ویل

لشکر سوار نظام بارای (۷) عقب سپاه ششم و لشکر سوار فورتون عقب سپاه دوم مارشال بازن بدون اجبار و استیصال خطوط ارتباطیه را با داخله ترك نمود حال آنکه میتوانست از راه کن فلان و برائی خود را بوردن برساند و در یك روز خود را خارج از حدود خصمی نماید که چنانچه مشاهده نمودیم جز به فکر تعقیب آمالی نداشت .

بازن برای اثبات بی تقصیری خود در عقب نشینی بخطوط امان ویلیر متعذر شد باینکه برای رسانیدن آذوقه و مهمات بقوای خود مجبور بچنین اقدامی بوده است

ولی در نتیجه تفتیش شورای جنك چنین معلوم شد که

۱ — صبح روز هفدهم توپخانه هنوز در صندوقهای خود ۷۰۰۰۰ تیر فشنك داشته‌درصورتی که شب قبل بیش از ۲۶۰۰۰ تیر خالی نکرده است

۲ — پیاده نظام روز شانزدهم یك ملیون فشنك مصرف نموده و هنوز هفده ملیون باقی داشته است .

(۱) Metman (۲) Rozérieulles (۳) Saint Hubert (٤) La Folie (٥) Montigny (٦) Roncourt (۷) Barail

۳ ــ روز هفدهم قوا با خودشان دو روز آذوقه داشتند و ۲۰۰۰۰۰ جیره در وردن منتظر قشون بود و در لحظه عقب نشینی بازن دو ملیون جیرهٔ که در نزدیکی گراولت خالی کرده بود اعدام نمود

نبرد

سنت پریوا (۱۸ اوت)

مواضع فرانسه (طرح نمره ٤١)

صبح ۱۸ اوت قشون فرانسه مواضعی را که فوقا بدان اشاره شد اشغال نموده بود چهار سپاه آن در یك جبهه یازده کیلومتری گسترده شده و فقط یك سپاه (گارد) در احتیاط باقی داشت و آن را هم مارشال بازن در عقب جناح چپ قرار داده بود و تنها مشغله فکری مارشال حفظ ارتباط خود با متس بود

بطور کلی مواضع منتخبه برای استعمال آتش موثر بسیار مناسب بود لیکن درطرفین، حفاظ و پوشش صحیحی وجود نداشت اگر در مقابل سپاه دوم دره عمیق مانس (۱) وبستر پرتگاه روزه ریو تقریبا موانع غیر قابل عبوری تشکیل می دادند بالعکس در مقابل سپاه ششم دامنه هائی با شیب ملایم که بجانب مغرب و شمال متوجه بودند برای قوای مهاجم وضعیت بسیار مناسبی عرضه می داشتند لذا از نظر اول معلوم می‌شد که قوای احتیاط را باید در این جانب بگمارند

باستثناء سپاه ششم که از پارك مهندسی خود جدا شده بود سپاه های دیگر درطول جبهه خود استحکامات پناه داری تهیه نموده و بعضی پستهای مقدم را در جلو سمت بمغرب قرار داده و مطابق عادت آن زمان فاصله قسمت طلایه از اردوگاه بیش از چند صد مترنبود و لذا از مجموع حوادث جاریه در اطراف خود اطلاعی نداشتند

باین ترتیب قشون قبل از وقت در خط طویل باریکی مانند فروش ویلر گسترده شده و در اجرای فکر مانور و دخالت فرمانده کل در جریان نبرد مانع میکردید

(۱) Mance

حرکت تقربی قشون دوم (طرح نمره ۳۰ و۳۲ و ۳۳)

در اجرای مفاد حکم ملتکه پرنس فریدریش کارل قشون خود را با آرایش ذیل صبح روز هیجدهم بحرکت در آورد

در خط اول : سه سپاه

در انتهای چپ : سپاه دوازدهم بجانب ژارنی

در عقب سمت راست : گارد بجانب رون کور

در عقب سمت راست : سپاه نهم بجانب سن‌ما رسل

در خط دوم : درسمت چپ‌سپاه دهم با لشکر پنجم‌سوار نظام بین خط سیر لشکر دوازدهم و گارد حرکت مینمود

در سمت راست سپاه سوم با لشکر ششم سوار نظام بین خط سیر گارد و سپاه نهم حرکت مینمود

سپاه ها با صورت بندی جمع خارج از جاده در صورتی که توپخانه سپاه بین لشکر ها واقع بود پیش میرفتند این آرایش قابل انعطاف برای تغییر ناگهانی بیکی از جناحین بسیار مناسب بود زیرا نظرا در ضمن خط سیر بایکدیگر تقاطع ننموده و در نتیجه مجبور بتوقف نمیشدند

فریدریش کارل حکمی صادر کرد که خاتمه آن بشرح ذیل است : « فعلا نمیتوان معین نمود که وضعیت کنونی منجر به تغییر جبهه براست یا بچپ میشود آنچه تا این لحظه مشخص است فقط یك راه پیمائی پنج کیلومتری در پیش است»

ملتکه از طلوع صبح باتفاق شاه بارتفاعات فلاوینئی آمده و تمام روز از آنجا مفارقت نکرد و چون محل او در جناح متحرك واقع بود متدرجا متقاعد میشد باین که فرانسه ها هنوز در اطراف متس هستند و بدون دلیل محل جناح راست آنها را در آمان ویلر تشخیص داد و بدون آنکه در صدد تکمیل اطلاعات خود در این موضوع اساسی بر آید حکم عملیاتی ذیل را در ساعت ده و سی دقیقه انشاء نمود :

« از اطلاعات واصله چنین حدس میرود که دشمن قصد مقاومت در فاصله بین پوان - لو - ژور (۱) وموتینئی - لا - گرانژ (۲) دارد لذا اعلیحضرت‌همایونی تصویب فرموده اند که سپاه دوازدهم و گارد را در امتداد باتیئی (۳) حرکت داده بنحوی که اگر دشمن به بریئی عقب نشینی کند در سنت - ماری - او - شن (٤) باو ملحق شده و یا اگر روی ارتفاعات باقی بماند در آمان ویلر او را احاطه نمایند. حمله دفعهٔ واحدباین‌ترتیب شروع میشود :

قشون اول‌از جنگل وو وگراولت

سپاه نهم بر علیه جنگل های ژنیوو (٥) و ورنه ویل

این آخرین عمل فرماندهی ملتکه در روز هیجدهم بود : از این موقع ببعد نسبت بهدایت نبرد بنحو مخصوصی بی علاقه شده و اختیارات رابدست فرماندهان قشون هاواگذار نمود آنها نیز همان معامله را با فرماندهان سپاهای خود نمودند و بار دیگر نیز نبرد از صورت جریان اجتماعی خارج شده و میتوان گفت فتوحات حاصله فقط مرهون‌ابتکار خردمندانه یکی از رؤسای مادون بوده است

موقعیت ساعت یازده و سی دقیقه

هنگام وصول حکم بگیرندگان آن موقعیت دو قشون آلمان در ساعت یازده و سی دقیقه بقرار ذیل بوده است

سپاه هفتم و هشتم آلمان نزدیك رزون ویل و گراولت در مقابل سپاه دوم و یك قسمت از سپاه سوم فرانسه مجتمع بودند

سپاه نهم در برابر سپاه چهارم فرانسه بهورنه‌ویل وارد شد

گارد (٦) که بمناسبت تقاطع در مارس لانور با سپاه دوازدهم حرکتش بتاخیر افتاده بود یك قسمت به ورنه‌ویل و قسمت دیگر به هابون‌ویل (۷) حرکت نمود

(۱) Point-le-jour (۲) Montigny-la-Grange (۳) Botilly (٤) Sainte-Marie aux-Chênes (٥) Génivaux (۷) Hobonville

(٦) به نبردقشون دوم‌در آتیه مراجعه‌شود

سپاه سوم و دهم در خط دوم باقی ماندند

نبرد سنت پریوا (طرح نمره ۳٤ الی ٤۳)

نبرد سنت پریوا که آلمان ها بجهات مخصوصی آن را بنام شاهکار سوق الجیشی جلوه میدهند بسه رزم بدون ارتباط تقسیم می شود که متوالیا هر یك را جداگانه تحت مطالعه قرار میدهیم

اول - در گیر شدن سپاه نهم آلمان منفردا

دوم - رزم گراولت که بشکست موحش قشون اول تمام شده و کلیه مجاهدات آن قشون در مقابل پایداری غیر قابل تفوق سپاه دوم فرانسه منجر بشکست گردید

سوم - رزم دونکور سنت پریوا که پس از قتل عام گارد بحرکت دورانی سپاه ساکسن و عقب نشینی سپاه ششم فرانسه خاتمه پذیرفت

اول - درگیر شدن سپاه نهم (طرح نمره ۳٥)

پرنس فریدریش کارل سپاه نهم را مامور نمود چنانچه جناح راست جبهه فرانسه در ورنه‌ویل باشد بر علیه آن داخل عمل شده و الا تامل نماید تا پس از ورود گارد در سمت چپ درگیر شود

ژنرال فن‌مانشتاین (۱) قبل از آنکه در صدد کسب اطلاع برآید با اتشبار جلودار خود امر نمود باردوهای ماتینئی فرانسه که در نهایت ارامش بودند افتتاح اتش‌نماید و توپخانه لشکر هیجدهم و توپخانه سپاه را نیز بامداد طلبیده و مجموع این توپخانه را (۸ اتشبار) فقط تحت حفاظت دو بهادران روی پشته طویلی که از ورنه‌ویل به‌امان‌ویلر ممتد بود هدایت نمود

گسترده شدن چنین توپخانه مهمی بدون حفاظت‌پیاده نظام همان نتیجه روزشانزدهم را در مقابل ویون ویل ابراز داشت پیاده نظام فرانسه با نظم تمام بر خط الراس ارتفاعات مقابل رفته و از هزار الی هزار و دویست مطری بر انشبار های دشمن تیر اندازی‌اغازنمودند و تلفات کثیری بر انها وارد ساختند

(۱) Manstein

در این ضمن پیاده نظام لشکر هیجدهم خود را بحدود شمالی جنگل ژنیوو رسانیده و در آنجا مصادف شد با پیاده نظام سپاه سوم لشکر بیست و پنجم نیز با تمام توپخانه‌خود از طرف دیگر در جنگل های کوس (۱) بان ملحق گردید

قریب ساعت چهارده قسمت اعظم توپخانه را پیاده نظام خودی احاطه نموده بود ولی در جبهه چون وسائل حفاظت و حمایتی وجود نداشت چنان تلفات سنگینی بر آنها وارد شدکه شش آتشبار از ۹ آتشبار مجبور بسکوت شدند

حوالی ساعت ۱۷ پس ازآنکه پیاده‌نظام مامور شد نقاط اتکاء آنوی (۲) وشامپنوا (۳) را اشغال نموده و جبهه مواضع توپخانه را در جلو آمان ویلر تقویت کند توپخانه توانست مجددا داخل خط‌آتش شود بعلاوه سپاه سوم پس از آنکه بحدود مزرعه کولر(٤) رسید یك قسمت از توپخانه خود را بجنوب شرقی ورنه‌ویل اعزام داشت

از آن ببعد موقعیت سپاه نهم بنحو دیگر شد این سپاه قبل از آنکه حمله قطعی در جانب چپ معمول شود بصورت تدافعی در آمده و در مقابل سپاه چهارم قناعت بیك‌رزم تحلیلی بنمود

توپخانه در اینجا بنحوی که در وبون ویل روز شانزدهم مشاهده شد منفردا بدون تقویت پیاده یك اردو را در حالت آرامی غفلت گیر نمود بدون آنکه نتیجه عاید دارد چنانچه قوای غفلت گیر شده چون در تهدید پیاده واقع نبود مسلح شده و با نظم کامل گسترده شد و چنان آسیب و تلفاتی بر آتشبارها وارد ساخت که دو ثلث آنها مجبور بترك رزم شدند

بعلاوه گردانهای اول که از ورنه‌ویل خارج میشدند چون با خصم مطاعی مصاف مواجه گردیدند بزحمت فوق‌العاده موفق شدند برای حفاظت توپخانه آن را احاطه نمایند در ظرف این مدت نصف بیشتر گردانهای‌سپاه نهم برای تصرف دو نقطه اتکاء شانترن(٥) و جنگل گوس در دو انتهای خط نبرد درگیر شده و آتشبارها را در جبهه مکشوف

(۱) Cusse (۲) Anvie (۳) Champenois (٤) Coulre (٥) Chantrenne

بدون حفاظ باقی گذاردند که اگر یك حمله متقابله مختصری معمول میشد نتیجه بسیار وخیمی عاید میداشت

لذا میبینیم توپخانه را نباید قبل از تامین و تقویت توسط پیاده بکار برند

در این حال برای دست یافتن به شانترن و انوی و شامپنوا و جنگل های کوس لازم بود یك حمله تغافلی معمول داشته و نتیجه مطلوبه را از ان عاید دارند و در صورت لزوم موجبات تسهیل این حمله را بوسیله چند اتشباریکه در جنوب شرقی ورنه‌ویل قرار دادند باید فراهم نمود و پس از انکه پیاده نظام پیشرفت کافی نمود قسمت توپخانه‌را روی پشتهٔ که بامان ویلر سرازیر است میگسترانند تا درانجام این عمل اطمینان حاصل‌شودخطری متوجه توپخانه نخواهد بود

ولی ژنرال مانشتان بواسطه اجرای حملهٔ که از نقطه نظر وضعیت عمومی فوریتی نداشت این منافع را بهدر داد هر گاه سپاه چهارم از بدایت امر مبادرت بحمله شدیدی مینمود میتوانست تمام خط طویل توپهای المان را بچنك اورد و تعرض سپاه نهم را در هم شکند .

دوم - **نبرد گراولت** (طرح نمره ۳٦ و ۳۷)

قشون اول مامور شد از گراولت حمله نماید (این حمله را باید موقعی معمول‌نماید که عملیات در جناح چپ‌شروع شده باشد) بصدای شلیك توپخانه سپاه نهم ولشکرچهاردهم و پانزدهم متعاقب یکدیگر نقاط اتکاء مابین جنگل های ژنیو و انیون را اشغال نمودند و توپخانه تحت حمایت پیاده نظام در شمال و در جنوب جاده گراولت گسترده شد و به نیروی اتش خود بجلو امده و پس از عبور از دره مانس خود را بکنار شرقی جنگل جلوی قلعه زراعتی سن هوبر رسانید سپس توپخانه هر دو سپاه (۲۲ اتشبار) بجلو جستن نموده‌وبوسیله اتش موحش خود اتشبار های سپاه دوم دشمن را بکلی خاموش نموده و درهم شکستند این پیشرفت طبیعی و قانونی در نتیجه اشتراك عمل بین دو قشون است که بنحو خاصی ممانعت از درگیری بیموقع و غیر مرتبط سپاه نهم بنمود

در این ضمن پیاده نظام‌پروس بدون اخذ نتیجه مشغول بتعرض در مقابل‌قلعه‌سن‌هوبر که در تصرف قوای فرانسه بود گردید چندین حمله متواتر منجر بعدم موفقیت گردید وواحدها بایکدیگر مخلوط شدند و بدون قدرت به اقدامی در کنار جاده مجتمع شده بودند ساعت ۱۰ پس از یك تهیه مطول حمله توسط توپخانه قوه مرکب از ۱۷ گروهان قلعه سن‌هوبر را محاصره نموده و آنرا تصرف نمودند

ژنرال شتاین‌متس در اهمیت این موفقیت مبالغه نموده و بامشاهده خاموشی توپخانه فرانسه گمان نمود موقع یك حمله قطعی فرا رسیده است لشکر اول سوار را مامور جاده سن‌هوبر نمود تا تهیه حمله جهت دوتیپ پیاده بنماید توپخانه فرانسه در مقابل این حرکت تعرضی یکباره شروع به اتش نمود و سوار نظام پس از مواجه شدن با چنین آتش مخوفی از تنکه مانس چهار نعل عبور نموده و پیاده را چنان دوچار بی نظمی نمود که آنها هم مجبورا دست از تصمیم خود بکشیدند در تمام جبهه تا ساعت ۱۹ رزم بارامی و سکونت بگذشت

شاه و ملتکه به گراولت رسیدند شتاین متس مایل بود در حضور شاه نتیجه قطعی را ماخوذ دارد بنا براین در ساعت ۱۹ بسپاه هفتم و هشتم حکم نمود شروع بیك تهاجم بین ژزریو و قلعه مسکو بنمایند این تهاجم نیز منتج به شکست جدیدی شد وخطوط طویل پیاده که در زمین مکشوفی پیشروی می کردند دچار آتش شدید سنگر های قوای فرانسه و آتشبار های آن شدند این آتشبار ها نیز بار دیگر با توپخانه احتیاط سپاه دوم داخل خط اتش شدند در این ضمن لشکر ورژه مبادرت بتعرض نموده و گردان های پروس را به دره مانس عقب راند

شاه اهتمام داشت تصمیمی در مقابل سن هوبر اتخاذ نموده و اثرات شکست اخیررا از روحیه نفرات زائل نماید لذا بسپاه دوم که تازه بگراولت رسیده بودند امر داد که باستعانت قشون اول بجلو حرکت نمایند تمام پیاده نظام موجوده با بیرقهای افراشته و موزیك در مقابل شاه دفیله دادند و داخل در تنکه باریك جاده شدند قوا بین سن هوبر و پوانت - دو- ژور

قوا بین سن هوبر و پوانت - دو -ژور گسترده شدند ولی حمله آن‌ها ازهمه طرف در برابر استقامت تزلزل ناپذیر قوای فرانسه در مواضع خود درهم شکست هرگاه قوای مزبور میخواست حمله متقابله اساسی بنماید چون قشون اول بکلی از پا در آمده و تشکیلاتش از هم گسیخته شده بود قدرت مقاومت در مقابل تهاجم سخت نداشت

ساعت ۲۲ اتش بکلی قطع شده بود شاه و ملتکه با اضطراب تمام در صدد صدور حکم عقب نشینی عمومی بطرف موزل بودند که از طرف قشون دوم مژده مظفریت و فتح سپاه دوازدهم در جناح چپ واصل گردید

نبرد سنت‌پریوا سپاه گارد که بواسطه تصادم ستون با سپاه دوازدهم در مارس لاتور معطل شده بود ساعت ۱۱ وارد دن کور شده از طرف پرنس فردریش کارل حکمی دریافت نمود که در تعقیب سپاه نهم طرف ورنه ویل حرکت نماید ولی رئیس آن پرنس وورتم برك (۱) اطلاع حاصل نمود که اردوئی از قشون فرانسه در سنت پریوا می باشد بنابراین جناح راست دشمن در امانویلر نیست در اینصورت وضعیت تغییر یافته ومستلزم آرایش جدیدی بودند پرنس وورتمبرك بفرستادن لشکر دویم گارد به تقویت سپاه نهم در ورنه ویل قناعت نموده و بلافاصله لشکر اول را باتبکار خود با تمام توپخانه سپاه تحت فرماندهی خودش به هابن ویل از طریق ژوایل حرکت داد بعلاوه در ساعت ۱۳ پرنس فردریش کارل متمایل شد باینکه قبول نماید حقیقة جناح راست قشون فرانسه تا سن پریوا امتداد دارد و لشکر دوم گارد را نیز به هابون ویل روانه نمود

فرمانده سپاه هفتم ولیعهد ساکسن بنوبه خود سپاه خود را ساعت ۱۱ در حوالی ژارلی متوقف ساخت و بوسیله سوار نظام خود مستحضر شد که هیچ آثاری از دشمن در بریئی نیست و بر خلاف قسمتهائی از قشون فرانسه در سمت اوبوه (۲) و سن ماری

---

(۱) Vurtemberg (۲) Auboué

میباشد بنا بر این بدون اینکه دستوری از پرنس فریدریش کارل دریافت نماید سپاه خود را بقرار ذیل گسیل داشت

لشکر بیست و سوم بطرف اوبوه از دره ارن (١)

لشکر بیست و چهارم با تمام توپخانه سپاه بطرف سن ماری از ژواویل وباتیئی

حمله سنت ماری (طرح نمره ٣٩ و ٤٠)

در ساعت ١٣ ژنرال پاپ (٢) فرماندهی لشکر اول گارد با پیش قراول خود به هابن ویل رسید و عجله داشت که قریه سنت ال (٣) را که در دست قشون فرانسه نبود اشغال نماید بعد از گستردن توپخانه لشکر و الحاق توپخانه سپاه به آن آتش را مابین این دو محل بروی توپخانه دشمن که در ارتفاعات سن پریوا بودند باز و جبهه سپاه نهم را که یك ساعت بود در جنگل کوس و قلعه شان ترن در گیر شده بودند منبسط نماید

ولی مارشال کان روبر سن ماری را بوسیله یك فوج پیاده اشغال و تیر اندازان آن توپخانه گارد را خیلی بزحمت انداختند بنا بر این دست یافتن به سن پریوا ممکن بود لذا اولین کوشش چهار گردان در مغرب سن‌ال که متکی بتوپخانه ضعیفی بودند بی ثمر ماند (از ٩ آتشبار فقط ده عراده بطرف قریه قراول رفته بود) ژنرال پاپ عاقلانه عملیات را تعطیل نموده و از ژنرال فرمانده لشکر بیست و چهارم تقویت لشکر او را که جدیدا بارتفاعات باتیئی رسیده بودند تقاضا نمود

قریب ساعت ١٥ توپخانه لشکر بیست و چهارم و توپخانه سپاه ساکسن و دو آتشبار از لشکر بیست و سوم که جمعا ١٠ آتشبار می شد آتش خود را متوجه‌مدافعین پست های مقدم خصم نموده و آن ها رادر هم شکستند در جنوب قریه ده گردان از سپاه گارد که دو فوج احتیاج آن ها را تقویت می نمود در مغرب قریه دو فوجی که منتسب به تیپ چهل و هفتم بودند و با یك گردان تیر اندازان در جلو در شمال غربی

(١) Orne (٢) Pape (٣) Sant-Ail

یك گردان از لشکر بیست و سوم‌پیاده پس از نیم ساعت تهیه توپخانه به سنت‌ماری حمله‌ور شدند پیاده نظام فرانسه چون خود را در خطر محاصره یافت از قبول رزم پرهیز نموده و بجانب رون کور عقب نشینی اختیار نمود

حمله سن پریوا (طرح نمره ٤١)

در تعقیب تصرف سنت‌ماری قریه بفوریت بتصرف گارد در آمد قسمتهای سپاه‌دوازدهم در این حین حرکت خود را بجانب شمال ادامه داده و بین سنت ماری وجنگل اوبوه (١) گسترده شدند

قریب ساعت ١٧ وضعیت‌طرفین بقرار ذیل بود:

١ — گارد

تیپ دوم که در حمله سنت ماری شرکت نموده بود داخل و اطراف قلعه مجتمع شد.

تیپ اول در جنوب غربی سنت ماری بحالت تجمع قرار گرفته بود

تیپ چهارم در سنت ال و تیپ سوم در هابون ویل

توپخانه سپاه و توپخانه لشکر اول جای مناسبی انتخاب کرده و مابین هابون ویل و سنت ال اشغال موضع نمودند چهار آتشبار لشکر دوم نیز مابین سنت ماری و سنت ال واقع شدند

٢ — سپاه دوازدهم

تیپ چهل و هفتم در شمال سنت‌ماری مجتمع شد

تیپ چهل و هشتم که یك فوج سوار و دو آتشبار او را تقویت میکردند از بوه تجاوز نمود این قسمت موظف بود دره ژواف (٢) را پیروی نموده سپس از آنجابطرف مونتوا (٣) ورون کور عزیمت نماید

تیپ چهل و ششم با یك آتشبار از طریق دره ارن بطرف اوبوه حرکت نمود

تیپ چهل و پنجم از وسط جنگل اوبوه پیشروی کرده و جمعی از تیر اندازان

(١) Ouboué (٢) Joeuf (٣) Montois

فرانسه را که در آنجا بودند بعقب براند و مامور شد بمحض آنکه در شمال حملهٔ احساس نماید بجانب رون کور حرکت کند

مجموع توپخانه حاضره که عبارت از ۱۲ آتشبار بود روی ارتفاعات شمالی سنت‌ماری قرار گرفت تمام این توپخانه تحت فرمانده واحدی در واقع تودهٔ توپخانه مهمی تشکیل داده و قادر بود آتشبارهای منفرد فرانسه و نقاطیکه احتمال تعرض از آنجا میرفت تحت آتش شدید خود در آورد

۳ ـــ در خط دوم :

سپاه دهم با دو تیپ سوار نظام گارد و لشکر پنجم سوار نظام تماما در باتیئی قرار داشتند

بالجمله وضعیت تدافعی را بمنتهای شدت در مقابل تعرض احتمالی اخذ نموده و دو قریه سنت‌ال وسنت ماری رابوضعیت تدافع در آوردند وباین منوال‌رجعت تعرضی قشون فرانسه را متمنع ساختند این توپخانه کثیر استفاده از پیشرفت پیاده نظام نموده خود را به تیررس توپخانه قشون فرانسه رسانید و آنان را وادار بسکوت نمود قوای عمده در عقب حفاظ مخفیانه انتظار شروع عملیات را میکشید

در قوای فرانسه

سپاه ششم لشکر های خود را بقرار ذیل گسترده بود (۱) : لشکر اول بلا فاصله در سمت راست سپاه چهارم (باستثناء یك تیپ آن که بجانب رون کور اعزام شده بود) لشکر سوم و چهارم در شمال و جنوب سن پریوا توپخانه چون به هشت آتشبار تقلیل یافته بود نمیتوانست مقابله با توپخانه سپاه گارد و سپاه دوازدهم بنماید ولی پیاده نظام ان که روحاً و مادأ مصون مانده بود با داشتن تفنگهای شاسپو و خونسردی کافی مقدرات سختی برای توده های کثیر پیاده نظامی که بدون تعقل قبل از تهیه حمله توسط توپخانه بیك سر بالائی طولانی مکشوفی روانه شده بود فراهم نمود

---

(۱) ـ سپاه ششم با عجله تمام بوسیله راه اهن بقشون رن ملحق شد و در اردوی شالن لشکر دوم را باتوپخانه احتیاط وتوپخانه دو لشکر دیگر بانضمام تمام محمولات باقی گذاردند

حمله اول گارد

بین ساعت هیفده و هیفده و نیم پرنس دو وور تمبرك چنین بنظر اورد که قشون فرانسه از سن پریوا به طرف رون کور حرکت می نماید و از طرف دیگر با مشاهده خط طویل آتشبار های ساکسون که درشمال سنت ماری بر قرار شده بودند چنین تصور کرد که دستجات سپاه دوازدهم که مامور حرکت دورانی از شمال بودند قریبا داخل خط اتش خواهند شد لذا موقع را برای حمله گارد بجانب سن‌پریوا مناسب دانسته و بر خلاف مشاهدات ژنرال پاپ که مقرون بصحت بود بدو لشکر خود امر داد که به مواضع خصم تجاوز بنمایند

تیپ چهارم از سنت ال بلا تامل بطرف ژروز الم (۱) حرکت نمود

تیپ اول که در جنوب سنت ماری مجتمع شده بود از جنوب شاهراه بسن پریوا حمله‌ور شد

تیپ چهاردهم در دو خط گسترده شده و افواج ان پهلو بپهلوی هم قرار گرفتند :

در فوج سمت چپ یك گردان بلا فاصله دو گروهان خود را در خط اول بوضع تیر انداز گسترانیده و دو گردان دیگر تقریبا صد متر عقب تر تشکیل خط دوم را دادند

درفوج سمت راست دو گردان درخط اول بطول ۵۰۰ الی ٦۰۰ متر گسترده شدند ویك گردان فقط در خط دوم بفاصله قلیلی باقی ماند

تمام ارایشهای مذکور در زمینی مکشوف معمول شد بدون انکه عمقی داشته باشدو باز هم بهمان وضعیت که در حمله تیپ سی و هشتم در شانزدهم اوت پیش امد نمود دوچار شد

فوج جناح چپ از وحلهٔ اول متحمل تلفات سنگین شده و بشاهراه عقب نشستند و در پناه جان پناه های طرفین ان تیر اندازان خود را محفوظ داشتند گردان خط اول اناً پراکنده شد گردانهای خط دوم بعلت نزدیکی بهمان اتش مهلك مطابق گردان اول تلفات داده مخلوط در خط نبرد گردیدند

---

(۱) Jérusalem

این خط ضعیف که تمام صاحبمصبانش از دست رفته بودند بهفتصد الی هشتصد مطری سن پریوا خود را رسانید ولی چون در خط دوم عده تازه نفسی برای تقـویت و تشیید این خط خسته ناتوان باقی نمانده بود این خط بدون قدرت پیشروی بزمین افتاده‌در صدد حفظ خود بر آمد

همین نقیصه در فوج جناح راست نیز عرض اندام نمود یعنی گردان خط دوم از بدو حرکت داخل در خط تیر اندازان شد این خط مرکب بود از ۱۲ گردان که بمنظور حمله پیشروی میکردند و بمحض آنکـه بپای ارتفاعات سن پریوا رسیدند یعنی بعد از عبور از زیر آتش سهمگین و تحمل تلفات کثیره بزمین افتاده و دیگر قادر بیك قدم بجلو نبودند

در این لحظه دستجاتی از لشکر سی‌سی (۱) (سپاه چهارم) از سراشیبی‌پائین آمده شروع بحمله متقابله در جناح راست نمودند ولی آتش دو آتشباریکه بموضع‌مورد تهدید آورده بودند حمله آنها را متوقف ساخت

اما تیپ اول (طرح نمره ۴۲) برای استقرار یافتن در جهت هدف‌خود وتحصیل محل لازم در شمال جاده برای گسترده شدن مجبور بود آبادی را از جانب مشرق بوسـیله یك تغییر سمت مجدد محصور نموده و بعد با یك گردش دیگری براست جهت اول خودرا بسن‌پریوا حاصل نماید

افواج درپهلوی یکدیگر قرار گرفته و در سه خط گردانی واقع شدند این‌توده کثیر با عرض جبهه بطول سیصد مطر و آن عمق تشکیل هدف بسیار مناسبی جهت تیر اندازان فرانسه دادند

تغییر سمت اول باکمال نظم انجام گرفت ولی همینکه ششصد مطر بطرف‌دیگرجاده پیشرفت نمودند لازم بود متوجه سمت راست بشوند و گردانهای جناح راست باکمال عجـله در خط تیر اندازان گسترده شدند و گردانهای جنـاح چپ برای بدست آوردن فاصلـه

(۱) Cissey

لازم جهت گسترده شدن حرکت خودرا بطرف شمال مداومت دادند بنا بر این گردان ها بلافاصله بطرف سن پریوا صف آرائی نمودند و برای جواب دادن به آتشی که آن ها را خسته می نمود همگی در یك خط بخصوص درگیر شده و بدون هیچ‌احتیاطی خود را به ۶۰۰ مطری سن پریوا رسانیدند سپس بدون قدرت در اجرای کوشش جدیدی بزمین خوابیدند

بالاخره برای پر کردن فضای خالی که بین دو تیپ احداث شده بود ژنرال پاپ بفوج دوم ازتیپ دوم امر داد که از طول جاده حرکت نموده خود را بجلو برسانند فوج هم باکمال رشادت در زیر باران گلوله جلو رفته و فقط باقیمانده گروهانها موفق شـدند خود را بمحاذات دو تیپ اول برسانند

بفاصله نیم ساعت ۲۴۰ نفر صاحبمنصب و ۶۵۰۰ نفر از افـراد گارد تلف شدند عدم موفقیت بحد کمال رسید افراد و قسمتها ابراز جسارت فوق‌العاده می نمودند ولی تنها رشادت آنها کافی نبود که جبران خبطهای فرماندهی را بنماید بدون مطالعه آنها را بپرتگاه هلاکت سوق میداد

زیرا بدواً موقع حمله را بدانتخاب نموده بود ساکسون ها بر خلاف مشاهدات‌ژنرال پاپ هنوز بمحل منظور نرسیده بودند و لذا حمله جبهه گارد بهیچو جه مطابقت بـا حمله جناحی نمینمود

از طرف دیگر هر گاه جدال توپخانه بنفع آلمان ها تمام شده بود هنوزیك مرمی الها روی خطوط پیاده نظام سقوط نکرده بود و دلیل بر بی عقلی کامل بود قوائیرا که در سربالائی مکشوفی بطول هزار و پانصد متر جمع شده بودند بجلو برده و در مقابل یك خصمی که کاملا پوشیده و محفوظ بود و هر نوع وسیله مخصوصا یك نوع اسلحه مـدحشی دارا بود مانور نمایند

قبل از هر حمله قطعی لازم بود مبادرت به تهیه رزم جهت ضعیف ساختن و فلـج نمودن مدافعین نموده و مهاجمین را با خیز های متوالی بمسافت مناسبی جهت اعمال حداکثر

قدرت المان ببرند : باین معنی که پس از محصور ساختن سپاه ششم فرانسه در تمام جبهه و تحلیل بردن ان متناوباً بوسائل متفرقه احتمال امیدواری بود که فتح قطعی را توسط توده پیاده نظامی که از تنك ماری تجاوز نماید تحصیل نمایند

در جریان این حمله موحش بالاخره فرماندهی اقدامی درایجاد تشریك مساعی تطبیق عمل عاملین ان ننمود

تیپ اول از سنت‌ماری نیمساعت پس از تیپ چهارم تجاوز نموده و موقعی داخل خط اتش شد که تیپ مذکور بر اثر آتش دشمن متفرق وپریشان شده بود

علاوه بر خبط فرماندهی کل خبطهای بزرگی نیز در ضمن عمل مشاهده شده است :

۱ — تیپ چهارم در زمین مکشوفی تجاوز نموده و کمال خود نمائی ضمن اجرای حرکات پیچیده و درهم در مقابل مدافعین دفیله دادند معایب چنین وضعیت غیر عادی‌انست که گردانها نتوانند بوسیله اتش جواب آتش را بدهند

زیرا هر مانوری که بطور دسته جمع در زیر آتش دشمن واقع شود خطرناك بوده‌وموجب تلفات و بینظمی کامل میشود و هر قسمتی که مامور حمله میشود بایستی در پس پناه سمت بهدف واقع شود .

۲ — خطوط مختلفه قسمتهای مامور حمله بسیار نزدیك بیکدیگر بودند (۱۰۰ الی — ۱۵۰ مطر) قسمت های خط سوم نیز دوچار مرمیات خط زنجیر تیر اندازان شده برای مقابله بادشمن بخط نبرد جلب شدند و از آن پس دیگر کمك و احتیاطی برای تقویت خط اول باقی نماند که بتواند حرکت پیشروی ان را تامین نموده و در مقابل حمله متقابله ایستادگی نماید

رده بندی قسمتها در عمق با فواصل کافی برای انست که هر یك در خطوط اتش که جهت قسمتهای مقدم تعیین شده است مصون بمانند و این اصل شرط کامیابی است

دومین حمله سن‌پریوا بوسیله گارد و سپاه دوازدهم (طرح نمره ۴۳)

ساعت نوزده تیپ چهل و هشتم ساکسون از منتوا بالاخره تجاوز نموده و در جلو رونکور گسترده شده و جناح چپ فرانسه را تهدید محاصره نمود

تیپ چهل و پنجم از جنگلهای اوبوه خارج شده و در جناح چپ پیاده نظام گارد اراسته شد

بالاخره دو آتشبار گارد و سپاه دوازدهم بوسیله یك خیز خود را به ۱۲۰۰ الی ۱۵۰۰ متری خط فرانسه رسانیدند و آتش خود را بروی رون کور و سن‌پریوا متمرکز ساختند دراین موقع تمام خط پیاده نظام شروع بتهاجم نمود

در ساعت نوزده و نیم ابتدا رونکور بتصرف ساکسون ها در آمد سپس نوبه‌سن پریوا فرا رسید در آنجا مارشال کان روبر تا آخرین لحظه با کمال رشادت ایستادگی نمود و مقاومت جسورانه خود را بفرد فرد مدافعین تلقین و بوسیله این شهادت و پافشاری در چنین روز خونینی افتخار و سربلندی را جهت قشون تبه روزگار فرانسه ایجاب نمود (۱)

در اول شب آلمان ها بخرابه های سن‌پریوا که در حال اشتغال بود داخل شدند بلا فاصله ۲۳ آتشبار خود را در جنوب قریه استقرار داده و آتش خود را بروی تیپ پشو (۲) که جهت حفاظت عقب نشینی سپاه ششم در کنار جنگل قرار داشت باز نمودند

با وجود این عقب نشینی سپاه چهارم در نگاهداری آمان ویلر استقامت ورزیده و آنجا را تخلیه نکرد مگر در ساعت سه صبح برطبق حکم بازن جهت ملحق شدن بسپاه ششم در اطراف ووایی (۳)

اما سپاه دوم و سوم در موقعیت خود آرمیده و بدون تزلزل در صبح ۱۹ به‌متس رهسپار شدند

نتیجه

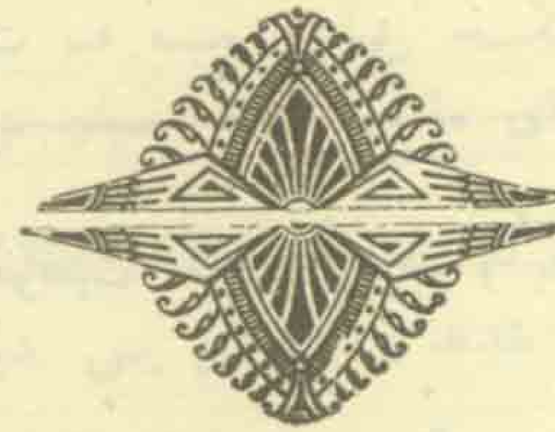
مطابق شرح فوق قشون رن متحمل تلفات کثیره گردید

(۱) چندین بار بعد از ظهر نوزدهم اوت مارشال کان روبر وضعیت خطرناك سپاه هفتم را به بازن اعلام نمود و تقاضای تقویت جهت سپاه مزبور نمود ولی با زن ترتیب اثری بتقاضا های اونداده و باین جواب اکتفا نمود (موقعیت خود را حفظ نمائید)

(۲) Péchot (۳) Voippy

جنگهای ۱۴ و ۱۶ و ۱۸ اوت طبق اظهار مقامات آلمانها در حقیقت یك نوع تهیه جهت پیش آمد عملیات بزرگی بود که آخرین نتیجه آن محصور ساختن قشون فرانسه دریك دایره انشینی میباشد که نباید ان دایره مقطوع شود

از لحاظ عملیات جاریه اظهارات مقامات فوق‌الذکر مقرون بصحت است اما از مطالعه احکام صادره بطور تحقیق چنین معلوم میشود که حوادث برخلاف منظور و پیش بینی فرماندهی آلمان جریان داشته است و باطرز خطا و اشتباهی که آنها وضعیت را سنجیده‌اند و با مرام مبهم و مرددی که داشته اند و با وجود عدم موافقتی که بین ملتکه و فرماندهان حکم فرما بوده است و استفاده غیر منظمی که از سواره نظام میشده است و عدم مرکزیت امور نبرد باید منجر بشکست قطعی قشون آلمان شده باشد ولی موفقیت آنها در اطراف متس بنسبت خبطهای قشون فرانسه واتفاقاتی بوده است که مافوق انتظارات ملتکه میباشد



۳ ـ قشون شالون ـ سدان

محاصره متس

اول ـ تشکیلات ـ تمرکز

موقعیت در ۲۲ اوت

طرح نمره ۴۴

صورت بندی قشون شالون

صبح روز شانزدهم اوت هنگامیکه امپراطور پس از صدور امر به بازن برای تسریع در حرکت بطرف وردن او را در گراولت ترك گفته باردوی شالون رسید درآنجادستجات کثیری مجتمع بودند و دستجاتی نیز بزودی بانها ملحق شدند

این دستجات مرکب از یك قسمت از سپاه ششم (سه فوج پیاده نظام یك لشکر سوار و یازده آتشبار) که نتوانسته بودند بمتس برسند و یك لشکر پیاده نظام بحری و نیز یك لشکر پیاده نظام دیگر که از گردانهای چهارم تشکیل یافته بود و بالاخره لشکر گارد سیار پاریس که بواسطه ابراز روحیه نا مساعد صرف نظر از آن نمودند سپس بقیة السیف سپاه اول و لشکر کنسای دومنیل از سپاه هفتم که پس از نبرد فروش ویلـر بزحمت در ساربورك مجتمع و باردوی شالون اعزام شدند سپاه پنجم بتعاقب آنها گسیل شد و بالاخره دو لشکر دیگر از سپاه هفتم از مقام وزارت امر رسید باکشتی از لیون و بلفور بقشون جدید در شالون ملحق شوند

این عناصر غیر متناسب بچهار سپاه تقسیم شدند (۱ـ۵ـ۷ـ و ۱۲) و بهریك از آنها یك لشکر سوار تفویض شد و بعلاوه قشون شالون دو لشکر احتیاط سواردراختیار داشت که ژنرال بن‌من (۱) برگذارده شده بود

(۱) Bonnemains (۲) Margueritte

قشون شالون جمعا مشتمل بر ۱۳۰۰۰۰ نفر افراد و ۱۰۰۰۰ راس اسب بانضمام چهار صد عراده توپ و ۷۶ مسلسل بود علاوه بر افواج مزبور که ممکن بود از آنها صرف نظر شود قشون دارای عناصر ممتازی بود اما بطور عموم افراد و رؤساء یکدیگررا بخوبی نمیشناختند و در عین حال بین رؤساء عده کافی وجود نداشت که استعداد و لیاقت کافی جهت رهبری نفرات خود داشته باشند ولی تقریبا تمام آنها فاقد تجربیات جنگی بودند

نقشه عملیات

برای تشخیص عملیات اتی این قشون جدید روز هیفدهم مجلس مشاوره جنگی تشکیل گردید

منظور اصلی امپراطور ملحق شدن بقشون متس بود زیرا نظر باینکه شب گذشته بدون مانع از گراولت بشالون امده بود و اطلاعی از نبرد روز شانزدهم نداشت تصور مینمود که بازن فعلا بدون تردید نزدیك وردن میباشد و بنا بر این عقیده مند بود اول باستقبال او رفته عقب نشینی او را تسهیل نماید و پس از انکه کلیه قوا در یك نقطه جمع شدند مقدرات انها را بعد معین نمایند

ژنرال تروشو (۱) بر خلاف معتقد بود که هر دو قشون در پاریس بیکدیگر ملحق شوند و لذا مخالفت خود را در استقبال بازن ابراز میداشت

با وجود نتایج وخیم نظامی و سیاسی که این عقب نشینی بدون جهت در بر داشت رای مزبور پذیرفته گردید و قرار بر ان شد ژنرال تروشو بسمت حکومت پاریس برقرار و پس از ورود بپاریس رجعت امپراطوررا نیز اعلام دارد و قشون در شالون باقی مانده وتشکیلات خود را خاتمه دهد در این ضمن هر گاه بازن توانست بانها ملحق شود بالاجتماع بطرف پاریس حرکت کنند و هر گاه تا ان موقع نرسید اردوی شالون بمقصد خود پاریس حرکت نموده و چند روز دیکر بازن نیز بانها ملحق شود

(۱) Trochu

از این جریانات و تصمیمات وزارت جنك (۱) و شورای خصوصی (۲) اطلاعی نداشتند

روز هفدهم مارشال بازن تلکرافی راجع به نبرد در جاده وردن بوزارت جنك مخابره نمود مبنی بر اینکه مواضع خود را محفوظ داشته است ولی از ادامه عقب نشینی ذکری در بین نبود وزیر جنك نیز مطالب را فورا بامپراطور تلکراف نموده و تقاضا نمودبلاتامل باستمداد بازن برود

عقب نشینی بطرف رمس

مارشال دومال ماهون مستقیماً اطلاع از نبرد رزون ویل وعقب نشینی قوا بمواضع امان وبلر حاصل نمود مارشال اول چنین تصور میکرد که دو قوا قریبا و بطور محقق بیکدیکر ملحق خواهند شد ولی بعد چنین معلوم کرد که موقتا مانعی پیش امد نموده است پس از کسب اطلاع از نبرد روز هیجدهم چون خود را قادر به استخلاص بازن ندیده و ضمنا در معرض خطر حمله ولیعهد پروس بود تصمیم نمود با وجود مواخذات شدیده وزارت متبوعهٔ قوای خود را برمس رجعت دهد تا انکه بنا بر مقتضیات یا بپاریس مراجعت کرده یا بمشرق برود

(۱) در نهم اوت اولیویه (Ollivier) از وزارت استعفا داده بود و پالی کائو (Palikao) جانشین او شد ژنرال پالی کائو با داشتن مقام ریاست وزرائی شغل وزارت جنك را نیز عهده دار شد

(۲) بموجب فرمان ۲۳ ژویه ۱۸۷۰ امپراطور ناپلئون سوم قبل از ملحق شدن بقشون ملکه اوژنی (Eugénie) را به نیابت سلطنت انتخاب نمود مشارالیها نیز از معتمدین واطرافیان خود عده را که طرف وثوق بودند مانند روهر ومریمه (Rouher, Mérimée) و غیره انتخاب نموده و تشکیل مجلس مشاوره علاوه بر محافل رسمی داد که مورخین انرا بنام مجمع خصوصی می نامند این مجمع بی انکه دارای رسمیتی بوده و اعتباراتش برسمیت شناخته شده باشد نفوذ قابل ملاحظه در ملکه اعمال میکرد و تصمیمات نیابت سلطنت پیوسته تحت تاثیر این مجمع واقع بود وهیئت وزراء هم که بیشتر وزرایش در مجمع خصوصی عضویت داشتند جز تصویب تصمیم این مجمع چارهٔ نداشت

موقعیت قشونهای آلمان - صورت بندی قشون موز

آرایش قشونهای المان در این موقع بقرار ذیل بوده است :

روز بعد از واقعه سن‌پریوا قشون اول (سپاه های اول و هفتم و هشتم) و چهار سپاه از قشون دوم (سپاه های دوم و سوم و نهم و پنجم) تحت امر فرماندهی عالی پرنس‌فریدریش کارل قرار گرفته و مامور محاصره بازن در متس شدند

بقیه قشون دوم (سپاه چهارم و دوازدهم — گارد — لشکر های پنجم و ششم سوارنظام) یك قوای جدیدی باسم قشون چهارم یا قشون موز تحت امر ولیعهد ساکس تشکیل داد ماموریت این قشون باتفاق قشون سوم عبارت بود از حرکت و اقدام بر علیه اجتماعاتی از قشون‌فرانسه که در شالون‌باطلاع‌رسیده بود

مورخه بیست و دوم اوت قشون دوم که از فروش ویلر به بعد بسمت مغرب حرکت می نمود از موز عبور نموده و در دو خط بین موز و اورین (١) ار گوندر کور (٢) تامنیل — لا — هورن (٣) منبسط شده سوار نظام اکتشافی خود را تا مارن گسیل داشت قشون چهارم که در فاصله بین موز و موزل واقع بود بوسیله سپاه چهارم بقشون‌سوم ملحق و متصل گردید این سپاه نظر بعدم مشارکت در حرکت دورانی قشون دوم به کمرسی (٤) ورود نمود

دوم — حرکت قشون شالون بجانب موز

٢٣—٢٨ اوت (طرح نمره ٤٥ و ٤٦)

مارشال دوماك ماهون تا موقعی که بجانب رمس حرکت مینمود باز خیال و اراده معاضدت با زن را از مخیله خارج نساخته و چون از متس اطلاعی باو نرسید با ملاحظه خستگی و بی نظمی حادثه از اولین راه پیمائی متدرجا متمایل بعقب نشینی بجانب پاریس

(١) Ornain (٢) Gondrecourt (٣) Mesnil-la-Horgne (٤) Commercy

گردید و با وجود وساطت و اقدامات رئیس مجلس سنارو هر (١) روز بیست و دوم مصمم حرکت بانجانب بود که تلگراف مورخه نوزدهم بازن واصل گردید خاتمه آن بشرح ذیل بود :

« من مترصدم که بسمت شمال عزیمت نموده و سپس از مونت مدی (٢) جاده سنت — منه‌هولد (٣) بشالون در صورتی که قویا تصاحب نشده باشد داخل در محاربه شوم و در صورت عکس از طریق سدان (٤) و حتی مزی از برای‌وصول‌بشالون اقدام کنم »

ماك ماهون با مشاهده این احوال خود را موظف بمساعدت بازن دانسته و بلافاصله حکم عزیمت بمونت مدی را صادر نمود و منظور خود را قشون متس قرار داد بخود متس و فرض نمود این قشون در حال حرکت بشمال غربی است

بناء علیه روز بیست و سوم قشون از ومس خارج شده و بجانب سویپ(٥)حرکت نمود در صورتی که لشکر مارگریت و لشکر بن من پهلوی راست او را محافظت می نمودند .

این حرکت معجل قشون در سمتی مخالف سمتیکه شب قبل منظور نظر بود وقت کافی جهت تهیه احتیاجات لازمه را نداده و چون از منطقه عبور مینمود که منابع آن بسیار ضعیف بود. مارشال مجبور شد روز بیست و چهارم سپاه های خود را بیشتر براه مزی ار (٦) لزدیك نماید روز بیست و پنجم قشون در حول محور سمت چپ خود دور زده و از رتل (٧) (سپاه پنجم و دوازدهم) تا ووزی ار (٨) (سپاه هفتم) بکنار ساحل لن (٩) تماس حاصل نماید و حال آنکه مارگریت متوجه لوشن پوپولو (١٠) شده بود

روز بیست و ششم حرکت بجانب سنت مدی تعقیب شد در این نوبه قشون در حول محور راست خود چرخ زد سپاه هفتم بر اثر اعزام لشکر بن‌من به رتل جهت تدارکات

(١) Rouher (٢) Montmédy (٣) Sainte-Menchould (٤) Sédan (٥) Suype (٦) Mezières (٧) Rethel (٨) Vouziers (٩) L'aine (١٠) Le chêne Popouloux

چون جناح راستش بدون حفاظ مانده بود یك تیپ جهت پهلو داری به گراند پره (۱) مامور نمود این تیپ در آنجا مصادف با سوار نظام آلمان شد رئیس آن قبل از آنکه در صدد شکافتن پرده سوار نظامیکه او را متوقف ساخته بود بر آید عقب نشینی نموده وبتصور اینکه قوای مافوقی او را تهدید میکند فرمانده سپاه خود را آگاه نمود او نیز بدون تجسس اطلاعات و اکتشافات بیشتری بسپاه خود امر داد در ارتفاعات شرقی ووزی‌از اشغال موضع نمایند مالکماهون بنوبه خود مطلع شده امر داد روز بیست و هفتم تمام قشون بطرف جناح راست خود متمرکز شود ولی در ضمن حرکت اطلاع صحیح حاصل کرد که خبر اشغال گراند پره عاری از حقیقت است و قشون بلاتامل عقب گرد نمود

بعلاوه روز بیست و هفتم حرکت ولیعهد بجانب شمال نیز تایید شد مالکماهون چون اطلاعی از بازن نتوانست تحصیل نماید و واهمه داشت ارتباطش نیز مقطوع شود با عقیده امپراطور موافقت نموده مصمم شد حرکت بمشرق را که موجب تلفات سنگین شده بود ترك گفته در شب ۲۷ به ۲۸ قشون را بجانب مزی‌ار عقب نشینی دهد

موفقیت روز ۲۸ اوت (طرح نمره ۴۶)

بمجرد آنکه حرکت شروع گردید احکام جدیدی‌صادر شد مبنی بر اعاده قوا به منت‌مدی این تغییر عقیده ناشی از تلگرافی بود که از شورای خصوصی واصل شده بود که : هرگاه بازن را ترك نمائید در پاریس انقلاب فراهم شده و دشمن با تمام قوا بشما حمله ور میشود مردم با اضطراب مفرطی متوجه شما میباشند » مارشال با یقین کامل باینکه در این وحله به استقبال زوال و نیستی خودمیرود قبول نمود متابعت میل‌حکومت رانموده و حرکت‌خودرا بجانب مشرق ادامه دهد

سپاه های بیچاره فرانسه که بر اثر راه پیمائی های متضاد لاینقطع خسته گردیده روحیه شان در نتیجه احساس تلون فرماندهی خراب شده بود و از مزاحمت های کثیره

[۱] Grandpré

سوار نظام پریشان شده بودند عصر روز بیست و هشتم بمحل های ذیل وارد گردیدند

سپاه پنجم بلوال (۱)

سپاه هفتم بولت — او - بوا (۲)

سپاه دوازدهم لابزاس (۳)

سپاه اول لوشن پوولو

سوم — حرکت قشونهای سوم و چهارم المان از بیست و سوم الی بیست و هشتم اوت

(طرح نمره ۴۵ - ۴۶)

نقشه تمرکز در دام ویلر (۴)

روز بیست و سوم اوت سپاه های سوم و چهارم‌حرکت خود را بجانب‌مغرب‌مداومت دادند قشون سوم یك منزل جلوتر رفت تا آنکه بتواند بجناح راست دشمن حمله نموده و او را بشمال پاریس عقب براند

دو قشون در یك جبهه ۸۰ کیلومتری پیشروی نمودند بنحویکه روز بیست و ششم بخط‌منهولد وویتری - لو - فرانسوا (۵) برسند

لیکن روز بیست و چهارم و بیست و پنجم مقالات و تلگراف جرائد ارکان حرب کبیر را از نقشه الحاق ماك ماهون به بازن مطلع ساختند و با آنکه این اخبار بنظر جعلی می آمدند ارکان حرب کبیر احتیاطات لازمه را برای تمرکز دادن قشون چهارم و دو سپاه باوبری بسمت دام ویلر در تاریخ بیست و هشتم پیش بینی نمود تا آنکه راه را بروی‌قشون شالون بکمك دو سپاه از قوای مامور جهت محاصره متس قطع نماید

تغییر سمت حرکت قشونهای المان

لهذا قشون چهارم و دو سپاه باوبری مامور شدند روز بیست و ششم بجانب شمال

(۱) Belval (۲) Bult-au-Bois (۳) La Besace (٤) Demvillers
(۵) Vitry-le-François

یك تغییر سمت داده و تتمه قشون سوم حرکت خود را بجانب مغرب ادامه دهد

روز بیست و ششم ولیعهد ساکسون تمام سوار خود را صبحگاه بجلو اعزام داشت و قشون را به وارن — دومبال — فلوری (۱) بحرکت در آورد در حالیکه در سپا باویری بین لر (۲) ووز در تعقیب آن درگیر شده و قشون سوم در سمت راست آن متمرکز گردید

روز بیست و هفتم که از وجود قشون فرانسه در ووزی اوروگراند پره اطلاع حاصل شد قشون سوم بنوبه خود حرکت بجانب شمال را شروع نموده و متوجه سنت منه هولد گردید

ائین جنك روز بیست و هشتم اوت

بطی حرکت قشون فرانسه ملتکه را امیدوار نمود که میتواند قشون مز بور را در ساحل چپ موز بجنك آورد بهمچنین با انصراف از نقسه تمرکز خود در سمت دام وبلر روز بیست و هشتم احکام را بنحوی صادر نمود که سپاه های هر دو قشون بتوانند شرکت در نبرد عمومی بنمایند که در نظر داشت آنرا در نواحی جنوبی سد ان معمول دارد

برای روز بیست و هشتم هدف های ذیل را معین نمود

جهت گارد : بوزانسی (۳) برای سپاه چهارم : بانته ویل (٤) برای سپاه دوازدهم نوآر (٥) برای سپاه اول و دوم باویری : گراند پره برای تتمه قشون سوم : خط سشو - سومپوی (٦)

چهارم - تعرض عمومی قشونهای المان

عقب نشینی قشون فرانسه

(۱) Varennes Dombale-Fleury (۲) L'aire (۳) Buzancy (٤) Banthe ville (٥) Nouart (٦) Séchaut- Sommepuy

نوآر (۲۹ اوت) بومون (۱) (۳۰ اوت)

طرح نمره ٤٧ و ٤٨

رزم نوآر (۲۹ اوت) (طرح نمره ٤٧)

طبق اوامر مارشال ماك ماهون بایستی روز بیست و نهم سپاه های قشون او بنقاط ذیل رهسپار شوند :

سپاه پنجم به بومون

سپاه هفتم به لابوزاس

سپاه دوازدهم به موزن (۲)

سپاه اول به روکور (۳)

سپاه اول و دوازدهم که نسبت بدشمن دورتر بودند بدون اشکال حرکت خود را باتمام رسانیدند لیکن سپاه هفتم نظر بمزاحمت سوار نظام گارد ساعت هفت عصر بزحمت وارد اوش (٤) شد و چون نمیتوانست جلوتر برود شب را همانجا بگذرانید اما لشکر پنجم که حکم مربوط باو بدست دشمن افتاده بود حرکت خود را به ستن آی (٥) در دو ستون مداومت داد ستون راست در نوآر بسپاه دوازدهم مصادف گردید و پس از یك رزم مطولی که به امر ولیعهد ساکسون قطع گردید سپاه پنجم ساعت یك صبح به بومون رسیده و باوجود نزدیکی دشمن بدون تفکر در استحفاظ خود در مقابل جنگل دیوله (٦) در آنجا مستقر شد

آلمانها به تمرکز خود خاتمه دادند قشون چهارم آنها در جبهه بوزانسی - نوآر - ستن آی واصل و قشون سوم به گراند پره ورود نمود

روز سی ام احکام تعرض عمومی صادر گردید قشون چهارم و دو سپاه باویری مامور بومون و قشون سوم مامور لوشن (۷) شدند تا آنکه رجعت قوای فرانسه را قطع نماید

(۱) Baumont (۲) Mouzon (۳) Raucourt (٤) Oches (٥) Stenay (٦) Dieuler (۷) Le chêne

رزم بومون (٣٠ اوت) (طرح نمره ٤٨)

مارشال ماك ماهون انتظار داشت روز سی‌ام را صرف عبور دادن قوای خود از موز بنماید سپاه دوازدهم ولشکر مارگریت بساحل راست وارد شدند سپاه اول بدون تصدیع به رمیلی (١) رفت

لیکن دو سپاه سمت راست گرفتار ستون های آلمان شدند

سپاه هفتم که دوچار ستون طویل بنه بود ساعت ده صبح موفق شد ازاوش حرکت کند ژنرال دوای (٢) بجهت تسریع در عبور آنرا بسه ستون تقسیم نمود : ستون اول باید به موزون و دو ستون دیگر به رمیلی بروند این دو ستون اخیر با وجود مزاحمت سوار نظام آلمان به رمیلی رسیدند یکی در آنجا از موز عبور نمود و دیگری از ساحل چپ بمیدان رسید ستون سوم چون در خط سیر خود اشتباهی نموده در حواشی جنگل دیوله به سپاه اول باویلری مصادف گردید این قسمت دوچار تفرقه گردیده به روکور متواری شد ودرویلر (٣) از موز عبور نمود

اما سپاه پنجم با چنان وضع پریشانی به بومون رسید که هیچ نوع شرایط تامین را نتوانست رعایت نماید و ژنرال دوفایلی (٤) با وجود اصرار کثیر مارشال بزحمت موفق شد موقع حرکت را ساعت یك بعد از ظهر معین نماید : ساعت دوازده و نیم توپخانه سپاه چهارم از جنگل دیوله غفلةً آتش خود را از هزار مطری بروی اردوهای فرانسه باز نمود اثرات غفلت گیری بحد کمال رسید : معذلك لشکر ها خود را جمع آوری نموده و مانع پیشرفت جلو دار های آلمان شدند لیکن ژنرال دوفایلی امر به عقب نشینی داد سپاه پنجم تحت فشار نزدیك سپاه های چهارم و دوازدهم آلمان قدم بقدم در یك رشته مواضع دفاع عقب نشینی اختیار و به موزون رسید در آنجا از موز عبور نمود در حالتیکه یك قسمت توپخانه خود را باقی گذارد

(١) Remilly (٢) Douay (٣) Villers (٤) de Failly

وقایع روز سی‌ویکم اوت (طرح نمره ٤٩)

باین منوال عصر روز سی‌ام قشون شالون جمعاً بساحل راست موز عبور نمود ولی روحاً و ماداً بکلی فرسوده شده بود

مارشال دوماك ماهون بالاخره از حرکت بمشرق منصرف شد ولی بجای آنکه معجلا به مزی ار رفته و پل های موز را خراب نماید قناعت کرد قشون خود را در یك فضای تنکی در شمال سدان تمرکز دهد

سپاه اول از دوزی (١) و ازکاربنیان (٢) گذشته و در ساحل راست ژیوون (٣) بر قرار شد

سپاه هفتم فضای بین فلوان (٤) وایلی (٥) را تصاحب نمود

سپاه دوازدهم که بعد از سابرین رسیده بود در بالان (٦) و بازای (٧) اشغال موضع کرد

بالاخره سپاه پنجم که قادر باجرای یك اقدام جدی نبود در ویوکامپ (٨) بعنوان احتیاط باقی ماند

باین منوال قشون فرانسه بسختی دریك فلات مثلثی شکل بین موز - ژیوون وجویبار فلوان (٩) مجتمع شده بود و در اطراف نزدیك محصور بود از جنگل آردن (١٠) که جز یك مخرج بیش نداشت یعنی تنگه فالیزت (١١) که مارشال ماك ماهون بنابرتقدیر غفلت نموده و حتی فکر قطع آنرا نیز ننموده بود

آلمانها تعرضی راکه در بومون شروع نموده بودند تعقیب کردند :

قشون چهارم به دوزی و کاربنیان حرکت نمود و چون مانعی در مقابل حرکت خود نیافت متوجه مغرب شده و هر نوع مخرجی را بروی قشون فرانسه مسدود نمود

از قشون سوم سه سپاه خط اول به موز رسیدند :

در فلیز (١٢) (لشکر ورر تمبرگی)

(١) Douzy (٢) Carignan (٣) Givonne (٤) Floing (٥) Illy (٦) Balan (٧) Bazeilles (٨) Vieux-Camp (٩) Floing (١٠) Ardennes (١١) Falizette (١٢) Flize

دون شری (۱) سپاه یازدهم

رمیلی (سپاه اول باویری)

و در آنجا پل هائی بروی رودخـانه انداختند در عقب سپاه دوم باو یری و سپاه پنجم در رو کور و شهری(۲) بعنوان احتیاط باقی ماندند سپاه ششم در آتینئی (۳) مترصد بطرف مغرب بود

لذا ولیعهد پروس در جنوب سدان آماده بود گلیه تعرضات را عقب رانده یا برای تکمیل فشار و در مضیقه گذاشتن قوای فرانسه از موز عبور نماید

۵ — نبرد سدان (اول سپتامبر

(طرح نمره ۵۰)

موضوع قشون فرانسه

بنحویکه فوقا اشاره شد صبح اول سپتامبر سپاه هفتم به شیبهای مسیل فلوان ازفلوان تا ایلی رسیده بود

سپاه های اول و دوازدهم به مسیل ژیوون رسیدند اما سپاه پنجم کـه هنوز تحت تاثیر انقلاب شب گذشته بود بلا فاصله در شمال شرقی میدان شهر تشکیل احتیاط قوارا داد

شب قبل یك لشکر از سپاه سیزدهم (ژنرال وینوی (۴)) که از پاریس آمده‌بود به مزی ار وارد شد لیکن مارشال ماك ماهون آنرا مورد استفاده قرار نداده فقط باو اطلاع داد منتظر دستور بعد باشد

باوجود عمق زیاد مسیل و صعوبت شیبها مسلم بود که قشون شالون باوضعیت کنونی مانند قلعه بزرگی در محاصره واقع شده و نزدیکترین جاده های آن بشهر بوسیله آتشبارهای دشمن از ساحل چپ مورد خطر واقع بودند

(۱) Donchéry (۲) Chéhéry (۳) Attigny (۴) Vinoy

احکامیکه جهت حرکت قشونهای المان دراول سپتامبر صدور یافت

فرماندهان دو قشون منظور کلی مارشال ملتکه را بطریق ذیل تفسیر نمودند :

اول — قشون سوم « ولیعهد پروس »

۱ — سپاه های پنجم و یازدهم طلوع صبح اول سپتامبر باید حرکت کرده و به ورینی — او — بوا « ۱ » بروند لشکر وور تمبرگی پس از عبور از موز در دوم — لومنیل « ۲ » باید حاضر و آماده باشد که یا بر علیه مزی ار عمل نموده یا آنکه احتیاط کل را تشکیل دهد

۲ — سپاه دوم باویری سمت بسدان در جنوب بین فرنوا «۳» و وادلن کور«۴» استقرار یابد

۳ — سپاه اول باویری از رمیلی به بازای حمله نماید

دوم — قشون چهارم « ولیعهد ساکسون »

گارد باید به‌ویلر — سرنی « ۵ » برود

سپاه دوازدهم به مونسل حمله نماید «۶»

درصورتی که سپاه چهارم با توپخانه و بایك لشکر خود سپاه اول باویری را کمك و همراهی نماید و لشکر دیگرش تشکل احتیاط کل را بین موزوشیر« ۷ » بدهد

مرحله اول نبرد

تعرض آلمانها بژیون

ساعت چهار صبح در ضمن یك مه غلیظی سپاه اول باویری از موز عبور نمـوده و موفق آمد تا بازای پیشروی نماید و با پیاده نظام بحری داخل در نزاع شدیدی در قریه شد ولی با تانی پیشرفت میکرد و مجبور بود خانه ها را یکایك تصرف نماید

بمحض آنکه مه شروع نمود متفرق‌شود آتشبار های باویری آتش‌را از ارتفاعات

(۱) Vrigne aux-Bois (۲) Dom le Mesnil(۳) Frenois(۴)Wadelincourt (۵) Villers-Cerny (۶) Moncelle (۷) Chiers

ساحل چپ بروی قوای فرانسه در شمال بازای « ساعت شش » بگشودند

قوای جلودار لشگر بیست و چهارم ساکسون قریب ساعت شش بدون مقاومت شدیداز طرف فرانسه مونسل را تصرف نمود

فرماندهی به ژنرال دوکرو برگذار شد

در اولین خبر حمله باویری ها مارشال ماك ماهون به بازای برفت و نزدیك مونسل با قطعات گلوله توپ مجروح شده و میدان نبرد را ترك و فرماندهی را به ژنرال دو کرو برگذار نمود

ساعت هفت و سی دقیقه فرمانده سپاه اول از این مطلب اطلاع حاصل نمود

چون حادثه سوئی را پیشاپیش احساس نمود بلاتامل امر داد قوا به فلات ایلی عقب نشستند و از آنجا به مزی‌ار بروند

فرماندهی برگذار به ژنرال ویمپفن « ۱ » شد

بمجرد اینکه حرکت قوا شروع شد ویمپفن مراسله رسمی ارائه داد کـه فرماندهی عالی در صورت کسالت مارشال دوماك ماهون باو واگذار میشد

چون فرمانده جدید بقدر کفایت در جریان وضعیت عمومـی نبود و هنوز تاثیر نقشه هائیکه ژنرال پالی کائو در پاریس باو تلقین نموده باقی بود امر داد مجددا اقدام بحمله و تعرض بشود تا اینکه جاده کارینیان را مفتوح نمایند

باین قرار در ظرف سه ساعت فرماندهی سه مرتبه دست بدست گردید و هررئیس یك نقشه مخصوصی داشت « مقایسه شود باو حـدث آئین جنگی فرماندهـان آلمان در فورباخ »

هرگاه یك نظر معطوف نقشه عملیات بنمائیم می بینیم که این حرکت ژنرال ویمپفن بهیچوجه آثار موفقیتی ندارد و بفرض اینکه فرض محال نباشد و موفق میشدند به باز کردن راهی بجانب مشرق چون خط ارتباطیه قشون از عقب مقطوع بود فاقد آذوقه ومهمات مانده و قوائی بیش از دوبرابر او را تعقیب مینمود

---

(۱) Wimpffne

لذا قشون فرانسه را باید پس‌از این لحظه از میان رفته فرض نمود زیرا بامحصور بودن در دو جناح فقط از لحاظ حفظ حیثیات خود میجنگید

مرحله دوم (محاصره از ساعت نه تا ظهر)

محاصره جبهه شرقی

اجرای حرکت تعرضی بنا بر امر ژنرال ویمپفن شروع و باویری ها را از بازای عقب راندند ولی بزودی برای آلمانها از هر طرف کمك رسید

پیاده بحری که در بازای با جسارت فوق‌العاده می جنگید از جانب چپ در معرض محاصره واقع شد

پیاده نظام بحری که در بازای با جسارت فوق العاده تحت فرماندهی ژنرال واسوان (۱) می جنگید (۲) چون از جانب چپ خود در معرض محاصره بود مجبور شد به‌فوند ـ دو ــ ژیوون (۳) باز گردد لذا تعرض قوای فرانسه منجر بعدم موفقیت شد

لشگر هشتم از سپاه چهارم که لشگر اول باویری و سپاه دوازدهم ساکسون‌را تقویت مینمود مونسل و دنیی (٤) را تصاحب نمود در حالتیکه سپاه گارد که در شمال‌ساکسونها بانتظار کمك کردن در سمت فلنیو (٥) در گیر شده بود به وسیله آتش شدید توپخانه خود چنان آسیب به سپاه اول فرانسه وارد آورد که توپخانه آن بزحمت زیاد موفق شد جواب بدهد (٦)

در این ضمن باویری‌ها بر اثر مشاهده مقاومت شدید در بازای متغیر شده آبادی‌را آتش زدند و مرتکب اعمال ناهنجاری گردیدند

لذا ظهر همان روز خطی‌که در مشرق درتصرف آلمانها بود از ژیوون‌تابالان (۷)

---

(۱) Vassoigne (۲) خانه‌معروف به‌آخرین فشنگ des dernièeres cartouches که یاور لامبرك‌مقاومت مدحشی درمقابل‌باویریها نمود (۳) Fond-de-Givonne نزدیك بازای واقع است (٤) Daigny (٥) Flaigneux (٦) این توپخانه گارد برای اینکه بتواند موقع مناسب در نبرد شرکت نماید پانزده کیلومتر مجبور شد یورتمه ازکارینیان تا ویلر سرنی‌حرکت کند بجهت‌اشغال موقع آن افراد پیاده و هوسارهای پیاده را وادار نمودند چرخهای عرابه‌ها رازوربدهند (۷) Balan

یعنی دروازه های سدان ممتد بود و از دنبی و مونسل میگذشت

محاصره جبهه شمال غربی

هنگامی که در قسمت جنوب در ساحل چپ موز سپاه دوم باویری وارد خط جبهه شده وتمام توپخانه خود را بین فرنوا و وادلن کور بکسترانید جریان وضعیت قوای فرانسه درمغرب نیز صورت خوشی نداشت

سپاه پنجم و یازدهم ساعت هفت و سی دقیقه از ولیعهد حکمی دریافت نمودند که از سن مانژ (۱) حمله بمواضع فلوان وایلی بنمایند فرمانده قشون سوم چـون عدم حرکت سمت راست قوای فرانسه را مشاهده کرد تصمیم نمود که آن را محصور سازد

سپاه یازدهم بلافاصله معبر فالیزت(۲) را تصرف نمود جلو داران بسن مانژرسیده آنجا را بدون منازعه تصرف کردند آتشبار های اول که در شمال فلوان بر قرار شدند از آتش فرانسه ها صدمه بسیار کشیدند لیکن بین ساعت ده و یازده کلیه توپخانه سپاه یازدهم نبرد را تجدید نمودند این خط بزودی بوسیله توپخانه سپاه پنجم روی پشته درجنوب فلنیو«۳» تقویت شد

پیاده نظام سپاه یازدهم متدرجا برای محافظت این خط طویل توپخانه خود آرائی کرد پیاده بطرف فلنیو امتداد پیدا نموده و متصل شد به سوار نظام گارد و عمل محاصـره باین منوال بحدکمال رسید

مرحله سوم — حمله عمومی آلمانها

از یك ساعت بعد از ظهر موقعیت قشون فرانسه بیشتر خطر ناك بود

سپاه هفتم که از آتش ۱۵۶ عراده توپ مضمحل گردیده و جناح راستش تهدید شده بود در مغرب اجبارا موضع مهم ایلی را تخلیه و به سپاه یازدهم بر گذار کرد

پیاده نظام دشمن در جناح چپ رأس تپه فلوان ظـاهر گردید بجهت عقب راندن آنها ژنرال دوکرو سوار نظام ژنرال مارگریت را احضار نمود و بمجرد اینکه ژنرال مارگریت جهت شناسائی زمین بجلو آمد بطور مهلك مجروح شد ولی هنوز قادر بود که

(۱) Saint-Menges (۲) Falizettes (۳) Fleigneux

با اشاره سمت دشمن را به شاسور های افریقائی خود نشان دهد .

ژنرال گالیفه «۱» بفوریت جایگیر ان شد و بهادران ها بجلو حمله ور شدندحملات متوالیه که در زمین غیر مساعدی اجرا شد خط اول دشمن را چنان از هم گسیخت که مورد تقدیر ویلهلم پادشاه پروس کـه در ارتفاعات مارفه (۲) ایستاده و این نمـایش باشکوه را مشاهده مینمود واقع گردید ولی موفق به شکستن خط دوم نشده شکست خورد در ظرف چند دقیقه از لشکر مارگریت ۸۰۰ نفر افراد و ۸۰ نفر صاحبمنصب تلفات داده شد .

در طول این مدت حلقه اهنین تنك تر میشد ۴۲۶ توپ المانی « ۲۱ آتشبار » آتش خود را بیك فضای مختصری که قشون فرانسه بدانجا ملتجی شده بود متوجه نمودند

در مشرق سپاه گارد پس از تیراندازی مدهشی جنگل گارن را از دست بقایای لشکر های مختلف فرانسه که در آنجا پناه برده بودند بگرفت

از جانب بالان ژنرال ویمپفن اصرار داشت خط دشمن را بشکافد در دو وهله کلیهٔ قوائیراکه توانست جمع اوری نماید باین سمت بفرستاد باویری هـا برگشته و تابازای عقب نشستند بالان تماما بدست قشون فرانسه در امد لیکن اتش توپخانه المان مجددا باشدت تمام شروع شد و جلوی قوای فرانسه را بطور قطع بگرفت

معاهده

قشون فرانسه از هر طرف هزیمت نموده با بی نظمی کامل بجانب میدان سدان که متجاوز از ۵۰۰ لوله توپ تیر خود را بدانجا میفرستادند متواری شد

امپراطور جهة خـاتمه دادن باین قتل عام در ساعت پنج امر داد بیرقهای سفید را بر فراز ارك شهر بر افراختند و ژنرال ویمپفن از طرف امپراطور مامور شد باقوای فاتح داخل مذاکرات بشود

(۱) Galiffet (۲) Marfée

معاهده روز بعد دوم سپتامبر در ساعت یازده بامضا رسید :

تمام قشون بعنوان اسارت جنگی به آلمان منتقل شد ولی چند روزی بانتظار در شبه جزیرهٔ ایز (۱) (اردوی بدبختی) بدون حرکت با تحمل انواع مصائب و حرمان گذرانیدند .

طبق معاهده هشتاد و سه هزار نفر نظامی متجاوز از پانصد توپ و یك غنیمت هنگفتی نصیب دشمن گردید و در ضمن نبرد نیز فرانسه ها هفده هزار نفر تلفات با بیست و یك هزار اسیر دادند در صورتی که ضایعات آلمان ها از نه هزار نفرتجاوز نمی نمود .

نتیجه عملیات

قشون شالون

فتح مشعشع پروس فوق انتظار و پیش‌بینی مارشال ملتکه بود این فتح ثمره افکار او ابتکار و تهور رؤسای مادون و موافقت آن ها در میدان نبرد بوده است و از لحاظ تاکتیك این فتح بخصوص مدیون استعمال تودکثیر توپخانه در موقع مناسب میباشد که تاآن موقع نظیرش دیده نشده بود

اشتباهاتیکه قشون فرانسه مرتکب شد بسیار عدیده است :

بدون هیچ احتیاط وارد در مهلکه پر خطری شده و کور کورانه بپرتگاه هلاکت روانه شده با بی تصمیمی کامل با نهایت بطی و با کمترین حفاظ ممکنه راه پیمائی مینمودند پس از هفت روز بلاتکلیفی با نهایت بیچارگی در یك قفس حقیقی خود را گرفتارساختند بدون آنکه بتوانند به قسمتیکه برای او فداکاری مینمودند ملحق شود

یك سرباز قانونی که فرماندهی قوای مزبور را عهده دار بود بیهوده زیر بارایرادات

(1) Iges

رفته و در دو مرحله قبول کرد حرکتی که شروع شده است لغو نماید و حال آنکه بعذردلایل سیاسی و سلطنتی نمیتوان انتظار فتح و ظفر را داشت

بدبختی قشون شالون در درجه اول مربوط است به فقدان مدیریت واحد و ارادهٔ ثابت

بهمان منوال که در قشون برونسویك (۱) در ۱۸۰۶ وقت را به مشورت می گذرانیدند هر کس اظهار عقیده نموده و بعد آن را تحمیل میکرد : منجمله امپراطور هیئت وزراء و حتی ژنرال ترشو . فرمانده کل که تحت تاثیرات مختلفه قرار داشت متوالیا آن ها را تحمل و اجرای می نمود بالاخره موقعی که قشون فرانسه در بلا تکلیفی‌ومشورت اتلاف وقت میکرد قشون های آلمان حرکت میکردند و هر ساعت قشون فرانسه یك قدم بجانب زوال نزدیکتر میشد

علاوه بر اشتباهات ناشیه از فرضیات و تصمیم فرماندهی اشتباهات دیگر نیز مشاهده‌شده‌است که مربوط بعملیات میباشند :

نمیدانستند چگونه راه پیمائی نموده و خود را مخفی بدارند

حرکت با بی نظمی اجری می شد ستون ها با یکدیگر تقاطع میکردند قسمتهادر زیر باران و سرما انتظار میکشیدند ظهور یك عده قلیل سوار نظام جلوی یك سپاه تمام را می گرفت

باین منوال سرباز عصبانی شده و اعتماد خود را نسبت به رؤسا از دست میداد معذالك قسمت های قابل تمجید که بوسیله راه پیمائی های موافق و مخالف نبودن آذوقه و گذرانیدن شب ها در اردو گاه زیر باران خسته شده و روحیه خود را باخته بودند مجددا برای نبرد قدرت و قوت‌قلب فوق‌العاده تحصیل‌میکردند . آیا با چنین سربازان‌شجاعی چه میتوان کرد

بمحض آنکه در گیر محاربه میشدند عدم وجودمرام مشترك کاملا ملحوظ میگردید

سه فرماندهی کل در ظرف کمتر از سه ساعت تعقیب یکدیگر عوض شدند

(1) Brunsvick

فرمانده اول مقاومت منفی را منظور خود نموده بود

دومی جدیت در عقب نشینی بجانب شمال داشت

سومی میخواست جادهٔ بجانب مشرق تهیه‌نماید و بر اثر جهالت غیر قابل عفوی اضمحلال قشون را بپایان رسانید

بالعکس سه ژنرال آلمانی که بنوبه هدایت نبرد فورباخ را عهده دار شدند از جریان وضعیت و حوادث واقعه اطلاع کافی حاصل کرده و جدیت مینمودند همان راهی را که متقدمین آنها پیش گرفته بودند تعقیب کنند

این مفهوم حقیقی انضباط اتحاد فکر و عمل است و بالاخره این طریق نیل بفتح و ظفر می باشد

لذا هیچگاه نباید فراموش کرد که انصراف و فداکاری از افکار شخصی که گاهگاهی دشوار تر از فداکردن جان است وظیفهٔ است حتمی که حتی شرافت صاحبمنصب را نسبت بکلیه مدارج نظامی تضمین مینماید

حادثه و مصائبیکه بقشون نازل شد منجر باضمحلال رژیم امپراطوری در چهارم سپتامبر نیز گردید این بود مکافات عدم پیش بینی و تهیه جنك و قبول تجاوز امور سیاسی در جریان نظامی و جنك فرانسه دیگر قشونی نداشت که جلوگیری از تجاوز دشمن نماید لذا راه پاریس برای استیلای فاتحانه آلمان باز بود تاریخ فرانسه هیچ زمانی چنین تاریك نبوده و هیچگاه حیات آن دوچار چنین تهدیدی نبوده است معذلك سدان اولین منزل دوره هلاکت و اولین خفقان احتضار طویل آن محسوب میشود

محاصره متس

(طرح نمره ۵۱۰)

در ضمن این حوادث محاصره متس در یك محیط ۴۵ کیلومتری تحت امر پرنس فریدریش کارل شروع گردید این محاصره را ممکن بود از ابتدا در هم شکنند لیکن بازن بدون تشبث باقدامی در جای خود ساکت بماند

ضمنا از لحاظ فشار افکار عمومی خود را مجبور دید تظاهر خارج شدن را بنماید و حال آنکه مصمم نبود این نیت را بانتها برساند

تشبثاتی که از طریق نواس‌ویل (۱) در تاریخ ۲۸ اوت و اول سپتامبر نمود نیز بهمین منظور بوده است

در تاریخ اخیر قشون متس فقط عبارت شده بود از ساخلوی میدان مستحکم بزرگی و چون آذوقه در شهر محدود بود لذا بخوبی تسلیم قوا و عقد معاهده را در فاصله مدت کمی میشد پیش بینی نمایند

همینکه بازن واقعه سدان و انقلاب چهارم سپتامبر را شنید بجای آنکه کوشش فوق‌العاده در استخلاص قوای خود ابراز نماید اعلام داشت منتظر وصول احکام از دولت جدید میباشد و ضمنا بوساطت یك حادثه جوی مظنونی باسم رنیه (۲) قبلا داخل مذاکره با قرارگاه عمومی پروسیها سپس با پادشاه پروس در ورسای (۳) و ملکه اوژنی در انگلستان گردید در مدتی که ملعبه دشمن شده بود اجازه هیچ نوع عملیاتی جز اقدامات مختصری برای تهیه تدارکات جهت اردوگاه بوسیله مصادره نمیداد

و رزم های مختصری که در لادون شام (۴) (۲۶ سپتامبر و هفتم اکتبر) در پلتر (۵) (۲۷ سپتامبر) با حرارت و شدت قابل ملاحظه بوسیله قوای خسته از بیکاری ابراز میشد از این قرار میباشند

معاهده (۲۷ اکتبر)

قریب خاتمه اکتبر آذوقه بانتها رسیده بود مذاکراتی از طرف مارشال بازن جهت تعیین شرایط معاهده مفتوح شد این معاهده روز ۲۷ بسته شد و روز بعد تصحیح گردید و روز ۲۹ بموقع اجراگذارده شد

طبق مقررات معاهده شهر متس با یکصد و پنجاه هزار نفر قوا با ۵۳ بیرق متجاوز

---

(۱) Noisseville (۲) Régnier (۳) Versailles (۴) Ladonchamps (۵) Peltre

از ۱۴۰۰ توپ و ۲۰۰۰۰۰ تفنك بدشمن (۱) بر گذار شد مارشال بازن که کلیه وظایف خود را فراموش کرده بود نه اسلحه را از استفاده ساقط و نه بیرقهائی را که طبق معاهده مجبور بود به دشمن تسلیم نماید پاره کرد صاحبمنصبانیکه تعهد کردند در مدت جنك خدمت ننمایند بقید قول شرافت مرخص شدند (۲)

این نتایج با عنعنه و رسومات قشون فرانسه مطابقت نمی نمود تقریبا تمام صاحبمنصبان شرافتمندانه مقدرات افراد خود را قبول کرده و از امتیازی که نسبت بان ها منظور میشد صرف نظر نمودند و راه آلمان را پیش گرفته آنجا سکونت یافتند

مارشال بازن امضا کننده این معاهده از قبول احترامات جنگی که دشمن فاتح بر او عرضه میداشت امتناع ورزید

دهم دسامبر ۱۸۷۳ يك ديوان حرب (۳) اجرای عدالت نموده و مارشال بازن را بعلت خیانت برعلیه شرافت و وظایف نظامی محکوم بخلع درجات نظامی و اعدام نمود

(۱) که جمعیت او کلا از دویست هزار نفر تجاوز نمیکرد (۲) این است اصل حقیقی امضا کردن بدبختی و سیه روز گاری خود (۲) در تریانون Trianon منعقد شده وبریاست ژنرال دوك دومال Duc d'Aumale فرمانده لشکر برقرار گردید

فصل دوم

دفاع ملی

اول — تشکیلات دفاعی

دوم — محاصره پاریس

سوم — مجادلات در ایالات

قشون لوار (۱)

قشون شمال

قشون مشرق

چهارم — معاهده فرانکفورت

پنجم — نتیجه جنك ۱۸۷۰

اول — تشکیلات دفاعی

قسمت اول باحادثه سدان خاتمه پذیرفت : از دو قشون فرانسه یکی در متس محصور بود که بحساب نمی آید و دیگری قشون شالون است که مضمحل و نابود گردید فرانسه دیگر جز پنج فوج پیاده باشش فوج سوار و ده آتشبار دیگر قوه مرتبی نداشت

معذلك مملكت فرانسه اذعان بشکست خود نمینمود وطن پرستان متهور با شدت حرارت در صدد تهییج قلوب عامه بر آمده و با استفاده از مجموع قوای حیه ملی قشونهای جدیدی تاسیس نمودند تا از دشمن مخوفی که قشونهای منظم نتوانستند پنج هفته مقابله نمایند پنج ماه تمام جلوگیری کردند و هر چند فقط موفق شدند مقدرات شوم را قدری بتاخیر اندازد ولی این منازعه که جهت حفظ شرافت و افتخار بود صفحه برصفحات پر افتخار تاریخ فرانسه بیافزود و آن را مورد احترام و تقدیر تمام عالم ساخت

(۱) Loire

حکومت دفاع ملی

حکومت امپراطوری تواما با معاهده سدان منقرض گردید : روز چهارم سپتامبر بدون سانحه وتقریبا بدون اخطار رسمی جمهوری برقرار گردید و یك حکومت موقتی که باسم حکومت دفاع ملی مشهور شد تحت ریاست ژنرال تروشو اعلام شده و وظیفه سنگین ادامه جنك را بعهده گرفت

ولی با ارتکاب یك اشتباه عظیمی خود را در پاریس محصور ساخته وآخرین منابع امدادیه نظامی فرانسه را در انجا نا پدید نمودند حکومت مجبور شد تشکیلات قشون جدیدی را بعهده هیئتی از نمایندگان برگذار نمایند این هیئت مرکب از نمایندگان شهر تور (۱) تشکیل شده بود از گامبتا (۲) و فری سینه (۳) که یکی روح و دیگری مغز بود

گامبتا دفعتا واحد اداره وزارت داخله و وزارت جنك را بعهده گرفت ولی درحقیقت امورات نظامی را به نماینده جنك موسیو در فریسینه مهندس معادن واگذار نمود او نیزباتکاء استعداد نیرومند کار خود توانست قشون های جدید فرانسه را با یك حدت حیرت انگیزی تشکیل داده و بکار اندازد

وضعیت فرانسه در دهم اکتبر

موقعیت فرانسه در این تاریخ مشکلتر از ۱۷۹۲ بود

از طرفی تمام گارد قشون منظم در حادثه سدان از بین رفته و یا در متس محصور بودند

از طرف دیگر سر و کار فرانسه با قشون برونسویك نبود بلکه با قوای کثیری بود که با نهایت‌اقتدار هدایت میشد و تشکیلاتشان بحد کمال‌رسیده، با فتوحات پی در پی تهیج و قلب‌فرانسه را نیز در تصرف داشتند

قوائی که برای فرانسه باقی مانده عبارت بود از هیجده‌هزار سرباز تحت السلاح پیاده‌نظام

(۱) Tours (۲) Gambetta (۳) Freycinet

و سوار نظام هر دو یك اندازه بودند ده آتشبار شش توپهٔ در فرانسه و در الجزایر چند صد نفری هم مهندس

در احتیاط ۵۰ هزار سرباز قدیمی ۱۰۰ هزار جدید ۱۸۷۰

از نقطه نظر مهمات و اسلحه ۶۰ عراده توپ ۴۸۰ هزار تفنك‌از نمونه‌های مختلف و دو ملیون فشنك

با این شرایط تهیه قشون عملی بود فوق قدرت و در عین حال گامبتا و فریسینه با نهایت قوت قلب مشغول تنظیم آن بودند

تجدید تشکیلات قشون

۱ — ادارات

قبل از تشکیل واحد ها لازم بود قبلا ادارات مختلفه را که وجود خارجی نداشتند ترتیب دهند

تشکیل این ادارات نظر بفقدان متخصصین « تمام در پاریس محصور بودند » بعهده اشخاص مهمی از شرکت های راه آهن محول شد زیرا هم آشنائی در اداره امورات معضله داشته و هم انضباطی قرین انضباط نظامی بودند

ادارات نقشه برداری — اطلاعات — تفتیش — حمل و نقل — کمیته مطالعه وسائل دفاع — مدیریت پیاده و سوار نظام مدیریت توپخانه — مدیریت مهندسی — اداره مباشرت — اداره صحیه هر یك متمایزاز دیگری (در صورتیکه این دو اداره اخیر سابقا ضمیمه یکدیگربودند) بهمین منوال تشکیل گردیدند فریسینه فرماندهی پنج ناحیه را تشکیل داد و در ایالاتی که مورد تهدید دشمن بودند کمیته هائی با پنج عضو برای هدایت دفاع ملی تشکیل نمود

۲ — قسمتها

گامبتا بعدا به تجدید تشکیل قوا پرداخت جمیع افراد ذکور از ۲۱ الی ۴۰ ساله بجهت حمل سلاح دعوت شدند این افراد بنام تجهیز شدگان (les mobilisé) معروف شدند و عده آنها به ۱۸۰ هزار نفر بالغ گردید عده مشمولین ۱۸۷۰ بعلاوه داوطلبان

به ۱۷۰ هزار نفر تجاوز نمود که تشکیل گارد ملی سیار را نمودند ولی متاسفانه بهترین عناصر آن به پاریس رفته بود و فقط موفق بجمع آوری ۱۵۰۰۰ نفر گارد سیار شدند

در هر جا دستجات تیر اندازان آزاد قریب سی هزار نفر جمع آوری شدند و يك كمك بسیار موثر از قوای بحری (توپخانه و پیاده) نیز واصل گردید

برای تهیه کادر این قوا فریسینه از بین طبقات قشون بوسیله ترفیع رتبه عدهٔ تهیه و اجازه داد از گارد سیار هم صاحبمنصبانی انتخاب نمایند و ضمنا درجات ممتازه را باشخاصی میدادند که از فامیل های محترم یا هیئت های سیاسی و صاحبمنصبان بحری یا خارج صف و اجنبی بودند بالاخره برای صرفه جوئی در کادر عده نفرات گروهان را مضاعف نمود

بجهت تسلیح این قوا کمیسیونی مامور شد در تمام بازار های عالم تفنك جمع اوری و خریداری کند کلنل توماس توپهای ته پر رفی (۱) را اختراع و تهیه نمود کارخانجات شروع بساختمان فشنك و چاشنی نمودند که تا آن زمان وجود نداشت

قسمتهای عمده سربها برای تجهیزات عمومی حاضر شدند :

از احتیاط پیاده نظام ۲۰۸ گردان تشکیل شد (هر سه گردان يك فوج) بعلاوه ۳۱ فوج سیار تنظیم شد که هر يك از افواج سیار بانضمام يك فوج از تجهیز شدگان تشکیل يك تیپ میدادند

توپخانه و سوار نظام نیز بهمین ترتیب تشکیل شدند : فریسینه ٥٤ فوج سوار و ۲۳۸ آتشبار کامل ترتیب داد

يك قسمت عمده مهندس غیر نظامی جهت تقویت قسمت مهندس نظامی تشکیل شد

گامبتا در چهارماه دوازده سپاه جدید (با نمره از ۱۵ الی ۲۶) علاوه برقشون گاری بالدی (۲) و لشکر کرمر (۳) تشکیل داد

(۱) Reffye (۲) Garibaldi (۳) Cremer



استفاده از قشون جدید

با مجموع این قوا هیئت نمایندگان اراده کردند پاریس را سریعا از محاصره خارج سازند زیرا مسلم بود بواسطه جمعیت کثیری که پاریس اعاشه مینماید نمیتواند مقاومت زیاد کند این هیئت میخواست واحد هائی را که تعلیم کافی ندیده اند استیصالا داخل نبرد نماید لیکن رؤسای نظامی بخوبی میدانستند که این قوا استعداد برابری با دشمنی که دارای چنان تشکیلات متینی است و مغرور از فتوحات گذشته خود میباشد ندارد و در صدد تاخیر موقع تعرض بر آمده تصمیم نمودند بدوا تربیت سربازان خود را تکمیل نمایند لذا بین رجال سیاسی عضو هیئت نمایندگان و ژنرال هائیکه فرماندهی قشونها را بعهده داشتند اصطکاکاتی تولید گردید که بیشتر بر وخامت اوضاع میافزود

پس از يك رشته مجادلات مایوسانه قشون فرانسه بدون کادر و بدون ارکان حرب بدست قوای کهن سال آلمان مغلوب گردید

تجربه ثابت مینماید که قشون متجددی بدون تهیه مقدمات نباید خود را گرفتار بنماید .

فداکاری و جدیت نمایندگان قادر باستخلاص فرانسه نگردید لیکن کوشش گامبتا نیز هدر نرفته و بعالم قدرت و استقامت ملت فرانسه را ثابت نمود که باوجود حوادث شوم و اضمحلال قشون منظمش در سایه جدیت پنجماه دیگر در مقابل قوای نیرومند و فاتحخصم مقاومت نمود

از دهم اکتبر ۱۸۷۰ تا دوم فوریه ۱۸۷۱ هیئت نمایندگان تور متجاوز ازهفتصد هزار سرباز و هزار و چهار صد عراده توپ برای مقابله دشمن گسیل داشت از این قوا دوازده سپاه تشکیل يك ملیون تفنك ٤١٨٥٨ راس اسب و ۸۷٤ ملیون فرانك تهیه کردند صرف نظر از اشتباهاتی که در اداره و هدایت امور محتمل الوقوع بود مجاهداتیکه این هیئت از خود مرئی داشت در قلوب ملت فرانسه يك یادگار مالامال از کبر و نخوتی باقی گذارده است که نمیتواند از هیجان تسلی دهنده و غرور وطن پرستانه خود داری نماید

بخصوص هنگامیکه بخاطر میاورند چه کوشش فوق‌العاده در آن ایام حزن و عزا درحضور فاتح مغروریکه قلب مملکت را در تصرف داشت این چند نفر وطن پرست از روی ایمان باتیه وحب وطن ابراز داشته اند

محاصره پاریس محوری را تشکیل میدهد که عملیات ایالات در حول آن میگردند و از اینجا باید دفاع ملی را تحت مطالعه قرار داد

۲ــ محاصره

(طرح نمره ۵۲ و ۵۳)

تشکیلات دفاع ملی

وسائل دفاع ثابت پاریس در ۱۸۷۰ عبارت بود از استحکاماتی که در ۱۸۴۰ ساخته شده و مشتمل بر شانزده قلعه منفرد و یك عده بروج و باروها بود شهر پاریس در جبهه شرقی بوسیله رود مارن و در جبهه غربی براثر کوه های والرین (۱) و خندق مضاعف رود سن محفوظ بود اما در جبهه شمال و جنوب که مشرف بر ارتفاعات مجاور بود بوسیله عملیات جدیدی در فلات آورون (۲) و شاتیون (۳) و مولن‌ساکه (٤) در صدد تقویت آن بر آمدند و چون قناعت بساختمان های استحکامات صحرائی ننموده و نقشه را بزرگ گرفتند در آخر سپتامبر هنوز طرح و نقشه این استحکامات باتمام نرسیده بود

ساخلو این قلاع با آنکه عددا کافی بود ولی از حیث تعلیمات و سنخیت‌ارزش و استعدادی نداشت و میتوان گفت قابلیت ساخلو بیش از کفایت و کیفیت قلاع نبوده است

این ساخلوها عبارت بودند از :

اولا ــ سپاه سیزدهم و چهاردهم تقریبا با تمام تشکیلات و تنها این دو سپاه

(۱) Valerién (۲) Avron (۳) Chatillon (٤) Moulin Saquet

قدردانی و ارزشی داشتند

دوم ــ پانزده هزار سرباز از قوای بحری که افراد آن ورزیده و ممتاز بودند پانزده هزار ژاندارم و گمرکچی

سوم ــ یك تیپ که از رم میامد (دو فوج بسیار خوب)

چهارم ــ صدو پانزده هزار گارد سیار

پنجم ــ دو لشکر سوار

ششم ــ چند سپاه آزاد سواره یا پیاده

هفتم ــ گارد ملی که مجموع قوای آن به ۳۰۰ هزار میرسید و مزاحمت آنهادر دفاع بیش از مخاطره آنها جهت دشمن میبود

بالاخره پاریس دارای قوه معتنابهی بود و این قوه برای شهری‌که از ۱۵۰ هزار نفر محاصره شده بسیار عظیم بنظر می آمد و حال آنکه منظور واحد و مقصد مشترك‌تمام این ساخلو متوجه خروج از محاصره بوده است و بهتر آن‌بود که این قوا را قبلا‌دوچار محاصره نمی نمودند

حرکت قشونهای آلمان بطرف پاریس

از تاریخ دوم سپتامبر ارکان حرب کبیر احکام لازمه جهت حرکت قشونهای سوم وچهارم از طریق جادهائیکه مناسب استیلا بودند‌صادر گرد :

قشون سوم از طریق رمس اپرنای (۱) و دره‌مارن جهت محاصره پاریس از طرف جنوب

قشون چهارم از لاوان (۲) سواسون (۳) و دره اواز (٤) جهت محاصره‌پاریس از طرف شمال

روز شانزدهم سپتامبر این دو قشون بدون تصادف با کمترین مانعی بمواضع مقدم دفاع پاریس در شمال و در جنوب تماس حاصل و شروع به توسعه یافتن نمودند تا آنکه تمام اردوگاه مستحکم فرانسه را احاطه کنند

(۱) Epernay (۲) Laon (۳) Soisson (٤) Oise

روز هیجدهم نقاط ذیل را اشغال کردند

قشون چهارم	سپاه چهارم مونت مورانسی (۱) گارد گونس (۲) سپاه دوازدهم جنگل بوندی (۳)	لشگرهای پنجم و ششم سوار نظام درجلو آن واقع و در پونتواز (٤) از اواز عبور نموده و عازم بودند سن را در تریل (٥) تصرف و در شوروز (٦) به قشون سوم ملحق شوند
قشون سوم	سپاه پنجم پالزو (۷) سپاه دوم باویری لونژومو (۸) سپاه ششم ویل نوو (۹) - ژورژ	لشکر دوم سواره نظام در ساکلای (۱۰) یك تیپ سوار پس از عبور از سن در مولن (۱۱) جهت پوشش جناح راست

سپاه های وور تمبرکی در لانیی (۱۲) ارتباط دو قشون را محفوظ می نمودند

رزم شاتییون (۱۹ سپتامبر)

ژنرال دوکرو (پس از فرار از سدان روز پانزدهم به پاریس ورود نمود) بیهوده بامید حفظ ارتفاعات شاتییون در صدد برآمد با سپاه چهاردهم از پهلو حمله بسپاه پنجم آلمان که در حرکت بجانب ورسای بود حمله نماید قوای فرانسه که ورزیده در جنك نبود با اولین تهدید احاطهٔ محل خود را تخلیه و با بی نظمی بپاریس هزیمت کردند

یك هرج و مرج حقیقی در تعقیب این عدم موفقیت پدید آمد و تصور کردند که آلمانها خیال دارند حمله ناگهانی بپاریس نمایند ژنرال تروشو آن را بهانه قرار داده و امر داد تمام خطوط دفاعی خارجی را تخلیه نمایند و مونت والرین تنها تکیه گاه مقدم برای پاریس باقی ماند .

(۱) Montmorency (۲) Gonesse (۳) Bondy (٤) Pontoise (٥) Triel (٦) Chevreuse (۷)Palaiseau (۸)Lonjumeau(۹) Villeneuve (۱۰)Saclay (۱۱) Melum (۱۲) Lagny

تکمیل محاصره

در این ضمن آلمانها بارامی محاصره پاریس را بپایان میرسانیدند این محاصره بسیار زود بود مخصوصا در ابتداء زیرا فقط ۱۵۰ هزار نفر در محیطی بطول ۱۲۵ کیلومتر واقع شده بودند و اولین مجاهدت ارکان حرب کبیر آن بود که یك خط مقاومت غیر قابل عبوری تهیه کرده و با استفاده از حواشی اماکن و جنگلها قلت قوای مدافع را جبران و قوه احتیاطی نیز فراهم سازد

دوره خروج های کوچك

پس ار هرج و مرج نوزدهم سپتامبر مجددا در پاریس جرئت بخود داده و در مقابل آرامش آلمانها که تنها بفکر تقویت خطوط احاطه خود بودند در صدد استفاده از هر نوع موقعیتی بر آمده و میخواستند مجددا اراضی متروکه را بدست آورند اکتشافات مفصله موجب توسعه دائره عملیات شده و بعضی از آنها منجر برزم حقیقی گردید ودر نتیجه فائده آن تربیت روح سلحشوری قوای جوان فرانسه میشد

تاریخ این عملیات همیشه یکسان بوده است : بجای آنکه نقشه عمل را مخفی و محرمانه بدارند قبلا آن را بوسیله اظهارات بلیغی اعلام نموده و روز عمل از طلوع صبح بمباردمانی بدون اخذ نتیجه مادی شروع میشد و در حقیقت تاثیر آن جز خبر کردن احتیاط آلمانها چیزی نبود بعد ستونهای حمله را که غالبا بطور غیر مکفی از طرف توپخانه تائید و کمك میشد غالبا بدون احتیاط بجلو میفرستادند آنها خط پاسداری را از جلو برمیداشتند ولی به مقاومت شدید تری برخورد کرده و مجبور می شدند خاتمتا عقب نشینی کنند

این طرز و روش در عملیات ذیل نیز منظور بوده است :

روز بیست و سوم سپتامبر — تصرف فلات ویل ژویف (۱) که بجهت قلاع ایوری (۲) و بیستر (۳) خطر ناك بود

(۱) Villejuif (۲) Ivry (۳) Bicêtre

سی‌ام سپتامبر – رزم شویلی (۱) روز خونینی بود که سپاه سیزدهم بیهوده میکوشید شویلی و شوازی — لو - روا (۲) را تصاحب کند

۱۳ — اکتبر — رزم بانیو (۳) سپاه سیزدهم بانیو و کلامار (٤) را گرفت ولی در جلو شانیون شکست خورده و عقب نشست بدون آنکه مواضع متصرفه را حفظ نماید

۲۱ - اکتبر — رزم مالمزون (٥) برای منع از نزدیك شدن دشمن به نانتر(٦) و تسهیل مقدمات خروج عمده بطرف نورماندی (۷) یك رشته عملیاتی برعلیه بوژیوال (۸) تنظیم شد و با وجود شجاعتی که از طرف قوای فرانسه ابراز شد نتوانستند بدشمن آسیبی وارد آورند

۲۸ اکتبر – رزم اول بورژه (۹) ژنرال دوبلمار (۱۰) بابتکارخود بورژه‌را تصرف نمود ولی روز بعد یك لشکر از گارد باوجود مقاومت شجاعانه مدافعین آن مجددا قریه را مسترد داشتند

از دست دادن بورژه وفق نمود با خبر معاهده متس (۲۷ اکتبر) و در پاریس یك هیجان فوق‌العاده ایجاد نمود در همان وقت خبر طرح متار که جنك امکان پیش‌بینی معاهده نزدیکی را تائید مینمود

برای ایجاد انقلاب و وادار کردن حکومت به افتتاح مذاکرات چیزی باقی نمانده بود. (۳۱ اکتبر)

دوره خروج عمده

از آن پس از خروجهای کوچك بدون نتیجه صرف نظر شد قشون پاریس مجددا بر مبنای جدیدی تاسیس و بسه قشون مجزی تقسیم شد

قشون اول (ژنرال کلمان توماس) (۱۱) با گارد ملی تشکیل شده و مامور اشغال استحکامات مرکزی و حفظ نظم در داخله گردید

---

(۱) Chevilly (۲) Choisy-le-roi (۳) Bagneux (٤) Clamart (٥) Malmaison (٦) Nanterre (۷) Normaodie (۸) Bougival (۹) Bourget (۱۰) de Bellemare (۱۱) Clement Fhomas

قشون دوم (ژنرال دوکرو) مرکب از سه سپاه (اول دوم و سوم) که یکی از آن سه ترکیب شده بود از قوای سیار و جمعا تشکیل قشون مخصوص عملیات را میدادند تعداد قوای آن بالغ بریك صد هزار نفر و سیصد عرابه توپ بود

قشون سوم (ژنرال وینوی) (۱) مرکب از شش لشکر سیار و مامور بود قشون عملیات‌را تقویت‌نمایدبدون آنکه از پاریس دور شود

نقشه خروج ژنرال دوکرو

با در نظر گرفتن امکان جمع آوری سپاهائیکه در ایالات جدیدا تاسیس شده بودند در ناحیه روان (۲) بدون اطلاع المانها ژنرال دوکرو از اواسط اکتبر نقشه برای‌خروج در امتداد ژنویلیر — ارژانتوی (۳) طرح نمود زیرا در این‌سمت بخصوص قدرت‌مقاومت خط محاصره کمتر بود و پس از عبور از این خط بلافاصله بوسیله رود اواز محفوظ شده‌و بمحض رسیدن به سن سفلی از خطر المانها نجات می یافتند بالاخره در یك ایالت پر ثروتی در قرب هاور واقع میگردیدند زیرا از ان بندر کلیه تجهیزات ابتیاعی از خارجه وارد می شد.

این نقشه بتصویب حاکم پاریس رسیده و اجرای ان باواسط نوامبر موکول‌شد روز چهاردهم خبر فتح کولمیر (٤) بدست قشون لوار تغییراتی در ان ایجاد نمود زیرا خبر این فتح را بنحوی بزرك جلوه دادند که موجب هیجان عامه شد و چون قشون لوار با سرعت مخصوصی بکمك پایتخت از راه فنتن بلو (٥) میشتافت قشون پاریس لازم‌بود ارسمت جنوب خارج شده تا بتواند دست بدست ژنرال دورل (٦) بدهد

ژنرال دوکرو بیهوده جدیت داشت تذکر دهد که در این جهت تهیهٔ دیده نشده‌و احتمال میداد باقشون پرنس فریدریش کارل که بر اثر معاهده متس مستخلص شده و بجانب مونتارژی (۷) میشتابد تصادف حاصل شود نظریات او چون مبنی بر احتیاط بودند پذیرفته نشد لذا اجبارا برای خروج طریق مارن بین ژوان ویل (۸) و بری (۹) را در

---

(۱) Vinoy (۲) Rouen (۳) Gennevilliers-Argenteuil (٤) Coulmier (٥) Fontainebleau (٦) Aurelles (۷) Montargis (۸) Joinville (۹) Brie

نظر گرفت تا عصر روز اول به لانیی (۱) و روز دوم به نوژان — سور — سن (۲) رسیده و سپس به مونت ارژی برود در سایر جبهه ها نیز برای اغفال دشمن تظاهـراتی داده شود

تاریخ عملیات به روز بیست و نهم محول شد و بواسطه تاخیر غیر منتظره درساختمان پلهای مارن عملیات به روز سی ام موکول گردید در این تاخیر شوم آلمانها ازنقشه‌متخذه بوسیله حرکت قوا اگاهی یافته و موفق شدند قوای احتیاطی خود را تمرکز داده واین‌جبهه را تقویت نمایند

نبرد شامپینئی (۳) سی‌ام نوامبر الی دوم دسامبر)

طرح نمره ۵٤

سپاه اول که در ون سن (٤) جمع شده باید از مارن از طریق ژوان‌ویل عبوروبه‌شامپینئی و کوئیلی(٥) برود

سپاه دوم در فونتنی ـ سور — بوا (٦) از پلهای نوژان ـ سور — مارن (۷) استفـاده نموده و باید به ویلیر (۸) برود

سپاه سوم که از روزنی (۹) عزیمت مینماید باید در یری پلهائی انداخته‌نوازی — لوگراند (۱۰) را تصرف و موضع ویلیر را از عقب احاطه کند

روز سی ام نوامبر ساعت ۷ صبح سپاه های اول و دوم شروع بعبور از رود مارن نمودنـد ساعت ۸ عبور خاتمه پذیرفت لیکن سپاه سوم که مامور حمله دورانی بود تاخیر کرد زیراهنوز پلهای خود را نزده بود

باوجود این تعلل دو گرو تصمیم کرد حمله را بتاخیر نیاندازد سپاه های اول و دوم گسترده شده وجلو داران دشمن را بعقب راندند

(۱) Lagny (۲) Nogent-sur-Seine (۳) Champigny (٤) Vincenne (٥) Couilly(٦) Nogent-sur-Marne (۷) Fontagny-sur Bois (۸) Villiers (۹)Rosny(۱۰) Noisy le grand

سپاه اول شامپینئی را تصرف کرد ولی توپخانه نوزاد آن نتوانست کمك بموقـع بنماید پیاده نظام در مقابل خطوط دفاعی مهم پارك کوئیلی شکست خورد یك حمله دوم که تهیه توپخانه آن خوب فراهم نشده بود با دادن تلفات سنگین بعقب رانده شد از این پس سپاه اول بحالت تدافع در آمده و قناعت کرد به عقب راندن رجعت تعرضی دشمن

وضعیت سپاه دوم در مقابل پارك ویلیر که بشدت مستحکم شده بود ولی یك حمله از پهلو میتوانست آن را مجبور بسقوط نماید بهتر نبود دوحمله خونین بوسیله آتش‌مدافعین در هم شکست

اما سپاه سوم توانست دو بعد از ظهر خود را بساحل چپ رسانیده و بجـای آنکه به نوازی — لو — گراند برای محاصره موضع ویلیر برود پیروی حملـه جبهه سپاه دوم را نموده و با وجود شـدت حمله بنوبه در مقابـل دیوار مهیب پارك شکست خوردند .

شرط عقل آن بود این تصمیم را که از روز اول منجر بعدم موفقیت‌شدتعقیب ننمایند زیرا آتیه آن نیز چندان امید بخش نبود

معذلك برای تسلی افکار عمومی تصمیم بر آن‌شد که قشون باوجود صعوبت اردوگاه بدون آتش و آذوقه در سرمای ده درجه مواضع خود را حفظ نماید

پس از ۲٤ ساعت متارکه جهت تدفین مقتولین و جمع آوری مجروحین روز دوم دسامبر نزاع مجددا شروع شد

در این وهله آلمانها چون مجال احضار کمك کرده بودند در تمام خط اقدام‌بتعرض نمودند قوای فرانسه معذلك ظرفیت بخرج داده و بعضی موفقیت های منفردی حاصل کرد ولی نتایج آن کافی نبود

رزم دوم بورژه (۲۱ دسامبر)

همینکه قشون تشکیلات خود را تجدیـد نمود طرح جدیـدی برای خـارج شدن و

جاوز بجانب شمال تهیه گردید قشون مجبور بود بجبهه بلان — منیل — بوندی (۱) متوجه شده لشکر سوم در سمت راست نمایشات شدیدی به ونل او رار (۲) و مزون‌بلانش (۳) بدهد .

در سمت چپ قوای بحریه آمیرال ال لارونسیر (٤) باید ابتداء بورژه را که آلمانها از تاریخ سی ام اکتوبر بیك قلعه حقیقی تبدیل کرده بودند تصرف نماید حمله قوای بحریه کاملا در هم شکست ژنرال ترشو که موقعیت خود را در خطر یافت در مقابل آلمانها اصرار زیاد بخرج داد و قشون دوم را که بطرف هدفهای خود گسترده شده احضار نمود ولی تمام این مجاهدات جز تلفات کثیره تازه و بیفایده حاصل دیگری در بر نداشت .

خاتمه مقاومت — نبرد بوزن وال (۵)

(۱۹ ژانویه ۱۸۷۱) (طرح نمره ۵۵)

در این ضمن آلمانها منصرف از محاصره منظم پاریس شده و از تاریخ پنجم ژانویه شروع به بمباردمان محلات شهر که در تیر رس توپ بود نمودند

افکار عامه منقلب گردید و تقاضای خروج عمومی را نمودند ژنرال تروشو برای ترضیه خاطر عامه روز نوزدهم ژانویه عزم حمله به بوزن وال مونترتو (۶) نمود

در سمت راست ژنرال دوکرو با ۳۵ هزار نفر مامور شد از روای (۷) بمالمزون (۸) و قصر بوزن‌وال رفته جناح چپ دشمن را دور نماید

در مرکز ژنرال‌دوبلمار با ۳٤ هزار نفر باید وارد قصر بوزن‌وال بشود

در سمت چپ ژنرال وینوی با ۲۰ هزار نفر مامور شد مونترتو و قسمت شمال غربی سنت‌کلو (۹) را تصرف نماید

حمله باید در ساعت شش و نیم از طرف هر سه ستون دفعة واحد باعلامت یك تیر

(۱) Blanc Mesnil-Bondy (۲) Ville-Evrard (۳) Maison Blanche
(٤) LaRoncière (۵)Buzenval (۶)Montretout (۷)Rueil (۸)Malmaison
(۹) Saint-Cloud

توپ که از مونت والرین شلیك میشود شروع گردد

متاسفانه قسمتها بواسطه کثرت ازدهام در سر پلها موفق نشدند در ساعت معینه بمحل منظور برسند و هر ستون بنوبه شروع بحمله نمود

ستون سمت چپ که قبلا حاضر بود ساعت هفت و نیم سریعاً شروع بحرکت نموده مونترتو را تصرف و وارد سنت کلو شد

ستون مرکز ساعت ۹ بحرکت در آمد و مشعشعانه قصر بوزن‌وال را بگرفت ولی در مقابل دیوار لونك بوایو (۱) متوقف شد

بالاخره ستون سمت‌راست در ساعت ۱۰ شروع بعمل نموده وبنوبه در مقابل دیوارلونك‌بوایو که به توپ و نه دینامیت آن را خراب میکرد شکست خورد

ساعت پانزده حمله قوای فرانسه در تمام جبهه متوقف شد سپاه پنجم پروس که یك لشکر گارد آن را تقویت میکرد با یك قسمت از سپاه دوم باویری شروع بحمله متقابله نمودند ضمنا توده مهمی از توپخانه خسارت سنگین بمواضع فرانسه وارد آورد و حال آنکه توپخانه فرانسه قادر بجواب دادن نبود

ساعت ۱۹ ژنرال ترشو حکم عقب نشینی داد و قسمتها با درجا گذاشتن چهار هزار نفر مقتول در میدان جنك بپاریس رجعت نمودند

متارکه جنك

(۲۸ ژانویه ۱۸۷۱)

روز بیست و سوم ژانویه پاریس ده روز آذوقه بیش نداشت موسیو ژول فاور به ورسای رفته و از تاریخ ۲۸ ژانویه موفق باخذ ۲۱ روز متارکه جنك گردید

متاسفانه در ضمن هرج و مرج و عجله بسیاریکه در ان موقع جهة نجات پایتخت از اصطکاك با دشمن داشتند با یك سبك مغزی غیر قابل قبولی شرایط این متارکه انشاء شد : ایالاتی که هنوز باشغال خصم در نیامده تماما باختیار پروسیها بر گذار شدند ولی قشون‌شرقی

(۱) Longboyau

از این متارکه مستثنی بود و از این حیث بهیئت نمایندگان هم اطلاعی داده نشد تنهابه گارد ملی اجازه داده شد اسلحه خود را محفوظ دارد و قشون منظم پاریس باتمام اسلحه و تجهیزات اسیر گردید این احتیاط فقط برای ان بود که تیپهای مرکزی بتوانند از پاریس خارج شوند

نتیجه

دفاع پاریس چهار ماه و نیم طول کشید عملیات در این مدت با وجود شدت و ضعفی که در بر داشت صفحه پر افتخاری بر تاریخ فرانسه بیافزود و با وجود مجاهدت و وطن پرستی کسانی که موسس این وظایف و اقدامات مهم بودند نتیجه عملیاتشان عقیم ماند زیرا بمناسبت ضعف حکومت غالبا مناسبات سیاسی را بر سعادت و امال ملی مقدم داشته و با یك تردیدی عملیات نظامی را رهبری و اداره میکردند ژنرال دوکرو صاحب عزم و تهور بسیار بود ولی رئیس مسئول ژنرال ترشو که فاقد شهامت ذاتی و تصمیم و اراده بود عقیدهٔ بموفقیت نداشت و جنك میکرد بدون انکه اعتماد داشته باشد

سوم—جنك در ایالات
و پوشش محاصره پاریس
الف — قشون لوار
اولین عملیات در اطراف اورله آن (۱)

(طرح نمره ٥٦)

در پایان ماه سپتامبر سپاه پانزدهم شروع شد در نور (۲) (لشکر اول) در بورژ (۳) (لشکر دوم) و ویرزون (٤) (لشکر سوم) تحت امر ژنرال مونتروژ (٥) تاسیس شود ماموریت جدیدی باین قوا بر گذار نشد ولی بیشتر منظور از تشکیل سریع این قوا تاثیرات روحی ان بود تا تاثیرات ان بر ضد دشمن

(۱) Orléans (۲) Nevres (۳) Bourges (٤) Vierzon

آلمانها از قوای جدید التاسیس در ایالات کمتر اطلاع داشتند و قبل از همه چیز متوجه پوشش محاصره پاریس شده و برای این منظور لشکر چهارم سوار را مامور پی‌تیویر (۱) و سپاه اول باویری را به آرپاژون (۲) نمودند

در ابتداء اکتبر پیشرفتهای سوار نظام فرانسه در شمال اورله آن ارکانحرب کبیر را مصمم نمود در اینجانب جدیت بیشتری بخرج دهد و ژنرال فن درتان (۳) مامور شد اجتماعات دشمن رابین شارتر (٤) و اورله آن متفرق نموده و شهر اخیر را تصرف نماید قوائیکه برای این منظور باوداده شد عبارت بود از سپاه اول باویری لشکر بیست و دوم پیاده و لشکرهای دوم و چهارم و ششم سوار نظام

قوای جدید فرانسه که هنوز متفرق بود مجبور شد به حمله آلمانها تن در دهد پس از رزم های ارتنی (٥) (دهم اکتبر) و اورله آن (۱۱ اکتبر) سپاه پانزدهم از لوار عبور کرده و به فرته — سنت — اوبن (٦) عقب نشست با وجود احکام جدیدی که بار دیگر بفرماندهی قوای آلمان راجع بالحاق به بورژ میرسید ژنرال فن در تان بر اثر اخبار و اطلاعات راجع به تجمع فرانسه ها در اطراف بلوا (۷) تا اندازه مرعوب شده و صلاح ندانست به سولنی (۸) برود ژنرال به اشغال اورله آن توسط سپاه اول باویری قناعت کرده و بوسیله پاسدار های قوی که در سنت پراوی (۹) و کولمیر و سنت‌آی تهیه شده بود در مغرب خود را پوشانیده ولشکر ۲۲ پیاده ولشکر چهارم سوار را بجانب شاتو دوم (۱۰) و شارتر برای متفرق ساختن دستجات تیر اندازان آزاد گسیل داشت زیرا این دستجات دائماً درصدد مزاحمت عقب قشون محاصره بودند

در شاتودون (۱۸ اکتبر) آلمانها بر اثر شجاعت و مقاومت تیراندازان آزاد کولونل لیپوسکی (۱۱) متغیر شده وشهر را غارت آتش زدند شارتر روز ۲۱ دروازه های خود را باز نمود

(۱) Pithiviers (۲) Arpajun(۳) Von-der Tann (٤)Chatres (٥)Artenay (٦) Ferthé-Saint Aubin (۷) Blois (۸) Soulogne (۹) Saint-Péravx (۱۰) Chateaudun (۱۱) LipoWsky

در اواخر اکتبر ژنرال دو رل فرماندهٔ عالی سپاهای ۱۵ و ۱۶ هفتاد هزار نفر بین بوژانس (۱) و جنگل مارش نواز (۲) در اختیار داشت و حال انکه لشکر مارتن دپالییر (۳) (از سپاه پانزدهم) ژین (٤) را در فراز اورله ان اشغال کرده بود

هیئت نمایندگان بنا بر تقریر ژول فاور (٥) که هرگاه پاریس از محاصره دراید جنك باتمام میرسد مقصد واحد و ثابت خود را منحصر باستخلاص پایتخت نموده بودند

پس برای وادار نمودن دشمن بترك محاصره دو طریقه بنظر میرسید :

اول — مستقیما بپاریس حمله کرده و با مشارکت مساعی قشون امدادی و خود شهر خط محاصره بگسلانند

دوم — وسعت دایره ان بیش ولی نتیجه‌اش بیشتر مقرون بفایده بود والبته احتمال خطر آن نیز زیادتر بوده است یعنی با یك حرکت جناحی ارتباط قوای محاصره را با عقب قطع نماید و تا زمانیکه متس مقاومت کند این نیت غیر عملی مینمود و در صورت منع تدارکات جهت قشونهای سوم و چهارم آلمان عملیاتشان زیر دیوار های پاریس غیرممکن خواهد بود

برای اجرای این نقشه بطور مطلوب باید هردو حمله دفعة معمول و ژنرال فن‌درتان بحالت تدافع در اورله آن مانده باشد لیکن ژنرال فن‌درتان بکمك اکتشاف تیپ دوم‌سوار نظام در جهت والیه (٦) از تورکز قوای فرانسه در جنگل مارش نوار اطلاع حاصل نموده معجلا اورله آنرا تخلیه و بسمت مغرب یك موضع مستحکمی در استقامت سنت‌پراوی (۷) شاتوپره فور — باسون — کولمیر اشغال نمود

کمك و مساعدت تیپ مارتن دپالییر با شرایط ذیل مشکوك بنظر می آمد لیکن طبق پیشنهاد شانزی (۸) قوای ژنرال دورل برای محاصره جناح راست باویری ها عددا

(۱) Beaugency -۲) Marhenoir (۳) Martin des Pallères (٤)Gien (٥) Jules Favre (٦) Valières (۷) Saint Péray Chateau Prefort Baccon Coulmiers (۸) Chanzy

امتیاز مکفی داشت تا خط رجعتشان را مقطوع نموده و آنها را باوار بریزد متاسفانه ژنرال دورل بجای آنکه مانور کند چهار تیپ خود را متوازیا برعلیه مواضع دشمن بحرکت در آورد

باویری ها چون در تمام جبهه مورد حمله واقع شدند مجبورا محل خودرا تخلیه نموده سواره نظام فرانسه که درجناح چپ واقع شده بود میتوانست بدون هیچ زحمتی خط رجعت دشمن را قطع و شکست سپاه اول باویری ها را منجر به پراکندگی فوق‌العاده بنماید با آنکه دشمن بسیار خسته و فرسوده بود بواسطه سواره نظام توانست بدون تشویش به آرتنی (۱) و اتامپ (۲) عقب بنشیند

بازاء آنکه فتح خود را بلافاصله تکمیل و با حدت کامل بقایای سپاه اول باویری را در جاده پاریس تعقیب کند ژنرال دورل وضقیت غیر مطمئن قوای خودرا بهانه کرده و چون در همان اوقات از ورود قشون دوم نیز اطلاع حاصل کرد بوضعیت تدافعی در اورله آن در آمده و شروع بساختمان یك اردوگاه مستحکمی درآنجا بنمود

معذالك اوضاع برای حرکت بجانب پاریس استثناء مساعد بود (طرح نمره ۵۸) زیرا در حقیقت توجه ارکان حرب کبیر در تمام مدت یعنی از اول الی بیست‌و پنجم نوامبر مرتبا متوجه مغرب بود و ملتکه بتصور اینکه اقدامات کولمیر بمنظور تظاهر جهت مکتوم داشتن حمله حقیقی است و کوشش اساسی قوای فرانسه در ناحیه درو (۳) صورت خواهد گرفت لذا یك قسمت از قشون را که مشتمل بر سپاه اول باویری لشکر های ۲۷ و ۱۷ پیاده نظام لشکر های ۲ و ٤ و ٦ سوار نظام بود تحت امر گراندوك دومکلمبورك (٤) بان سمت اعزام داشت

از جانب دیگر سه سپاه قشون دوم (سوم — نهم — دهم) که پس از عقد معاهده متس متوجه جنوب غربی شده و مامور بودند بورژونور (٥) راتصاحب کنند درتاریخ

۱ Artenay ۲ Etampes ۳ Dreux ٤ Grand-duc de Meklembourg
٥ Nevers

دهم نوامبر بخط تروی - شومون (۱) ملحق گردید و پس از نبرد کولمیر که معـحلا متوجه اورله آن شدند در تاریخ ۱۰ نوامبر نزدیك بنقاط ذیل رسیدند : سپاه نهم فونتن‌بلو (۲) سپاه سوم به سانس (۳) سپاه دهم به شاتیون — سور — سن (٤)

از تاریخ دهم نوامبر جاده پاریس بجهت قشون لوار آزاد بود

در ضمن آنکه ژنرال دورل مواضع اورله آن را مستحکم مینمود سپاه های جدیدی نیز تشکیل میشدند سپاه هفدهم ژنرال دوسونی (٥) در سمت بوژانس سپاه هیجدهم ژنرال بیلوت (٦) و سپاه بیستم ژنرال کروزا (۷) در سمت ژیان این قوای مهم قریب دویست هزار نفر بطریق ذیل تقسیم شدند : دو سپاه شانزدهم و هفدهم در مغرب اورله آن در ناحیه سن — پراوی — کولمیر دو سپاه هیجدهم و بیستم در شرق رو بجانب بلگارد (۸) بین دو توده قرار گرفته بودند سپاه پانزدهم بصورت نظام تفرقه در حاشیه شمالـی جنگل اورله آن قرارداشت و عیب این آرایش این بود که قوای فرانسه را بیشتر متفرق داشته و اصول فرماندهی را نیز مشکل میکرد موسیو فریسینه سپاه های هیجدهم و بیستم و هفدهم را تحت امر مستقیم خود قرار داده و جمیع عملیات اشتراکی را ممتنع نمود

تعرض قوای فرانسه بپاریس (طرح نمره ٥۹)

هیئت نمایندگان از سستی ژنرال دورل که قوای خود را در یك اردوگاه بسیار نا مساعدی تلف میکرد شکیبائی خود را از دست داده و هیجان مفرطی بـرای استخلاص پاریس بهر قیمتی که ممکن شود در آنها وجود داشت و چون مایوس از آن بودند کـه فرماندهی کل طرح تعرضی برای حمله بپاریس تهیه نماید یك نقشه بسیار بدی باو تحمیـل نمودند : توده سمت راست (سپاه های هیجدهم و بیستم) که تحت امر موسیو فریسینه عمل میکردند با کمك لشکر دوپالیير قبلا مامور تصرف خط مونتارژی پیتیویه شدند که بعدا تمرکز تمام قوای فرانسه در آن صورت بگیرد

بالاخره روز بیست و دوم نوامبر قشون دوم آلمان توری (۹) (سپـاه نهم)

۱ Troyes-Chaumont ۲ Fontainebleau ۳ Sens ٤ Chatillon snr-Seine ٥ de Sonis ٦ Biilot ۷ Crouzat ۸ Bellegarde ۹ Toury

پیتیویه (سپاه سوم) مونتارژی (سپاه دهم) را تحت اشغال داشتند لشگر گراندوك دومکلنبورك چون از طرف ارکان حرب کبیر احضار شده بود برگشته و هنوز به اورژر (۱) نرسیده بود و اگر تمرکز پنج سپاه بنحو صحیحی انجام میگرفت میتوانستند متوالیا دو قسمت قشون های فرانسه را که جنگل بزرك اورله آن فاصله بین آن دو بود و نمیتوانستند بیکدیگر کمك نمایند مضمحل نماید

تعرض سمت راست فرانسه — بون — لا — رولاند (۲)

(۲۸ نوامبر) (طرح نمره ٦۰)

روز بیست و چهـارم نوامبر سپاه هشتم فـرانسه بسمت بلگارد و بوآمگومن (۳) با دادن دو مصاف در مزی‌ار و درلادن (٤) حرکت نمود و پس از آنکه بسپاه هیجدهم ملحق شد روز بیست و هشتم بطرف بن — لا — رولاند متوجه شدند

سپاه بیستم موفق شد تقریبا بن را کاملا احاطه کند اما سپاه سیزدهم که چند پیشرفتی در ابتداء روز نموده بود برای مربوط نمودن عمل خود با عمل سپاه هشتم بهیچوجه اقدامی نکرد ورود لشکر اول سوار نظام و لشگر پنجم پیاده در خط آتش و از طرف دیگر امتناع رسمی ژنرال کروزا از بمباردمان بون مانع تعقیت پیشرفتهای قـوای فرانسه گردید ژنرال کروزا چون روحیه خود را باخته بود در ظرف عصر دو سپاه خود را به بلگارد عودت داد

تعرض جناح چپ فرانسه

از این شکست موسیو فریسینه باشتباه خود متوجه گردیده و یقین حاصل کرد کـه بجهة واژگون کردن مواقع سهمگینی که راه پاریس را سد کرده اند ضربه محکمی لازم است که باید با تمام وسائل در آن شرکت جویند

لیکن روز سی‌ام نوامبر تلگرافی از پاریس به هیئت نمایندگان واصل و خبر خروج از طریق شامپینی (٥) را در تاریخ ۲۹ اعلام میداشت با آنکه قشون در یك جبهه ۷۰

۱ Arsgére ۲ Beaune-la-Rollande ۳ Bois commun ٤ Lado ٥ Champigny

کیلومتری ازبلگارد تا پاتای (۱) متفرق بود هیئت بلافاصله تصمیم نمود قوا را از لوار به استقبال ژنرال دوکرو اعزام دارد زیرا بطور واهی گمان میکردند ژنرال دوکرو فعلا بسمت فونتن بلو متوجه است

با وجود عقاید متضاد ژنرال هامسیو فریسینه تصمیم گرفت پنج سپاه را متقاربا به سمت جنگل‌اورله آن حرکت داده و درشمال در مجاورت دشمن آنها را درمنطقه پیتیویه ـ بن ـــ لا ـــ رولاند بیکدیگر ملحق نماید

ویل‌پیون ـــ لوانئی (اول دسامبر)

روز اول دسامبر سپاه های پانزدهم و شانزدهم و هفدهم متعاقب یکدیگر در سمت پی‌تیویه بحرکت در آمدند لشگر سمت چپ سپاه شانزدهم در ویل‌پیون یك لشکر باویررا کاملا شکست داد لیکن روز بعد تمام قوای گراندوك بکمك آن شتافته سپاه شانزدهم را که منفرد واقع شده بود در لوان‌ئی شکست کامل بداد و خلاصی او از این ماجری مرحون‌مساعدت جدی یك قسمت از سپاه هفدهم است که رئیس آن ژنرال سونی بکمك آورده بود در ضمن این جریانات سپاه شانزدهم که بر اثر غرش توپ نمیتوانست غوغای رزم را بشنود قناعت نمود بهدف جغرافیائی که برایش تعیین‌شده بود برسدو در پورپری (۲) مصاف غیرمشخصی با لشگر بیست‌و دوم پیاده پروس بداد

تعرض متقابله آلمانها (طرح نمره ٦۱)

بالاخره موسیو دوفریسینه از ادارهٔ عملیات منصرف شد لذا عمل پنج سپاه را بفرمانده آن ژنرال دورل برگذار نمود .

ژنرال در نظر گرفت قوای خود را بجهة دفاع در اردوگاه مستحکم اورلـه آن جمع نماید لیکن پرنس فرید ریش کارل مجال اجرای این منظور را باو نداد درحین آنکه سپاه های شانزدهم وهفدهم کاملا متفرق‌شده و به‌یك وضع پریشانی بجانب پاتای و سن‌براوی عقب مینشستند و سپاه های هیجدهم و بیستم که هنوز اطراف بلگارد متوقف بودنـد قـدرت

۱ Patay ۲ Pourpry

مساعدت را نداشتند پرنس فرید ریش کارل تـمام قوای خودرا متوجه اورله آن نمـود در صورتیکه جز سپاه شانزدهم ژنرال دورل نتوانست قوائی برای مقابلهٔ با او بفرستد پس از یکروز جنك و گریز قوای فرانسه مجبور بتخلیه اورله آن شده و روز چهارم آلمانها مجددا آن را تصاحب کردند

عقب نشینی قوای فرانسه در سه امتداد معمول شد

سپاه ۱٦و۱۷ بسمت جنگل مارش نوار عقب نشینی اختیار نمود

سپاه ۱٥ بابی نظمی بسولون (۱) عزیمت کرد

سپاه های ۱۸و۲٥ به آرژان (۲) متوجه شدند

هیئت نمایندگان ژنرال دورل را از فرماندهی عزل و دو قشون مجزی تشکیل‌دادند قشون اول لوار (سپاه های ۱٥ و ۱۸ و ۲۰) تحت امر بوربا کی (۳) و بعنوان قشون شرق

قشون دوم لوار (سپاه ۱٦ و ۱۷ و ۲۱) تحت فرماندهی شانزی (٤)

شانزی با ملاحظه اینکه آلمانها بلافاصله حاضر جهة تعقیب بقیه سپاه شانزدهم وهفدهم نیستند و چون احتمال میداد در نتیجهٔ عقب نشینی متمادی ممکن است قوا کاملا متلاشی شود و بعلاوه در نظر داشت هرچه زودتر تعرض را تجـدید نماید بین بوژانس و مـارشنوآر قشون خود را متوقف ساخته و با استفادهٔ از فاصله کـه پرنس فریـد ریش کارل از او گرفته بود برای یك بار دیگر موفق شد بقوای خود تشکیلات جدیدی داده و قـدری از

۱ Sologne ۲ Argent

(۳) Bourbaki بوربا کی که فرماندهی گارد امپراطوری را داشت پس از معاهـده متس از آنجا فرار کرد

(٤) Chanzy شانزی از مدرسه سن‌سیر در ۱۸٤۳ خارج شد و تقریباً تمام مدت خدمت خود را در الجزایر گذرانید و درموقع تجهیزات نائل بفرماندهی تیپ شد با آنکه بکرات صفات برجسته نظامی از خود ابراز و خود را مستعد فرماندهی عالی نشان داده بود حکومت امپراطوری که نسبت بکار او مظنون بود او را از خدمت معاف نمود کامبتا در ماه سپتامبر از افریقا او را احضار و از تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۸۷۰ به فرماندهی لشگر تعیین نمود

احساسات درونی خود را در آنها تزریق نماید

در چهار روز توانست درموضع مستحکمی ۷۰ هزار نفر قوی تمرکز داده وامیدوار بود قبلا دشمن را متوقف ساخته و شهر تور را حفظ کند بعد باتفاق قشون اول اورله آن را از دشمن باز گیرد

خطوط ژون (۱) (طرح نمره ۶۲)

پس از شکست مضاعف وارده بقشون فرانسه در بن‌لارلاند و در لوانبی و پس از فتح مجدد اورله آن پرنس فریدریش کارل گمان نمیکرد دیگر بمقاومتی برخورد نماید لذا از ۷ دسامبر شروع بتعقیب دشمن نمود سپاه دهم را در اورله آن باقی گذارده و سپاه سوم را بجانب ژیان روانه نمود و قشون گراندوك را بطرف بوژنس گسیل و بوسیله لشکر بیست‌و پنجم پیاده که از ساحل چپ لوآر سرازیر بود آنرا تقویت نمود

روز هفتم دسامبر گراندوك با قوای شانزی که تجدید تشکیلات یافته و بر اثر فعالیت رئیسش روح تازه بخود گرفته بود تصادف نمود مدت چهار روز شانزی در مجموع نقاط اتکاء و اماکنی که باسم خطوط ژون موسوم شدند مقابله با تمام حملات آلمانها نمود

لیکن بامر ارکان حرب کبیر پرنس فریدریش کارل در جانب شرق و جنوب فقط قوائی از سواره نظام باقی گذاره و مجموع قوای خود را بر علیه شانزی تمرکز داد سپاه نهم در شامبور یکی از لشکر های فرانسه را که مامور تامین دفاع ساحل چپ لوآر بود عقب رانده و خط رجعت قوای فرانسه را تهدید نمود

عقب نشینی بمانس (طرح نمره ۶۳)

هیئت نمایندگان منتقل به بردو شدند بورباکی وضعیت قوای خود را بهانه قرار داد تا آنکه کمترین انحرافی جهة استخلاص قشون دوم بروی تحمیل نشود شانزی در مقاومت ننمود و روز یازدهم شروع بجنك و گریز در جهة مانس نمود

۱ Josnes

روز سیزدهم شانزی در کنار رود لوآر در یك موضع مستحکمی اقامت گزید تا بتواند اندکی استراحت بقوای خود داده و افواجی که در نتیجه رزمهای اخیر شالودهٔ آنها گسیخته شده بود مجددا جمع آوری نماید ولی روزچهاردهم که چیره‌گی خصم طاقت فرسا بود شانزی مجبور شد بعد از دو روز مجادله باز در مقابل تهدید بمحاصرهٔ کامل از جاو پرنس فریدریش کارل عقب نشینی کند

روز نوزدهم قشون لوآر بمانس رسیده وتوانست چند روزی در آنجا قدری استراحت کند و تشکیلات خود را تجدید نماید قشون آلمان که آن هم فرسوده شده بود از خط لوآر تجاوز نکرد بالاخره مختصر زد وخورد هائی که در ویرزون و ژیان واقع شد پرنس فرید ریش کارل بتصور آنکه قوای بورباکی بپاریس حمله نماید تنها سپاه دهم را بین‌واندام و بلوآباقی گذاشته قشون گراندوك را بطرف شارتر بحرکت در آورد (چون سپاه اول باویری اجبارا باورله آن عودت داده بود قشون گراندوك بسپاه های هفده و بیست و دو پیاده نظام تقلیل یافت) و سپاه های ۳ و ۹ را باورله آن برگردانید و چون بزودی از عدم ثبات تعرض بورباکی اطلاع حاصل کرد یك راحت باش چند روزه در آنجا بقوای خستهٔ خود بداد

نبرد مانس (طرح نمره ٦٤)

در اواخر ایام ماه دسامبر زد و خورد های جزئی دفعة واحد در سمت واندوم و ژیان حادث گردید و ارکانحرب را از یك تعرض مشترك دو قشون لوار متوحش نمود ملتکه برای خاتمه دادن باین وضعیت بپرنس فرید ریش کارل امر داد برعلیه شانزی اقدام بحمله نماید در مقابل بورباکی فقط لشکر ۲۵ پیاده را در لورله آن باقی گذارد لیکن سپاه هفتم ازنوئی (۱) به اکسر (۲) منتقل گردیده و سپاه دوم محاصره پاریس را ترك نموده و به منت آرژی روانه شد

دوم ژانویه پرنس فرید ریش کارل سپاه های خود را بجانب مانس در سه ستون

(۱) Nuits (۲) Auxerre

بحرکت در آورد :

سمت چپ سپاه دهم از طریق شارتر و شاتو دولوار (۱)

در مرکز سپاه نهم و سوم از طریق واندم (۲) و سن کاله (۳)

سمت راست سپاه سیزدهم (لشکرهای هیفده و بیست و دو پیاده نظام) از طریق شارتر و لافرته - برنارد (٤)

از طرف دیگر شانزی بیکار نمانده و بانتظار موقع مناسبی که تعرض را تجـــدید نماید ستون های متحرکی تشکیل داده و به امتداد های مهمی بمنظور توسعه منطقه عملیات اعزام داشت تا حرکات ستون های دشمن را بتاخیر انداخته و موجبات تصدیع آنها رافراهم نماید این ستونها که برای اکتشاف بسیار قوی و جهت محاربه بسیار ضعیف بودند چون با یکدیگر ارتباطی نداشتند نتوانستند عملیات خود را توام و مشترك نمـایند و کفایت بیك رشته رزمهای انفرادی کردند که در نتیجه دچار شکست و عقب نشینی شـده و در روحیه قوای جوانی که گرفتار چنان دشمن قوی بود تاثیر مینمود

روزنهم ژانویه قسمتهای پاسداری‌مقدم از طرف جلودارهای آلمان بعقب رانده شده و بمواضع دفاع اصلی که در محیط فلات شانژه (٤) و لووور (٦) بود رجعت کردند سپاه بیست و یکم در مونتفور (۷) سمت چپ قوای مزبور را می پوشانید.

روز دهم ژانویه سپاه سوم آلمان پس از یك رزم شدیدی شانژه را مـتصرف شد سپاه نهم آلمان سپاه هفدهم فرانسه را به لووور عقب نشانید لیکن سپاه سیزدهم آن در مقابل مونتفور بوضع تهدید امیزی مبتلا گردید زیـــرا سپاه دهم بر اثر خرابی جاده ها نتوانست بموقع کمك و مساعدت نماید

روز یازدهم جنك مداومت داشت و قوای فرانسه جدا مقاومت میـــکرد ولی نزدیك

(۱)Chateau-du Loir(۲)Vendôme (۳)Saint-Calais (٤)LaFerté-Bernard
(٥) Changé (٦) Auvours (۷) Montfort

عصر سپاه دهم که بر خلاف اوامر پرنس فرید ریش کارل بجـای آنکه بکمك سپاه سوم برود حرکت خود را بجانب مانس ادامه داده‌بود تجهیز شدگان بروتون (۱) را غفلت‌گیر نموده و با بی نظمی آن ها را بعقب براند و خط رجعت منحصر بفرد قـوای فرانسه را تهدید نمود

شانزی با نهایت یاس مجبور بترك جـــدال شد صبح روز دوازدهم افواج فرانسه مواضع خود را تخلیه نموده و تحت تـامین سپاه بیست و یکم از سارت (۲) عبور نموده و بجانب آلانسون (۳) متوجه شدند و بعد طبق حکم گامبتا بسمت لاوال (٤) عقب نسینی ادامه یافت سپاه نوزدهم در آن محل به بقایای قشون دوم لوار ملحق‌گردید

پرنس فرید ریش کارل چون عازم نبود بجانب مغرب جلوتر برود لذا عقب نشینی قوای فرانسه را بعسرت نیانداخته و قناعت کرد بقطع راه مانس و مراقبت جاده های مغرب بوسیله لشکرهای سوار نظام

در این وضعیت دو حریف روز بیست و هشتم ژانویه بیکدیگر مواجه شدند

ب - قشون شمال

(طرح نمره ٦٥)

در ماه اکتبر ۱۸۷۰ دو قسمت در شمال فرانسه شروع به ایجاد و تشکیل شدن نمودند اولی در اطراف لیل (٥) تحت امر ژنرال فار (٦) دومی سمت روان (۷) تحت امر ژنرال بریان (۸)

برای مراقبت این قوای جدید آلمان ها بدوا فقط لشکر های سوار نظـام که در

(۱) Breton (۲) Sarthe (۳) Alençon (٤)Laval (٥)Lille (٦)Farre
(۷) Rouen (۸) Briand

بعضی نقاط از پیاده بانها تایید میشد در اختیار داشتند لیکن پس از معاهده متس ضمن آنکه قشون دوم بجانب لوار اعزام شد قشون اول (سپاه اول و هشتم لشکر سوم سوار) تحت فرماندهی ژنرال مانتویفل (۱) مامور شد با قوای فرانسه در شمال مواجه شده و مونت مدی مزی‌ار و لافر (۲) را محاصره نماید

در بیست و یکم نوامبر ژنرال مانتویفل که بین نوایون (۳) و کوم پین (٤) بخط اواز رسیده بود حکمی دریافت نمود که حرکت خود را به روان وآمیانس (٥) ادامه دهد بنحوی که مانع الحاق دو قوای فرانسه از سن سفلی و شمال بشود

رزم ویلر بروتونو (٦) (۲۷ نوامبر)

روز بیست و هفتم نوامبر قشون اول مصادف با قوای ژنرال فار شده و در یك جبهه سی کیلو متری از دوری (۷) تا ویلر بروتونو مستقر گردید ژنرال فاربون در نقطه اخیر خود را در خطر محاصره یافت مجبورا به آراس (۸) عقب نشینی نمود روز بیست و هشتم ژنرال مانتویفل بدون منازعه وارد آمیانس شده و قلعه قدیمی آن تحت تهدید بمباردمان سر تسلیم فرود آورد سپس یك تیپ برای مراقبت این شهر باقی گذارده وبجانب روان متوجه شد و روز پنجم دسامبر بدون منازعه آنجا را نیز تصرف نمود زیرا قوای ژنرال بریان بطرف هاور (۹) عقب نشسته بود

از این پس ژنرال مانتویفل خط ممتازی بجهت مانور در اختیار داشت و راه آهن روان — آمیانس که از جانبی بوسیله سوم (۱۰) و از طرف دیگر بوسیله سن محفوظ بود هر نوع تمرکز سریعی را در هر نقطه آن منطقه سهل مینمود

تعرض اول قشون شمال

در این آوان قشون صغیر شمال که در اطراف آراس تمرکز یافته بود تحت

(۱) Manteuffel (۲) La fére (۳) Noyon (٤) Conpiègne (٥) Amiens (٦) Villers-Bretonneux (۷) Dury (۸) Arras (۹) Havre (۱۰) Somme

فشار رئیس جدید خود ژنرال فدهرب (۱) شروع بتشکیلات نمود (۲) و پس از ورود قوای کمکی توانستند دو سپاه (سپاه‌های بیست دوم و بیست و سوم) دیگر تشکیل دهند ولی متاسفانه این قوا فاقد توپخانه و سوار نظام کافی بود

حرکت فدهرب به آمیانس

ژنرال مانتویفل از طرف ارکانحرب کبیر دعوت شد قوای بریان را متفرق ساخته مراقب قوای آراس باشد هرگاه اقدام بتعرض بنمایند آنها را عقب رانده و آرایش ذیل را قبول کند :

سپاه هشتم با لشگر سوم سوار مامورند پس از دادن نمایش در جهت هاور مخالف جریان دی یپ (۳) و آبویل (٤) حرکت نموده بعد بجهت حفظ دره سوم و راه آهن آمیانس — روان متوجه آمیانس بشوند و در ضمن سپاه اول روان و نورماندی (٥) را تصاحب کند

لیکن سپاه هشتم بمحض آنکه حرکت خود را شروع نمود معجلا بجانب آمیانس احضار شد قشون شمال در حقیقت برای حفظ بندر بزرك هاور كه مجموع اسلحه خریداری از خارجه بان جا وارد میشد بین سوم واو از تعرض را تجدید نموده غفلتا ساخلو پروسیها را

(۱) Faidherbe

(۲) فدهرب در سنه ۱۸٤۰ ازمدرسه پلی تکنیك (دارالفنون) بدرجه نایب ۲ مهندسی خارج شده و تمام مدت خدمت خود را در مستعمرات بدوا در الجزایر و بعد در گواده لوپ Guadeloupe و مخصوصا در سنگال گذرانید که در دو نوبه از ۱۸٥٤ تا ۱۸٦۱ و از ۱۸٦۳ تا ۱۸٦٥ بسمت حکومت نقطه اخیر را عهده دار بود این شخص با فعالیت خستگی ناپذیری مدیر منحصر بفردی بوده است در مستملکات فرانسه که با وضعیت درخشان فعلی درقسمت اعظم توسعه و ترقیاتشان مدیون بزحمات او میباشد

نظر به تقاضای مزاجی مجبور شد از حکومت سنگال استعفا داده و در آلژر Alger از ۱۸٦٥ تا ۱۸٦۷ بعنوان فرماندهی تیپ بر قرارشد سپس لشکربون Bône را از۱۸٦۷ تا ۱۸۷۰ فرماندهی میکرد و با وجود میل مفرطی که به خدمت در فرانسه داشت در الجزایر باقی ماند و فقط در اوایل نوامبر ۱۸۷۰ بفرانسه احضار شد

(۳) Dieppe (٤) Abbeville (٥) Normandie

در هام (۱) محاصره و تیپی را که در آمیانس بود براند

مانتویفل از این مانور غیر منتظره مضطرب شد و تمام سپاه هشتم را سمت مونت دیدیه (۲) تمرکز داد و حتی از دوان هم یك تیپ از سپاه اول احضار نمود

فدهرب بمقصود خود نائل گردید زیرا مانتویفل فسخ عزیمت هاور نمود معذلك برای آنکه در روحیه قوای جوانش تزلزلی در اثر عقب نشینی حاصل نگردد تصمیم نمود آن طرف رود کوچك لالو (۳) درمواضع مستحکمی که مرکز آن در پنت -- نوایل (٤) بود یك نبرد تدافعی بدهد

نبرد پنت — نوایل (۲۳ دسامبر) (طرح نمره ٦٦)

نقشه این نبرد عبارت بود از دفاع حوزه لالو بنحویکه قراء حوزه مزبور را در عوض پستهای مقدم و فلات شرقی را چون موضع اصلی مصروف دارد جناح چپ آن متکی برود سوم و جناح راست بوسیله انحنای لالو که متوجه شمال شرقی است پوشیده شود

مانتویفل که از جانب آمیانس میامد در نظر داشت بوسیله لشکر پانزدهم ازطریق جاده آلبر (٥) و کوربی (٦) از جبهه بطرف لالو حمله نموده ر لشکر شانزدهم از جانب شمال حرکت دورانی کند

خط پاسدارهای مقدم تقریبا بدون منازعه قراء دره را از دست دادند و لشکر پانزدهم میتوانست بدون زحمت از لالو عبور کند ولی موفق بتصرف فلات نشده و لشکر شانزدهم که یک امتداد دورتری را پیش گرفته بود ساعت ۱٥ بمیدان محاربه رسید و در مقابل سمت راست فرانسه شروع به پیشروی نمود و بعد هم بوسیله یك حمله متقابله کاملا متوقف شد

---

(۱)Ham (۲)Montdidier (۳)L'Halluc (٤)Pont-Noyelles (٥)Albert (٦) Corbie

ساعت هیفده یعنی آخرین ساعات روشنائی روز فدهرب شروع بتعرض نمود و با یك حرکت برجسته قواء از دست رفته را بزور سر نیزه مجددا باز گرفت لیکن المانها بار دیگر جدیت کافی نموده و خصم را بفلات مزلور رجعت دادند که شب را در سرمای ۸ درجه و غذای منحصر بنان مانده در اردوگاه گدرانیدند

هیچیك از دو قوا روز بعد قدرت اقدام بمحاربه را نداشت فدهرب هم نمیخواست بار دیگر تحمیل یك شب اقامت مجدد در چنین اردوگاهی بقوای خود بنماید و چنین می- پنداشت که نظر به عدم صراحت نتیجه نبرد دشمن نمیتواند از دوره سوم دور شود بعد از ظهر همان روز بقوای خود امر داد بجانب اراس عقب نشینی کند و چون تماس با دشمن بکلی قطع شده بود این حرکت بدون اطلاع دشمن صورت گرفت

مانتویفل از طرف دیگر بجهت اجرای ماموریتی که بر عهده داشت یعنی محافظت روان و امیانس مجبور بود قوائی خود را در دو قسمت نگاه بدارد و بوسیله راه اهن میتوانست این دو قوا را در هر یك از دو محل‌مزبور بسهولت تمرکز دهد برای امکان مواجه قسمتی که درسوم باقی گذارده بود با قشون فدهرب این رود را انتخاب نمود که قسمت اعظم ان بعنوان خط دفاع درتصرف قشون اول است و مانع بسیار شدیدی بود که بواسطه چمنزارهای باطلاقیش در زمستان خارج از جادئیکه متوجه پلهاست غیرقابل عبور میباشد

فقط یك نقطه مهم دیگر هنوز در دست قوای فرانسه باقی بود یعنی برون (۱) مانتویفل انرا هم بوسیله لشکر سوم احتیاط که بکمك امده بود محور ساخت و سپاه هشتم را مامور تامین پوشش ان بنمود و خود نیز برای الحاق بسپاه اول به روان رفت

تعرض ثانی قشون شمال (طرح نمره ٦۷)

درطول‌این مدت ژنرال فدهرب در پناه خط اسکارپ (۲) قشون خود را بین اراس

---

(۱) Pèronne (۲) Scarpe

و دوای (۱) از نو تشکیل بداد

پس از تحصیل اطلاع از محاصره پرون تصمیم نمود باستمداد این قلعه برود وروز دوم ژانویه قشون خود را بدان سمت بحرکت در اورد

نبرد باپوم (۲) (دوم ژانویه ۱۸۷۱)

در همان روز فدهرب در چهار ستون بقشون المان که در جلوی پروم یك ارایش مستطیل بدون عمقی اتخاذ کرده بودند حمله نمود آلمانها با یوم عقب رانده شدند روز سوم نزاع تجدید شد قوای فرانسه قریه را محاصره و عقب نشینی دشمن را تهدید نمود که در ظرف شب محل را تخلیه و این فتح نصیب فرانسه شد

فدهرب با اعتماد بیك اطلاع غلطی که حاکی از ترك محاصره پروم بود فتح خود را تعقیب نمود و بتصور آن که بمقصود خود نائل امده است مجددا صبح روز چهارم بناحیه اراس عقب نشست

قرار معاهده پرون (نهم ژانویه)

در حقیقت پرون هنوز در محاصره بود روز نهم ژانویه ژنرال بارنه کوف (۳) که کاملا متوحش شده بود شهر را طبق معاهده تسلیم دشمن نمود و حال آن که بحصار شهر هنوز آسیبی وارد نشده بود

با سقوط این قلعه تمام خط سوم بدست دشمن در امد و قشون شمال اختیار عبور از رودخانه زا از دست بداد

سومین تعرض قشون شمال

ژنرال فدهرب پس از رجعت باراس اطلاع یافت که محاصره پرون هنوز قویا ادامه دارد لذا برای خارج گردن شهر از محاصره چون از قرار معاهده اطلاعی نداشت قوای خود را مجددا در تاریخ دهم بسمت پرون حرکت داد روز یازدهم پس از کسب اطلاع از معاهده خود را دوچار غفلت گیری شدید یافت در تصمیم خود مردد و بالاخره پس‌از

(۱) Douai (۲) Bapaume (۳) Barnekow

دو روز انتظار درباپوم تصمیم نمود به آمیانس و روان رفته و در صورت امکان با قوای نرماندی ملحق شود

لیکن پس از رسیدن بناحیه آلبر اطلاع حاصل کرد که بین دو قوای مهم لالووقوای سوم واقع شده اند بنحویکه از این وضعیت نمیتواند خارج شود

ژنرال فدهرب با مشاهده این وضعیت بخیال جنك وگریز افتاد ولی تلگرافی از فریسینه واصل نمود مبنی بر اینکه ساخلو پاریس برای ابراز جدیت فوق‌العاده خود را حاضر نموده است لذا قوای شمال باید بنوبهٔ خود شدیداً اقداماتی کند که بیشتر قوای خصم را متوجه خود سازد

با این تفصیل فدهرب چون نمیتوانست بیکار بماند تصمیم نمود بجانب سن کانتن (۱) برود تا از آنجا بجانب نوایون (۲) و کومپین داخل محاربه شود و هر گاه دشمن باقوای بیشتری او را استقبال کند به قلاع شمالی عقب نشینی کرده و دشمن را بعقب خود بکشاند یعنی ماموریت محوله را انجام دهد

اما تفاوت بین خیال و عمل زیاد بود قشون شمال بحد کفایت ورزیده نبود تا قادر باقدام مانوری باشد که محتاج است بمحارت و سرعت بسیار بعلاوه حرکت قبل از موقع مقرره تیپی که از کامبره (۳) به سن کانتن احضار شده بود دشمن را متوجه نقشه مینمود

ژنرال فن گوبن (٤) فرمانده سپاه هشتم بوسیله سوار نظام اثبر خود از حرکت قشون شمال اطلاع حاصل و تصمیم نمود قوای فرانسه را بین سنکانتن و ترنیه (٥) جلب‌نماید ضمنا تمام قوای خاضره درناحیه هام- پرون را بسوی خود احضار نمود

دشمن در سرعت تقدم یافته و روز ۲۸ ژانویه در ورماند (٦) بجناح فدهرب حمله ور شد و با آنکه نتیجه رزم غیر مشخص بود قوای فرانسه با وضع بسیار پریشانی به سنکانتن متواری شد

(۱) Saint-Quentiu (۲) Noyon (۳) Combrai (٤) Von Goebem
(٥) Tergnier (٦) Vermend

نبرد سنکانتن (۱۹ ژانویه)

فدهرب از نقشه خود منصرف شده و مصمم قبول نبرد در جلو دروازه های سنکانتن با وضع نا مساعدی در یك نیمدایره دور شهر گردید

تهیه حمله که ژنرال فن گوبن اتخاذ کرده بود بسیار غلط بود قوا را در یك محیط غیر متناسبی نسبت بعده خود متفرق ساخته و تمام روز را صرف منازعات جبهه نمود بدون آنکه درنقطه قوای کافی جمع نموده و موفق بقطع خط رجعت خصم بشود

عصر آنروز آلمانها وارد شهر شدند لیکن فدهرب درحال عقب نشینی بود ومیتوانست بدون تشویش مجدداً به کامبره برود

قشون شمال که درنتیجه اضطراب مخوف سن کانتن ضعیف شده‌بود بین استحکامات کامبره — آراس — دوای — لیل و والن سین (۱) تقسیم شد تا در آنجا رفع‌خستگی لازمه را بنماید

این قوا خودرا برای نزاعهای جدیدی حاضر میکرد ولی متارکه جنك بکلی عملیات را خاتمه داد

ج — قشون مشرق

تشکیل قشون شرق — نقشه عملیات (طرح نمره ۶۸)

قبلا دیدیم که قرای لوار پس از دو سکست بون ـ لا ـ رولاند و لوانئی بدوقسمت مجزی تقسیم شدند

قشون شانزی که به‌مانس عقب نشست

قشون بورباکی (سپاه های ۱۵ و ۱۸ و ۲۰) که بدواً به ژیان و بعد به بورژ دریك حالت پریشانی عقب نشینی میکرد وهیچگونه کمکی به شانزی نتوانست برساند

در این موقع هیئت نمایندگان منصرف از نیت حرکت مستقیم بپاریس شده و متوجه

(۱) Velenciennes

نقشهٔ عملیات در جانب شرق گردیدند تا ارتباط دشمن را بمخاطره اندازند در حقیقت ارتباطات خلفی آلمان ها بسیار ضعیف بود زیرا قشون اول با فدهرب در گیرشده قشون دوم شانزی را تعقیب مینمود و تنها قوای موجوده آنها عبارت بود از سپاه دوم که از قشون محاصره پاریس منتزع شده و در مونتارژی سمت بطرف جنوب قرار گرفته بود سپاه هفتم در اوکسر و سپاه چهاردهم (جدیداً در گری‌ودیژون تشکیل یافته بود) محاصره بلفور را میپوشانیدند وسن علیا را در مقابل دوقوه نظامی فرانسه یعنی لشکر کرمر که در بون (۱) نشکیل شده و سپاه گاری بالدی که در اتون (۲) جمع شده بود مراقبت می نمودند

نقشه هیئت با وجور مشکلات ناشیه از شدت زمستان و صعوبت تدارکات در ناحیهٔ که فاقد منابع لازمه بود هرگاه سریعا و شدیداً اجرا میشد احتمال قوی درموفقیت آن میرفت

متاسفانه از نظریه اول خود منصرف شده و برای یك هدف ثانوی یعنی خارج کردن بلفور از محاصره منظور اصلی را که تخریب قوای مامور پوشش ارتباط بود از نظر دور نمودند و خاتمه نقشه که بطور قطع قبول شد باین قرار بود :

قشون بورباکی که از آن پس بنام قشون شرق نامیده میشد بوسیله راه آهن بدره سون (۳) اعزام و مامور گردید پس از الحاق بسپاه بیست‌و چهارم که جدیداً در لیون تشکیل شده دیژون را مستخلص نموده بلفور را از محاصره خارج کند وسپس متوجه‌ارتباط دشمن بشود

سپاه کاری بالدی با حفظ استقلالی که رئیس آن طالب بود مامور شد حرکت این قوا را از جانب چپ بپوشاند

بالاخره سپاه پانزدهم که موقة درویرزون (۴) بجهت پوشش بورژ و نور باقی مانده بود بر اثر حضور خود حمل‌و نقل قشون را بشرق مکتوم میداشت

(۱) Beaune (۲) Autum (۳) Saôn (٤) Vierzon

بتصور واهی کمك رساندن به بلفور بدبختی شدیدی قرین بدبختی قشون شالون‌نصیب این قوا گردید

تمرکز قشون شرق

انتقال سپاه های هیجدهم و بیستم بوسیله راه آهن به شانئی و شالون - سو- سون بهمچنین انتقال سپاه بیست‌و چهارم از لیون به بوزانسون (۱) با ترتیبی انجام گرفت که ده روز طول مدت آن بود یعنی از بیستم تا سی‌و یکم دسامبر و چون افراد را در واگونهای مخصوص حمل دواب بدون آذوقه و بالاپوش جاداده بودند صدمه و رنـــج فوق‌العاده تحمل نمودند بنحویکه ۱۸۰ کیلومطر حد متوسط مسافت مطاوبه‌را اگر پیاده می پیمودند دروقت و آسایش نفرات صرفه کلی فراهم میشد

علی ای حال روز اول ژانویه قشون شرق بقرار ذیل تجمع یافته بود:

سپاه هیجدهم در اوکسون (۲)

سپاه بیستم در دول (۳)

سپاه بیست‌و چهارم در بزانسون

لشکر کرمر در دیژون

احتیاط کل (سه فوج پیاده — در فوج سوار — سه آتشبار) در شمن (٤)

سپاه پانزدهم آلمان در اطراف بورژ از روز سوم آماده حرکت بود وردر درهمان تاریخ علی رغم احکام ملتکه که با اصرار تامی قشون بورباکی را در ناحـیه بورژ — نورمی پنداشت چون وضعیت را بهتر و روشن تر میدید دیژون را تخلیه نموده و سپاه خود را بین وزول و ویلر سکسل (٥) تمرکز داد قوای او ۳۰ هزار در مقابل ۱٤۰ هـزار قشون شرق واقع شد

---

(۱) Besancon (۲) Auxonne (۳) Dòle (٤) Chemin (٥) Villersexel

نقشه بورباکی

بورباکی اراده داشت قوای خصم را که از دیژون و گری بوزول آمده بود با تصاحب ویلر سکسل و قطع روابط آنها با بلفور از وزول خارج نماید و پس ازمتفرق ساختن قوای وردر متوجه سمت راست یعنی قوای محاصره بلفور گردد

نقشه وردر

وردر بنوبه خود چون با سه لشکر مواجه با سه سپاه بورباکی شده بود قوای خود را در عقب دورژون (۱) بر قرار نمود تا هرگاه قوای فـــرانسه بسمت نانسی متوجه شود ممانعت نماید و ضمنا سپاه خود را آماده حرکت به ویلر سکسل داشت تا درصورتی که قشون شرق متوجه بلفور بشود از پهلو بدان حمله کند و با استفاده از پریشانی منتجه از این حمله در حرکت بسوی لیزن بر آن سبقت جسته و محاصره بلفور را بوسیله نبرد دفاعی که در این موضع مستحکم معمول میدارد بپوشاند

حرکت قشون بسمت مشرق

قشون شرق که در طول دره اونیون (۲) موازی با خط آهن لون. لو. سونیه (۳) بوزانسون — بلفور حرکت میکرد و از اینجا تمام حوایج خود را مرتفع میساخت روز چهارم ژانویه باطراف وزول رسیده و روز پنجم غفلتا سمت حرکت خود را تغییر و بجانب ویلر سکسل متوجه شد این حرکت از پهلو که ضمنا محتاج بسرعت در عمل است در حضور دشمن فعالی بسیار خطرناك بود

خلاصه در ایام ششم هفتم وهشتم ژانویه به بهانه انتظار ورود بنه و سپاه پانزدهم که در کاروال (٤) درشرف حرکت بودند قشون بورباکی وقت را به بیهودگی بگذارند

وردر نیز از این سکوت بی‌مورد خصم استفاده کرده مصمم شد با دو لشگر خود سریعا به لیزن برود ولشگر سوم خود را (لشگر چهارم احتیاط) دو ویلر سکسل بگذاشت تا درگیر شده و حرکت قوای فرانسه را بتأخیر اندازد

---

(۱) Durgeon (۲) Ognon (۳) Lons-le-Saunier (٤) Clerval

رزم ویلر سکسل (نهم ژانویه)

لشکر چهارم احتیاط بدون هیچ زحمت ویلر سکسل را که در تصرف دو گردان بود تصاحب نمود ولی بنوبه خود مورد حمله سپاه های هیجدهم و بیستم شده در تمام روز نهم در مقابل این دو سپاه با کمال قدرت خود داری نموده و در شب عقب نشینی اختیار کرد این فتح تاکتیکی که نصیب فرانسه ها شد یك شکست سوق الجیشی است برای فرماندهی آن که وردر توانست پس از تحمیل نمودن اراده خود با قوای ضعیفی از دست او فرار کرده و در جاده بلفور بر او سبقت جوید.

از ویر شکسل تالیزن (۱) (طرح نمره ۶۹)

از تاریخ دهم در حقیقت سپاه چهاردهم آلمان پس از یك راه پیمائی سریع به‌ لیزن رسیده و در عقب آن شروع به دادن تشکیلات دفاعی سمت بمغرب برای خود نمود و فقط دو قسمت جهة پوشش درآرسی (۲) ودرلور (۳) باقی گذاشت

در ضمن آن که دشمن عقب نشینی میکرد بی آنکه از طرف فرانسه ها بر او تحمیلی شود قشون فرانسه بواسطه اشکالات تدارکاتی (راه آهن در کاروال متوقف شده بود) در محل خود میخکوب شده کاملا بیحرکت بماند و رئیس آن مرتبا بوزارت متبوعه راپرتهای ناشی از حس بد بینی در موفقیت قوا و نتایج سوء محتمله از عملیات میفرستاد

در این ضمن بر اثر امر فریسینه روز سیزدهم راه پیمائی در جادهائی که از یخ مستور ومانع سبقت جستن سوار بر پیاده بود شروع شد بد تر آن که بورباگی بتصور اینکه دشمن هنوز در وزول است سپاه هیجدهم را که جناح چپ آرایش را متصرف بود جهت پوشش بازوی چپ خود در ویلر سکسل بگذاشت و در صورتی که تمرکز قوا در لیزن انجام بگیرد این قسمت بیش از سایرین مجبور بود راه پیمائی نماید

(۱) Lisaine (۲) Arcey (۳) Lure

روز چهاردهم برای ملحق شدن سپاه هیجدهم مجددا توقف کردند عصر آن روز قشون شرق سمت بهٔ مشرق از دوب تاشاژی متمرکز شد و قوا در سرمای ۲۰ درجهٔ که یك باد موحشی بر شدت آن میافزود اردو زد

نبرد هریگور یا لیزن (۱) (۱۵—۱۶—۱۷ ژانویه) (طرح نمرهٔ ۷۰)

موضع منتخبه بوسیله وردر در عقب لیزن بسیار مستحکم بود و جبهه آن که توسط رودخانه پوشیده شده بود از سمت چپ تکیه به مونت بلیارد داشت از مونت وودوا (۲) عبور نموده در سمت راست به فراهیر (۳) منتهی میشد در صورتیکه مجهز به توپ های بزرگی بود که از قسمت محاصره عاریه نموده بودند این ترتیب دو نقص عمده داشت: اولا توسعه آن ۱۸ کیلو مطر با قوای وردر مناسب نبود ثانیا فقدان ارتباطات جانبی حرکت قوای احتیاط را بسیار بزحمت می‌انداخت بعلاوه اگرجبهه آن تقریباغیرقابل نفوذ بود سمت راست بسهولت ممکن بود از طریق جاده بزرك لور به بلفور احاطه شود در این ضمن احتیاط خود را وردر بتصور اینکه حمله فرانسه ها از جنوب غربی شروع خواهد شد عقب جناح چپ و مرکز قرارداده بود

وقایع روز پانزدهم

طبق امر بورباکی سه سپاه (سپاهای ۱۵—۲۴ و ۲۰) درجبهه بین بلیارد وهریکور مامور حمله شدند سپاه هیجدهم و لشگر کرمر مامور اجرای حرکت دورانی از جانب شمال بطرف شاژی گردیدند این آرایش بسیار نا مساعد بود زیرا سه سپاه را در یك جبهه هشت کیلو متری چنان با عسرت جمع نموده بودند که حتی امکان منبسط شدن هم نداشتند و فقط قوای قلیلی میتوانست در حمله اصلی شرکت جوید بعلاوه سمت راست دشمن را بغلط در شاژی معین نموده و در حقیقت خیلی بیشتر در سمت شمال واقع بود

حمله جبهه که با سستی غیر قابل قبولی اجرا شد در همه جا منجر بعدم موفقیت گردید مگر در مونت بلیارد که سپاه پانزدهم مشعشعانه آن را تصرف نمود

(۱) فرانسه‌ها آنرانبردهریگورو آلمانی‌ها نبردلیزن‌مینامند (۲) Mont Vaudois (۳) Frahier

حمله احاطه نیز صورت وقوع نیافت زیرا سپاه هیجدهم خسته بود ولشکر کرمر نیز تاخیر نمود

وقایع روز شانزدهم

پس از گذرانیدن یك شب موحش در اردو روز شانزدهم نزاع از نو شروع شد در جبهه جنوب وضعیت تغییر ننمود در شمال لشکر کرمر تا مولن روژ (۱) پیشرفت نموده بجاده بلفور برسید و چون بسیار خسته بود نتوانست از موفقیت خود نتیجه حاصل کند و سپاه هیجدهم بدون حرکت مانده نمی دانست چگونه از موقع استفاده نموده و سمت راست خصم را محاصره کند

وقایع روز هفدهم

در این روز بطور قطع مقدرات بلفور و پشون شرق معین می شد یعنی باید سپاه هفدهم را بهر قیمتی است مغلوب نموده یا آنکه هر چه زودتر فرار اختیار نمود زیرا در طرف جنوب خطر متدرجا بزرك می شد

خلاصه در ظرف سومین و منظمترین روز بورباکی در جبهه جنوبی یك وضعیت کاملا تدافعی اتخاذ نمود و در سمت شمال از اعزام سپاه هیجدهم بطرف شاژی خود داری می کرد وردر میتوانست با نهایت سهولت سمت راست خود را تقویت نموده و جاده بلفور را برای همیشه بروی قشون فرانسه مسدود کند

عصر آن روز بورباکی با حالتی بد تر از مرگ حکم عقب نشینی به بوزانسون را صادر نمود : و نمی توانست عواقب وخیم این تصمیم را برای خود پیش بینی کند

قشون جنوب آلمان (طرح نمره ۷۱)

از تاریخ یازدهم ژانویه ارکان حرب کبیر در حقیقت از حرکات سوق الجیشی قشون شرق اطلاع حاصل کرده سپاه دوم و هفتم را در نوی سو — راویر (۲) و در شاتیبون — سور — سن (۳) تمرکز داد تا یك قشون جدیدی بنام قشون جنوب

(۱) Moalin Rougeot (۲) Nits-sous-Rav-érse (۳) Chatillon-sur-Sein

تحت امر ژنرال مانتویفل که از روان احضار شده و در آن جا لشکر اول‌رافرماندهی میکرد تشکیل دهد

در بدایت امر مانتویفل هم خود را متوجه رفع مشکلات باسرع اوقات نمود یعنی از اقصر راه ازطریق‌وزول بکمل‌وردر برود

لیکن روز نوزدهم پس از وصول به گری از نتایج نبرد لیزن و عقب نشینی بورباکی اطلاع حاصل کرده و گستاخانه تصمیم گرفت که خود را بخط رجعت حریف انداخته بنحوی که اورا بکوهای ژورا (۳) کشانیده و در سرحدات سویس عرصه را بر او تنك نماید یا لا اقل نبردی با شرایط اخلاقی و مادی فوق‌العاده غیر مساعد بر او تحمیل نماید مانور بسیار خطرناك بود زیرا قوای خود را باید بین چهار قلعه : بوزانسون ـ لانژ (۱) — دیژون — و اوکسون برده ارتباط شخصی را متروك و از احتیاجات ضروری نیز صرف نظر کند ولی روی اصل وضعیت خراب قشون فرانسه و عظمت نتایج ممکنه رضایت باین امر بداد

مصیبت (طرح نمره ۷۲)

ژنرال مانتویفل فقط تیپ کتلر (۲) را در مقابل دیژون بجهت جلوگیری از گاریبالدی بگذاشت و روز بیستم ژانویه قشون جنوب را بجانب دول و دامپیر (۳) گسیل داد

در این ضمن قشون تبه روزگار فرانسه با یك وضع پریشانی بسمت بوزانسون (٤) عقب نشست رئیس آن انتظار داشت از طریق جاده های جنوب به لیون برسد لیکن وقت منقضی شده و دیر بود

روز بیست ودوم قشون مانتویفل از دوب در دول دامپیر عبور نمود روز بیست و سوم سپاه هفتم در کنتژی (٥) خط اصلی عقب نشینی قوای فرانسه را قطع کرد روز بیست و چهارم سپاه دوم که تا جنوب جنگل شو (٦) تجاوز کرده بود موشار (۷) را

(۱)Langre(۲)Kettlar(۳)Dampierre ٤ قلاع بزانسون برروی فراریان قشون وربا کی مسدود ماند

(٥) Quigney (٦) Chaux (۷) Mouchard

را در جاده لون ـــلو ــ سولنیه تصرف نمود

قشون بورباکی که دراطراف بوزانسون جمع شده بود از سه طرف احاطه شد : درشمال قشون وردر مونت بوزون (۱) و بوم ــ لهــدام (۲) را در تصرف داشت در مغرب سپاه دوم حواشی جنگل شورا اشغال نموده بود · فقط تنها راهی که باقی مانده جاده پونتارلیه (۳) بود

ررز بیست و پنجم بورباکی بواسطه از هم گسیختگی قشون خود مقابله بـا دشمن را در ارتفاعات اطراف بوزانسون غیـر مقدور دانسته و تصمیم جنـك و گریـز بـه جانب پونتارلیه نمود .

روز بیستو نهم سپاه های مختلف شرق پس از تحمل مشقت بسیار و باقی گذاردن سی هزار عقب مانده از جمیع جـاده هائیکه از بوم له ـ دام از بوزانسون و از آربـوا (٤) متوجه سرحدسویس بود جمع شده و اطراف پونتارلیه تمرکز یافتند و در آنجا ژنرال گلنشان (٥) که پس از قصد خود کشی بورباکی جانشین او شـد امیدوار بود از خود دفاع نماید

لیکن قشون آلمان که بقایای قوای خصم را تعقیب می نمودند از هر طرف پیاپـی میرسیدند ژنرال گلنشان چون از بردو اطلاع یافت که یك متارکه جنگی بامضاء رسیده است بدون آنکه ماده مقیده مربوط بقشون جنوب را دیده باشد بلا تامل بعملیات خود خاتمـه داد مانتویفل که متن صحیح متارکه جنك را در دست داشت از این توقف برای تکمیل احاطـه استفاده نمود

روز ۳۱ پس ازآنکه ژنرال گلنشان متن کامل متارکه را دریافت نمود دیگرقدرت مقاومتی برای خود نیافت و تنها چاره خودرا برای استخلاص ادوات جنگـــی و احتراز از باسیری رفتن بالمان : ورود بسویس دانست

روز اول فوریه هنگامیکه مانتویفل جلوی پونتارلیه حاضر شد شهر را خالی یافت :

---

(۱) Mont bozon (۲) Beaume - les Dames (۳) Pontarlier
(٤) Arboi (٥) Clinchant

بقایای‌قشون تقریبا هشتادهزار نفرازتنگه کلوز (۱) و قسمتی از وریر (۲) و قسمت دیگر از ژونی (۳) تحت حفاظت بعضی عناصر سپاه هیجدهم گذشتند و آخرین فشنگهای باقیه را جاو داران سپاه دوم آلمان بارمغان فرستادند

روز چهاردهم تازه خبر متارکه جنك درتمام فرانسه منتشر شد و در روز بعد بـالفور بامر حاکم نظامی دروازه های خود را پس از ۱۰٤ روز محاصره وپافشاری مفتخرانه ازطرف کلنل دانفر ــ روشرو (٤) بروی ژنرال دوتر سکوو (٥) بگشود

باین منوال آخرین کوشش که مملکت فرانسه در نتیجه این حادثه خاتمه پذیرفت و این کوشش که جمیع انتظارات و امیدواریها متوجه آن بوده البته برای موافق شدن‌احتیاج بیك هیئت مدیره قوی‌الاراده و سریع‌العملی داشت

بعلاوه تنهااین‌حادثه‌شوم بود که مقدرات فرانسه را معین نموده و یکصفحه دیگر برتاریخ مفصل بدبختیهای فرانسه بیافزود و قبل از آنکه اضمحلال قشون شرق کاملا بپایان رسدپاریس که مقدرات فرانسه با بی اختیاطی پای بند مقدرات آن شده بود این جنك ششماهه را که با وجود خاتمه حزن انگیزش با یادگاریهای پر افتخاری ممزوج بود چنین پاداش بداد

٤ـ معاهده فرانکفور (٦)

(دهم مه ۱۸۷۱)

ضمن شرایط متارکه جنك در ۲۸ ژانویه قید شده بود کـه در اسرع اوقات مجمع ملی را انتخاب نمایند تا قرار داد قطعی صلح توسط آن تنظیم شود

این مجمع در بردو تشکیل یافته و تی‌ارس (۷) را بریاست قوای اجرائیه جمهوری

---

(۱)Cluse (۲) Verrières (۳) Jougne (٤) Denfert-Rochereau (٥) de Treskon (٦) Francfort (۷) Thiers

انتخاب ومامور مذاکره صلح نمودند

مقدمات صلح که روز بیست و ششم فوریه بامضاء رسیده بود روز اول مارس در یك جلسه الم انگیزی تصدیق گردید و درضمن همین جلسه نمایندگان ایالات منتزعه اعتـراض مشهور خودرا قرائت نمودند و درنتیجه منجر بقرار داد قطعی فرانکفور بنمایندگی ژول‌فاور گولار (۱) و پویر کرتیه (۲) از طرف فرانسه و صدراعظم بیسمارك (۳) و کونت دارنم از طرف آلمان گردید

تمام خاك آلزاس باستثنای بلفور و یکقسمت از لورن شامل جمیع شهرهای فرانسه در خاك سار بانضمام شاتو سالن (٤) تیون ویل و متس « یعنی کلیدهای خانه » چنانچه بیسمارك بطور استهزاء گفته بوده است تسلیم دولت فاتح گردید

وسعت این منطقه یکملیون و پانصد هـزار هکتار با یك ملیون و شش صـد هزار سکنه بود

این الحاق اجباری را آلمانها نتوانستند بتصدیق ملت آلزاس و لورن برسانند و در طول مدت چهل و چهار سال این دو ایالت بعنوان مملکت امپراطوری تحت رژیم به خصوصی اداره میشدند

علاوه بر این دو ایالت ۵ ملیارد بعنوان غرامت جنگی فرانسه بالمان بپرداخت و تا خاتمه پرداخت غرامات قوای آلمان شهرهای شمال شرقی را در تصرف داشتند

بعلاوه بیسمارك بنفع تجارت آلمان امتیاز ملل کاملة الوداد را تقاضا نمود یعنی بامتعه آلمانی که وارد فرانسه میشوند کمترین تعرفه گمرکی تعلق گیرد

(۱) Goulard (۲) Pouyer Quertier (۳) Bismark (٤) Château-Salins

۵ ـ نتایج جنك

معاهده فرانکفور شکست فرانسه و سیادت آلمان را در اروپـا اثبات یا لا اقل راه این سیادت را برای او باز مینمود دولت انگلیس از دور جریان سیاسی اروپـا را تعقیب میکرد

روسیه عهدنامه پاریس (۱۸۵٦) (۱) را الغاء و از نو نظر خود را متوجه اسلامبول نموده و چنین مینمود که از مغرب صرف نظر کرده وحدت ایتالی دربیستم سپتامبر ۱۸۷۰ بوسیله اشغال رم تکمیل شد

اطریش با ملاحظه عواقب که در شب قبل از شروع جنك ۱۸۷۰ با فرانسه بسته بود حاضر بود اولین توجه آلمان را حسن استقبال نماید در فرانسه از انتخابات محافظه کارانه ۱۸۷۱ چنین معلوم و مفهوم بود که مملکت بهر قیمتی طالب ترك سیاست حادثه جویانه امپراطوری است و برای مدت معینی قصد کناره جوئی از سیاست اروپائی دارد زیرا دراین آلودگی های عمومی تنها آلمان مالك الرقاب اروپا گردیده بود

و چنانچه ملاحظه می شد تعالی یکی از متخاصمین با تنزل دیگری متوازیا تهیه شده بود

علت بلا واسطه آن اولا همان جنك ۱۸۷۰ است که طبیعت‌نیزبان کمك می نمود و شکستهائی که بقوای فرانسه میشد بیش از حد انتظار دشمن بوده است

حوادث نظـامی یك نوع پاداش و نتیجه از گذشته بوده است زیرا هر یك از متخاصمین استحقاق و شایستگی پیش آمدی را داشته اند که عایدشان شد آلمان ها قشون

(۱) الغاء معاهده ۱۸۵٦ منعقد در پاریس از ۱۷ ژانویه تا ۳۱ مارس در لندن ضمن کنفرانسی صورت گرفت که فرانسه در آن نماینده نداشت و باین وسیله بیسمارك حق‌السکوت روسیه را میداد

مرتبی تهیه نموده و فرانسه ها فاقد آن بودند رؤسای آلمانی در صورت فقدان فراست فوق العاده یك آئین جنك مسلمی داشتند و حال آنکه رؤسای فرانسه نه دارای فراست کافی و نه آئین جنك معینی بودند این هم علت ثانوی است علت اساسی این حوادث در درجه اول اشتباهات کثیرهٔ است که دولت امپراطوری مرتکب شده است امپراطور نه قشونی داشت که با سیاست او مطابقه کند و نه رؤسای لیاقتمندی که بتوانند جنگی را که در نتیجه سیاست دولت حتمی الوقوع بوده است اداره نمایند دولت امپراطوری و شخص امپراطور بواسطه اشتباهات فکری و بخصوص بر اثر فقدان اراده سقوط نمود دولت امپراطوری نه منظور خود را بطور صریح تشخیص و نه وسائل اجرای آن را تمیز میداد از طرفی مطیع افکاری بودند که ناشی از رژیم مشروطیت است و از جانب دیگر نمی توانستند این افکار را اداره کنند این تردید بین سیاست جنك جویانه که در خارجه موجب توحش عامه بود و سیاست صلح طلبانه که منجر بتغافل ملت میشد هر نوع اقدام شروع شده را متوقف ساخته و هر نوع قصوری را بدلیلی تصدیق می نمود و باعث شد که از فوائد متصوره هر یك ازاین دوسیاست در صورتی که عاقلانه اداره میشد فرانسه را محروم نماید فرانسه اطریش را از دست بداد بی آنکه با ایطالی عقد اتحادی به بندد با روسها روابط خود را تیره ساخت قبل از آنکه لهستان را نجات دهد به پروس فرصت داد تا آلمان را مطیع خود سازد بدون آنکه جبران خسارتی طلبیده و بیطرفی فرانسه را تامین نماید

بعلت فقدان مقصد معینی افکار رؤساء نظامی در مباحثات بی ثمر و تحریکات بیهوده آلوده و پریشان بود حکومت وقت تکلیف تهیه جنك و مخصوصا چه نوع جنگی را باید تهیه نمایند معین نمیکرد این رؤسا که بحال خود واگذار و در افق حجب — تردید و احتیاطات انتخابی میزیستند و شاید بعضی از انها نسبت برؤسای المانی نیز امتیاز داشتند نمیدانستند چه باید کرد و قناعت باصلاحاتی می کردند که اراده میشد و هیچ وقت باتمام

نمیرسید و چون منظوری جهت ابراز جدیت در پیش نداشتند با مساعدت حوادث شوم اصول جنگهای بزرك را فراموش نموده ائین جنك نداشتند و احتیاج لزوم ان را نیز احساس نمیکردند که چه میخواهند و بعلاوه صفات ممیزه را از دست داده بودند

هنگام استقرار و جلوس سلطنت با نظر بی قیدی به ضعف روحیه قوای نظامی که با نقشه صلح جویانه ان در خارجه مخالف و بر تشویش اذهان ملت میافزود می نگریستند حکومت مستبده ژویه که بیشتر رعایت حال رؤسای نظامی را میکرد و در احترامات انها بحد افراط میکوشید هیچ انتظار و توقعی از انها نداشت مگر همکاری در اساس صلحی که بتصور خود بنحو احسن تهیه نموده بود هیچکدام نمیخواستند عظمت مملکت را روی اساس قشون تامین نمایند دولت امپراطوری که متوسل بجنك شد برای حل و تسویه مسائل خارجی احتیاج بان داشت که قشون را توسعه داده و رؤسا را تحریك و وسایل اجرای نقشه خود را تامین نماید امپراطور بنواقص موجوده بر خورد کرده و راه حل ان را نیز پیش بینی میکرد ولی موانعی که هر روز در مقابل او عرض اندام میکردند اورا متوحش ساخته و چون نمیخواست افق رفاهیت وسعادت مملکت را تیره کند خود را تسلیم حوادث نموده و گمان میکرد میتواند مطابق میل خود حوادث را اداره کند ولی دیگر قدرت اداره امور را نداشت و عنان اختیار از کفش خارج شد

گناه این حوادث را ممکن بود متوجه اشخاصی کنند اما هر مملکتی دارای رؤساء و قشونی است که استحقاق دارد

وضعیت پروس سرمشق متقابله بما نشان میدهد حکومتی که از نیت و مقصد خود مطلع باشد برؤسای نظامی خود اطلاعات صریح و وسائل لازمه جهت غلبه بر موانعی که در مقابل نقشه خود می بیند می دهد ملتکه با اتکاء باین اعتماد و اطمینان توانست نقشه خود را که بخوبی تهیه نموده بود اجرا نماید زیرا او میدانست چه جنگی در پیش دارد دشمنان و متحدین او کدامند و بیطرفهای احتمالی چه دولی هستند با داشتن این اطلاعات میتوانست شرایطی را که طبق ان جنك جریان پیدا میکند تعیین نماید (محل و سرعت

تمرکز ان — نوع عملیات تعرضی یا تدافعی — مرکز ثقل قوای خصم) و بدون قائل شدن تخفیفی در لیاقت نظامی ملتکه باید دانست که هر گاه بیسمارك وظیفه اورا معین نمیکرد او قدرت نداشت که وحدت ممالك المان را تحت تسلط و اقتدار پروس تشکیل دهد برای این منظور لازم بود از قدرت مقاومت کاسته و بر انچه ممکن نیست حذف شودغلبه نمود اولین قسمت این پروگرام متوجه سیاست بود بیسمارك برای خود متحدین و بیطرفهای نیکخواهی فراهم ساخت ازقبیل ایطالی وروسیه تنها مخالفی که باقی مانده فرانسه واطریش بود تا نقشه عمل متوجه کدام یك شود سیاست بار دیگر برای منع توحید مساعی مخالفین داخل عمل شد ولی دیگر کار از دست سیاسیون خارج بود و موقع اقدام نظامیان رسید لقشه دو جنك تهیه شد یکی برعلیه اطریش و دیگری برعلیه فرانسه آلمان هم وقت و هم وسیله مکفی داشت بیسمارك البته موقعی علامت شروع جنك رامیداد که تمام وسائل برایش حاضر شده باشد ملتکه و رون (۱) با کمال فراغت نقشه دو فتح را تهیه میدیدند

این ارتباط سیاست و نظام این متابعت دومی از اولی تنهـا نتیجه است که از شکست فرانسه و از فتح آلمان عاید میداریم از طرفی یك سیاست مجهول رؤسای بی اراده و قشون خالی از تهیه طرف دیگر فرضیات معین و مبتنی بر مدرك صحیح راجع به موانع و مقصد همچنین رؤسای نظامی که بحد کفاف نسبت بمقصد اصلی توجیه و تقویت شده اند بعلاوه قشونی که قادر باجرای نقشه طرح شده میباشد لذا نتیجه یك خط مشی حوس آلوده و غیر مطمئن شکست است و نتیجه یك خط مستقیم فتح است

(۱) Valenciennes

قسمت دوم

از ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴

سیاست اروپا از ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴

فهرست

۱ ـ سیاست ائتلاف - مسلح
۲ ـ توسعه مستملکاتی
۳ ـ مسئله شرق
٤ ـ اتحاد ژرمن

۱ ـ سیاست ائتلاف

صلح مسلح

پس از مصائب ۱۸۷۰ سیاست خارجی فرانسه لازم بود مانند زمان پس از جنك ۱۸۱۵ سیاست تامینیه باشد قشون را از نو تشکیل داده و بنحو احسن شکافی که در سرحد شمال شرقی ایجادشده است مسدود وانتظار ایام مساعدتری داشته‌باشد این دوره تامینیه ده سال بطول‌انجامید وبر اثرفعالیت‌ملت مجددا فرانسه حیاتی یافته و از ۱۸۸۰ سیاستمداران آن مملکت دانستند که سیاست تامینیه هرگاه ادامه یابد منجر به اضمحلال و نابودی مملکت خواهد شد

بر اثر تحریك ژول فری (۱) فرانسه دعوی اعمال نفوذ قانونی خودرا بنحو سابق در عالم نمود و در اتحاد ملل اروپائی مجددا عرض اندام کرده و قویا در سیاست توسعه مستملکاتی وارد شد

ولی موفقیت های احتمالی موجب فراموشی جراحتی که در سرحدات ووژ (۲) پیوسته محسوس بود نمی گردید فرانسه مجبور بود از نزدیك جریانات اروپا را تعقیب کند و حتی الامکان بانتظار موقع مناسبتری بـا نقشه آلمان مخالفت نماید زیرا توقع و دعوی سلطه آلمان ها یك مخاطره دائمی را بوجود می آورد بدین لحاظ سیاست ائتلاف و اتحاد اروپا پدید آمد

روز بعد از معاهده فرانکفور بیسمارك احتیاطا برای جلوگیری از یك جنك انتقامی فرانسه با روسیه و اطریش یك اتحاد ثلاثه تشکیل داد لیکن منافع این دومملکت در بالکان چون بسیار متضاد بود اتحاد بین سه امپراطور نمی توانست ادامه یابد در کنکره برلن (۳) (۱۸۷۸) روسیه را از اکثر امتیازاتی که پس از جنك روس و ترك در نتیجه معـاهده سان ستفانو (٤) عاید میداشت محروم ساخته و باطریش که حتی یك تیر تفنك هم خالی نکرده بود اجازه دادند بوسنی و هرتسه گوین (٥) را اشغال کند این امر موجب شد روسیه از جرگه دول مرکزی خارج شود

بیسمارك احتیاط لازمه را درمقابل کناره گیری روسیه نموده بود برای تیره کردن روابط فرانسه با ایطالی فرانسه را به اغوا فتح تونس کرد در حقیقت ایطالی با ملاحظه مسدود شدن آخرین راه توسعه مستملکاتی خود داخل مخالفت بافرانسه گردیده و در۱۸۸۳ اتحاد جدیدی بین آلمان — اطریش وایطالی منعقد شد در چندین نوبت این اتحاد مخصوصا بتحریك کریسپی (٦) تا۱۹۰۲ تجدید گردید هومبر (۷) پادشاه ایطالی چون ازجمهوری فرانسه خوش بین نبود بنا بر گفته بیسمارك این اتحاد را پیمان سیستم حکومت انتظـامی

(۱) Jules Ferry (۲) Vosges (۳) رجوع شود درآتیه بمسئله شرق (٤) SanStephano (٥) Bosnie, Herzégovine (٦) Crispi (۷) Humbert

برعلیه جمهوری اجتماعی مینامید

موازنه اروپا دوچار تهدید بود روسیه و فرانسه دانستند که نفع آن ها در مخالفت با استیلای آلمان مشترك است و باید ائتلافی بنمایند لذا ائتلاف فرانسه وروس طرح ودر ۱۸۹٥ پس از یك رشته تظاهراتی مبنی برتمایل کامل دو مملکت (تولون — کرونشتاد) (۱) بطور قطع بسته شد

فرانسه باین منوال موقعیت خود را بیشتر مقرون بتامین یافته و روسیه هم بوسیله سرمایه فرانسه موفق شد موجبات توسعه اقتصادی خود را فراهم نماید

جنك منچوری بر اثر ضعیف کردن روسیه موازنه اروپا را که موقة تامین یافته بود برهم زد آلمان بلافاصله سیاست تعرضی خود را که بوسیله مسافرت امپراطور ویلهم دوم به تانژ (۲) در مارس ۱۹۰٥ با کبکبه و جلال کامل تظاهر نمود از سر گرفت ولی دیپلوماسی فرانسه ساکت نمانده و از ۱۹۰٤ مشکلات مستملکاتی خودرا با انگلیس تصفیه و بنای یك ائتلاف متینی را برقرار نمودند که اثرات آن در کنفرانس الجزیره ظـاهر گردید : فرانسه در این کنفرانس از جـانب روسیه — انگلیس ـ دول متحده امریکا اسپانی وحتی ایطالی که تحمیل فشار نظامی متحدین ثلاثه اورا مضمحل میکرد وپس از مرك کریسپی متمایل بفرانسه بود تایید گردید

تنها مخالفت بین انگلیس وروسیه لازم بود مرتفع شود آنهم بوساطت فرانسه مناقشات مملکتین در مورد ایران — افغانستان — تبت وخلیج فارس در ۱۹۰۷ بموجب قراردادی تصفیه و تمام موجبات مشاجره منتفی گردید

ائتلاف مثلث در مقابل اتحاد ثلاثه تشکیل گردید

از آن پس موقعیت سیاسی فرانسه در اروپـا فوق العاده مستحکم شد مـلاقاتهای متقابله بین رؤسای جمهور فرانسه و سلاطین اسپانیول و ایطالی حاکی از اهمیت واحترامی بود که سلاطین مزبور برای حکومت فرانسه قائل بودند : در حوادث اخیره شرق قبل از

(۱) Toulon-Cronstadt (۲) Tanger

جنك بزرك بين المللى كامه پاريس براى رتق و فتق امور كافى بود

هر چند شش دولت بزرك اروپائى تشكيل دو دسته قريب القوه داده بودند ممكن نبود كه قرن طلائى تجديد شود زيرا در هيچ زمانى مانند اين مدت چهل و چهار ساله كه بر اثر اعزام قوا بمستملكات و منازعات بالكانى افق تيره شده بود ضرب المثل قديمى : « آماده جنك باش اگر طالب صلحى » صدق نميكرد

با آن كه عموم با صداى بلند صلح طلبى خود را اعلام مى داشتند هر يك از دول خود را تا دندان مسلح نموده و با نظر حقد و حسد ازدياد قواى قابل تجهيز ـ كشتى هاى جنگى و توپهاى همجواران خود را مراقبت نموده و در مقابل از ابراز فداكارى در صرف پول و نفر خوددارى نميكردند تا مقاصد سياسى خود را بوسيله قواى نظامى تامين و تقويت نمايند

اروپا از تاريخ ۱۸۷۰ يعنى هنگام طلوع آلمان موازنه خود را از دست داده و ميل مفرطى به تكثير اسلحه در آن ايجاد شد اين دوره عبارت از ميليتاريزم اروپا است و با آن كه مكرر اقدام بتصفيه اين مشكلات بنحو دوستانه شد ولى بهيچوجه بطور جدى و با احتمال بموفقيت نائل بدادن سر و صورتى بخلع سلاح نشدند

در حقيقت دلائل و موجبات مشاجره و منحصر و محدود برقابت داخلى اروپا نبود بلكه بسيار متعدد بود و هر يك از دول خود را موظف ميدانستند در وضعيت حـال خود مواظبت كامل نمايند

صلح عالم پاى بند و مقيد به كوچكترين حادثه بود

۲ ـ توسعه مستملكات اروپا تا ۱۹۱٤

تاريخ نفوذ اروپائى ها در قطعات مختلفه عالم ضميمه تاريخ طبيعى اروپا در قرن نوزدهم ميباشد توجه اروپا باين موضوع بخصوص پيوسته ادامه و عموميت داشته است و ناشى از علل عديده سياسى ـــ اقتصادى و اجتماعى ميباشد

ترقى ممالك متحده امريكا از زمان جنك استقلال (۱) و معمول داشتن عقايد و آئين مون روئه (۲) يعنى : « امريكا از آن امريكائى است » ديگر باروپائيها مجال نداد در اقليم جديد تهيه مستملكه نموده وآن را مورد استفاده خود قرار دهند لذا جميع توجهات دول متوجه آسيا و مخصوصا افريقا گرديد

الف ـ تقسيم افريقا

از مديد زمانى ملل بحرى اروپا در سواحل افريقا داراى تجارتخانه هائى بوده اند ليكن داخله اين قطعه براى آنها غير معلوم مهلك و خطرناك بوده است وضعيت كوهستانى اين قاره و عدم قابليت كشتى رانى رودخانه هاى آن ارتباطات را مشكل ميساخت حمل و نقل مال التجاره بواسطه نقصان دواب باركش گرانبها و مالايطاق تمام ميشد زيرادراكثر مناطق تنها وسيله حمل و نقل خود افراد سكنه آن بوده اند

در قسمت اول قرن نوزدهم تا ۱۸۸۰ تنها مبلغين مذهبى و سياحان در صدد نفوذ بداخله قاره وسيع سيـاحان بوده اند و اين دوره مخصوصى سياحت و اكتشافـات عظيمه بوده است

سياح انگليسى ليوينگستون (۳) در افريقاى جنوبى (كشف زامبز (٤) و درياچه تانگانيكا (٥) و كامرون (٦) در افريقاى مركزى (استوا)

سياح فرانسوى ساورنيان دوبرازا (۷) در حوزه كونگو

سياح امريكائى ستانلى (۸) افريقا را اززنگبار تاكنگو عبور نمود

سياح آلمانى بارت (۹) و ناختيگال (۱۰) ۱۷۸٤ در ناحيه چادونيجر

از تاريخ ۱۸۸۰ سياحت و اكتشافات صورت ديگرى بخود گرفت و منظورعلمى مبدل به قصد سياسى گرديد زيرا بر اثر ثروت هنگفتى كه در محيط وسيع افريقا براى

---

(۱)Sécession(۲)Monroë (۳)Livingstone (٤)Zambèse (٥)Tanganickea (٦) Cameron (۷) Savergnan de Brazza (۸) Stenley (۹) Barth (۱۰) Nachtigall

استفاده موجود بود دول معظم اروپائی را تحریص برای اشغال اراضی مکشوفه می نمود در سرعت بر یکدیگر سبقت می جستند

کنفرانس برلن (۱۸۸۴ — ۱۸۸۵) بنحوی تقسیم سیاسی افریقا را تنظیم نمود در این کنفرانس دولت مستقل کنگو تشکیل یافت و بملکیت شخص پادشاه بلژیك لهاوپولد(۱) دوم واگذار شد کنفرانس مزبور وجود کنگو فرانسه را برسمیت شناخت و اصول آزادی کشتی‌رانی را در رودخانه های بین المللی کنگو ـ نیجر — بنوه (۲) برسمیت شناخت‌این کنفرانس صورت ظاهر سیاسی را جهت تصاحب یك قطعه زمین وتشکیل یك تحت الحمایه جدیدی فراهم نمود بالاخره مناطق نفوذ واصولی راکه طبق آن اراضی آزاد واقعه در عقب مناطق ساحلی باید تابع آن باشند برسمیت بشناخت

این کنفرانس بیشتر حرص تملك را در عموم تزیید نمود در ۱۸۸۰ قرارداد های مختلفی مناطق نفوذ فرانسه —. انگلیس — آلمان و غیره را معین ومشخص نمود لیکن تقسیم افریقا چنانچه بعدا ملاحظه خواهد شد بدون اصطکاك خواه در نتیجه موانع ومحذورات داخلی خواه نظر برقابت دول صورت نگرفت : جنك ترانسوال که مستلزم صرف مال و قوای نظام کثیری از طرف انگلیس بود جنك حبشه که موجب بلای عظیمی برای ایطالی شد فرانسه بر سر تونس با ایطالی بهم زده و برای مصر با انگلیس و برای مراکش با آلمان کشمکش بسیار نمود

اول — امپراطوری فرانسه در افریقا

الف — تونس و مراکش

پس از فتح الجزایر هرگاه دولت فرانسه میخواست کاید خانه خود را داشته باشد لازم بود تونس را در شرق و مراکش را در غرب ضمیمه مستملکه خود نماید

تونس که بیشتر در معرض طمع سایرین واقع گردیده لازم بود که توسعه مستملکانی

(۱) Léopold (۲) Bénoué

فرانسه از آنجا شروع شود

فرانسه در این موقع مواجه با رقابت وهم چشمی شدید ایطالی گردید که بحد افراط طالب تصرف این مستملکه قدیم رومی بود زیرادرحقیقت میتوان گفت تونس دنباله جغرافیائی سیسیل (۱) بشمار میرودکنگره برلن (۱۸۷۸) دراین مورد اختیار تام بفرانسه داد انگلیس تقدم حقوق فرانسه را عادلانه تصدیق کرد بیسمارك از صرف قوای فرانسه ضمن اعزام قوا در خارج و بهم خوردگی روابط ایطالی و فرانسه خوشوقت بود

در ۱۸۸۱ ژول فری (۲) تخطی و قتل وغارت کوه نشینان تونس را بسرحدات مستملکه فرانسه بهانه نمود و یك قوائی تحت امر ژنرال فورژمل دوبوسکنار (۳) تشکیل و اعزام داشت قوای فرانسه در بیزرت پیاده شده و بدون مشکلات زیاد بتونس وارد گردید و قرارداد باردو (٤) را در ۱۲ مه۱۸۸۱ به بیك تونس تحمیل نمود بمنظور آنکه تونس تحت قیمومیت فرانسه در آید

چند ماه بعد با اشغال شهر مقدس کایروان (٥) و صفاقس (٦) آخرین مقاومت اهالی در هم شکسته شد

فرانسه از دانائی راضی نشد عنوان مستملکه باین دولت جدید تحت الحمایه بدهد و قانع شد بازدیاد قدرت نماینده خود در آنجا و تصرف بندر بیزرت برای تشکیل یك نقطه اتکاء درجه اولی برای بحریه خود

تصرف مراکش مشکلتر و شایان دقت زیادتر بود

تا ابتداء قرن بیستم مراکش با ثروت و استقلال خود حرص و آز دول اروپائی را بخود جلب مینمود : فرانسه بمناسبت الجزایر نمی توانست وجود یك همسایه خطرناکی‌را در آنجا تحمل نماید اسپانیول که از چندین قرن در ساحل ریف مستقر بود مراکش رادنباله طبیعی خود می پنداشت — انگلیس برای خود یك بازار تازه در آنجا احتمال می داد و نمی توانست اجــازه دهد که دولتی طنجه را در مقابل جبل الطــارق تصرف کند

(۱) Sicile (۲) Jules Ferry (۳) Forgemol de Bosquénard (٤) Bardo (٥) Kairouan (٦) Sfax

آلمان هم که فاقد مستملکه پر جمعیتی بود الجزایر ژرمن را در خواب خوش رؤیت میکرد

این نظر های متضاد مدتی مدید حفظ هیولای مراکش را تامین مینمود لیکن در مقابل دروازه های اروپا برای اروپائیها غیر قابل قبول بود یك مملکت جدید و حاصلخیزی بی استفاده بماند

از ۱۹۰۴ موضوع مراکش وارد مرحله عملی شد : فرانسه بموجب یك معاهده سری منعقده با انگلیس ـــ ایطالی و اسپانیول اجازه آزادی عمل کامل در مراکش حاصل نمود و در مقابل متعهد شد که موضوع مصر را با انگلیس مسکوت گذارد و در مورد ایطالی کاری نکند که مانع اقدامات احتمالی آن مملکت در طرابلس بشود و حقوق اسپانیول را راجع به « پره زیدیو (۱) » محترم شمارد

آلمان که ازاین جرگه دورافتاده بود شدیداً اعتراض نمود : ویلهلم دوم باشوکت تمام برای سلام سلطان مراکش « شهریار کامل الاستقلال » به طنجه آمد و از این اقدام بر تیرگی روابط سیاسی اروپا افزوده شد که منجر به یك کنگره بین المللی یعنی کنفرانس الجزیره (۱۹۰۵) گردید دوست ها و متفقین فرانسه موجبات موفقیت دیپلماسی فرانسه را ایجاد ساختند : دول برای فرانسه در سرحد الجزایر یك موقعیت ممتازی قائل شدند و ضمنا مصونیت و تمامیت مملکت سلطان رانیز تضمین نمودند

فرانسه و اسپانیول بوکالت از جانب اروپا مامور تشکیل پلیسی در بعضی از بنادر مراکش شدند و از این رو بفرانسه اجازه داده شد دخالت نظامی در داخله مراکش نیز بنماید (۲)

در ۱۹۰۷ قتل عام اروپائی ها در کازابلانکا (۳) وسیله اعزام قوائی به شائویا (۴) شد که پس از تامین آن ناحیه یك سپاه ساخلو در آنجا باقی گذارند

در ۱۹۱۱ هنگام انقلاب فاس (۵) یك ستون فرانسه اروپائی ها را نجات داده و

(۲) اعزام قوا بوسیله ژنرالهای درود ـ آماد ـ گورو ومخصوصا کیونی

(۱) Fresidio

(۳) Casablanca (۴) Chaouïa (۵) Fez

شهر را تصاحب نمود

این نفوذ متوالی فرانسه موجب کدورت شدید آلمان شده و برای ابراز عدم رضایت یك کشتی جنگی به آقادر (۱) مخرج دره حاصلخیز سوز (۲) بفرستاد تا فرانسه را وادار بترك فتوحات خود نموده یا آن‌که سهمیه خود را در صورتیکه فرانسه از تخلیه فاس خود داری کند تعیین و تصرف نماید

موقعیت بسیار باریك بود فرانسه بتحقیق روح قرارداد الجزیره را رعایت نمیکرد و بدست آلمان هم مستمسك خوبی افتاده بود

حکومت فرانسه بخیال آن‌که دعوی آلمان را باید خریداری نماید : طبق معاهده چهارم نوامبر ۱۹۱۱ بین فرانسه و آلمان اراضی بین کنگو و چاد را در مقابل دعاوی آلمان راجع به مراکش بان دولت برگذار نمود

از آن پس نفوذ فرانسه متوالیا توسعه یافته و مقدمات شناسائی رسمی مراکش به تحت الحمایگی فرانسه فراهم آمد

ب ـ سودان و کنگو

فتح سودان در بدایت امر از دوره امپراطوری دوم شروع گردیده است و در تاریخ ۱۸۵۵ فدهرب دره سنگال را اشغال پست مدینه راترتیب داده و راه نیجر (۳) را باین منوال مفتوح ساخت

نقشهٔ که او اتخاذ کرده بود پس از ۱۸۷۰ توسط سرهنگ بری ار دولیل (۴) یاور بورنی ـــ ده بورد (۵) سلطان گالیه نی (۶) تجدید شد پس از دو سال منازعه با سلطان بامباراس ها (۷) احمدو (۱۷۷۹ ـــ ۱۸۸۱) موفق شدند تمام ممالك سگو (۸) را درنیجر علیا تحت الحمایه فرانسه بنمایند نقطه عزیمت فتح سودان از اینجا شروع میشود

(۱) Agadir (۲) Souz (۳) Niger (۴) Brière de l'Isle (۵) Borgnis-Desborde (۶) Galliéni (۷) Bambaras (۸) Segou

و درمدت شانزده سال فرانسه باساموری (۱) خونخوار در کشمکش بود و پس از قلع و قمع او در ۱۸۹۲ بوسیله سلطان گورو (۲) و نائب ژاکن (۳) دولت فرانسه موفق بدادن امنیت در کلیه ناحیه واقعه بین پیچش رود نیجر و سر چشمه های سنگال و مملکت کونگ (٤) گردید

در همان تاریخ سلطان بنژر (٥) در دو سفر با نهایت کامیابی (۱۸۸۸—۱۸۹۲) حدود منطقه تحت الحمایه فرانسه را در تمام اراضی واقعه بین ساحل عاج و چشمه های سنگال معین نمود و در ضمن ژنرال دود (٦) از کتنو (۷) تجاوز کرده تا آبومی (۸) بالا رفته وبوسیله اشغال بهانزن (۹) (۱۸۹۲—۱۸۹۳) الداهومی را بتصرف فرانسه درآورد

اما تصرف کنگو ناشی از اقدامات یك نفر سیاح جسوری است بـاسم ساوورنیان دوبرازا صاحبمنصب جزء بحری که بدون صرف یك تیر تفنك موفق آمد طبق مذاکرات با رؤسای بومی و قرار نامه های ساده اراضی وسیع حاصلخیزی در ساحل راست لنگو و اوبانگی (۱۰) بتصرف فرانسه بدهد (۱۸۸۵-۱۸۸۳)

فرانسه طبعا میخواست کنگو و سودان را بیکدیگر ملحق سازد چون آلمان ها در کامرون (۱۱) و انگلیسها در مصب نیجر بر او سبقت جسته بودند مجبور شد بجانب شمال شرقی در ناحیه دریاچه چاد از طریق دره شاری (۱۲) متوجه شود در آنجا هم مصادف به رباه نام یکی از رؤسای مخوف بومی شدند و پس از تمرکز سه ستون درسواحل رود چاد در ماه آوریل ۱۹۰۰ موفق بدر هم شکستن قدرت او شدند . این سه ستون عبارت بودند از ستون فورو ـلامی (۱۳) که ازراه صحرا ازالجزایرامده بود ثانیا ستون ژولاند(۱٤) که از سنگال امد . ثالثا ستون ژانتیل که از کنگو امده بود .

(۱) Samory (۲) Gonraud (۳) Jacquin (٤) Kong (٥) Binger (٦)D-odds (۷) Kotonou (۸) Abomey (۹) Béhanzin (۱۰) Oubanghi (۱۱) Camoroum (۱۲) Chari (۱۳) Fourreau - Lamy (۱٤) Joalland

چند سال قبل از آن فرانسه بصرافت افتاد مملکت سودان را تا رود نیل امتداد و از جانب حبشه تا بحر احمر توسعه دهد ستون مارشاند (۱) که در سال ۱۸۹٦ ازلوانگو (۲) حرکت کرده بود در سال ۱۸۹۸ پس از غلبه یافتن بر مشکلات غیر متصوره بمملکت رود خانه ها یعنی بحر الغزال رسیده و فشوده (۳) را تصرف نمود

انگلیسها چون هیچگاه بکسی اجازه نمیدادند جسارت نموده با آنهـا رقابت نماید استقرار فرانسه را در فشوده منافی حقوق خود در مصر دانسته حکومت فرانسه را مجبور نمودند از تصرف آن محل صرف نظر نماید وحال آن که معلوم نیست فشوده شایسته چنین رقابتی هست یا نه و دولت فرانسه این اصل را در نظر نیاورده بستون مارشاند امر داد فشوده را تخلیه نموده و از راه حبشه بفرانسه رجعت کند

ج ــ ماداگاسکار

حقوق فرانسه بر ماداگاسکار از قرن هفدهم شروع میشود ریشلیو (٤) در ساحل جنوبی پست فور ــ دوفن (٥) را تاسیس نمود (۱٥٤۲)

اشغال جزیره فرانس (جزیرهٔ موریس) (۹) بدست انگلیسها و عواقب معـاهده پاریس (۱۸۱٤) در تمام قرن نوزدهم موجب اختلافاتی بین فرانسه و انگلیس از لحاظ تاثیر نفوذ درتاناناریو (۷) شده بود بدایهٔ موفقیت علی الظاهر با انگلیسها بود وهواس‌ها(۸) با تبعه فرانسه بد سلوکی آغاز کردند تا بالاخره بحریه فرانسه ناچار بدخالت گردید وپس از بمباردمان تاماتاو (۹) هواس‌ها ظاهرا اظهار انقیاد نمودند (۱۸۸۳) لیکن تخطیات پی در پی آنها بقرارداد خود فرانسه را در ۱۸۹٥ مجبور بفتح تمام جزیره نمود

ژنرال دوشن (۱۰) مامور انجام این امرشد ابتداء اعزام قواجندان مقرون بموفقیت نبود : ازپانزده هزار نفریکه درماژونگا پیاده شدند متجاوز ازپنجهزار نفر در ضمن ساختمان جادهٔ که برای پیشروی قشون بسمت مرکز جزیره لازم بود از تب تلف شدند خوشبختانه بیطرف ماندن هواسها اجازه داد یك ستون سبك چهارهزار نفری تشکیل و سریعا به تاناناریو

(۱) Marchand (۲) Loango (۳) Fachoda (٤) Richelieu (٥) Fort-Dauphin (٦) Maurice (۷) Tananarive (۸) Hovas (۹) Tamatave (۱۰) Duchesne

اعزام دارند شهر بااولین تیر توپ تسلیم شد (۳۰ سپتامبر ۱۸۹۵)

هواسها سر تسلیم پیش آوردند لیکن سال بعد یك انقلاب جدیدی در اثر تحریك ملکه راناوالو (۱) بر پا شد که بدست ژنرال گالینی بزودی خاموش گردید و در این نوبت ماداگاسکار تماما قبضه وضمیمه بمستملکات فرانسه شد و بر اثر جدیت و فعالیت ژنرال مزبور بزودی در آن جزیره امنیت برقرار ومرام مستملکانی فرانسه با نهایت آرامش شروع به پیشرفت نمود

۲ ــ امپراطوری افریقائی انگلیس

الف - مصر

در قسمت اول قرن نوزدهم مصر کاملا تحت تاثیر نفوذ روحی فرانسه واقع بود : فتح بناپارت ــ تجدید تشکیلات مملکت بکمك فرانسویها درعهد محمد علی ــ حفر ترعه سوئز (۱۸۶۹) بدست فردیناند ــ دو ــ لسپ (۲) و لذا چنین مینمود که این مملکت زیبا برای قبول نفوذ فرانسه بیشتر حاضر است لیکن بواسطه ضعف و بطوء پارلمان فرانسه انگلیسها موفق شدند در دره نیل مالکانه اقامت نمایند در صورتی که هیچ حقی برای آنها نمیتوان قائل شد

خدیو اسمعیل پاشا (۱۸۷۹-۱۸۶۳) بر اثر اردو کشی های پر خرج و تبذیر بی مورد خزانه مملکت را خالی و مملکت را دوچار ورشکستگی و افلاس نمود و برای جبران قروض خود در مقابل طلبکاران انگلیس ۱۷۰۰۰۰ اسهام ترعه سوئز را بانها برگذار نمود و باین عنوان دولت بریتانی بزرگترین سهیم این ساختمان گردید که تا آن زمان منحصر بفرانسویها بود واز آن پس مالیه دولت مصر طبق قراردادی بدو وزیر محول گردید یکی فرانسوی و دیگری انگلیسی (۱۸۷۶)

---

(۱) Ranavalo (۲) Ferdinand de Lesseps

در ۱۸۸۲ یك حزب ملی بریاست اعرابی پاشا در اسکندریه انقلابی برعلیه اجانب بر پا نمود دولت انگلیس برای خاموش کردن این معرکه بدولت فرانسه پیشنهاد نمود مشترکا داخل اقدام شوند مجلس فرانسه از دادن اعتبار لازم برای اعزام چهار هزار نفر خودداری نمود لذا انگلستان به تنهائی داخل عمل گردید

انگلیسها پس از مختصر فتحی درقاهره استقرار یافتند تفتیش مالی انگلیس و فرانسه حذف شده و از آن پس انگلیسها تنها باتکاء حق قدرت و پول شروع بتصرف مصر نموده و مقدرات آنرا مالك الرقابانه در دست گرفتند

منازعات طولانی آنها برعلیه مهدی (۱) تمام دره نیل علیا را بتصرف آنها در آورد آخرین فتح انگلیسها در اطراف خرطوم موقعی که ستون مارشاند به فاشودا رسیده بود راه را بر فرانسه مسدود ساخته و عقب نشینی قوای مزبور را جدا از آنجا خواستار شدند (۱۸۹۸)

در سنه ۱۹۰۴ فرانسه برای تامین استقلال عملیات خود در مراکش پس از بیست سال اعتراض عاقبت اشغال مصر رابدست انگلیسها برسمیت بشناخت لیکن دول دیگر هیچگاه رضایت باین امر ندادند ولی بواسطه طول مدت مدیدی که مصر تحت سلطه انگلیس میزیست مقام آنها را در آنجا اثبات نموده است

ب ـ افریقای جنوبی انگلیس

کاپ (۲) مستملکه قدیم هولاندی ها در ۱۸۱۵ بدست انگلیسها در آمد سکنه آن

---

(۱) محمداحمد بعنوان حضرت مهدی علیه السلام بر انگلیسها قیام نمود از ۱۸۸۲ ۱۸۸۵ نوبه و کودفان بانضمام جمیع ناحیه نیل علیا برعلیه آن مملکت بر انگیخت وسرحد مصر را به آبشار دوم منتقل ساخت

در ۱۸۹۶ انگلیسها مجددا جنك با مهدی ادعائی را از سر گرفتند : یك قشون مصری و انگلیسی بریاست سردار کیچنر بسمت سرچشمه نیل بالا رفته و متدرجا قشون دراویش را عقب رانده و در امر درمان نزدیك خرابه های خرطوم منهزمشان نمود (۱۸۹۶-۱۸۹۸)

(۲) Caps

۲۶ هزار نفر سفید پوست بوئر ازاعقاب ستونهای اولیه هولاندی و فرانسوی میباشند که پس از الغاء معاهده فانت (۱) جلای وطن نمودند

استبداد حکام انگلیسی و منسوخ داشتن برده فروشی عده کثیری ازملاکین راپریشان و بوئر ها را خشمگین و غضبناك نمود لذا اکثر آنها بسمت ناتال (۲) مهاجرت کردند

در ۱۸٤۳ انگلیسها ناتال را نیز ضمیمه متصرفات خود نمودند و بوئر ها ناچارا بشمال رود خانه اورانژ (۳) پناهنده شده و دو دولت جمهوری اورانژ و ترانسوال را تشکیل دادند

لیکن پس از کشف معادن کثیره طلا و الماس حرص و ولع انگلیسها تحریك و برای تحقیق در خاك دو دولت صغیره معدن شناس های بسیار منتشر ساختند و پس از آن که اراضی واقعه در شمال ترانسوال — رودزیا (٤) را بخود منضم ساختند امپریالیست های متعصب طرح نقشه با عظمت نمودند که بوسیله راه آهن کاپ و قاهره را بیکدیگر مرتبط نمایند لیکن چون دوجمهوری جوان درمقابل این اراده شدیدا مقاومت ابراز مینمودند بتحریك سرمایه داران بزرك که دور سیسیل رودس (٥) جمع شده بودند دولت انگلیس تصمیم کرد آنچه را که بوئر ها بمیل خود تسلیم نمی کنند جبرا عاید دارد و پس از دو سال جنك ۱۹۰۰ — ۱۹۰۲ و شکست های کثیره (لایدی‌سمیس — سپیون — کاپ — کولنزو (٦)) بالاخره در معاهده پرتوریا (۳۱ مه ۱۹۰۲) انگلیسها موفق به مطیع نمودن بوئر ها شدند

۳ — متصرفات آلمان

در آلمان اقلاب مستملکاتی پس از تشکیل امپراطوری شروع شد عقیده بیسمارك آن بود که مملکتی که هم مستملکه و هم ستون دارد انگلیس است دیگری که مستملکه دارد و ستون ندارد فرانسه است و تنها آلمان است ستون دارد و مستملکه ندارد در حقیقت

(۱) Fantes (۲) Natal (۳) Orange. (٤) Rhodesia (٥) Ceeil rodes
(٦)Ladysmith Spion Kopp, Colenso

جمع کثیری ازمهاجرین آلمان درخارج اروپا بخصوص درممالك متحده امریکا و برزیل متفرق بودند و با آنکه این مهاجرین امتعه آلمانی را خریداری میکردند اما تابع ممالکی میشدند که در آن سکنی اختیار کرده اند

بیسمارك تامدید زمانی با اعزام قوا جهت تحصیل مستملکات مخالف بود او اقدامات و ابتکارات انفرادی را که موجد مشاغل آزاد است جائز میدانست لیکن با اصل تصرف ممالکتی برای اعزام مستخدمین و ساخلو بان جا مخالف بود

بیسمارك موقع شروع تقسیم افریقا متدرجا حاضر شد سیاست مستملکاتی را تعقیب نماید و درمجلس را پشتاك چنین اظهار کرد که « آلمان باید درجهت جریان قدم بردارد »

لذا ممالك هررەرو (۱) (افریقای جنوب غربی آلمان ۱۸۸٤) توگولاند (۲) (۱۸۸۵) و کامرون (افریقای شرقی آلمان) و بالاخره ساحل زنگبار (افریقای شرقی آلمان) را (۱۸۸۰ — ۱۸۹۰) تحت حمایت خود درآورد

در زمان ویلهلم دوم توسعه مستملکاتی بیشتر رو بازدیاد نهاد چنانچه گفته بود آتیه آلمان بر روی آب است و آلمان رقیب انگلیس و فرانسه شد کامرون را درمقابل فرانسوی ها وسعت داد و درمقابل انگلیسها مستملکات شرقی خود را تا دریاچه های بزرك توسعه داد و جمیع موانع ممکنه را که در اجرای نقشه بحر پیمائی ماوراء افریقا اشکالی فراهم میساختند مرتفع نمود

و چنانچه مشاهده شد در ۱۹۱۱ موفق شد یکقسمت از کنگو فرانسه را بزور از دست ان خارج سازد

٤ — متصرفات ایطالی

ایطالی پس ازانکه وحدت خود را تامین نمود درصدد تهیه مستملکاتی برامد که بتواند یك قسمت از مهاجرین خودرا در انجا مستقر سازد فرانسه جون در تونس بر او سبقت جسته بود ایطالی متوجه بحر احمر شده و بندر مصوع (۳) را که یکی از راههای خروجی

(۱) Herreros (۲) Togooland (۳) Mossouah

حبشه بود ضمیمه خود نموده و درساحل یك مستملکه بنام ارتیره (۱) تاسیس نمـود دولت ایطالی بتحریك وزیر ترقی طاب خود گریسپی درصدد توسعه منطقه تحت‌الحمایه خود درتمام حبشه بر امد لیکن از شکستگی که درعدوه (۱۸۹۶) ایطالی از منلیك (۲) خورد بر او ثابت شد که نقشه زیبـا غیر عملی است و مستملکهٔ ارتیره منحصر بیك خط باریك ساحلی باقی بماند

در ۱۹۱۲ عملیات ایطالیائی ها در طرابلس بیشتر مقـرون بموفقیت بـود : دولت عثمانی مجبور شد تمام حقوق خود را در تمام این ناحیه بروی تفویض نماید لیکن تصرفات ایطالیا محدود به مناطق ساحلی بماند و داخله مملکت برانها مفتوح نشده است

ب - نفوذ اروپائی ها درآسیا

۱ ــ مستملکات فرانسه

در زمـان امپـراطوری دوم کشن شین و تحت‌الحمایـه کامبوجـا (۳) بفرانسه منضم گردیدند

در نتیجه اکتشافات ساطان بحریه دو دار ــ دو ــ لا گره (٤) و نائب بحری‌فرانس گارنیه (٥) تنکن (٦) فتح گردید صاحبمنصب اخیرالذکر موقعی جاده نفوذ را بایالات‌جنوبی چین کشف‌مینمود معلوم مینمود که رود قرمز امتیاز کلی نسبت‌برود مکنك (۷) دارد بنابرمشورت و صلاحدید او یك تاجر فرانسوی باسم دوپوی (۸) بان‌سمت مسافرت نموده وسفراو بموفقیت

(۱)Erythrée (۲)Memchik (۳)Cambodge (٤)Doudard de Lagrée
(٥) Francis garnier (٦) Tonkin (۷) Mekong (۸) Dupuis

کامل خاتمه پذیرفت ولی بزودی مورد غضب ماندارن های انامی واقع گردید کارنیه با ۷٥ نفر بکمك او اعزام شد هانوئی (۱) را فتح نمود ولی در یك زد و خوردی تلف گردید این قضیه درسال ۱۸۷۳ اتفاق افتاد فرانسه که از کشمکش با آلمان ها فراغت یافته بود نمی‌خواست داخل حادثه جوئی های دور دست بشود هانوئی ودلتا را در ازاء ازادی تجارت در رود قرمز (۱۸۷٤) واگذار نمود دولت فرانسه در ۱۸۸۱ چون ایفاء بعهد نشده بود مجبور شد در وحله ثانی دلتارا فتح نماید یاور ریویر (۲) با ٦۰۰ نفر مامورعملیات شد او هم مانند گارنیه (۱۸۸۳) بقتل رسید

در این لحظه امپراطور انام خود را تحت الحمایه دولت‌چین قرارداده و استدعای مساعدت از او نمود

این نوبه حکومت فرانسه مصمم شد قویا اقدام نماید ژول فری (۳) اعزام‌یك قوای ۱٦ هزار نفری را از تصویب مجلس گذرانید جنك باانام سریعا بپایان رسید امیرال‌کوربه (٤) مخرج رودخانه هوه (٥) را قهرا تصرف وامپراطور انام را درپایتختش مجبور بقبول تحت الحمایگی فرانسه نمود

جنك با چین دو سال بطول انجامید

دولت چین پس‌از مفتوح شدن سونتای (٦) ۱٦ دسامبر ۱۸۸۳ حاضر جهت انقیاد و اطاعت گردید ولی معاهده هنوز بامضا نرسیده بود که بر قوای فرانسه در باك ـ له (۷) شوریدند ۲۳ ژون ۱۸۸٤

جنك از نو شروع‌شد امیرال‌کوربه قوای بحری چینی و جبه خانه فو ــ چه او (۸) را ویران ساخت (۲۲ اوت۱۸۸٤) درخشگی مهمترین حادثه‌دفاع شجاعانه یاور دومینه (۹) در تویان کان (۱۰) (۲٥ ژانویه تا سوم مارس۱۸۸٥) و مخصوصا شکست لانك سون (۲۸مارس ۱۸۸٥) بود زیرا با آن‌که چینی‌ها در حقیقت شکست‌خورده و بجانب شمال عقب نشینی میکردند قشون فرانسه بواسطه شکست اخلاقی وپریشانی خاطر سرهنك هربنژه (۱۱) قائم مقام ژنرال نگریه (۱۲) که در جنك بسختی مجروح شده بود با سرعت قریبی بجنوب

(۱) Honior (۲) Riviere (۳) Jules Ferry (٤) Amiral Conrbet (٥) Hué
(٦) Sontay (۷) Bac-Lè (۸) Fou-Tchéou (۹) Dominé (۱۰) Tnyen-cuan
(۱۱) Herbinger (۱۲) Négrier

باز میگشت بدون آن که حرکت اورا دلیلی باشد خبر این شکست واهـی را در فرانسه بی اندازه بزرك نموده ومستمسکی‌شدبدست دشمنان ژول فری تا آن‌که هیئت وزرا را ساقط کنند ۳۰ مارس ۱۸۸۵

چند روزبعد چین بااعتراف بشکست خود معاهده تین تسن (۱) را ۹ژوئن۱۸۸۵ امضاء نموده و تنکن (۲) را بفرانسه تفویض و انام را در تحت الحمایکی فرانسه بشناخت

از آن پس بواسطه مناقشات با سیام مستملکه هند و چین را بوسیله لائو(۳) ۱۸۹۳ و ایالات کامبوجی را بوسیله باتمبرك (٤)و سیسوفون (٥) توسعه دادند

۲ ـــ مستملکات انگلیس

سیاست آسیائی انگلیس در قرن نوزدهم بشرح ذیل میباشد شدیـــدا از هندوستان استفاده نموده و(٦) هندوستان را بوسیله اشغال ضمائمی که حـکم فرما بر جاده های آن میباشند حفاظت کند : در مغرب افغانستان و در مشرق بیرمانی

فتح افغانستان که از ۱۸۳۶ شروع گردیده بود باتمام نرسید : د ر چندین نوبت اهالی افغانستان برعلیه انگلیسها طغیان نمودند شکست فاحش جلال آبـاد ۱۸٤۲ و شکست قندهار در ۱۸۷۸ معهذا اشغال قطعی بلوچستان وکافرستان توسعه تدریجی راه‌آهن هندوستان بجانب کابول و قندهار و بالاخره حصول موافقت بین انگلیس و روس در ۱۹۰۷ بانگلیسها اجازه داد در بدو قرن بیستم نفوذ خود را در افغانستان بیشتر تحکیم نمایند

فتح بیرمانی در سه نوبه انجام گرفت

---

(۱) Tien Tsin (۲) Tonkin (۳) Laos (٤) Battemberg (٥) Sisophon

(٦) تا اواسط قرن نوزدهـــم استفاده از هندوستان بشرکت معروف هند واگذار گردیده بود که در قرن شانزدهم در سلطنت الیزابت تاسیس شده بود ولی در ۱۸۵۸ پس از طغیان سپائی شرکت مزبور حذف گردید و بوظایف تاج انگلیس حـکومت مستقیم شبه جزیره هند ضمیمه گردید

اول ژانویه ۱۸۸۷ ملکه ویکتوریا عنوان امپراطریس هندوستان را بخود بگذاشت

سنه ۱۸۱۸ انگلیسها جزیره مهم سنگاپور را متصرف شدند در جنك اول‌با بیرمن ها عصام ۱۸۲۶ و در جنك دوم تمام سواحل مصب گنك و جزیره مالاسکا بدست آن ها افتاد ۱۸۵٤ــ۱۸۵٦ بالاخره برای جلوگیری از نفوذ فرانسه و بدست آوردن جـاده مستقلی بجانب چین جنوبی تمام بیرمانی را بخود ضمیمه نمودند ۱۸۸٦

۳ ـــ مستملکات روسیه

روسیه چون در شمال محدود باقیانوس منجمد و در شمال غربی و جنوب بدودریای داخلی متصل بود که مخرج این دو را دول اجنبی مسدود ساخته بودند تنها راهی که جهة توسعه خود باقی داشت قاره آسیا بود تا از آن راه بدریای آزاد که اروپا از وی دریغ نموده دست یابد باین منظور روسها سه راه برای نفوذ خود انتخـــاب و تعقیب مینمودند : ماوراء قفقاز که یکی از جاده های اسلامبول را بین روسیه و ایران بروی او می گشود راه ترکستان که از فلات پامیر آن ها را بدروازه های هندوستان هدایت می کرد و بالاخره مخصوصا سیبری که از راه منچوری راه اقیانوس کبیر را برای آن مملکت باز مینمود

روسها این نیت را با یك صبر وشکیبائی خستگی ناپذیری و یك پشت کارسرشاری درطول دوقرن اخیر پیروی نموده مانند سیل مرتبی جمیع موانع ناشیه از ناسازگاری آب و هوا عدم قابلیت عبور اراضی را مغلوب نموده وباستعانت سیاست قشون و تجارب برمقاومت اهالی متعصب و غیور فایق آمدند

الف ـ ماوراء قفقاز

برای مطیع نمودن کوه نشینان شجاع و وطن‌پرست قفقاز مواجه با مشکلات کثیری شدند روسها از طرفین این کوهستان وحشت انگیز در طول بحر خزر و بحر اسود شروع به پیشروی نموده و بنوبه از دول ایران و عثمانی ایالاتی را منتزع ساختند بادکوبه در زمان پطر کبیر و گرجستان با تفلیس در زمان پل اول ۱۸۰۱ مفتوح گردید ولی خود

قفقاز بخصوص پس از جنك روس و ترك در ۱۸۷۷ بتصرف روسها در آمد و در نتیجه باطوم و قارص را روسها تصاحب نموده راه آهن ماوراء قفقاز که بحر خزر را ازطریق دره ریونی و کورا به بحر اسود مرتبط مینمود (باطوم به بادکوبه از راه تفلیس) برای دومنظوربخصوص یکی تجارتی و دیگری سوق الجیشی بنا نمودند

ب — ترکستان

فتح ترکستان مواجه با مشکلات دیگری شد یعنی از صحرای ویلی باید عبور نموده و وارد مملکتی شوند که متناوبا سرمای شدید و حرارت فوق العاده بر آن حکمفرما است تا سپس بتاکستان های مهم و زراعت کثیر آمو دریا و سیر دریا برسند

اقدامات اولیه پطر کبیر و کاترین دوم منجر بعدم موفقیت گردید در ۱۸۶۵ چرنایف (۱) تاشکند را اشغال و در ۱۸۶۷ ژنرال کاوف مان (۲) موفق بفتح شهر مقدس سمرقند شد فتح مرو در ۱۸۸٤ پس از قشون کشی متهورانه سکوبلف (۳) برعایه تراکمه غارتگر مخصوصا پس ازساختمان سریع راه‌آهن بوسیله ژنرال آن کوف (٤) واقع گردید و بوسیله این شاهکار قابل تقدیر حکومت روسیه بر این منطقه تثبیت یافت

انگلستان از این پیشرفتهای روسیه بجانب افغانستان یعنی بدروازه هندوستان طبعا بسیار نگران بود و در طول بیست سال دو دولت بسختی در کشمکش می زیستند و برسر تعیین منطقه نفوذ مجادله داشتند تا بالاخره بمیانجی گری فرانسه در ۱۹۰۷ دوستانه تمام مسائل متنازع فیه حل و تصفیه شد

ج — سیبری

منابع ثروت سیبری هر اندازه باشد کفایت مجاهدات دائمی روسیه (٥) را نمیکرد

---

(۱) Tchernaïeff (۲) Kaufmann (۳) Skobeleff (٤) Annenkof

(٥) ولادی وستك بیستم ژوئن ۱۸۶۰ بدست روسها فتح شد این قریه کوچك منچو سریعا اتکاء بحریه روسیه در شرق اقصی واقع گردید (۱۸۷۶)

هرگاه در آن طرف صحاری یخ بسته اوبی وینی سئی و دریاچه بایکال ناحیه حاصلخیز رودآمور و منچوری و بالاخره دریای آزاد واقع نشده بود در اثر فتح سیبری روسیه در چین و درکره نیز نفوذ خود را تامین نمود

۳ — دول اروپائی و چین

تا اواسط قرن نوزدهم چین دروازه های خود را بروی دول اروپائی کاملا مسدود ساخته بود

پس ازجنك تریاك (۱۸٤۰ — ۱۸٤۲) و معاهده نان کن نفوذ اروپائیها درچین شروع شد ازان زمان ٥ بندر برای تجارت بین‌المللی مفتوح و آزاد گردید

در جنك چین (۱۸٥۷ — ۱۸۶۰) که بخرج مشترك فرانسه و انگلیس اقدام شد هشت بندر جدید دیگر بروی مال‌التجاره اروپا گشوده شد و در پکن سفرای خارجه مستقر شدند

ازآن پس بنا بقرار دادهای جدیدتری بسیاری از شهرهای واقعه در رود بزرك وقابل کشتی رانی یان — تسه — کیانك (۱) در دسترس اروپائی ها قرار گرفتند

جنك چین وژاپون (۱۸۹٤ — ۱۸۹٥) ضربه شدیدتری بر چین وارد ساخت بموجب معاهده سیمونوساکی (۲) (۱۶ آوریل ۱۸۹٥) که دولت ژاپن برچین تحمیل و توسط دول فرانسه — روسیه و آلمان تصحیح گردید بربادی چین قدیم اعلام شد

موفقیت مهم ماوراء قفقاز درخاطر اسکندر سوم ترسیم راه آهنی که ازسیبریه عبور نموده و مسکو را باولادی وستك مرتبط نماید جایگیر ساخت

این اقدام در ۱۸۹۱ شروع شده و تقریبا دوازده سال بطول انجامید واین‌بزرگترین یادگار سلطنت نیکولای دوم است

پس از حوادث چین در ۱۹۰۰ یك شریان جدیدی از خط اصلی درخاربین جدا شده و تا پرت آرتور ادامه یافت

(۱) Yan-tsé-Kiang (۲) Simonosaki

آلمانها در کیاوچیو (۱) و درایالت شان تونك (۲) بعنوان اجاره داری استقرار یافتند روسها بمنچوری استیلا یافته و پرت آرتور را تصاحب کردند و خط عمده راه آهن‌ماوراء سیبری را بانجا امتداد دادند انگلیسها قورخانه وی ـــ های ـــ وی (۳) رادرمدخل پچیلی (٤) تصرف نموده و اجازه نفوذ بداخل یان ـــ تسه ـــ کیانك را بوسیله کشتی و راه آهن عاید داشتند فرانسوی ها درخلیج کوچك کوانك ـــ چئو (٥) قرار گرفته و امتیاز تمدیدخط آهن هندوچین را تحصیل نمودند

این موافقت درتقسیم غنائمی که ازچین عاید شده بود البته موجب انقلاب ملی‌میگردید مجمع بوکسر ها بعنوان انقلاب کبیر ملی مبلغین مسیحی و مستخدمین راه آهن را قتل‌عام نموده و سفارتخانه های آنها را درپکن محاصره نموده (۱۹۰۰)

برای کشیدن انتقام از این جنایات و خاموش نمودن انقلاب و طغیان لازم بود یك قوای بین‌المللی‌تشکیل و اعزام نمایند که برای اولین دفعه درتاریخ مشاهده شد سربازان آلمانی و روسی فرانسه وانگلیسی ژاپونی و امریکائی تحت فرماندهی یکنفر فلدمارشال آلمانی گراف فن والدرزه (٦) حرکت نمودند

روسیه از عکس‌العمل بیداری ملت زرد بزودی بهره‌مند شد

روسیه بزرگترین موجد تجدید نظر درمعاهده سیمونوساکی بضرر ژاپون بود مخصوصا راجع بشرایطی که طبق آن پرت آرتور و شبه جزیره لیاءتونك (۷) بفاتح‌تعلق میگرفت

دست اندازی روسها بمنچوری و پرت آرتور و انزجاری کـــه از عـــدم مهارت امیرالکسیف در کره ناشی شده بود بهانه جنگی شد که ژاپون طالب آن بود و در خفیه تهیه انرا میدید و حال انکه روسها ازان بیخبر بودند

معاهـــده پرت سموس (۸) (٥سپتامبر ۱۹۰٥) روسیه را مجبور به استرداد منچوری

---

(۱)Kiao-Tchéou (۲) Chan-Toung (۳) Wei Hai-Vei (٤) Petchili

(٥) Kouang Tchéou (٦) Graf von Waldersee (۷) Liao-Toung

(۸) Portsmouth یکی از شهرهای آمریك

بچین و تسلیم راه آهن ماوراء منچوری و پرت ارتور به ژاپون نمود وباین نحو حکومت مسکو و تسلط بحری او درشرق اقصی بپایان رسید ازان پس جاه طلبی روسیه محدودبطلب استفاده مالی ازاین راه آهن گرانبها با نقطه انتهائی آن ولادی وستك گردید

۳ - موضوع شرق

(طرح نمره ۷۳)

موضوع شرق عبارت ازجمیع مسائل سیاسی است که ناشی ازوجود دولت امپراطوری عثمانی دراطراف بحر متوسط شرقی دراروپا -- اسیا و افریقا میباشد

این دولت که درقرن پانزدهم شانزدهم و هفدهم با چنان عظمتی میزیست در قرن هیجدهم به منتهای ضعف و فتور مبتلا و درقرن نوزدهم به شبه جزیره بالکان عقب رانده شد سلطان فقط اسماً قدرت و شهرتی داشت قشونش منحصر بچریك بـــی انضباط بی اطلاع و متعصبی شده حکام ولایات تقریبا مستقل بودند ملل مغلوب و مسیحیان محکوم به دادن خراج و مالیاتهای غیرعادلانه و هزار چندی دوچار قتل عام بودند

درطول‌قرن‌نوزدهم‌این ملل شورش و طغیان نموده و سلطه ترکها را متزلزل ساخـــته استقلال خودرا تحصیل نمودند دول اروپائی بجهاتی چند دراین شورشهای ملل مسیحی وعقب راندن تدریجی «شخص مریض» به آسیا وارد شدند

روسیه حامی طبیعی مسیحیان ارتودوکس مرتباً درصدد تضعیف ملت ترك و بدست آوردن اسلامبول بود

اطریشها برعلیه سیاست روس‌ها قیام و سالونیك را مطمع نظر خود قرار دادند المان اطریش را تقویت و تحریص میکرد زیرا مایل بود موجبات مخالفت و ضدیت بین مملکت‌متعاهد خود و روسیه برقرار بماند

فرانسه و انگلیس مدید زمانی سیاست مزبوری‌را که بحال ترکها و هم برای‌مسیحیان مساعد بود پیش گرفتند نظر بتعصب هم کیشی بمسیحیان همراهی میگردند و بمنظور سیاست

ترکها را برعلیه روسها تقویت مینودند

خصومت منفعت طلبانه ملل موضوع شرق را یکی از سیاستهای بسیار معضل ساخته بود سیاسیون جرئت نزدیکی بانرا نداشتند و قبل از همه چیز درصدد بودند راه حل منصفانه یا لااقل کم خطری برای این قضیه مهم تجسس کنند ولی برخلاف انتظار درسنوات اخیر اطلاع یافتند که ملل بالکانی از التجاء بهرکسی خسته شده و تصمیم نموده اند اتحاد کرده و بزور حق خود را باز خواست نمایند و بدون اتکاء بسایرین این موضوع را تصفیه کنند

مراحل مختلفه موضوع شرق را تا قبل از ۱۸۷۰ دیده ایم :

جنك استقلال یونان (۱۸۲۱—۱۸۲۹)

بحران مصر با محمد علی پاشا (۱۸۳۱—۱۸۴۱)

قرارداد بوغازها (۱۸۴۱)

جنك کریمه (۱۸۵۴—۱۸۵۵) که نتیجه آن استقلال داخلی رومانی بیطرفی بحراسود و مخصوصا مصونیتی است که دول بترکیه دادند

در ۱۸۷۰ وضعیت شبه جزیره بالکان بقرارذیل بوده است : یونان مستقل ـ رومانی و سربستان در داخل مستقل بلغارستان و قره طاغ تابع و دست نشانده و قره طاغ تا حدی میتوان گفت دارای استقلال بوده است لیکن هنوز عده کثیری مسیحی تحت قدرت واستیلای عثمانی بودند که البته همان موجب تجدید انقلاب و شورش بوده است

۱۸۷۵ سرب های بوسنی و هرتسه گوین ساخاوی ترك رادفع و ترد نموده والحاق خود را بسربستان اعلام داشتند ولی بزودی مضمحل شدند دول خواستند دخالتی کنند آلت دست ترکها شدند روس‌ها برای خاتمه دادن باین موضوع چون دائما در آرزوی بوغازها و اسلامبول می گذرانیدند با اتکاء برومانی و سربستان و قره طاغ بسلطان عثمانی اعلان جنك دادند (۱۸۷۷—۱۸۷۸)

پس از عبور متهورانه ژنرال گورکو (۱) از بالکان و بـا وجود جدیت متهورانه سکوبلف (۲) روس ها پنج ماه در پلونا در مقابل مقاومت عثمان پاشا متوقف شدند پس ازسقوط این قلعه تعرض از نو شروع شد قشون های روس به سان‌ستفانو یعنی دروازه‌های قسطنطنیه رسیدند سلطان ناچارا سر تسلیم در مقابل شرایط تسار پیش آورد (معـاهده سان ستفانو سوم مارس ۱۸۷۸) :

استقلال رومانی و سربستان

ایجاد یك بلغارستان بزرك که از خود بلغاری روملی شرقی و مقدونیه تشکیل یافته بود استقلال داخلی بوسنی و هرتسه گوین

خلاصه آنکه معاهده سن ستفانو به تجزیه اروپای عثمانی خاتمه داد و چون مبنای آن بر اساس ملیت بود این معاهده می توانست صلح را تا چندین سال تامین نماید ولی چون زیاد بنفع ملت سلاو و تقرب روسیه به بحر متوسط تمام می شد دول اروپائی رامتوحش ساخته و از روسیه خواستار شدند در معاهده سان‌ستفانو بوسیله یك کنگره اروپائی که در برلن تحت ریاست بیسمارك (۳۰ ژون الی ۱۳ ژویه ۱۸۷۸) منعقد می شود تجدید نظر بنماید

تصمیمات عمده کنگره برلن بقرار ذیل است :

۱ — بلغاری بزرك بر سه جزء تقسیم گردید : مقدونیه تحت قدرت سلطان قرار گرفت روملی استقلال داخلی یافت و بلغاری دست نشانده ترکیه شد .

۲ — سربستان رومانی و قره طاغ استقلال کامل یافتند و بعلاوه قطعاتی از اراضی مجاور نیز ضمیمه قره طاغ شدند اشغال واداره بوسنی و هرتسه گوین هم باطریش تفویض شد

۳ — انگلیس نیز جزیره قبرس را حق خود دانسته متصرف شد

اجمالا عمل کنگره برلن که بمیل بیسمارك تمام شد و چنانچه بیسمارك شخصا گفته

(۱) Gourko (۲) Skobeleff

بود او وظایف یکنفر میانجی شرافتمندی را بعهده داشته است یکی از سیاست های مذموم و مشئوم اروپا است زیرا بجای آنکه بطور قطع موضوع بالکان را تصفیه کنند و بجای آنکه آلت صلح شوند کنگره برلن مشکلات موجوده را ابدی ساخته و مشکلات جدیدی نیز بر آن اضافه نمود همانا علت حقیقی حوادث واقعه در شب جنك بزرك بعهده اوست که بار دیگر بالکان را منقلب ساخت

با تجزیه روملی از بلغارستان لطمه بامال حقه ملت بلغار وارد ساختند

با تفویض بوسنی و هرتسه گوین باطریش مانع تشکیل سربستان بزرك شده و یك آلزاس لورن بالکانی ترتیب دادند

بالاخره اطریش را یکی ازدول بالکانی نمودند که لوشش او متوجه سالونیك وبحر اژه می گردید و محتمل بود با روسیه که حامی طبیعی ملل سلاو است داخل در مبارزه شود تصمیمات کنگره برلن نمی توانست مدتی ادامه یابد

در ۱۸۸۰ بلغار و روملی الحاق خود را اعلام داشتند سربستان که این عظمت را بحال خود مضر یافت به بلغارستان اعلان جنك داد اما در سلیونیتسا (۱) شکست خورد الحاق روملی و بلغارستان برسمیت شناخته شد و در ۱۹۰۸ این دولت دست نشانده استقلال خود را اعلام داشته تشکیل یك دولت شاهی داد که فردیناند دوساکس کوبورك (۲) بعنوان تسار بلغار در تیرنووو (۳) تاجگذاری کرد

اطریش از این وقایع استفاده کرده بوسنی وهرتسه گوین را بطور قطع بخود ملحق ساخت باز اروپا بخود تکانی نداد

در ۱۸۹۷ نوبت بجزیره کرت (٤) رسید مسیحیان آن شورش نموده برادران یونانی خود را بکمك طلبیدند که ازترکها مغلوب شدند دول ناچار بدخالت گردید د یونان یك قسمت از تسالی را از دست بداد و کرت استقلال داخلی یافت

(۱) Slivnitza (۲) Ferdinand de Saxe Cobourg (۳) Trinovo (٤) Créte

در ۱۹۰۸ حزب ژون ترك (۱) بریاست انور پاشا کمیته اتفاق و ترقی را در اسلامبول تاسیس و پروگرام خود را بر مبنای تجدید تشکیلات امپراطوری عثمانی و الغاء قیمومیت دول در آن مملکت قراردادند لذا حکومت را بدست گرفته و سلطان عبد الحمید را در ۱۹۰۹ مخلوع محمد خامس را بسلطنت گماشتند

تا بالاخره در ۱۹۱۲ ملل صغیره بالکان که تا آنزمان بعلت رقابت بر سر مقدونیه دشمن هم بودند تصمیم تشکیل یك جمعیت مشترکی بر علیه دشمن مشترك یعنی ترکها اتخاذ و قشونی تشکیل دادند که باجدیدترین اسلحه مسلح بود پس از آماده شدن بسلطان اعلان جنك دادند و بر اثر عملیات یکماهه از زحمات خود نتیجه مطلوبه را عاید داشتند ترکها مغلوب شدند

متاسفانه دول فاتح در تقسیم غنائم موافقت حاصل نکردند و جنك دوم بالکان این شبهه جزیره را آغشته بخون نمود بلغارها بدست سربها یونانیها و قره طاغها شکست خوردند تا بالاخره دخالت رومانی و وساطت او باین جنك های برادرکش خاتمه داد

۳ ـ اتحاد ژرمن

موضوع اتحاد ژرمن در اواسط قرن نوزدهم درآلمان پدید آمد این موضوع مولود مطالعاتی است که مورخین فیلسوف آلمانی هگل (۲) هوکل (۳) ترایتچکه (٤) راجع بمبداء نژاد ژرمنی نموده اند نویسندگان مذکور برای تکمیل رساله خود دعوی می کنند کهاغلب ملل اروپائی منصوبند بطوایف قدیمی ژرمن که از جنگل‌های خود خارج‌شده باسم سمبر (٥) توتن (٦) فرانك (۷) ویزیگت (۸) بورکند (۹) یا استروگت (۱۰) تجاوز نموده تا تسلط (تمدن) خود را بر ممالك غربی و جنوبی تحمیل نمایند و بعقیدهٔ مورخین مزبور آلمان تنها قومی است که از هر اختلاطی محفوظ مانده و از جانب خداوند آلمان ها مامور است بدنیا حکم فرمائی نماید

(۱) Jeune Turc (۲) Hegel (۳) Hoeckel (٤) Trenchke (٥) Cimbres (٦) Teuton (۷) Franc (۸) Wisigoth (۹) Burgondes (۱۰) Ostrogoth

هرگاه آلمان ها در عقیده خود افراط نمیکردند اثرات این خواب هـای شیرین چندان مهم نبود یعنی نمی خواستند قانون داروین (۱) را در خصوص تکامل و امتیاز نوعی مبنی بر تسلط قوی بر ضعیف) تحمیل سایرین نمایند

این افکار بخصوص موجب غفلت ملت آلمان شد چه در نتیجه سه جنك فاتحـانه و وحدت دولت امپراطوری آلمان تشکیل و یك موقعیت برجسته در اروپا برای او ایجاد شده بود معذلك بیسمارك انصافا با عقیدهٔ اتحاد ژرمن پیوسته مخالفت میکرد تا آنکه ویلهلم دوم خود را از قیمومیت صدر اعظم آهنین خلاص نموده یاد داشت های کثیری تا شروع جنك هر ساله منتشر می ساخت که همان نظریه را تسریع و تایید مینمودند جنبش اتحاد ژرمن که بدلخواه پروس تحریك و اداره می شد منجر بیك طرح عمل سیاسی و نظامی گردید که برافکار سه گانه اساسی ذیل مبتنی بود :

۱ — آنچه ممکن است از اطریش و مجارستان گرفته و برآلمان منضم کنند

۲ — تمام دول همجواری که مستعد عنوان ژرمنی باشند دریك اتحاد گمرکی (۲) وارد سازند

۳ — دراروپای مرکزی (۳) یك اتحاد ژرمن معظمی تشکیل دهند تا باتکاء سیاست و اقتصاد بر تمام عالم بخصوص بر دول بالکان و ترکیه حکم فرمائی کند

ضمن تکامل اتحاد ژرمن دو تاریخ مـلحوظ است : ۱۸۹۵ و ۱۹۱۱ این دو سنه مربوطند بانتشار دو نقشهٔ که مسلما در مقامات عالیه تصدیق شده و نظریه آلمان رامعلوم می نماید

اول نقشه ۱۸۹۵

یك رسالهٔ باسم (آلمان کبیر و اروپای مرکزی در ۱۹۵۰) که بطور صریح حاوی مطالب ذیل میباشد :

جنك با روسیه حتمی الوقوع است (هنوز از فرانسه صحبتی در بین نیست) هرگاه آلمان غالب شود ایالات بالتیك : استونی ، لیتوانی و کورلاند را بخود ضمیمه نموده ودولت

(۱) Darwin (۲) Zollverein (۳) Mitteleuropa

لهستان و دولت روتن (۱) را برای جای دادن یهودی ها و سلاوهائی که ازآلمان مهاجرت میکنند تشکیل دهند

دودسته بخصوص دراروپای مرکزی تشکیل میشود یکی سیاسی شامل دولت امپراطوری آلمان فعلی ، لوکزامبورك . هلند ، بلژیك ، سویس آلمان ، اطریش و مجارستان دیگری اقتصادی که علاوه بر اتحادیه ژرمنی شامل ایالات بالتیك دولت لهستان ـ روتن ، رومانی و سربستان می شود قسمت های جدیدی نیز بان اضافه خواهد شد

لذا اتحاد ژرمن ۸۶ ملیون جمعیت و اتحاد گمرکی ۱۳۰ ملیون نفوس مصرف کننده خواهد داشت

از ۱۸۹۵ تا ۱۹۱۱ از هر موفقیتی که از سیاست ویلهلم دوم حاصل میشد واز هر سوء تفاهم حاصله بین دول و هرگونه ضعف حکومتهای مختلفه مایل بودند جلب استفاده کنند لذا آمال اتحاد ژرمن تجدید می شد :

مسافرت بیت المقدس ۱۸۹۸ در لحظه که مشاجرات مربوط به فشوده در بین بود منجر به برگذاری راه آهن برلن بغداد گردید

مسافرت طنجه در ۱۹۰۵ در لحظه که شکست روسیه در شرق اقصی موجب سستی اتحاد فرانسه و روس شده بود نتیجه آن شد نقشه عملیات فرانسه درمراکش بمانع برخورد کند

انقلاب ژون ترك در ۱۹۰۸ که در باطن در برلن تحریك میشد موقعی که روسیه گرفتار اصلاحات داخلی بوده و قادر نبود دخالتی کند بسنی و هرتسه گوین را بعضو آتی اتحاد ژرمن یعنی اطریش برگذار کرد

بالاخره ۱۹۱۱ ضربه که باقادیر وارد آمد آلمان را موفق نمود یك قسمت از کنگو را از فرانسه متنزع سازد

علی الظاهر از گذشت هائی که در مقابل تقاضا های آلمان میشد بیشتر منظور حفظ صلح عمومی بوده است ولی آلمان این رویه را دلیل بر ضعف طرف دانسته و حدی برای جاده طلبی خود قائل نبود تا در ۱۹۱۱ ضمن کتاب اتوریشاد تاننبرك (۲) (موسوم بالمان

(۱) Ruthène (۲) Otto Richard Tannenberg

کبیر تصنیف قرن بیستم) جاه طلبی اورا کاملا ظاهر میساخت

دوم نقشه ۱۹۱۱

این نوبه جنك متناوبا بر علیه فرانسه و روسیه پیش بینی میشد جنك باید قبل از آنکه روسیه موفق بتکمیل تجدید تشکیلات قشون خود و ساختمان راه آهن های سوق الجیشی در لهستان شود یعنی قبل از ۱۹۱۷ شروع گردد

برای درهم شکستن روسیه لازم بود بدول همجوار مراجعه نموده بوسیلهٔ وعدهٔ تفویض اراضی آنهـــا را تطمیع نمایند فنلاند و پطرزبورك را بسوئد و بسارابی با ادسارا برومانی وعده دهند اما قشون های فرانسه از ابتدای جنك بوسیلهٔ یك تعرض سریع و شدیدی منهدم خواهند شد

روسیه پس از مغلوب ساختن بر اثر انضمام ایالات بالتیك و حکومت های کونو(۱) ویلنا (۲) گرودنو (۳) و تشکیل دولت لهستان تحت سرپرستی آلمان وایجاد دولت روسیه کوچك در شمال ادسا از اروپا مجزا نمایند

فرانسه تمام ناحیه صنعتی خود را در شمال و شمال شرقی بوسیله ادامه دادن سرحد جدیدی ازمصب سن تا بلفور از دست خواهد داد

نقشه ۱۹۱۱ بطور قطع عبارت ود از تشکیل متحدین کبیر ژرمنی که تحت حکومت برلن قرار گرفته و تسلط فوق العاده بر تمام دول مخصوصا عثمانی حاصل نماید و قسمتی از آن مملکت نیز باید بالمان ضمیمه شود

راه آهن هامبورك بغداد خلیج فارس ، هامبورك تریست ، برلن سالونیك ، برلن آنورس . برلن کاله ، برلن ریگافورمولهائی بودند که طرح جاه طلبانه آلمان را بوسیله خطوط جدید ظاهر میساختند این خطوط استخوان بندی نقشه اتیه او بودند

المان با این احساسات وارد جنك ۱۹۱٤ شد

---

(۱) Kowno (۲) Vilna (۳) Grodno

فهرست

قسمت یکم

	صفحه
مقدمه	۱
طرز حل مسائل تاکتیکی	٤
لشگر پیاده نظام	١٦
تامین	٣٦
اطلاعات	٥٣
حرکت	٦٥

قسمت دوم

رزم تعرضی لشگر

مقدمه	٨٣
تقرب	٨٧
اخذ تماس	١٠٣
در گیری	١١٠
حمله به یك موضع موقتی	١٢٤
حمله در یك جبهه مستحکم	١٣٨
تکمیل موقعیت	١٥٤

قسمت سوم

رزم تدافعی لشگر

صفحه

دفاع یك موضع ۱۷۱

مانور در عقب نشینی ۱۹۴

قست چهارم

نمونه احکام ۲۱۸

تاکتیک عمومی

۱۳۱۶

اقتباس : سرهنک عبدالله هدایت

قسمت یکم

مقدمه

پایه اولیه هر بررسی تاکتیکی شناسائی عمیق قواعدواصول استعمال صنوف مختلفه در رزم است ولی باآنکه این شناسائی مطمئن ترین ضامن خصائلی است که هر افسر باید در میدان نبرد ابراز دارد به تنهائی برای حل تمام مسائلی که در موقع جنگ برای فرماندهی پیش میاید کافی نیست

درضمن نبرد ازابتدا تا انتهای آن وظیفه مهم فرماندهی موافقت دادن بین عمل صنوف مختلفه است بطوری که درهر لحظه صنوف باوسایل مخصوص خود برای موفقیت عملیات تشریك مساعی مؤثر نمایند

شناسائی قواعدی که باعث تطبیق نتایج صنوف مختلفه است ونتیجه آن ایجاد ارتباط بین صنوف میباشد موضوع اصلی تاکتیك عمومی را تشکیل میدهد

بدون اطلاع از تاکتیك عمومی فرماندهی یك واحد بزرك مرکب ازصنوف مختلفه درضمن عملیات غیرممکن است

مقصود از این مجموعه

بیشتر از افسرانی که این مجموعه را مورد بررسی قرارمیدهند شاید سالها بگذرد تابفرماندهی یك واحد بزرك نائل شوند ولی ممکن است دیر یازود دریك ستاد بانجام وظیفه اشتغال ورزند

وظیفه اصلی افسرستاد عبارت است ازتهیه عوامل لازم برای تصمیم فرماندهی وچون این تصمیم اخذشد تهیه احکام برطبق آن برای واحد ها ودوایر ومراقبت دراجرای آن

آیاممکن است این وظیفه‌را بدون آشنائی باتهیه وهدایت عملیات واحد های بزرك بخوبی انجام داد ؟

درضمن اجرای وظایف افسرستادباید اطلاعات لازمه برای فرماندهی واحد بزرك ایجاد شده ومورد عمل قرار گیرد

به دلایل فوق‌الذکراست که‌چون کار فرمانده‌وستاد کاملا بایکدیگر مربوط است دراین مجموعه بررسی‌های تاکتیکی وستادی مجتمع گردیده

فرمانده

وظیفه فرمانده‌واحد بزرك عبارت است ازادراك ـ تهیه وهدایت عملیات‌واحدبزرك تحت فرماندهی او برای اجرای ماموریتی که‌ازطرف مقام‌مافوق به‌او داده شده‌است

آنچه راجع بادراك و هدایت عملیات است قسمت تاکتیکی این مجموعه را تشکیل میدهد

ستاد

ستاد کمك فرماندهی بوده بنام وبامراواقدام وبخودی خودتصمیم نمیگیرد

دروظایف سه گانه‌فرماندهی یعنی ادراك ـ تهیه‌وهدایت‌عملیات‌باو کمك‌میکند

درمورد ادراك‌ستاد تمام عواملی که برای اطلاع وتفکرفرماندهی لازم است جمع آوری‌میکند درمورد تهیه عملیات تصمیمات مشارالیه‌را بصورت حکم ودستور در میآورد

درموردهدایت عملیات اجرای احکام را مراقبت نموده ارتباط‌لازمه راتأمین واطلاعات لازمه را جمع آوری می نماید تا فرماندهی بتواند تصمیم اولیه خودرا با وضعیت وفق دهد

وظایف ستادرا می توان بشرح ذیل خلاصه نمود .

جمع آوری وتهیه تمام مدارکی که برای اخذ تصمیم فرماندهی لازم است

ترجمه این تصمیم به صورت حکم برای مجریان

مراقبت دراجرای احکام صادره

ازاین سه وظیفه هویدا است که وظایف ستاددارای دونوع عمل است

عمل دردفاتر برای انشاء تمام مدارکی که ازستادخارج میشود

عمل درخارج برای جستجوی مدارك (اکتشافات) وبازرسی اجرای احکام صادره آنچه راجع به اجرای عملیات ووظایف ستاداست قسمت فنی این مجموعه را تشکیل میدهد

اینك که مقصودازاین مجموعه معلوم گردید به طرزحل مسائل تاکتیکی به پردازیم

طرزحل مسائل تاکتیکی

آیا یك طرزوطریقه برای حل مسائل تاکتیکی لازم است یا بهترآنست که هر کس را دراین عمل ازاد گذاشت .

بعلت تعداد و تفاوت عواملی که امروزه در کلیه مسائل جنگی وجوددارد لازم است که برای بررسی این قبیل مسائل یك تعداد قواعد عمومی را متابعت کنیم تا آنکه قوه ادراك ما مطیع قضا وقدر ودلخواه خود نشود وبالاخره همانطور که باید درکلیه امورانضباط وجود داشته باشد انضباط فکری هم لازم وواجب است ،

الف - عمل تجزیهٔ عوامل

هر وضعیت جنگی را که تجزیه کنیم منجر بهمراتب ذیل میگردد .

یك واحدیك ماموریت واضحی را دریافت نموده است .حمله کردن یا دفاع

تنها یا باارتباط باسایر واحدها این واحد دارای وسایل چندی است ودرمقابل دشمنی

است که اورا کم یا زیاد میشناسد باید درروی زمین معینی درزمان وفضای محدودی عمل کند .

بنا براین عوامل مسئله عبارتند از :

ماموریت
دشمن
زمین
وسایل

تمام مسائل تاکتیکی مانند مسائل ریاضی شاملند بر :

عوامل ثابت : ماموریت که عامل اصلی را تشکیل میدهد

عوامل متغیر : وسایل وزمین

یك مجهول : یعنی دشمن

ازتغییرات عوامل متغیرومجهول راه حل های متفاوتی نتیجه میگردد که عموماً بایستی شرط اصلی یعنی انجام ماموریت را دربرداشته باشد .

١) - ماموریت - چون ماموریت موضوع اصلی مسئله را تشکیل میدهد بهتراست که تجزیه رااز آن شروع کنیم بخصوص که تجزیه ماموریت باعث میشود که فورا به سئوال معروف وابدی « مقصودچیست » جواب دهیم .

ماموریتی که از مرتبهٔ ما فوق داده می شود مراتب ذیل را معمولا مشخص می نماید :

رفتاردر مقابل دشمن : پیشروی برای تلاقی با وی ، منتظراو شدن یا عقب رفتن حمله کردن یا دفاع نمودن .

وظیفه واحد درمجموعه مانوروظایف واحدهای مجاور .

شرایط عمومی زمان وفضائی که عملیات بایدانجام گیرد.

این ماموریت بعدازآنکه کاملا بررسی شدبایددرروی نقشه بوسیلهٔرسم خطوط صورت پذیر گردد.

۲) - **عوامل دیگر مسئله** - وقتی بـه ماموریت کاملا پی بردیم باید در صدد انجام‌آن برآمداما درمقابل دشمنی وجوددارد که‌راجع به‌اواطلاعات ناقصی دردست است ولی زمین معین و وسائل مشخص است.

دشمن - دشمن برای تجسم انش نیست ومطیع اراده ماهم نمیشود بلکه‌دائما درمقابل عرض اندام نموده وباعث زحمت مارا فراهم میکند.

تحت اثر مراقبت دائمی بمنظور کشف مقاصدما تلاش دشمن عبارت است از فشار دائمی برای تحمیل اراده خود برما اگر موفق شود کـه قبل از ما مـانور خودرا انجام کـند.

البته مقصود پی بردن به‌مرموزات دشمن نیست درصدد دانستن مقاصدوی نیز نباید برآمد زیرا دشمن مخصوصاً درجنك های‌متحرك همیشه‌آزاداست که‌درمقاصد خود تغییر دهد امااز اطلاعاتی که دریك منطقه معینی ازوی دردست است(قدرت - آرایش - رفتار) ممکن‌است به‌مقاصد اوپی برد مقاصد منطقی اوعلی‌الاجبار تامدت معینی محدوداست وبطور خلاصه باید میسورات وی‌رابررسی نمود وتمام میسورات بدون آنکه افکار مابه یکی ازآنها مجذوب شود.

باآنکه جستجوی اطلاعات بعداً بررسی‌خواهد شدولی‌مفیداست که حالانیز متذکرباشیم کـه عامل دشمن نهایت اهمیت رادارد ونه تنها فرماندهی باید متوجه آن باشد بلکه باید بانهایت‌دقت افسران مربوطه‌ستاد خودرارهنمائی وهدایت کند،

هرفرماندهی اطلاعاتی‌را وصول میکند که لیاقت آنرا داردواکثراوقات کافی وواضح نبودن اطلاعات بعلت عدم وضوح سئوالات‌است که آن‌خود نیزدلیل برعدم مطالعه‌کامل میسورات دشمن میباشد.

زمین - زمین بخودی خود داخل درعمل نمیشود ولی به‌محض آنکه‌دشمن درآنجاظاهر ومستقر گردید زمین داخل درعمل شده وممکن است بی نهایت اسباب زحمت ما گردد.

درمحاربه زمین طبق خطوط اصلی وطبیعی خود مداخله میکند این خطوط اصلی عبارتند ازعوارض‌زمین - خط‌الراس - ارتفاعات - مجاری‌میاه - جنـگلها - آبادیها - ساختمانها وغیره وبدین ترتیب به مناطقی تقسیم میشود که شکل آنهـا غیر منظم وسعت آنها متفاوت قابلیت عبور ازآنها یك نواخت نبوده وازحیث استتار بایکدیگر تفاوت دارند.

وضعیت این مناطق نسبت به‌توجیه عمومی منطقه عمل سهولتی راکـه نفرات دوست یادشمن برای عملیات خواهند داشت واثراتشی راکه میتوان درآنجااجرا نمود مشخص میکند.

بررسی کامل‌زمین به‌نسبت ماموریت واضح میسازد کـه از زمین برای بکار بردن نفرات چه انتظار میتوان داشت این‌بررسی همیشه به‌یك‌شکل انجام‌نمیگیرد: درپیشروی جاده‌ها وبریدگی‌ها. درحمله‌به‌خطوط‌اصلی زمین که تشکیل هدف‌هارا میدهند، راهها، قسمتهای مکشوف و مستور برای دیدگاه‌ها در استقرار تدافعی دیدگـاههای خوب، میدانهای تیر وموانع باید مورد دقت واقع گردند.

وسایل عمل - بررسی وسایل‌عمل‌عبارت ازشماره‌توپها - مسلسل هاومهمات

نیست زیرا قدرت یك واحدی به نسبت وسعت منطقه عمل آن تغییر میکند آنچه مهم است عبارت است از تعیین تناسب بین وسایل یك واحدوعرض وعمق منطقهمورد عمل آن وقدرت متصوره دشمن .

برای تعیین این تناسب تجربیات حاصله از جنك هارابابد در نظر داشت ولی ترقی اسلحه وظهور ادوات جدید رانیز نباید فراموش کرد .

عامل دیگری راکه نیز بایددرحل مسائل تاکتیکی درنظر گرفت روحیه است چه باوجود ترقی اسلحه انسان جنك میکند وواضح است که تعلیمات نفرات ـ تجربهٔ آنها وقابلیت کادر تاچه حد درعمل فرماندهان تاثیر دارد.

بالاخره تجزیهٔ وسایل باعث میشود که برای هرعملی مراتب ذیل مشخص گردد

شرایط جسمی وروحی واحدها

وسعت منطقه عمل

مجموعهٔ وسایل تشکیلاتی یااضافی که دراختیار است

ب ـ عمل ترکیب

وقتی بدین ترتیب عوامل مختلفه مسئله تجزیه شدعوامل لازمه برای تهیه تصمیم حاضر میگردد وبعد ازهر تجزیه ترکیبی لازم است .

اینك بهتجزیهٔ جزء جزء پرداخته تابعد تجزیه کلی حاصل و منجر به تصمیم فرماندهی گردد

بعد ازدرنظر گرفتن میسورات دشمن باید طبق نتیجه حاصله به این سئوال جواب داد :

چه چیز فوراً باعث وحشت است و چه چیز بعد اسباب وحشت خواهد بود .

چون جواب سئوالات رابطورحتم ویقین دادن غیرممکن است فرماندهی

باید بـا در نظر گرفتن وضعیت چندین فرض نموده و آن فرضیات را طبق عقاید شخصی خواه از روی به حقیقت نزدیك تر بودن آنها خواه از روی زیادی و کمی خطرات آنها برای انجام ماموریتش طبقه بندی نماید و بالاخره یکی از آنها را برای تصمیم خود انتخاب میکند وسایرین را نیز موردبررسی قرار داده وامکان تغییرات تصمیم خود را اگر دشمن برخلاف افکار اولیه او رفتار نمودحفظمیکند

بعد از آنـکه عامل زمین تجزیه شد باید طبق نتیجـه حاصله بـه این سئوال جواب داد .

درچه قسمتی از منطقه عمل حمله یا دفاع در شرایط بهتری انجام میگیرد ـ

درچه منطقه وضعیت طبیعی زمین باعث صرفه جوئی درنفرات میشود و کجا بالعکس باید تمرکز نفرات نمود .

بعد از تجزیه عامل وسایل باید طبق نتیجه حاصله به این سئوال جواب داد :

روی چه جبهه حمله یادفاع امکان پذیراست ـ پیشروی تاچه عمقی رامیتوان امید داشت .

گاهی زیادیوسایل اجازه میدهد که در تمام جبهه به عمل بپردازیم در این صورت جواب سهل است ولی اغلب مجبور میشویم که قسمت اعظم وسایل رادریك منطقه فقط تمرکز داده و به تلاش های متوالی بپردازیم .

ازمقایسه این تجزیه های جزئی بالاخره نتیجه کلی بدست میاید که عبارتند از راه حل هـای ممکنه زیرا برای هر مسئله تاکتیکی چندین راه حـل قابل قبول است .

ج - تصمیم فرماندهی

حال باید بین راه حل های ممکنه یکی را انتخاب نمود یعنی تصمیم گرفت

تصمیم گرفتن کار سهلی نیست بخصوص که درانتهای هر تصمیمی یک علامت استفهام وجود دارد - معهذا باید اقدام کرد « بد ترین تصمیم ها بهتر از بی تصمیمی است »

برای آنکه فرماندهی دراخذ تصمیم هدایت شود همیشه یک نقطه ثابت در دست دارد و آن ماموریت او است .

ماموریتی که ازطرف مقام بالاتر داده شده ماموریتی که وصول بمقصود را به او تحمیل میکند

اصولا به نسبت این ماموریت است که فرماندهی بین چندین فرض قابل قبول یکی را انتخاب میکند ولی در این انتخاب یک موضوع دیگرهم موثر است و آن عبارت است ازشخصیت فرمانده یعنی اخلاق ، جسارت ومیل بخطر که در فرماندهان بطور متفاوت موجوداست وباین دلیل است که تصمیم مخصوص به فرماندهی است افسران ستاد ممکن است تجزیهٔ جزئی و رئیس ستاد تجزیهٔ کلی را تهیه و تقدیم فرماندهی نماید ولی فقط فرماندهی است که مسئولیت داشته وتصمیم میگیرد .

برای تصمیم فرماندهی نمونه وجود ندارد زیرا این تصمیم با رویه واخلاق فرماندهان تغییر مینماید ولی باید دانست تفاوتی بین تصمیم فرماندهی وحکم که توضیح آن است موجود میباشد .

تصمیم برای ستاد است وفقط شامل مراتبی است کـه مسئولیت فرماندهی را متضمن میباشد .

حکم بالعکس برای مجریان است و در عین آنکه ابتکار زیردستان را محفوظ میدارد داخل جزئیات مربوطه باجرا میشود

معهذا به بینیم یک تصمیم مهم برای عملیات تعرضی یا تدافعی باید شامل چه مراتبی باشد :

۱ - انتخاب یک طرح مانور آنچه را کـه تدبیر فرماندهی می نامیم نهایت اهمیت را دارد ولی نباید این تدبیر فرماندهی را که طریقه ادراک فرماندهی برای انجام ماموریت است بـا طرق مانوری کـه باعث صورت پذیر شدن آن تدبیر می گردد اشتباه نمود .

اول باید آنچه را که میخواهیم بکنیم تعیین وبعد ازآن بیان نمود چه طور آن را عملی میکنیم .

این تدبیر فرماندهی باید مراتب ذیل را مشخص نماید :

انتخاب منطقه که درآنجا تلاش اصلی باید بعمل آید

هدفهای متوالی کـه باید تصاحب نمود یـا خطوط مختلفه دفاع کـه باید حفظ کرد .

۲) - بعد بر طبق تدبیر فرماندهی تقسیم کلی قوا و نکات ذیل را باید تعیین نمود :

آرایش واحد های مادون و اهمیت عوامل احتیاط

تشکیلات فرماندهی

۳) ـ به نسبت این آرایش باید ماموریت‌های مخصوص واحدهای مادون را با مراتب ذیل تعیین نمود.

سمتهای تلاش ـ هدف ها ـ منطقه عمل .

وسایل اضافی که به اختیار آنها گذارده میشود .

کمك متقابله که باید با یکدیگر بنمایند ،

---

٤) ـ بالاخره رؤس مطالب مربوطه به اطلاعات را باید تعیین کرد

مشاهده شد که فرمانده فرض های مختلفی راجع به دشمن مینماید و تصمیم خود را طبق یکی از آنها اخذ میکند ولی باید دائماً بازرسی کند که آیا این فرض صورت پذیر میشود یا خیر و آیا فرض دیگری که قبلاً آن را غیر محتمل دانسته است به حقیقت می پیوندد و در این صورت طرح عملیات خود را طبق اقتضای وقت تغییر دهد بنابراین برعهده او است که طبق این فرضیات جستجوی اطلاعات را توجیه نکات مورد بازرسی را مشخص و مهلتی که از حیث زمان برای وصول آنها حتمی است و باید بفرماندهی واصل گردد معین کند .

از آنچه ذکر شد معلوم میگردد که تهیه یك تصمیم عمل مشگلی است و مستلزم هوش و زکاوت و تجربه بسیار و داشتن طریقهٔ عمل مداوم است .

این طریقه شامل مراتب ذیل است :

مطالعه ماموریت
تجزیه عوامل
تعیین اهمیت هریك از آنها
ترکیب
تصمیم

درتاکتیك فرمول وجود ندارد راه حل عمومی یافت نمیشود جنك حالت عمومی ندارد و تمام آن حالتهای مخصوص است و درصدد مقایسه برآمدن وقت خود را گم کردن است .

هروضعیتی را باید درمجموعه آن و به نسبت عوامل مخصوص به آن بررسی نمود و چون این عوامل علی غیرالنهایه مورد تغییر هستند کمترین تغییر در یکی از آنها بکلی مسئله را عوض میکند و یا آنکه ممکن است شباهتی بین دومسئله وجود داشته باشد ولی راه حل آنها بکلی متفاوت است .

اینك دیدیم که به چه ترتیب فرماندهی مسائل تاکتیکی را حل نموده و تصمیم خود را اخذ میکند پس از آنکه این تصمیم به ستاد مربوطه داده شد حکم عملیاتی طبق آن باید تهیه و برای اجرا بواحدهای زیردست فرستاده شود .

لشگر پیاده نظام

لشگر پیاده نظام

چون لشگر پیاده نظام اولین واحد بزرگی است که در رزم بکار میرود باید قبل از ذکر اصول به کار بردن آن این لشگر را از نقطه نظر تشکیلات مورد بررسی قرار داد تا قدرت و نواقص آن روشن شده و معلوم گردد که از نقطه نظر واحد رزم چه انتظاری از آن میتوان داشت

الف - تکامل اصل واحد های بزرك

۱ - قبل از ۱۷۸۹

تا اواخر سلطنت لوئی ۱۴ واحد بزرك شامل کلیه صنوف جز ارتش وجود نداشته است و ارتش مرکب بوده است از یك عده تیپ های پیاده نظام و سوار نظام که مجموعه توپخانه را نیز مستقیماً اداره می نموده است

در زمان سلطنت لوئی ۱۵ در ۱۷۵۹ فکر لشگر ایجاد شد و در ۱۷۷۶ فکر تشکیل آن در زمان صلح هویدا و بالاخره در ۱۷۸۸ تعداد ۲۱ لشگر دائمی در فرانسه تشکیل گردید

۲ - از ۱۷۸۹ تا ۱۸۱۵

انقلاب فرانسه ارتش ملی را جانشین ارتش مزدوری نمود و از نقطه نظر استراتژی متوجه جنك تودهٔ جنك متحرك گردیدند و بالطبیعه متوجه اصول لشگری شده و لشگر مختلط واحد عمل ارتش های جمهوری شد

بالشگر مختلط است که بناپارت اردو کشی های ۱۷۹۶ و ۱۸۰۰ را در ایتالی انجام و به محاسن آن پی برده است ولی وقتی در ۱۸۰۶ ارتش بزرك خود را در بولنی جمع نمود لشگر بنظر وی دیگر برای اجرای مانور ناقص آمده و سپاه را مانند واحد عملیاتی قبول و مکرر ترکیبات و تعداد انرا تغییر داد

۳ -- از ۱۸۱۵ تا ۱۸۷۰

درزمان امپراطوری لشگر و سپاه مانند واحد بزرك دائمی از بین رفتند و باوجود تجربیات اردو کشی کریمه موقعیت عیوبات این تشکیلات را بوشاند و شکست سادوا نیز باعث رجعت به تشکیلات منظم سپاه و لشگر نگردید

٤ - از ۱۸۷۰ تا ۱۹۱٤

وقتی پس از شکست ۱۸۷۰ کشور فرانسه درصدد تجدید تشکیلات نظامی خود بر آمد مقصود اصلی عبارت بود از صورت پذیر نمودن تشکیلاتی که بتوان سریعاً و باحفظ پیوستگی بین صنوف از تشکیلات صلح به صورت تشکیلات جنك درآمد بدین منظور واحد های صنوف مختلفه در زمان صلح تشکیل لشگر را داده و بعضی عوامل خارج از لشگر نیز وجود داشت و دو پاسه از این لشگر ها باضافه عدهٔ از عوامل خارج از لشگر تشکیل سپاه را دادند

لشگر ۱۹۱٤ مرکب است از دو تیپ پیاده نظام دارای دو هنك سه گردانی یك هنك سه گردانی توپخانه ۷۵ یك اسواران سوار و یك گروهان مهندس

مشخصات این لشگر بقرار ذیل است :

تعداد زیاد پیاده نظام : ٤۸ گروهان ۲۵۰ نفری

سادگی اسلحه : تمام پیاده دارای تفنك و فقط سه دسته مسلسل سنگین در هنك وجود داشت (هر دسته دو قبضه مسلسل) تجهیزات به حد اقل

این لشگر باعده پیاده نظام خود واحد بزرك محسوب نمی شد و آنرا واحد ابتدائی شامل کلیه صنوف مینامیدند و نظامنامه استعمال واحدهای بزرك ۲۸ اکتبر ۱۹۱۳ مقرر میداشت که باین واحد ماموریت های کم مدت داده میشود که بتواند تحت امر کامل واحد بالاتر انجام دهد

به‌این ترتیب در موقع شروع جنگ ۱۹۱٤ واحد بزرك مبنای تشکیلات ارتش فرانسه سپاه بود تشکیلات این سپاه یك نواخت و اصولا شامل بود برسه لشگر پیاده نظام با چند عوامل خارج ازلشگر مخصوصا یك‌هنك‌توپخانه۷۵باچهار گردان‌ویك هنك سوار نظام با چهار اسواران و کلیه دوائر - پارك توپخانه - بیمارستان سیار بنه اداری وسایل پل‌سازی وغیره که بالنتیجه سپاه قادر بود منفرداً رزم نموده و زندگانی خود را تامین نموده و کوچکترین واحد بزرك وقت محسوب می شد

اگر نظامنامه ها لشگر را علی‌الاجبار از نقطه نظرتاکتیکی بدون استقلال وجزو سپاه می دانستند تشکیلات نیز این موضوع را تقویت می نمود زیرا لشگر مانند تیپ دارای دوائر نبود و تسهیل وترکیب واحدها وسبکی آنها را منظورداشته و حتی لشگر فقط یك‌بنه‌جنگی مختصری داشت

بنا بر این لشگر در خارج از سپاه قادر به زندگانی نبود مگر آنکه جزو سپاه دیگری شود یا وسایل لازمه را بآن قرض دهند و فقط لشگرهای احتیاط که باید خارج ازسپاه عملیات کنند دارای وسایل لازمه برای رزم وزندگی بودند

ب – تکامل درزمان جنگ

از سال ۱۹۱۵ واضح شد که تشکیلات مذکور با احتیاجات جنگ جدید که مستلزم عوض کردن های مکرر واحد ها است وفق ندارد

دستور راجع به‌استعمال واحد های بزرك در ۱۹۱٦ مقرر میداشت که جبهه سپاه باید اقلا برای درگیری دو لشگر وبکاربردن توپخانه با شرایط مطلوب کافی باشد

سپاه باید دارای احتیاط قوی باشد تا رزم را تغذیه و هدایت کند و ازعهدهٔ اجرای حمله روی مواضع متوالی دشمن با مدت های توقف لازمه برآید

مقصود ازاین دستور این است که سپاه باید دارای ۳ الی ٤ لشگر باشد بالنتیجه لشگر ها باید بتوانند سپاه اصلی خود را ترك و به‌سپاه دیگر ملحق گردند وسپاه باید ازعهده تامین زندگی تعداد بیشتری لشگر برآید

بنابراین لازم شد که لشگر دارای وسایل لازمه برای تغییرمکان - زندگی کردن وحتی‌رزم نمودن به تنهائی بوده و باین وسیله دارای قابلیت انعطاف لازمه‌باشد

این تشکیلات درسال ۱۹۱٦عملی‌شد وتغییر مهمی پیدا نکرد

ازآن‌به‌بعد که لشگر دارای دوائرمربوطه‌شدجزو واحدهای بزرك محسوب گردید و سپاه که تشکیلات آن نسبت به ماموریت محوله متغیر است یك مجموعه تاکتیکی و یك عامل فرماندهی - تطبیق تلاش ها و ادامه عمل محسوب می شود لشگر هاورؤسای دوایررا حفظ‌نمود ولی‌اغلب‌ازاین دوائر که‌درجزوسپاه مجتمع بودند بین لشگرها تقسیم وجزو لشگر گردیدند

ولی نباید تصور کرد که لشگر بدین ترتیب مستقل میشود بلکه برای ذخایر و وسایل حمل ونقل وغیره همیشه محتاج به ارتش خواهد بود

وقتی که لشگر از نظر اداری واحد بزرك شد از ۱۹۱۷ به بعد واحد تاکتیکی محسوب ودر تشکیلات آن تغییرات مهمی حاصل گردید

معلوم شد که توپخانه نسبت به تعداد افراد لشگر کم است ومخصوصالشگر باید دارای توپخانه سنگین باشد

احتیاجات فرماندهی به داشتن واحد هائی برای اجرای عملیات مختلفه خصوصا در موقعی که افراد برای تشکیل واحد های جدید وجود نداشت پیاده نظام لشگر را به ۹ گردان تقلیل داد

این‌تقلیل پیاده نظام محاسن چندی داشت زیرا تشکیل لشگر های جدیدی

را باعث ونسبت بین توپخانه لشکری وپیاده نظام انرا بدون سنگین کردن توپخانه لشکری اجازه داد

ولی اگر این لشکر در خاتمه جنك بین‌المللی خواه در دفاع و خواه در تعرض نتایج خوب داده است آیا امروز نیز همان نتایج را حاصل خواهد نمود آیا ۹ گردان پیاده نظام برای دفاع در جبهه های وسیع کافی است ؟ ودر تعرض توپخانه لشکر در مقابل دشمنی که حتی مختصراً به آرایش زمین پرداخته باشد قدرتی دارد ؟

برای حل این موضوع در ارتش فرانسه به تشکیل احتیاطهای عمومی صنوف ودوائر پرداخته اند تافرماندهی بتواند درموقع لزوم و به نسبت‌مأموریت هر لشگر را تقویت کند

ج - لشگر امروزه

لشگر امروزه از چه عواملی تشکیل گردیده است

یك‌واحد بزرك عبارت است ازتجمع واحد های صنوف مختلفه و عواملی که موسوم به دوائر بوده ومامور رساندن وسایل زندگانی ورزم به واحدها می‌باشند تحت امر فرماندهی واحد بنابراین عوامل تشکیلاتی یك‌واحد بزرك‌عبارت‌است‌از :

فرماندهی

واحدهای رزم

دوائر

فرماندهی شامل‌است بر

رئیسی که فرماندهی واحد بزرك‌را عهده داراست

کمك‌هائی که‌برای‌اجرای‌عمل فرماندهی دراختیاراو گذارده‌میشود من‌جمله :

یك‌ستاد

فرماندهی بعضی ازصنوف

رؤسای دوائر

فقط فرمانده می تواند تصمیم بگیرد وتنها مسئول تصمیم‌شناخته میشود ستاد عوامل تصمیم‌اورا حاضر نموده وچون تصمیم‌اخذشد صورت پذیر نمودن‌وجزئیات اجرای آنرا تهیه می نماید

فرماندهان صنوف ورؤسای دوایر برای تسهیل فرماندهی‌واجرای‌تصمیم‌در اختیار فرمانده واحد بزرك گذارده میشوند

فرماندهان صنوف درآنچه مربوط به واحدها است ورؤسای دوایر درآنچه مربوط‌به‌وسایلی است که برای واحدها لازم‌است عمل می کنند

مجموعه این کمك های فرماندهی است که‌تشکیل قرارگاه کل واحد بزرك را میدهد

واحدهای رزمی چه‌ازحیث تعداد وچه ازحیث وظیفه آنها در رزم مهمترین قسمت واحد بزرك‌را تشکیل میدهند

تمام عوامل یك واحد بزرك به‌نفع عمل این واحد ها استعمال وبکار میروند دوائر بنابر احتیاجات متنوع وبه ٤ قسمت تقسیم میگردند

١ - دائره مخابرات

٢ - دوائر تدارکات ونگاهداری که شامل است بر

دائره توپخانه

دائره مهندس

دائره کار پردازی

دائره بهداری

دائره دام‌پزشگی و تجدید دواب

دائره خزانه‌داری

دائره پست

۳ ـ دوائر بارکشی که شامل است بر

بارکشی خودرو

بارکشی اسبی

۴ ـ دوائر انتظامی یعنی

امنیه

محاکمات نظامی

هریك ازاین دوائر شامل عوامل رئیسه است که جزوقرارگاه محسوب و عوامل مجری است که اهمیت آن به‌نسبت‌وظیفه واحد بزرك متغیراست

اینك این اصول تشکیلاتی را در یك لشگر مورد بررسی قرار دهیم (برای بررسی این اصول لشگر مطابق تشکیلات لشگرهای ارتش فرانسه درنظر گرفته شده است)

الف - قرارگاه کل

قرارگاه کل درلشگر شامل است بر :

ستاد

قسمت فرماندهی پیاده نظام ـ توپخانه ـ مهندسی و مخابرات

قسمت دوایر کاربردازی ـ بهداری ـ دام‌پزشکی خزانه داری ـ پست و محاکمات نظامی

عوامل‌مخصوص برای حسن جریان عمل داخلی قرارگاه

۱ ـ ستاد

بعلت تعداد کم افسران ستاد یك لشگر وازطرف دیگرلزوم اجرای بازدیدها وخدمات خارجی که درمرحله لشگرشدت دارد نمی توان‌مانند ستادهای ما فوق چهار رکن متخصص درلشگر تشکیل دادوبایدرئیس ستاد لشگر کارها را تقسیم وطوری اداره نماید که کلیه افسران ستاد در جریان کلیه مطالب بوده‌وازعهده حل مسائل فوری بر آیند

ستادلشگر دارای یك قسمت نقشه برداری است

احکامی که ازطرف ستاد تهیه میشود اصل آن به امضای فرمانده لشگروبقیه به امضای رئیس ستاد خواهد بود که با اجازه فرمانده لشگر می تواند مراسلات غیرمهم را نیزامضاء کند

موضوع ورود و صدور احکام‌ومراسلات که به نظر کار غیر مهمی است اهمیت بسیار دارد زیرا هرحکمی هر قدرخوب‌تهیه‌شده‌باشدچون دیر بمقصدرسدفایده ندارد

۲ ـ فرماندهی واحدها

پیاده نظام لشگری فرمانده پیاده نظام لشگری سرتیپ ودارای یك‌ستادشامل سه افسراست

این فرماندهی پس‌ازحذف تیپ ها و تقلیل تعدادهنگ های پیاده نظام از۴ به ۳ ایجاد ودرموقع جنگ مأموریت مشارالیه اداره کردن خط رزم بوده است

این مأموریت درجنك اخیر که جبهه ها مستقروهرعمل قبلاتنظیم و تهیه شده درجبهه‌های کم عرض اجرا می شده است منطقی بوده ولی رزم پیاده نظام کاملا مربوط بکمك مستقیم توپخانه است وبنا براین واگذاری خط رزم به فرمانده

پیاده نظام لشکری در حقیقت اتصال فرمانده لشکر ازاین عمل است و بعلاوه این مأموریت برای فرمانده پیاده نظام لشکری سنگین وسایل فرماندهی ومخابرات اودرصورتیکه جبهه قدری وسیع شود غیر کافی است

بنا بر این چنین بنظر میرسد که فرمانده پیاده‌نظام لشکری جانشین احتمالی فرمانده لشکرومتخصص پیاده نظام اواست که‌باید مانند فرمانده‌توپخانه‌لشکری در مورداستعمال پیاده نظام نظریات فنی خودرا اظهارنماید

در موقع رزم وظایف او بقرارذیل است .

در صورتیکه رزم مستلزم تشکیل یك عده قوای بیشتر از هنك باماموریت معین و در یك منطقهٔ مشخصی باشد فرماندهی این عده بعهده فرمانده پیاده نظام لشکری است

اگرجزئیات عمل توسط فرمانده لشکرتهیه شده است وممکن است درضمن عمل مستلزم تغییر آرایش اولیه گردد فرمانده لشکر درروی زمین احتیاج به یك نماینده دارد که تدبیرات لازمه‌را درموقع لزوم اتخاذ کند این نماینده فرمانده پیاده نظام لشکری است که ابتدا جریان عملیات راتعقیب نموده وهر دقیقه برای دخالت درعمل حاضرخواهد بود

بالاخره فرمانده پیاده نظام لشکری ممکن است نزدفرمانده لشکر باقیمانده در موقع لزوم برای انطباق تلاش ها در یك قسمت ازمیدان نبرد که بخصوص اهمیت دارد بکاربرده شود

معهذا فرمانده پیاده نظام لشگری نسبت به هنك های پیاده نظام ازنقطه نظرامور کارگزینی تعلیماتی وانظباطی فرماندهی داردولی جزباحکم مخصوصی به‌سایرقسمتهای پیاده لشکرمانند گردان حفار ومرکز تعلیماتی لشکرفرماندهی ندارد

توپخانه لشکری ـ فرماندهی توپخانه‌لشکری به‌عهده‌یك نفرسرتیپ یاسرهنك است که دارای یك ستاد مرکب ازهفت افسرمی باشد (دونفردیدبان هوائی)

این فرمانده فرماندهی دو هنك توپخانه لشکررا عهده داروددررزم مجموعه آتشبارهای لشکری وتقویتی را تحت امرخودداشته وآنهاراازنقطه‌نظرتاکتیکی و فنی پس ازاخذ دستور ازفرمانده لشکراداره می کند

فرمانده توپخانه لشکری ضمنا رئیس اداره توپخانه لشکربوده پارك توپخانه لشکری تحت امرمشارالیه وبنابراین مسئول تدارکات مهمات است

مهندس لشکری ـ فرمانده‌مهندس‌لشکری‌سرهنك‌دوم‌ویك‌سروان‌مهندس و یك افسراداره مهندسی دراختیار اوست

مانند فرمانده توپخانه‌لشکری فرمانده مهندس لشکری فرمانده‌واحدهای مهندس ورئیس اداره مهندس است وواحد های مهندس وپارك مهندس لشکر تحت امراو میباشد

مخابرات ـ فرمانده قسمت مخابرات یك سروان متعلق به یکی ازهنك‌های مخابرات زمان صلح ویك‌افسر متخصص دربی‌سیم دراختیار اوست

مانند فرمانده واحد طبق دستورات رئیس ستاد استعمال و سایل مخابرات لشکررا تنظیم وتطبیق می نماید

مانند رئیس اداره نگاهداری ادوات فنی تمام لشکر وتدارك آنهارا مراقبت میکند ازنظر فنی افسران مامور مخابرات واحدها را هدایت نموده و شخصاً تحت امرفنی رئیس اداره مخابرات سپاه‌است

فرماندهی واحدهای مخابراتی لشکر بعهده رئیس‌ستاد لشکراست

۳ - رؤسای دوایر

فرمانده اوامر راجع به‌استعمال دوایررا صادر وهریك از روسای دوایر با

ابتکار خود ودرحدود وسایل موجوده عمل دایره مربوطه‌را تنظیم‌می کنند

دستورات فنی ازرئیس دایره مرحله مافوق صادر میگردد

برای انکه اختلالی در عمل دوایر حاصل نشود رؤسای دوایر پیشنهادات خودرا به‌فرمانده لشکر تقدیم ودرصورت لزوم بااستماع توضیحات آنها تغییرات لازمه داده شده ودستور اجرای آنها صادر میگردد

عوامل مخصوص قرارگاه

این‌عوامل مخصوص عبارتند از :

۱ ـ اسکورت (یك‌افسر ۳ گروهبان ۱ سرجوخه ۵سوار)فرمانده‌اسکورت ضمناً انضباط واستقرار وعمل قرارگاه کل‌را عهده داراست

۲ ـ دائره انتظامی که‌شامل‌است‌بر

قوای امنیه

محاکمات نظامی

یك افسر و ۱۴ امنیه در منطقه لشگر مامور است که:

محبوسین و محکومین را نگاهداری نموده وآنهارا تغییر مکان دهد

درنگاهداری نظم‌عمومی ـ توقیف‌فراریها ـ مراقبت قهوه‌خانه‌ها ـ اشخاص ولگرد ـ جاسوسها و حفظ نفرات از تعدی مراقبت‌نماید

عمل پاسبانان را عهده دار است

محکمه نظامی دارای اجزای ثابت و افسران خاصی است که‌از افسران صف یا افسرانی که در جنك مجروح شده اند انتخاب میشوند

سربازان دیگر و افسران تا درجه‌سروان در این محکمه تعقیب و افسران ارشد به‌محکمه سپاه یا ارتش اعزام میشوند

۳ - فرمانده بنه های هنگی

هروقت بنه های هنگی تشکیل یك ستون دهند یك‌افسر سوار ریاست‌آنهارا عهده‌دار میشود بعلاوه قرارگاه دارای یك قسمت عرابه‌های اسبی (۱ افسر ۵۰ سرباز : گماشته اردل آشپز وغیره) ویك قسمت عرابه های خودرو (۱افسر ۵۰ سرباز ۱۲ خودرو سواری ۷ کامیونت و ۶ کامیون) می باشد که رئیس ستاد بین قسمتهای مختلفه قرارگاه تقسیم می نماید

مجموعاً قرارگاه دارای ۵۰ افسر ۲۴۰ سرباز ـ ۷۰ اسب ـ ۵عرابه‌اسبی ۲۵ خودرو بوده و حمل‌ونقل آن توسط راه‌آهن بامنظور نمودن قسمت‌مخابرات مستلزم یك ترن و استقرار آن در منزلگاه مانند یك گردان است

ب - واحد های رزم

ترکیب لشگر ازحیث واحد های رزم نتیجه رزم های امروزه است از تعداد کلی آن که تقریبا ۱۶۰۰۰ نفر است بدون منظور داشتن گردان حفار و واحد های تعلیماتی شامل ۱۳۳۰۰ رزم‌جو می باشد یعنی

پیاده	۸۶۰۰
توپخانه	۳۶۰۰
صنوف دیگر	۱۱۰۰

که نسبت ذیل حاصل می گردد

پیاده	۶۵ صدم
توپخانه	۲۷ صدم
سایر صنوف	۸ صدم

در صورتیکه در ۱۹۱۴ لشگر دارای ۸۷ صدم پیاده و ۱۰ صدم توپخانه و

۳ صدم سایر صنوف بوده است وبدین ترتیب در تناسب عوامل رزم که در ۱۹۱۴ یك توپچی برای ۹ پیاده بوده امروز ۱ توپچی برای ۲٫۵ پیاده است

این تغییر بعلت استعمال اسلحه خودکار و اضافه شدن توپخانه لشگری است در ۱۹۱۴ لشگر چهار هنگی دارای ۲۴ مسلسل و ۳۶ توپ ۷۵ بوده است ولشگر ۳ هنگی امروز دارای ۲۰۰ مسلسل ۳۵۰ مسلسل سبك و۶۰ توپ (۳۶ توپ ۷۵ و ۲۴ توپ ۱۵۵ کوتاه) می باشد

پیاده نظام

پیاده نظام لشکر شامل است بر

۳ هنك پیاده نظام سه گردانی

۱ گردان حفار

۱ مرکز تعلیماتی لشکر

هنك پیاده با گروهان های ۱۹۰ نفری و گروهانهای مسلسل ۱۷۰ نفری از حیث تعداد نفر رزم‌جو نسبت به گردانهای ۲۵۰ نفری ۱۹۱۴ تقلیل یافته ودرعوض برتعداد اسب و عرابه های آن اضافه شده ۴۰۰ اسب در عوض ۲۲۰ و ۲۰۰ عرابه در عوض ۶۷ دارد

این تغییر بعلت تنوع وسایلی است که تدریجاً در اختیار پیاده گذارده شده و اضافه برآن اسلحه های خودکار و مقدار مصرف مهمات است

از این ۲۲۰ عرابه در حدود ۱۴۰ عرابه همراه واحد هـای رزم است که عبارتند از عرابه هـای مهمات ـ عرابه های حامل ادوات ـ عرابه های بهداری ـ عرابه های حامل برانکارد که تشکیل بنه جنکی را داده و بقیه عرابه ها که عبارتند از عرابه های حامل اغذیه و وسایل آشپز خانه ها ـ عرابه هـای آب و آهنکری

تشکیل بنه جنکی رده دوم را داده وعرابه‌های اغذیه گوشت ـ خواربار وپست تشکیل بنه هنکی را میدهد

گردان حفار یك گردان پیـاده نظام است کهاز نفرات طبقه قدیمی تشکیل گردیده شامل ٤ گروهان ۲۵۰ نفری است ولی گروهان مسلسل ندارد

اصولا گردان حفار واحد رزم نیست و قبل از هر چیز کارگر است و توسط فرمانده لشکر بین دوائر مختلفه تقسیم وبرطبق احتیـاج برای تقویت واحد های مهندس یا کمك توپخانه یا پیـاده کردن مهمات یا استقرار پستهای بهداری بکار میرود

یك گردان حفار که راجع به عبور و مرور تخصص داشته باشـد در لشکر مطلوب است

مرکز تعلیماتی لشکر شامل سه گروهان تعلیماتی است که حد اکثر تعداد تشکیلاتی آنها ۲۰۰ نفر است (ازقرار یك گروهان برای هرهنك) فرماندهی آن بعهده یك نفر سر گرد است که مستقیما تحت امر فرمانده لشکر میباشد

مرکز تعلیماتی لشکر یك ذخیره نفراتی است ودر آنجا افرادمتخصص پیاده نظام تربیت‌میشوند وعلاوه براین برای تمرکزسرباز های منفرد وتجدید تمرین سرباز های‌خسته وفرسوده بکار میرودولی‌هیچوقت نباید مانند واحد رزم باکارگر بکاررود وبهمین منظور است که فرمانده لشکر بدون اجازه فرمانده ارتش نمی تواند از آن برداشت نماید

توپخانه

توپخانه لشکری شامل است بر :

یك هنك ۷۵ باسه گردان (هر گردان سه آتشبار ویك ستون مهمات)

یك هنك ۱۵۵ کوتاه با ۲ گردان

مجموعاً : ۳۶۰۰ نفر

۵۰۰ عرابه

۳۲۰۰ اسب

آتشبار تعلیماتی همان عمل مرکز تعلیماتی لشکر را انجام میدهد وحدا کثر تعداد تشکیلاتی آن ۱۷۰ نفر است وازنقطه نظر اداری تابع پارك توپخانه‌لشکری است

سوار نظام

اسواران لشکری ۱۹۱٤ مبدل به گردان اکتشاف گردیده که‌شامل‌است‌بر

۱ اسواران سوار نظام (احتیاط) دارای ٤ دسته ویك دسته مسلسل

۱ اسواران دوچرخه سوار (سوار نظام احتیاط) دارای سه دسته رزم ویك دسته مسلسل

۱ دسته مسلسل روی خودرو

۱ پست تلگراف بی‌سیم روی کامیون

۵ موتوسیکلت

باید دانست که مخصوصا درابتدای یك جنك از این سوار نظام که‌نفرات آن احتیاط واسب های‌آن مصادره است توقع زیادی نمی‌توان‌داشت وماموریت او محدود است به جستجوی اطلاعات در جلوی لشکر یاتقویت جلوداران یا پوشش یك جناح که بعلت کمی تعداد تمام این ماموریتها را نمی تواند معاً انجام دهد و باید بین آنها یکی را انتخاب کرد

مهندس

مهندس لشکر عبارت است از یك گردان دو گروهانی مهندس

ماموریت اصلی آن عبارت است از تأمین مواصلات لشکر نگاهداری جاده‌ها ایجاد پیاده رو ها - تعمیر تخریب ها - تسهیل عبور از مجاری میاه - تهیه پناهگاهها برای پست فرماندهی لشکر

گردان مهندس جزو واحد های رزم محسوب ولی باید دانست که‌چون اسلحه خودکار ندارد جز در موارد بحران سخت و نبودن احتیاط دیگری بکار برده نمی شود

قسمت مخابرات

قسمت مخابرات عبارت است از

۱ گروهان تلگراف

۱ قسمت بی سیم

این قسمت قادر است ازحیث ادوات ونفرات سه مرکز مخابراتی مهم‌باتلفن وسایل بصری وبی‌سیم تشکیل دهد و بعلاوه چند پست تلگرافی ویك‌پست تلگراف زمینی نیز بکار برد

نیروی هوائی

لشکر تشکیلاتاً دارای یك گروهان هوانوردی ویك پست جوی است فعلا دارای هواپیمائی نیست ولی درستاد لشکر یك افسرنیروی هوائی برای ارتباط بین فرمانده لشکر وواحدهوائی که‌به‌نفع او بکار میرود موجود می‌باشد

ج - دوائر

راجع به‌دوائر کارپردازی وبهداری بررسی‌های جداگانه بعمل خواهدآمد وبه‌ذکر نکات ذیل قناعت‌میشود

توپخانه - پارك توپخانه لشکری شامل‌است بر :

۱ ستاد

۱ دسته مهمات پیاده نظام (اسبی)

۱ دسته مهمات توپخانه (اسبی)

۱ دسته مهمات توپخانه (خودرو)

۱ گروهان کارگر که شامل نفرات تعمیر گاههای لشکری و نفرات لازمه برای دسته های مهمات می باشد

وظایف پارك توپخانه لشکری عبارت است از

تدارك مهمات

تعویض ادوات مختلفه : توپ ـ اسلحه و ادوات پیاده نظام ـ عرابه ها ـ زین و براق ـ نعل ـ وسایل ضد گاز

تعمیر توپ ها

جمع آوری یا تخریب مهمات جا گذاشته شده

مهندسی ـ گروهان پارك مهندس وسایل ذیل را حمل میکند

وسایل پارك برای سه گردان

درحدود $\frac{1}{2}$ تن مواد محترقه

دایره دام پزشکی ـ این دایره که تحت امر یك سرگرد دام پزشك است یك قسمت متحرك اخراجات دام پزشکی در اختیار دارد و دواب ذیل را در این قسمت قبول می کند

دوابی که امراض مسری دارند

دواب مریض یا مجروحی که معالجه آنها بیش از ۱۵ روز وقت لازم داشته ونمی توانند بدنبال واحد مربوطه بروند

دوابی که مرض یاجراحت آنها سخت‌تر باشد به مریضخانه دام پزشکی ارتش اعزام میشوند

از نقطه نظر ستاد باید دانست که این قسمت متحرك اخراجات دام پزشکی به سرعت پیاده نظام تغییر مکان داده وبرای اجتناب از سرایت امراض باید درمنزلگاهها محل علیحده ومنفردی داشته باشند

دایره خزانه‌داری ـ این دایره به قرارگاه کل منتصب است ومامور پرداخت می باشد

دایره پست ـ این دایره نیز منتصب به قرارگاه کل بوده وبه ترتیب ذیل عمل پستی را درلشکر انجام میدهد

خود روهای پستی لشکر درنقطه که ازطرف فرماندهی تعیین میشود ومعمولا درایستگاه تدارکاتی است مراسلات را دریافت نموده در قرارگاه لشکر آنها را تنظیم وتحویل مأمور پست واحدها ودوایر داده وازآنها مراسلات ارسالی را اخذ می کنند دراحکام نباید بین این دو نقطه اشتباه کرد وبرای تحویل واخذ مراسلات نیز باید وقت کافی منظور نمود

دایره حمل ونقل

گروهان خودرو لشکر شامل است بر :

قسمت قرارگاه کل

قسمت تدارك گوشت تازه

قسمت بهداری خودرو

ولی شامل عوامل حمل ونقل غیر متخصص نمی باشد

گروهان خودرو اسبی لشکر نیز شامل یك قسمت قرارگاه کل و یك

قسمت دایره کاربردازی و یك قسمت دایره بهداری است ولی شامل دو دسته حمل ونقل است که یکی دارای ۳۸ عرابه ودیگری دارای ۳۱ عرابه است و این قسمت حمل‌ونقل ظاهراً تخصصی ندارد یعنی فرمانده لشگر انرا هرجا که میخواهد و به نفع هر دایره که مایل‌است بکار می برد مثلا می تواند انرا موقتا دراختیار دایره کاربردازی برای حمل ونقل اغذیهٔ که عرابه های بنه هنگی جا برای حمل آنها ندارند بگذارد و باید دانست که با این دودسته می‌توان غذای تمام لشگررابرای یك روز حمل نمود

ازانچه ذکر شد عوامل مختلفه یك‌لشگر اهمیت وتفاوت‌آنها واضح گردید

به غیراز پیاده نظام که عرابه های آن بی نهایت زیاد شده است لشگر شامل است برتوبخانه سبك وسنگین - سوار نظام - دوچرخه سوار ها عوامل‌پیاده مختلفی که عرابه های مختلفی را همراهی می کنند و با روش مختلف راه پیمائی می نمایند بطوریکه لشگر باسه هنك پیاده نظام خود دارای وسایل آتش قوی است ولی بسیار سنگین شده است مراتب مذکور از اعداد ذیل واضح میشود

۱ — تعداد	۱۹۱۴	۱۹۳۱
افسر	۳۸۰	۴۷۰
نفرات	۱۵۰۰۰	۱۶۶۵۰
دواب	۲۸۰۰	۵۷۰۰
عرابه های اسبی	۵۲۳	۱۴۰۰
عرابه های خودرو	۵	۱۵۴

۲ — طول ستون در روی جاده

عوامل پیاده		۱۲	
عوامل اسبی	۱۳٫۵۰۰ کیلومتر	۱۵	۳۴ کیلومتر
عوامل خودرو		۷	

۳ — حمل ونقل بوسیله راه‌آهن ۲۶ تون ۴۶ تون

قدر و قیمت رزمی این لشگر چیست ؟

این موضوع در فصل های بعد مشروحاً ذکر خواهد شد

نتیجه

از آنچه ذکر شد مختصات یك لشگر امروزه واضح گردید که می توان آنهارا بشرح ذیل خلاصه نمود

مقصود اصلی درتشکیلات یك‌لشگر تطبیق تلاشها وتقسیم کار است باتشکیلات فعلی عمل تطبیق تلاش لشگر ها برعهدهٔ سپاه است بعلاوه سپاه باید منابع موجوده را بین لشگر ها تقسیم‌رزم دوررا اداره و بالاخره نبرد را دریك مرحله طویلی هدایت نماید

لشگر واحد بزرك مقدماتی است که تلاش صنوف مختلفه را بمنظور رزم‌در منطقه نزدیك تطبیق می‌نماید و اجرای این عمل برای بکاربردن جدیت فرمانده لشگر و ستاد او کافی است

تامین

کلیات

بس از انکه در جنك ۱۹۱۴ ـ ۱۸ جبهه مستقر گردید و اهمیت تأمین بطوریکه در جنك های متحرك لازم بود در درجه دوم اهمیت واقع گردید

واحد های بزرگی که بهلو به بهلو ودرتماس شدید بادشمن واقع شده بودند هیچ اضطرابی راجع به جناحین یاطرق مواصلات خود نداشتند و فقط در منطقه مربوطه متوجه تقویت قوای دشمن و ادوات وی بودند

بزرگترین عملیات تعرضی حتی در ۱۹۱۸ از طرفین براحتی درعقب جبهه تهیه می گردید وفکر فرماندهان فقط متوجه این نکته بود که مهاجم تادقیقه آخر منطقه تلاش تعرضی خودرا مخفی نگاهدارد و مدافع سریعاً قوای لازمه را بمحل مورد تهدید رسانده و وضعیت جبهه را ترمیم کند و تا آخر جنك بیش آمدی نشد که اصول تامین مجدداً رواج گیرد

باانکه نمی توان پیش بینی نمود که جنك آینده به چه شکل خواهد بود ولی مسلم است که از ابتدای مخاصمات قوای حاضر طرفین برای تشکیل جبهه مستقر در طول سرحدات کافی نخواهد بود و شکاف بین واحد های بزرك و جناحین مکشوف وجود خواهد داشت و فضای آزاد بین طرفین باعث جنگهای متحرك و تجدید جناحین و خطوط مواصلات خواهد گردید و آنوقت تامین مهمترین اشتغال فکری فرماندهان در تمام سلسله مراتب خواهد بود

تأمین مبنای هر نوع عملیات جنگی است خواه طرفین برای تلاقی هردو به تعرض بردازند خواه یکی از آنها متوقف شده و منتظر حمله شود یا موقتاً از تلاقی اجتناب نماید

تأمین برای فرماندهی لازم است تادر ضمن حرکت و مانور وقت و فضای

لازمه برای استقرار آرایش و تقسیم وسایل در اختیار داشته باشد

تأمین برای واحد ها نیز لازم است تا ناگهانی وبدون امکان تقلیل اثرات و حاضر بودن برای عملیات متقابله تحت آتش دشمن واقع نگردند

تأمین دارای دو صورت مختلف است

تامین فرماندهی ـ یا تأمین استراتژیکی و تاکتیکی که عبارت است از مجموعه اقداماتی که در سایه آنها فرماندهی مانور خودرا تهیه وبه نسبت حرکات متوالی دشمن آنها را تغییر میدهد یابطور خلاصه مجموعه اقداماتی که افکار فرماندهی را محفوظ میدارد

تامین واحدها ـ یا تامین مادی که عبارت است از مجموعه اقداماتی که در سایه آنها این واحد مأموریت خود را انجام میدهد بدون انکه در هیچ لحظه بدون حاضر بودن برای جواب و عملیات متقابله تحت آتش تنظیم شده دشمنی که به او نزدیك شده یاسر راه اورا گرفته است واقع گردد

این دوموضوع مکمل یکدیگر می باشند زیرا تأمین واحدها یکی ازعوامل تأمین فرماندهی است وهرچند به منظور های مختلف بکار میروند ولی نوع عمل درهر دو مورد یکسان است

هرچه اصول تامین قدیمی است ولی انواع اجرای آن بازمان وبه نسبت وسایل اکتشاف و قابلیت تحرك وبرد اسلحه ها تغییر نموده است

قبل از بررسی اقداماتی که برای ایجاد تأمین لازم است باید انواع مخاطرات جنك آتیه را در نظر گرفت زیرا نیروی هوائی و ادوات مکانیکی باشعاع عمل بزرك (زره بوش های سوار نظام ـ عرابه های جنگی سریع ـ توبخانه باخودرو عرابه های خودرو حامل بیاده نظام) وترقی اسلحه (ازدیاد برد توپ ها ـ زیادی اسلحه خودکار) تأمین را چه در حرکت چه در توقف کاملا تغییر داده است

سابقاً واحدی که از برد توپخانه صحرائی که بیش از ٤ـ٥ کیلومتر نبود تامین داشت راحت بود وتنها خطر ظهور ناگهانی سوار نظام بود که ازین عوامل تأمین گذشته توقف گاه یاجناح یك ستونی را مورد حمله قرار میداد

امروز همین واحد مورد مخاطرات ذیل است :

نیروی هوائی بابمب و مسلسل وشاید قریباً باتوپ وحتی بوسیله پیاده کردن قسمتهائی که مأمور اختلال در خطوط مواصلات درعقب جبهه هستند خطر ناك است وعمق منطقه نیروی هوائی مربوط به ظرفیت حمل سوخت آن میباشد

لشکرهای سوار نظام که وسایل آتش آنهازیاد شده‌است و وسایل موتوریزه که عرابه های جنگی نیز همراه دارند قادر به اجرای عملیات تعرضی شدید و سریعی در ٥٠ الی ٦٠ کیلومتری قوای عمده خصم می باشند

توپخانه تیر های ایذائی و قرق خود را با برد ١٠ تا ٤٠ کیلومتر اجرا می نماید

بالاخره آتش توپخانه سبك وبعد پیاده نظام در مسافات نزدیك تر از ٧ تا ٨ کیلومتر در صورتیکه بطور غافل گیری در توقف گاه یا صورت بندی حرکت در جاده اجرا شود دارای اثرات زیادی خواهد بود

بعضی از این مخاطرات را مانند نیروی هوائی یاتوپخانه بابرد زیاد نمیتوان کاملا اجتناب نمود زیرا نمی توان از توپخانه ضد هوائی یا هواپیما های شکاری تقاضا نمود که تامین هوائی را همیشه وهمه جا برقرار نماید و اغلب جستجوی تحت آتش گرفتن توپی که از مسافت دور یك محل یا یك چهار راه را مورد آتش قرار داده است بیفایده می باشد

ولی سایرین را میتوان چاره نمود وبدین منظور باید بوسیله تجسس اطلاعات آنها را یافته و بوسیله تقسیم بندی صحیح وسایل و اخذ صورت بندیهای مناسب در

موقع خود و بالاخره بوسیله قسمتهای مخصوصی که در توقف موسوم به پاسداران ودر حرکت موسوم به جلودار پهلودار یاعقب دار هستند از آنها جلوگیری نمود

الف - تامین بوسیله اطلاعات

تامین فرماندهی متکی بر اطلاعات است

مقصود از این عبارت این نیست که فرماندهی برای اخذ تصمیم منتظر شود که پرده از روی کار دشمن برداشته شود زیرا چنین فکری باعث از دست دادن ابتکار خواهد بود بلکه باید فرماندهی مانور خود را قبلا به نسبت نتایجی که از آن تصور می کنند تهیه نماید ولی نهایت اهمیت را دارد که‌از لحظه که این مانور وارد مرحله اجرا می گردد فرماندهی حتی یك لحظه دشمن را ازنظر دور ننماید تابتواند برای تحمیل اراده خود بروی آرایش متخذه را با پیش آمد های غیر منتظره وفق دهد بدین طریق اندیشه مانور فرماندهی که معمولا برروی یك فرض تهیه شده بوسیله اطلاعات تکمیل می گردد

بدست آوردن اطلاعات تنها وسیله ایست که صحت این فرض انتخابی را تایید نموده یاباعث شود که فرماندهی بموقع اشتباهات آنرا مرتفع نماید

این اطلاعات اگر بموقع مورد استفاده واقع نشود قدر وقیمت نخواهد داشت ومراتب ذیل را باید درتجسس آن منظور نمود

مدت لازمه برای مخابره یاوصول آن

مدت لازمه برای استفاده ازآن یعنی تغییر ارایش درصورت لزوم

حرکاتی که دشمن دراین مدت بهآزادی انجام میدهد

ازمراتب مذکور مسافتی را که برای تجسس اطلاعات لازم است حاصل میگردد وبعلاوه باید اطلاعات را مورد بازرسی وتجدید نظر قرار داد

مثال :

۱ - اطلاعاتی که در پنجاه کیلومتری قوای مورد پوشش بدست آمده است وقتی به فرمانده واصل میگردد اگر بوسیله امربر سوار فرستاده شده باشد ٥ تا ٦ ساعت بعد و اگر بوسیله موتوسیکلت سوار باشد یک ساعت نیم بعد و اگر بوسیله تلفن یا تلگراف بی سیم مخابره گردد فوراً واصل میشود

بدیهی است که قدر وقیمت این اطلاع در سه حالت یکسان نیست

۲ - یک هنگ پیاده نظام که درروی زمین یک مربع باضلاع ۲ تا ۳ کیلومتری را اشغال می کند یک ساعت برای تغییر صورت بندی خود لازم دارد

یک لشکر که درصورت بندی تقرب دریک مربع مستطیل به عرض ٥ تا ۸ کیلومتر و عمق ۸ تا ۱۰ کیلومتر می باشد ۳ ساعت برای تغییر صورت بندی لازم دارد

یک سپاه سه لشگری که در ۳۰ تا ٤٠ کیلومتری درعمق رده بندی شده است از نصف تا یک روز تمام وقت لازم دارد تاعوامل رده دوم خود را وارد عمل کند

۳ - برای تعیین میسورات دشمن ازحیث تغییر مکان دادن باید دانست که یک ستون مرکب ازصنوف مختلفه که بسرعت پیاده نظام حرکت میکند ساعتی ۳ تا ٤ کیلومتر تغییر مکان میدهد

یک واحد بزرگ سوار نظام ساعتی ۸ تا ۱۰ کیلومتر ویک ستون خودرو ساعتی ۱۰ تا ۱٥ کیلومتر حرکت می کند

بنابراین ستون فوق الذکر که اول شب درنقطه الف دیده شده باشد فرداصبح در دایره خواهد بود که مرکز آن نقطه الف و شعاع آن ۲۰ تا ۲٥ کیلومتر است وواحد سوار نظام درهمین مدت ٤٠ تا ٥٠ کیلومتر وستون خودرو بیش از ۱۰۰ کیلومتر حرکت نموده است

از این اعداد شعاع تامین تاکتیکی واحدهای بزرگ مختلفه درجنگ متحرک قبل از اخذ تماس واضح می گردد

درصورتیکه برای تغییر آرایش یک لشگر سه ساعت وقت لازم است ودر این سه ساعت دشمن درحدود ۱۰ کیلومتر حرکت مینماید بایستی برای وصول اطلاعات باید در ۱۰ تا ۱٥ کیلومتری درصدد تجسس اطلاعات راجع به حضور دشمن برآمد

این تامین دور به چه وسیله صورت پذیر میشود

بدیهی است بدین منظور وسایلی لازم است که دارای تحرک وسرعتی بیش از قوای عمده بوده وقادر باشد که یااز فراز پردهٔ که دشمن در مقابل قرار داده است عبور نموده یاآنرا دربعضی ازنقاط پاره نموده ازآن عبور واطلاعات لازمه را از عقب این پرده بدست آورد

این وسایل عبارتند از :

نیروی هوائی

لشگرهای سوار نظام

قسمتهای موتوریزه باعرابه های سریع

سوار نظام سپاه ولشگر

طرز استعمال این وسایل مربوط به تاکتیک صنوف مربوطه است ولی مختصات اصلی آنها بشرح ذیل است

نیروی هوائی - بعلت قابلیت پرواز از فراز دشمن باسرعت وشعاع عمل هوا پیماها بهترین وسیله اکتشاف بعید است . عکس های هوائی باعث دقیق و حتمی بودن اطلاعات آن بوده وبعلاوه اگرچه عملش دائمی نیست ولی چون دشمنی را

درروی زمین شناخت بوسیله اکتشافات مکرر حرکات آنرا تعقیب مینماید

ولی قدرت این نیرو بنابر شرایط جوی نوع زمین وفعالیت هواپیمائی شکاری وتوپخانه ضد هوائی دشمن بسیار متغیر است وجزئیات از نظر او مخفی مانده ومخصوصاً اطلاعات منفی نیروی هوائی مورد اطمینان نیست وبعلاوه ظرافت این نیروو تعدادی راکه بخصوص در ابتدای یك جنك می توان حاضر داشت نیز نباید فراموش کرد

بنابراین عمل نیروی هوائی باید توسط سوار نظام تکمیل شود

هرچند که شعاع عمل سوار نظام کمتر است ولی دیده‌بانی آن دائمی ودرهر هوائی عمل می کند اطلاعات منفی آن مورد اطمینان است ومی توان دانست که درچه منطقه دشمن وجود ندارد یا جبههٔ اشغال شده توسط دشمن در کجا است و بالاخره مزیت آن بر نیروی هوائی در این است که قادر به اشغال زمین اقلا در مدت محدودی میباشد وبوسیله عملیات تاخیری او فرماندهی وقت لازمه برای اخذ آرایش حاصل می نماید

بدیهی است که این سوار نظام باید دارای وسایل لازمه برای اجرای مأموریت خود باشد

ب - تامین بوسیله آرایش

کسب اطلاع راجع به دشمن اولین اقدام راجع به تامین است ولی باید توانست مأموریت خودرا باوجود اقدامات دشمن اجرا نمود وقوای خودرا آرایش داد تا بتوان از اطلاعات استفاده کرد ودرصورت لزوم باتفاقات ناگهانی که اطلاعی از آنها بدست نیامده است مقابله نمود

۱ - تامین در توقف - فعلا طرز عمل پاسدارها درموقع توقف یك واحد بزرك در نزدیکی دشمن بررسی نمیشود واین موضوع موقع بررسی تشکیلات

یك موضع دفاعی بررسی خواهد گردید وبه ذکر اصولی که وظایف آنهارا مشخص می کند قناعت میشود

این پاسدارها باید :

الف - اطلاع دهند : پس فرماندهی به نسبت مهلتی که برای خود قائل است قدرت ومحل رده مراقبت را تعیین می نماید

ب - باعث تاخیر در پیشروی دشمن شوند : این موضوع مربوط به درجه تهیه موضع مقاومت است وبنابراین قدرت رده مقاومت به نسبت پیشرفت کارهای دفاعی متغیر است

ج - دشمن را متوقف سازند : این عمل گاهی در بعضی از نقاط مهم ضروری است ولی باعث فدا نمودن واحدهای مأمور آن بوده وفقط فرماندهی می تواند چنین ماموریتی بدهد

اینك بطور اختصار انواع تامین درتوقف واحدی راکه از دور به تلاقی دشمن میرود ومورد بررسی قرار دهیم واحدی که برای استراحت متوقف شده است نفرات آن متفرق وبه کارهای مختلفه اشتغال دارند ویا خوابیده اند عرابه‌ها برای اجتناب از اکتشافات هوائی درمحل های محفوظ ونزدیك قرار داده شده اسب‌ها ازعرابه‌ها باز وحتی زین ویراق آنهارا نیز برداشته‌اند

چنین واحدی درصورت حمله دشمن مدت زمانی برای تجمع واخذ آرایش رزم لازم دارد اگر این زمان درنتیجه موقعیت واحد (واحدهای رده دوم یا واحدهائی که در عقب یك آرایش درع.ق متوقف هستند) صورت پذیر نشده است (۱) باید

---

۱ - هر واحدی که حتی درنتیجه موقعیت خود محفوظ است باید درهرحالت با وسایل خود کلیه مدخل های توقف گاه مربوطه را مسدود نموده ودر مقابل حملات هوائی آرایش لازمه را اخذ نماید

توسط عواملی که دائما مواظب هستند ووظیفه آنها اطلاع از پیشروی یاظهور دشمن است وحتی باید از آن جلو گیری کنند تامین خودرا فراهم نماید حتی دور از دشمن (تعیین این دوری بـه کیلومتر روز بروز مشگل تر میشود) تشکیل پاسدار برای امکان حمله عرابه های جنگی و قسمتهای موتوری لازم است

این گونه عوامل دشمن اغلب سبك بوده وبرای حمل ونقل محکوم بعبور از جاده ها هستند وتا موقعی که فقط خطر آنها متوجه است وظیفه پاسداران مراقبت ومسدود نمودن تمام جاده هائی است که ممکن است مورد استفاده دشمن واقع شود و بدست داشتن بعضی نقاط مهم تعداد نفرات آنها لازم نیست خیلی زیاد باشد واقلا درموقع روز باید سوار نظام لازم را برای مراقبت درمسافت زیاد وچند عرابه توپ ترفیقی برای رزم باوسایل زره پوش بواحد پیاده نظام که این ماموریت را دارد ملحق نمود

این پاسداران باید از عوارض زمین موانع طبیعی استفاده نموده تا بتوانند تلاش خودرا درنقاط معبر اجباری دشمن تمرکز دهند

هر قدر که مسافت بادشمن کم میشود آرایش توقف که برای اجتناب از حرکات عرضی در عمق است تدریجاً در عرض رده بندی میشود تا نفرات بتوانند زودتر صورت بندی رزمی را اخذ ومکانهای خودرا در موضع احتمالی مقاومت که در حکم توقف تصریح شده اشغال کنند وچون خطر بمباران آبادیها زیاد شود از آنها اجتناب واردوگاه مرجح است

پاسدران باید بتوانند درموضعی که برای آنها مشخص میشود تا حدی که ماموریت آنها دربر دارد مقاومت نمایند وقدرت آنها به این نسبت معین میشود

تعیین فاصله پاسداران مربوط به وضعیت وزمین است

درموقع پیشروی وظیفه پاسداران مضاعف است زیرا باید راحتی واحدهارا

درتوقف وضمناً مخرج آنهارا برای تجدید راه پیمائی تامین نمایند

برای تامین راحتی واحدها باید آنهارا از تیرهای تنظیم شده توپخانه محفوظ داشت وبدین منظور بایستی دیدگاههائی که دارای دید درمنطقه توقف هستند وحد منطقه نبرد مؤثر مسلسلهای سنگین دشمن را اشغال کرد

وبرای تامین مخرج بعدی آنها اگر راه پیمائی در روز تجدید خواهد شد باید زمین لازمه که برای حرکت و گسترش احتمالی جلودار آتیه لازم است دردست داشت واگر راه پیمائی درشب تجدید میشود باید درروز عواملی به جلو فرستاد که بتوانند از ورود دشمن به منطقه راه پیمائی در مدت حرکت جلو گیری کنند

باید دانست که این دو ماموریت اغلب فرماندهی را در مضیقه می گذارد زیرا مثلا برای دفاع عقب یك رودخانه محل مناسبی است ولی برای عبور بعدی از آن باید زمینی راکه درآن طرف رودخانه است وآنرا تحت آتش قرار میدهد در دست داشت تصمیم تعیین محل برعهده فرماندهی است که محاسن ومعایب محل را بررسی ودستور لازم صادر می نماید

۲ ـ تامین درحرکت ـ راه پیمائی در روی جاده و بنا براین در حالت ستون اجرا میشود وهیچ قسمتی نمی تواند وارد رزم شود اگر موفق به تشکیل یك جبهه برای خود نگردد یعنی وسایل آتش خود را درخط قرار دهد

تمام صنعت تأمین در حرکت صورت پذیر نمودن این تغییر است (در حالت راه پیمائی تعرضی) یا بالعکس تغییر آرایش رزم به آرایش راه پیمائی (در موقع قطع رزم) بدون آنکه واحد ها مورد آتش تنظیم شده دشمن واقع گردند قبل از آنکه بتوانند جواب دهند (حالت راه پیمائی تعرضی) یا بطریقی که بتوانند خودرا سریعاً از آتش دور نمایند (در مورد عقب نشینی)

قطع رزم ومانور در عقب نشینی بعداً بررسی خواهد شد وفعلا فقط حالت راه‌پیمائی تعرضی مطرح میشود حل مسئله مشکل است زیرا باید تامین واحدی را که تغییر مکان میدهد وآزادی عمل فرمانده آنرا تضمین و مداومت و سرعت حرکت واحد را تاتماس بادشمن وحتی مقدمات در گیری او صورت پذیر نمود

قبل از جنك بین‌المللی بعلت کمی برد توپخانه و نبودن نیروی هوائی و وسایل حمل ونقل سریع این راه‌پیمائی دارای دومرحله بود

مرحله اول دور ازدشمن وفضا به تنهائی برای تأمین کفایت می کرد

مرحله دوم در مجاورت دشمن موقعی که وارد منطقه عمل توپخانه او میشویم یعنی در٤ تا٥ کیلومتری دراین موقع اعزام جلوداران در٢ یا٣ کیلومتری قوای عمده برای تأمین کفایت مینمود

امروزه تکمیل وسایل باعث شده است که دشمن ازخیلی دورتر ودر مدت خیلی کمتر وارد عمل میشود بطوریکه واحدی که شبانه دور ازدشمن راحت است وتصور مینماید فردا براحتی منزل را طی خواهد نمود صبح در تماس با دشمن واقع می گردد

بنابراین راه‌پیمائی دارای مراحل ذیل است :

راه پیمائی خیلی دور از دشمن

راه پیمائی دور از دشمن

راه پیمائی نزدیك دشمن

راه پیمائی در مجاورت دشمن

١ ـ راه‌پیمائی خیلی دور ازدشمن ـ دراین مرحله دشمن فقط بوسیله نیروی هوائی اکتشافی یا نبردی خود می‌تواند وارد عمل شود و بنا براین باید

دائما برای اجرای مقررات نظامنامه ها راجع بمخفی داشتن خود از انظار وبکار بردن وسایل آتش برضد هواپیماها حاضر بود ونباید فراموش کرد که‌مخفی‌ماندن از تجسسات هوائی دشمن باعث مخفی نگاهداشتن عملیات است که خودعامل مهم تامین محسوب گردد

برای مخفی نمودن راه‌پیمائی از خطرات هوائی اغلب باید راه پیمائی شبانه اجرا نمود

٢ ـ راه‌پیمائی دور ازدشمن ـ در این مورد علاوه بر نیروی هوائی دشمن مداخله توپخانه با بردزیاد وقسمتهای موتوریزه باعث خطر است

برای آنکه بتوان راه پیمائی را سریعاً یعنی در حالت ستون وباروش عادی و با امنیت انجام داد و از غفلت گیری بوسیله آتش اجتناب کرد باید :

کسب اطلاع نمود ـ بوسیله هواپیما و سوار نظام روز و شب و دائما باید دانست قوای عمده دشمن و عوامل سبك او در کجا هستند

خود را پوشاند ـ بوسیله قسمتهائی که خیلی بجلو در روی جاده های راه پیمائی و در جناحین مکشوف اعزام میشوند تمام راههائی که دشمن ممکن است مورد استفاده قرار دهد باید تحت مراقبت قرار داد

از چهار راه ها که مورد آتش توپخانه سنگین دشمن است اجتناب وبالاخره باید بااستفاده ازکلیه جاده ها ستونهای متعددتشکیل و باین ترتیب گسترش احتمالی را تسهیل نمود

٣ ـ راه‌پیمائی نزدیك دشمن ـ وقتی که‌تلاقی باقوای عمده دشمن ممکن‌و محتمل است و وارد منطقه مورد آتش توپخانه صحرائی میشویم براشکال موضوع افزوده‌میشود زیرا باید پیشروی در روی جاده را ادامه داد بدون آنکه ناگهانی

تحت آتش دشمنی واقع شویم که وسایل خود را گسترده ومنطقه رزم را نیز انتخاب نموده است

در این حالت باید یك منطقه امنیتی که تامین نفرات را به نسبت آرایش آنها و ازادی مانور فرمانده را به نسبت میسورات دشمن تضمین نماید در دست داشت

چگونه این منطقه امنیت را می توان در دست داشت

برای آنکه نفرات درامنیت باشند نظراً باید بوسیله ایجاد یك پرده غیرقابل عبور در اطراف و بالای آن مانع از دیده بانی زمینی و هوائی دشمن گردید این موضوع عملا در مدت محدودی بکلی غیر ممکن نیست و محتاج به داشتن نیروی هوائی قوی‌تر از نیروی دشمن و رده بندی عوامل تامین در جلو و در جناحین می باشد این عوامل باید امکان مداومت راه‌پیمائی قوای‌عمده و بالاخره تغییر صورت بندی راه پیمائی را به صورت بندی مقدماتی رزم تامین نماید

برای آزادی عمل فرماندهی احتیاج به اطلاعات است و باید در مأموریت قسمتهای تامین (اشغال فلان ارتفاع تا رسیدن قوای عمده ـ پوشاندن فلان سمت که‌ممکن‌است خطرناك شود وبعداً به تاخیر انداختن پیشروی دشمن‌تامدت‌معینی) فرماندهی منظور خود را صورت پذیر کند

بالاخره باید آرایش قوا قابل انعطاف باشد زیرا اگر دور از دشمن منظور ازآرایش تسهیل راه‌پیمائی است (ستونهای هم‌روش ورده بندی‌زیاد درعمق) هرقدر به دشمن نزدیك شویم آرایش باید بمنظور رزم باشد و محل هر یك از عوامل به نسبت لزوم فوریت در گیری او در میدان نبرد تعیین میشود

٤ ـ راه‌پیمائی در مجاورت‌دشمن ـ این موقع آخرین مرحله راه‌پیمائی است جلودارها باعوامل سبك دشمن حتی باقوای عمده دشمن درتماس وقوای‌عمده

قریبا تحت آتش تمام توبخانه وبعداً پیاده نظام دشمن واقع خواهد شد

اگر مأموریت تعرضی‌است فرمانده خود را برای حمله باقوای‌عمده آماده می کند (بعداً خواهیم دید که معمولا این حمله فقط در قسمتی از جبهه اجرا خواهد شد) و برای آزادی عمل او باید :

نه تنها از وضعیت ظاهری دشمن مطلع باشد بلکه لازم‌است آرایش قوا ومحل فعالیت اورا بداند تابتواند مانور خودرا تهیه کند

زمان وخفای لازمه برای گسترش قوای عمده بادرنظر گرفتن آنکه دراین مدت دشمن نیز می‌تواند به حمله بپردازد تامین شده باشد

وبالاخره وقتی حمله شروع میشود بتوان ازدشمن درسایر قسمتهای جبهه جلو گیری نمود

بنابراین باید توانست درتماس بادشمن یاقدری عقب‌تر یك جبهه‌دفاعی بکمك سدآتشین‌اسلحه‌های‌خودکارتشکیل‌داد این سد آتشین ابتدا گسترش قوای عمده‌را پوشانده وبعداً اجرای حمله‌را پشتیبانی خواهدنمود

بالنتیجه در راه‌پیمائی برای آنکه قوای عمده باامنیت وارد میدان‌نبرد شود باید بوسیله هواپیماها وسوارنظام هرچه دورتر که ممکن‌است ودر سمتهای معینه مراقبت بعمل آورد و کسب اطلاع نمود

جلودارها وپهلودارها را درسمتهای خطرناك اعزام نمود

قوای‌عمده‌باآرایشی حرکت کند که‌به نسبت اطلاعات واصله قابل‌تغییر باشد

جلو دارها ـ بعداً درشرح تقرب ترکیب وطرز تغییر مکان‌جلودار بررسی خواهد شد وفعلا باید دانست که‌یك جلودار باید :

زمین رابازرسی وفرماندهی‌را مطلع نماید : **ماموریت اکتشاف**

قوای عمده را از غفلت گیر شدن درزمین بوسیله تشکیل سریع یك سد آتشین مدادم حفظ نماید : **ماموریت حفاظت**

ورود درعمل قوای عمده را تهیه نماید : **ماموریت رزم** که ممکن است تعرضی باشد

وظیفه جلودار مشکل است ومستلزم کمك صنوف مختلفه می باشد سوار نظام ووسایل زره‌دار برای شناسائی وپیاده نظام برای ازبین بردن مقاومت های مختصر دشمن وتشکیل جبهه رزم وتوپخانه برای کمك پیاده نظام ومهندس برای ترمیم جاده‌ها لازم است

پهلودارها - درجنك متحرك که بین واحد های بزرك فواصل موجود است حفظ پهلوها نهایت اهمیت را دارد زیرا نفرات برای تلاقی دشمن در جلو آماده هستند ولی در مقابل حمله از پهلو که دشمن همیشه درصدد اجرای آن خواهد بود روحیه آنها متزلزل میشود

پهلو دار به دوصورت ممکن است وارد عمل شود :

اگر خطر از یك سمت معین است ماموریت پهلو دار مسدود نمودن این سمت خطرناك درمدتی که ستون از پهلوی آن می گذرد خواهد بود وآنرا **پهلودار ثابت** می نامند ودر موقع حمله دشمن درصدد بدست آوردن مدت مقرره بوسیله مقاومت در محل یا رزم درعقب نشینی میگردد

اگر خطر از چندین سمت است که ستون باید متوالیاً ازمقابل آنها بگذرد باید هر کدام از این سمتها درموقع وتامدت لازم مسدود شود ودوراه حل دارد یاتشکیل چندین قسمت که بتوان برای حفاظت ستون اعزام ودرمدت مطلوب سمت خطرناك

را مسدود وبعد بستون ملحق شوند یاتشکیل یك **پهلودار متحرك** که بوسیله خیزها وموازی باستون حرکت می نماید ولی برای انجام این ماموریت بایدستون خیلی طویل نبوده وپهلودار از عواملی تشکیل شده باشد که سرعت تغییر مکان آنها از سرعت ستون زیادتر باشد واصولا شامل سوار نظام - دوچرخه سوار است در صورتیکه جاده موجود باشد واحدهای پیاده نظام محمول در کامیون نیز به آن اضافه میگردد

نیروی هوائی بوسیله تجسس اطلاعات درمسافت بعید به پهلودارها خدمت شایانی می نماید .

ج - تامین بوسیله اختفاء

فرماندهی که بموقع اطلاعات ازدشمن کسب وقوای خود را صحیحاً تقسیم نمود اگر موفق به اختفاء عملیات خود شود تقریباً موفقیت او حتمی است

برای حصول این اختفاء باید صحبت نکردن راجع به عملیات وخاموشی کامل درنزد افسران ستاد مراعات شود ودرمذاکرات تلفونی بی احتیاطی ننمایند

احکام مشروح راجع به جزئیات عملیات رانباید قبل ازموقع لزوم ارسال داشت که اگر بدست دشمن افتد مجموعه مانور منظور فاش نشود

مقررات راجع به استتار کاملا مراعات شود

موضوع تامین واحدهای موتوریزه مبحث علیحده است

بطور خلاصه مقصود از تامین برای فرماندهی وواحدها عبارت است ازحصول :

زمان لازمه برای تطبیق آرایش باوضعیت دشمن

فضای لازمه برای اجرای حرکات که لازمه این تطبیق آرایش است

تولید راحتی روحی ومادی که فرمانده بتواند تصمیم خود را بدون عجله بگیرد و

نفرات نیز دائماً درتشویش واضطراب که باعث خستگی ووحشت است نباشند

اصول تامین مانند سابق بقرار ذیل است :

کسب اطلاع برای پی بردن به نظریات دشمن

اخذ آرایش لازمه برای اجرای مانور

خودرا مخفی نمودن برای اجتناب از تلفات بیهوده وحفظ اختفاء عملیات

اطلاعات

(رکن دوم ستاد لشگرها)

- ۱ -

اطلاعات واهمیت آن

ضمن عوامل مختلفی که مبنای یك عمل جنگی محسوب میگردند اطلاعات راجع به دشمن اهمیت مخصوصی دارد جنگ نه تنها نزاع قدرت است بلکه نزاع مهارت وتوأم نمودن منطقی مطالبی می باشد که در ضمن آنها بـاآنکه مقصود فتح کردن است نهایت اهمیت را دارد که فتح وظفر باسهولت وباکمترین قیمت حاصل شود بدین منظور لازم است که فرماندهی ازهر حیث مطلع باشد تادر حدود امکان بتواند تصمیم خودرا بااطلاع از موضوع اخذ نماید .

اطلاعات عامل تصمیم فرماندهی است - تصمیم فرماندهی مربوط به عوامل چندی است :

مأموریت

قوائی که بکار برده میشود

وضعیت بهنسبت دشمن وبهنسبت واحدهای بزرك هم جوار

مجموعه مراتب دیگر مانند زمین طرق مواصلات آب وهواوغیره

اهمیت عامل دشمن واضح است و باید آنرا از حیث درجه اهمیت بعد از

مأموریت محسوب داشت .

مقصود از تصمیم فرماندهی اجرای مأموریتی است که باو داده شده علی‌رغم تمام موانعی که در مقابل وی موجود است ازتمام این موانع مهم ترین آنها دشمن است و باید قبل از هر چیز خواه مقصود حمله وخواه دفاع باشد متوجه آن گردید ،

بنابراین شناختن مقصود دشمن لازم است ولی این شناسائی اهمیت مخصوصی دارد زیرا بین کلیه عوامل لازمه برای اجرای مأموریت تنها عاملی است که متغییر ، غیر معلوم وتغییرات آن مربوط بقدرتی است که برای ما مجهول است یعنی اراده خصم که باید آنرا شناخت وبر آن تسلط یافت .

اگرچه اهمیت دشمن مربوط به تمام ازمنه است ولی اشکالات تعیین آن بسیار تغییر نموده است ، سابقاً قبل از ظهور اسلحه‌های بابرد زیاد فرماندهی به یک نظر تمام میدان نبرد را مشاهده می نمود و باچشم آرایش وحرکات خصم را تشخیص میداد وباین ترتیب اطلاعات فوری ومحققی حاصل وبرطبق استعداد خود وبدون اتلاف وقت تصمیم لازمه را اخذ و مانور خود را تنظیم می کرد مانند فردریک دوم در لوتن و ناپلئون در استرلیتز و واگرام .

وقتی که بر برد اسلحه‌ها افزوده شد و باروط بیدود بر وسعت میدان مصاف افزود وباعث خلاء میدان نبرد گردید این طریقه کسب اطلاع غیر ممکن شد وباین دلیل در سنوات قبل از جنگ بین‌المللی که اکتشافات هوائی هنوز معمول نبود فرماندهی هیچ وسیله برای آشنائی به قصد خصم نداشت وچون نمی توانست برای اخذ تصمیم منتظر وصول اطلاعات شود که این وصول نیز حتمی نبود بمرور عادت شده بود که تصمیم طبق فرضیات مجهولی گرفته شود و رزم اطلاعاتی حاصل می نمود که وضعیت را روشن میکرد این طرز عمل این عیب را داشت که تصمیم قبلا اخذ شده

وبه دشمن نسبت‌هائی داده میشد که اغلب صحیح نبود .

امروز اسرار میدان نبرد باظهور وسایل تجسس اطلاعات مخصوصاً وسایل هوائی تاحدی فاش شده است .

باین دلیل تجسس اطلاعات دارای اهمیت بسیاری شده ومطالعه وضعیت دشمن مجدداً عامل اصلی تصمیم فرماندهی گردیده است .

اطلاعات عامل تامین است ـ از طرف دیگر اطلاعات راجع به صورت بندی دشمن مبنای تأمین محسوب میشود چه بدون اطلاعات راجع به دشمن فرماندهی آزادی عمل وفکر ندارد .

ـ ٢ ـ

تجسس و استفاده از اطلاعات .

١ **تجسس اطلاعات** ـ این تجسس برای آنکه نتیجه مطلوب را حاصل کند نباید منقطع بافاصله یامربوط به یک مرحله کوتاه وفضای محدودی باشد بلکه از زمان صلح شروع واز ابتداء الی آخر مخاصمه دوام دارد بالاخره عملی است مدامی که بااسلوب تشکیل شده است .

واضح است که تجسس اطلاعات در مراحل مختلفه فرماندهی یکسان نبوده واهمیت آن مربوط بوسعت فضای عمل هر فرماندهی است : برای فرماندهی کل اطلاعات سیاسی واقتصادی مانند اطلاعات نظامی لازم است وهر قدر در مراحل فرماندهی بپائین آئیم اطلاعات باید محدودتر ومحلی‌تر باشد .

اینک طرز مداخله اطلاعات را در اشتغالات فرماندهی مطالعه کنیم .

هر فرماندهی چون مأموریتی وصول کند یکرشته اطلاعات از دشمنی که باید باآن مقابله نماید نیز دریافت می نماید این اطلاعات که فرماندهی باید با

اطلاعاتی که شخصاً وصول می کند تکمیل کند وضعیت اولیه یاوضعیت مبنای عملیات منظوره را تشکیل میدهد وبرطبق این وضعیت اولیه فرماندهی تصمیم خودرا اخذ ومانور لازمه را تهیه می کند

چون عملیات تهیه شد بـاید انرا علی‌رغم دشمن اجرا نمود وبرای اینکار فرماندهی مجبوراست که پیش‌بینی‌های لازمه‌را بنماید .

تصمیم فرماندهی برای مدت کم یازیادی گرفته شده‌وقبل‌ازآنکه اجرا شود اتفاقاتی میافتد وآنچه که راجع به‌دشمن میدانستیم کم‌وبیش‌تغییر می کند .

فرماندهی نمی‌تواند پای بست وضعیت اولیه شود وپس‌از شناسائی به‌وضعیت دشمن درلحظه اخذ تصمیم باید پیش‌بینی کندکه برای دشمن چه اقدامـاتی در ضمن اجرای این تصمیم امکان پذیراست .

برای رسیدن به مقصود یکراه حل موجود و آن عبـارت‌است ازفرض نمودن ولی این طریقه دارای این خطراست که به‌دشمن عملیاتی نسبت دهیم که برای طرز عمل خودمان مساعد ومناسب باشد .

فرماندهی با کمال دقت بادرنظر گرفتن وضعیت اولیه ، مانورهای مختلفهٔ که برای دشمن در زمان وفضای مشخصی میسر است امتحان می نماید ، هریك از این مانورها تشکیل یك‌فرض‌را داده وموردبررسی مخصوصی‌واقع‌میشود ، بااین‌ترتیب فرماندهی جدول فرض هارا ترتیب داده وبعداً جدیت می کندکه از تعداد آنها کاسته وبالاخره یکی ازآنها راکه وقایع تایید کنند حفظ می کند .

برای این عمل تجسس اطلاعات لازم‌است ولی باید آنچه‌را که مطمئن‌است اهمیت داد واز ملاحظات وافکار اجتناب نمود .

تاریخ ثابت کرده‌است که اغلب‌دشمن به عملی می پردازد که به‌نظر طرف

احتمال ومنطق آن ازهمه کمتر بوده‌است زیرا خصم موضوع‌را به‌طرز دیگری در نظر گرفته ودارای افکار وطرز عمل مخصوص بخود می‌باشد .

برای حصول اطمینان در کم کردن این فرض‌ها فرماندهی به‌تجسس اطلاعات متوسل می‌شود وبادر نظر گرفتن درجه فوریت صورت تمام اطلاعاتی راکه لازم دارد تنظیم میکند این صورت طرح اطلاعات نامیده می‌شود وبر طبق آن طرح تجسس رانهیه وتمام عوامل تجسسی را که دراختیار دارد بکار میاندازد .

وسایل تجسس عبارتند از واحدها بامنظور داشتن میسورات تاکتیکی وفنی هر کدام‌هوانوردی‌ومخصوصاًهواپیمائی که‌تجسس‌بعیدراتامین ،اطلاعات‌راتحصیل‌و باعکس آنهارا تکمیل میکندواین اطلاعات توسط سوار‌نظام که‌قابل‌حصول اطلاعات منتجه از تماس است و قسمتهائی از زمین را که در نظر هوا پیمائی مستور میماند کاوش نموده و حدود ظاهری دشمن را معلوم میکنند تکمیل میشود .

پیاده نظام علاوه بر اطلاعات تماس دارای مهمترین و مطمئن ترین وسیله کسب اطلاعات یعنی‌رزم میباشد و فرماندهی در موقع لزوم برای تکمیل اطلاعات حاصله ازتماس بدان متوسل میشود .

توپخانه بعلت تشکیلات دیدبانی زمینی ، بطور تحقیق وضعیت تـوپخانه خصم را معین میکند .

بالاخره قسمتهای استخبارات که میتوانند ،

بوسیله ترصد سمعی تلفونی مکالمات‌را بوسیله‌ترصدسمعی با رادیو تلـگرافات را اخذوبست هـای بی‌سیم دشمن‌را نشان کند .

به غیراز قسمتها عوامل تجسس دیـگری موجود است که جزو ستاد واحد بزرك محسوب می شوند مانند متر جمین شعبه مطـالعه اسناد بدست آمده و ، شعبه رمز و غیره .

فرماندهی این وسایل مختلفه را مستقیماً چنانچه مربوط باو باشند یا بوسیله فرماندهان واحد های بزرك تابعه خود بکار میاندازد و در صورت لازم در خواستهائی نیز بمقام مافوق تقدیم میکند .

۲ - استفاده ازاطلاعات

الف — ترجمه اطلاعات ـ اطلاعات حاصله از وسایل مختلفه که طرح تجسس بکار می اندازد ازهر طرف با شکل ونوع مختلف واصل میشود ولی مراتب ذیل را باید در نظر داشت :

هیچ اطلاعی هر قدر هم که بی معنی بنظر آید نباید بی اهمیت تلقی گردد زیرا در صورت تجمع با اطلاعات دیگر ممکن است دارای اهمیت خاصی شود .

یك اطلاع منفرد بخودی خود دارای قدر و قیمتی نیست وباید در مجموعه اطلاعات موردبررسی دقیق و عمیق واقع شود و فرماندهان باید هر قدر هم که بیك منبع اطلاعات اهمیت بدهند معهذا قدر وقیمت مخصوصی برای اطلاع واصله ازآن منبع قائل نشده ودر استفاده از آن عجله نکنند .

بالاخره بایددانست که اطلاعات واصله بفرماندهی تقریباً هیچوقت ساده نیستند که بتوان فوری مورد استفاده قرار داد و همیشه ناقص و بدون ارتباط با یکدیگر و اغلب متضاد نیز میباشند این اطلاعات عملا نتیجه ندارند و برای استفاده بایدآنها را تعبیراتی د د .

از مطالب فوق چنین نتیجه میشود که مجموعه اطلاعات واصله باید موردچهار عمل ذیل واقع شوند :

ابتدا یك عمل تغییر ماوی یعنی ترجمه مـدارك تهیه عکسها و غیره

بعد یك عمل امتحان بمنظور تعیین درجه صحت آنها

پس از آن باید به عمل تجمع برداخت یعنی اطلاعات مختلفه مربوط به یك

موضوع را جمع و مقایسه نمود بالاخره باید اطلاعات را با یکدیگر توام نمود تا وضعیت روشن شود

فقط بوسیله این طرز بررسی که باید سریع و کامل نیز باشد وآنرا ترجمه اطلاعات می نامیم ممکن است فرماندهان ازوضعیت خصم برای هدایت مانورخود اطلاع یابند .

ب ـ **انتشار اطلاعات** ـ چون وضعیت دشمن در تاریخ معینی بطرز فوق الذکر معلوم شد باید فوراً آنرا باطلاع کلیه مقامات ذیعلاقه (مقام مافوق ـ همجوارها وزیر دست‌ها) رساند این عمل عبارت است ازانتشار اطلاعات به بالا ـ طرفین وپائین .

ج ـ **استفاده ازاطلاعات** ـ چون اطلاعات درحداقل مدت وتحت شکل قابل استفاده فوری به کلیه مراحل واصل شد باید فرماندهی که آنرا وصول می کند مورد استفاده قرار دهد .

۳ - عامل کار فرماندهی در مورد اطلاعات : رکن ۲

درمطالبی که ذکر شد فقط ازفرمانده مذاکره نمودیم مانند آنکه بتنهائی کار می کند ولی در حقیقت اینطور نیست زیرا فرمانده دراجرای مشاغل خود معاونینی دارد ستاد اوعوامل تصمیم راحاضر وآنرابصورت حکم صادرواجرای آنرا مراقبت میکند

برای آنچه مربوطه به اطلاعات است رکن ۲ ستاد تخصصی دارد (۱) وطبق طرح اطلاعات طرح تجسسی را تنظیم اطلاعات واصله را متمرکز ترجمه وانتشار نتیجه را عهده داراست ولی تمام این عملیات باید تحت مراقبت وتفتیش رئیس ستاد اجرا شود .

فرماندهی نیز موظف است که درموقع لزوم اطلاعاتی را که مدرك نتیجه حاصله بوسیله رکن ۲ است شخصاً تفتیش نماید زیرا اهمیت این نتیجه بقدری زیاد است

(۱) در واحد هائی که ستاد ندارند عامل مامور این کار افسر اطلاعات است .

کیا آنکه رکن ۲ کار را انجام وآنرا پیشنهاد می نماید ولی مسئولیت آن همیشه متوجه فرماندهی است

٤ ـ همکاری رکن ۲ و ۳

درهر ستادی همکاری کامل باید رکن ۲ و۳ موجود باشد .

استفاده ازاطلاعات بالاخره درقسمت اول حکم عملیاتی که دررکن ۲ و۳ تهیه میشود صورت پذیر میگردد وبه این ترتیب همکاری لازم ومنطقی است .

لزوم آن برای همان دلایلی است که اطلاعات راجع به دشمن رالازم میکند .

منطقی بودن آن بعلت ارتباطی است که بین کار این دورکن وجود دارد چه رکن ۲ عملیات دشمن را تعقیب ورکن ۳ عملیات خودی راتهیه میکند وارتباط کاملی بین این دوعمل متضاد موجود است ،

بالاخره رئیس رکن ۲ نباید هیچوقت ازمقاصد فرمانده واحد بزرك بی اطلاع باشد ونباید اورا دریك ستاد مانند یك نفر متخصص در نظر گرفت که بدون رابطه باسایرین کار خودرا درکناری اجرا می کند .

بلکه باید ازنظریات فرماندهی حتی درمواردی که خیلی انجام آن بعید باشد مطلع باشد تابتواند دائما جدیت خودرا بسمت مفیدی متوجه نموده واطلاعات لازمه برای تصمیم فرماندهی را بموقع جستجو وتهیه کند .

ـ ۳ ـ

رکن دوم لشگرها

۱ ـ تاسیس آنها

در ابتدای جنك ۱۹۱٤ ـ ۱۹۱۸ فقط رکن ۲ ارتشها دارای تشکیلات و وسایل برای اجرای خدمات منتظره بودند .

درسپاه رکن دوم دارای نفرات غیر کافی بود که درکار خود نیز بصیرت نداشتند

درلشگرها رکن دوم وجود نداشت

درآن زمان ستاد لشگرها ازنقطه نظر اطلاعات فقط وظیفه ابلاغ را عهده دار بود واغلب نیز این وظیفه سهل وساده را بخوبی انجام نمیداد وعلت آن عدم دستور کافی از طرف روساء وتوجه کافی به اطلاعات ولزوم تجسس آن بود

چه بسا دیده شد که اطلاعات حاصله از تماس هیچوقت به رکن ۲ ارتش واصل نگردید ودر ستاد سپاه، لشکر، تیپ ، وحتی هنك بورقه اطلاعیه واصله ازارتش قناعت نموده ودرصدد تکمیل آن بوسیله اطلاعات حاصله ازتماس یا از اهالی بر نیامدند و البته اطلاعات واصله ازارتش مربوط بچند روزقبل ووقتی که واصل میگردید از اهمیت آن بسیار کاسته شده بود

بطور کلی در ابتدای جنك افکار متوجه اطلاعات نبود وهمه منتظر بودند که ارتش وضعیت دشمن را ظاهر کند ولی در ضمن ماههای متوالی استقرار بخطای خود متوجه و اداره اطلاعات در مراحل مختلفه تشکیل شد ولی در لشکر تشکیلاتی تعیین نگردید .

درنبرد « سوم » که شش ماه بطول انجامید لزوم عامل تجسس وتمرکز اطلاعات درلشگر روشن شد ولی بالاخره تاانتهای جنك فایده رکن ۲ لشگرها مسلم نشده بود

۲ ـ طرز عمل رکن ۲ لشگرها

آنچه که قبلا راجع بطرزعمل درمورد اطلاعات ذکر شد یعنی تجسس تمرکز ، ترجمه انتشار واستفاده ازاطلاعات بطور کلی دررکن ۲ لشگرها انجام میشود

۳ ـ ارسال اطلاعات در داخله لشگر : افسر مخابرات و مرکز مقدم اطلاعات

اطلاعاتی که اغلب بقیمت گرانبهائی از تماس یارزم حاصل میشود برای آنکه مفید واقع گردد باید سریعا بمراحل مختلفه فرماندهی واصل شود .

این موضوع درمراحل بالاتر ازلشگر سهل است ولی بالعکس بین لشگر و جبهه اشکالات زیادازقبیل مفقود شدن اطلاعات ،مخابره غیرمطمئن اشکال ، حتی غیرممکن بودن حرکت موجود است .

برای رفع این اشکالات و تامین مخابره اطلاعات در بهترین شرایط امنیت و سرعت دو عامل که عهده دار این وظیفه هستند در قسمت مقدم جبهه تعیین گردیده است ،

افسر مخابرات در واحد ها

مرکز اطلاعات مقدم لشگر

در هرهنگ پیاده نظام وسوار نظام درموقع جنگ یك افسر مخابرات موجود است که تحت امرفرمانده هنگ ومأمور تشکیل تجسس اطلاعات درمنطقه عمل هنگ جمع آوری آنها مرکز و ارسال به مقام مافوق می باشد .

این اطلاعات به پست فرماندهی لشگر فرستاده نمیشود بلکه آنهارا بمرکز اطلاعات مقدم که درنزدیکی جبهه است ارسال میدارند

وظیفه این مرکز اطلاعات مقدم ازاینقرار است .

وصول تمام اطلاعات جلو و تامین مخابره آنها به عقب و تمام مقامات ذیعلاقه به ترتیب فوریت .

در موقع نهایت لزوم رساندن احکامی که از عقب واصل شده است

تحقیق دراین که اسناد ارسالی به مقصد مربوطه واصل گردیده

بطوری که قبلا ملاحظه شد وظیفه مرکز اطلاعات مقدم دشوار است و باید افسری که دررأس آن قرار می گیرد در جریان مقاصد فرماندهی بوده و راجع به اطلاعات نیزمتخصص باشد .

واضح است که برای مفید بودن عمل مرکز اطلاعات مقدم باید دارای سیستم

مخابراتی کاملی باشد و بهمین دلیل است که این مرکز با مرکز مخابرات مقدم توام شده و مرکز اخیر تحت امر رئیس مرکز اطلاعات مقدم است

نتیجه

تهیه افسران رکن ۲ لشگرها

خصائل لازمه برای کار رکن دوم

ازآنچه ذکر شد اهمیت تجسس و استفاده ازاطلاعات درلشگر واضح گردید وبنظر میرسد که براهمیت آن باز افزوده شود زیرامعلوم نیست که درنتیجه بعضی کارهامخصوصاً توسعه استتار درابتدای جنگ آتیه طرز فعلی تجسس دچار اشکال واختلال نگردد و درچنین حالتی بازباید برای بدست آوردن اطلاعات متوسل به رزم شدو دراین صورت عمل لشگر دردرجه اول اهمیت واقع میشود وباید درنظر داشت که لشگرها در زمان صلح در حقیقت فاقد رکن ۲ هستند ولی باید در ضمن مانورها رکن مذکور راکاملا تشکیل داد .

ازطرف دیگر باید متوجه تهیه افسرانی که در لشگر مأمور امور اطلاعات میشوند بود و بخصوص تمام افسران ستادلشگر باید تعلیم لازمه رابدین منظوراخذ کنند

معهذا لازم است که درکلیه مراحل فرماندهی رکن ۲ دارای افسران متخصص باشد یعنی نه تنها دارای تعلیمات راجع بعمل مخصوص خودبوده بلکه دارای هوش و روحیه لازمه نیزباشند .

راجع به خصائل این افسران کلوزویتز چنین گفته است .

آنچه که باید ازافسران مأمور اطلاعات خواست عبارت است از حس تشخیص تا بتواند قضاوت کند وشناسائی کامل به انسان و اشیاء ·

یعنی افسران رکن ۲ باید اشخاص با هوش و مخصوصا افسران با تجربه و پر اطلاعات باشند .

موفقیت درعملیات تجسسی وترجمه اطلاعات مستلزم شرائط ذیل است .

قوه مخیله برای ایجاد فرض ها .

خونسردی وحس تنقید برای تشخیص دادن ومتمایز نمودن .

آزادی فکر برای قضاوت نتیجه عملیات خود .

دقت نه تنها درفکر بلکه در کار برای تنظیم نتیجه روشن که استفاده از آن سهل باشد، علاوه بر آنچه ذکر شد کارهای رکن دوم باید مطمئن ومحقق باشد .

مارشال فش باتکاه اقوال ناپلئون نوشته است ،موقعی که داخل عمل میشویم با طرحی را تهیه می کنیم باید متکی به راپورتهای مطمئن ومحقق باشیم .برای حصول این اطمینان رکن دوم باید در کارهای خود یک طرز کاملا علمی را مراعات نموده واز احساسات واحتمالات اجتناب کند .

ایمان به لزوم اطلاعات واخذ تعلیمات برای این عمل مخصوص بطور خلاصه از خصائل لازمه کلیه افسران ستاد لشگر محسوب میشود .

حرکت

کلیات

موضوع حرکت یکی از مسائل اصلی جنگ است

بزرگترین ادراکات استراتژیکی یا تاکتیکی منجر به عدم موفقیت میگردد اگر تنظیم حرکت وارتباط بین زمان وفضا وجود نداشته باشد

قابلیت حرکت ازخصائص ارتشهای فاتح وغالب است

جنگ جدید بقدری نفرات ووسائل بکار میاندازد و توام نمودن قوا درروی جبهه آنی انجام میگیرد که موضوع حرکت بیش از هرگز دارای یک اهمیت اصلی گردیده است

در صورت تساوی قدرت اسلحه واطلاعات و روحیه فرماندهی و نفرات وبا شانس مساوی قطعا در عملیات داشتن قوای کمتر ولی با قدرت حرکت بیشتر و سریعتر بر داشتن قوای زیاد تر ولی سنگین و بطی تر رجحان دارد

سابقا انسان واسب این تحرک را تامین مینمودند ولی من بعد راه آهن ووسائل خودرو نیز در آن شرکت دارند .

بطور کلی بین دو ارتش آنکه بوسیله استعمال تناوب و منظم وسائل مختلفه حمل و نقل لزوم تحرک را با وزن زیاد خود که باعث بطوء حرکت وی است توام نماید قطعا موفقیت خواهد داشت .

بنابراین مطالعه تشکیلات حرکت اهمیت مخصوصی دارد و از مسائلی است که فرماندهی و ستادها باید مخصوصا بیاموزند تا در موقع لازمه بدون تردید اخذ تصمیم کنند .

مراتب ذیل در این بررسی اهمیت زیاد دارد .

۱ ـ تشکیلات حرکت باید قابلیت رزم جوئی واحدها را کاملا حفظ کند

۲ ـ تشکیلات حرکت باید مراتب ذیل را تأمین کند ،

نظم و ترتیب

سرعت

مداومت

قابلیت انعطاف

۳ ـ برای حصول این خواص اصلی بررسی دقیق عوامل تاکتیك واجرای مراتب ذیل لازم است :

هم سرعت بودن عواملی که باید بایکدیگر حرکت کنند

ترتیب فوریت استعمال این عوامل در رزم

قابلیت راهها

این مراتب مربوط بملاحظات تاکتیکی ودر عین حال ملاحظات فنی است

کلیات راجع بحرکت

الف ـ جنك جدید و حرکت

تغییر جا دادن یك واحد بزرك با حفظ تأمین در روی یك سمت معینی بمنظور قرار دادن آن در یك منطقه مشخص بطور آزادی یا در نتیجه فشار بطوری که قادر اجرای نبرد تعرضی یاتدافعی باحد اکثر قدرت باشد هیچوقت سهل وساده نبوده و امروز نیز ساده نیست

۱ ـ ارتش در حرکت ـ این موضوع از این فصل خارج است ولی مختصری از آن ذکر میشود چون ارتش در ابتدای جنك مرکب از عواملی است که دارای

قدرت تشکیلاتی ـ تعلیمات کافی و انضباط محکم نیست نمیتوان آنرا مانند ارتشهای حرفه سابق از ابتدای مخاصمات بحرکت زیاد وادار نمود

ازدیاد وسائل حمل و نقل نیز از قدرت راه پیمائی افراد ملت بمرور میکاهد بنابراین در ابتدای جنك باید در تعیین قابلیت حرکت نفرات محتاط بود وبایدبادقت کامل حرکات را تنظیم و از اشتباه اجتناب نمود زیرا در این مورد اشتباه منجر به خستگی بیهوده و بی نظمی میگردد که این دو از مسببین بی انضباطی محسوب میشوند و تربیت روحی و بدنی افراد در آن دخالت تام دارد

فعلا در این موضوع باین مختصر قناعت میشود

۲ ـ هم نوع نبودن عوامل واحدهای بزرك جدید : تقسیم بندی اجباری آنها در ضمن تغییر مکان دادن

موضوع دیگری باعث هم نوع نبودن عوامل واحد بزرك جدید شده است

قبل از۱۹۱٤ تشکیلات واحدهای بزرك هم جنس بودن عوامل را بقدر کفایت تأمین می گرد زیرا مرکب بود از عوامل پیاده و عوامل با اسب که حرکت آنها با عوامل پیاده بسهولت تنظیم میشد

جنك بین المللی باعث شد که عوامل خودرو مهمی داخل تشکیلات واحدهای بزرك شود و بدین ترتیب در واحدهای بزرك جدید نمیتوان عوامل را با یکدیگر حرکت داد و تقسیم آن به گروههای هم سرعت برای تغییر مکانها اجباری است

۳ ـ طول عبور : بسته شدن راهها ـ وسعت جبهه‌های راه پیمائی ـ بطی بودن تجمع عوامل .

تغییرات حاصله در واحدهای بزرك بعد از ۱۹۱٤ باعث افزایش طول عبور آنها نیز شده است زیرا طول عبور یك لشکر در حدود ۳۰ و طول عبور یك سپاه در

حدود ۱۰۰ کیلومتر در روی یك جاده است (در صورتی که فرض کنیم که عوامل در عقب یکدیگر بدون فاصله واقع شده باشد) و بالنتیجه دیگر امروز مانند سابق نمی توان گفت که لشکر قوی ترین واحد مرکب از صنوف مختلفه است که تمرکز آن برای نبرد از یك جاده و در یك روز انجام می گیرد و معایب حاصله عبارتند از بسته شدن راهها ـ وسعت جبهه‌های راه پیمائی برای رسیدن بموقع واحدها بمیدان نبرد.

٤ - میسورات روز افزون توپخانه و هواپیمائی

این موضوع نیز باعث شده است که خواه بمنظور حفظ نفرات از اثرات آتش دشمن یا برای مخفی نگاهداشتن حرکات راه پیمائیها بیش از پیش شبانه اجرا شود و ساعاتی برای حرکات ممنوع گردد

٥ - زیادی عبور ومرور درروی جاده‌ها

زیادی و تنوع عبور و مرور در روی جاده در جنك جدید مانع حرکت در زمان و فضا میگردد زیرا در ضمن حرکت واحد بزرك تغییر مکانهای دیگری نیز انجام میشود که کم و بیش از یکدیگر مستقل بوده وبعضی بوسیله خودرو که مستلزم قیودات تاکتیکی و تکنیکی است اجرا میگردد (مانند استفاده از جاده های معینی برای عوامل مخصوصی با تحمیل یك ساعاتی مخصوصاً در مواقعیکه حمل ونقل روی جاده عقبه حمل ونقل بوسیله راه آهن باشد)

چون هر یك از این تغییر مکانها علی الاجبار در زمان و در فضا در اجرای مجموعه حرکات موثر است یا باید بوسیله قیوداتی که برای هر کدام تعیین میشود حرکت کلی را منظم نمود یا بدون این قیودات مجموعه حرکات دچار بی نظمی خواهد شد.

مثلا در موقع تهیه حمله در عقب یك جبهه تدافعی واحد بزرك که ماموریت دفاع را عهده دار است باید تمام حرکات لازمه برای زندگانی نفرات تخلیه اضافات و حفظ جبهه خود را اجرا کند وضمنا واحد های بزرگی داخل این منطقه و جبهه گردند

بالاخره تا موقعیکه وسائل موتوری زره دار سریع و قوی قابل تحزیب اسلحه های خود کارد دشمن در محل خود وجود ندارد باید خنثی کردن اسلحه را از تعداد لازمه توپ که قادر بریختن مقدار مهمات لازمه در سطح منطقه مفروض باشند خواستار شدو این خود بسیار قابل ملاحظه است بعلاوه چون واحد های بزرك از حیث تشکیلات تمام وسائل لازمه را ندارند باید آنهارا بمنظور نبرد تعرضی تقویت کرد و این عمل مستلزم تجمع و استقرار سریع و سائل مهمی است.

تمام مراتب فوق الذکر باعث گرفته شدن راه ها و راه آهن ها می گردد و بدین ترتیب عبور وامرور که در منطقه ارتش قابل ملاحظه است در منطقه سپاه دارای شدت زیادی شده و مستلزم آنست که در مراحل مختلفه و با دقت در زمان و فضا حرکات و تغییر مکانها تنظیم و مرتب گردد.

ب - خواص لازمه برای حرکات - طرق صورت پزیر نمودن آنها

این بود بعضی از شرایط جنگهای جدید و اثرات آن در حرکت.

در مقابل این مراتب بچه طریق باید تشکیلات حرکت نظم وسرعت و مداوم بودن وقابلیت انعطاف حرکت را تامین نمود اینك به شرح این موضوع میپردازیم

۱ - خواص حرکت

برای آنکه مطالب کاملا مفهوم باشد خواص حرکت را توضیح دهیم

الف ـ مقصود از حرکت ـ وسعت تغییر مکان درزمان و فضا هر چه باشد حرکت بنسبت یك مقصودی تشکیل شده و ترتیبات متخذه از ابتدا الی انتها شدیداً بیکدیگر پیوسته است

یاحرکت دور ازدشمن اجرا میشود وفقط مورد حملات و سائل حمل و نقل سریع (اتومبیل ها ـ ارابه‌های جنگ ـ طیارات) یاتوپخانه بابرد خیلی زیاداست در این صورت واحد بزرگی که درحرکت است احتیاج بباز کردن راه خودندارد

اگر حرکت درنزدیکی دشمن اجرا میشود یعنی درشعاع عمل توپخانه بابرد زیاد استعمال آنی قوا باید پیش بینی شود

یاحرکت در نزدیکی فوری دشمن اجرا میشود وواحد بزرك مورد آتش توپخانه تمام کالیبر وپیاده نظام است وبایستی درصدد تخفیف اثرات آنها برآمده برای استعمال فوری قوا حاضر باشد

بنابراین هرحرکتی درتشکیلات خود باید دارای شرایطی بوده وبطورخلاصه صورتبندی وطرز اجرای آن بایستی دارای مقصود معینی باشد

واضح است که یك حمل ونقل بوسیله راه‌آهن که در ضمن جنك اجرا میشود ومعلوم نیست حکم حرکت چه‌وقت صادر خواهدشد ومنطقه‌خاتمه‌آن کجااست ونفرات پس از پیاده شدن باید فوراً داخل نبرد شوند با حمل و نقل تمرکز قوا که تمام شرایط آن درزمان صلح تعیین شده ودر حفاظت قوای پوشش اجرا میشود متفاوت است

تشکیل حمل ونقل بوسیله خودرو وعوامل پیاده نظام یك لشگر که عوض شده وباید بمنزلگاه‌مربوطه برای استراحت مراجعت کنند باحمل ونقل عوامل پیاده که بعجله بطرف میدان نبرد برای تکمیل موفقیت یامسدود نمودن شکافی که حمله‌دشمن تولید نموده‌است اعزام میشوند متفاوت است .

حرکت یك لشگر مجزا که باوسایل خود در منطقه آزادی حرکت میکند و منظوری جز رسیدن بمنزلگاه ندارد تفاوت بسیاری باحرکت سپاهی که بطرف میدان نبرد پیش میرود وهرروز بیشتر مورد عملیات خصم است دارد

ب ـ نظم وترتیب ـ واحدهائیکه بوسیله راه‌آهن یااتومبیل حمل و نقل میشوند کم‌وبیش متفرق شده ونهایت اهمیت را دارد که‌مجدداً مجتمع گردند وباکلیه وسائل خود آماده کار شوند ستونهای مرکب از عوامل پیاده وسواره‌واتومبیلی درحرکت هستند وباسرعت خود درمناطقی که دارای جاده کم وزیاد میباشد درسمتهای مختلفه پیشرفت میکنند ودرنزدیکی دشمن مورد آتش ومخاطره هستند اگر دارای نظم و ترتیب کامل نباشند ممکن نیست بتوان آنها را درمحل خود در جبهه قرارداد وفقط بوسیله وجود نظم وترتیب است که میتوان موقعیت و مکان‌هر کدام رامشخص نمود .

ج ـ سرعت ـ پیشرفتن خود تادرجه باعث فتح و ظفر است ولی بعلت‌اثری که زمان درعملیات دارد بسیار مهم‌است که پیشروی سریع باشد

این سرعت بوسیله ازدیاد روش هرعاملی حاصل نمیشودبلکه تامین آن‌عبارت است از تشکیلات مجموعه حرکت وآنچه که بعدا ذکر خواهد شد .

د ـ مداومت‌حرکت ـ مقصود ازمداومت‌حرکت اینست که‌پس ازآنکه حرکتی تنظیم شد بایستی مطابق دستور جریان یابد ودرصورتیکه یکقسمتی به دلیلی متوقف گرددنبایستی قسمتهای دیگر که‌درعقب‌او میایندنیز متوقف شوندمداومت حرکت بدلایل ذیل لازم است :

در یك قسمت مشخصی حفظ روابط تاکتیکی را تامین میکند

در روی جاده معین باعث میشود عواملی که داخل آن جاده میشوند استفاده لازمه را بعمل آورند .

باین ترتیب مداومت حرکت نتیجه نظم وسرعت است .

ه - قابلیت انعطاف - بین زمانیکه تصمیم حرکت اخذ میشود وموقعیکه درحدود فرض اولیه تاکتیکی یا استراتژیکی ختم میگردد مدتی میگذرد که ممکن است در ضمن آن وضعیت تغییر نموده حتی بکلی بر عکس شود یا تفاوتی در آن حاصل گردد و حوادثی پیش آمد کند که مانع مداومت حرکت گردد .

خواه حرکت بوسیله راه آهن خواه بوسیله خودرو وخواه بوسیله وسائل تشکیلاتی واحد ها انجام گردد فقط تأمین پیشروی عوامل با سرعتهای مربوطه در روی جاده های مناسب و اجتناب از متوقف شدن آنها باعث قابلیت انعطاف نمیگردد بلکه بایستی بتوان تغییرات لازمه را بمحض ظهور لزوم آنها عملی کرد

۲ - طرق تامین خواص حرکت

اینك که خواص حرکت را دانستیم بشرح طرق تأمین آن بپردازیم :

الف - گروه‌بندی حرکت - هم جنس نبودن عوامل باعث شده است که یك واحد بزرك نمیتواند مجموعاً حرکت کند و مجبور است بگروه هائی که دارای یك سرعت باشند تقسیم شود این تقسیم بندی و براه انداختن گروه ها باید نسبت به شرایط مخصوصی تنظیم گردد والا باعث بی نظمی خواهد شد .

بعضی ازشرایط تاکتیکی هستند مانند ترکیب گروه های حرکت با سرعت معین - ترتیب قرار گرفتن عوامل - تقسیم گروه ها روی جاده های مختلفه که در اختیار واحد بزرك است - ترتیب راه انداختن گروه های با یك سرعت یا با سرعت مختلف در روی یك جاده عمومی - مقدار رده بندی در عمق گروه های روی این جاده تا حدی مربوط به عوامل تاکتیکی هستند که باید با هم وفق داده شوند .

من جمله صورت بندی توقف ابتدائی انتهائی ومیانی واحد بزرگی که مشغول تغییر مکان است و صورت بندی هائی که این توقف های مختلفه را با یکدیگر مربوط میسازد - منظور ابتدائی از مجموعه حرکت و تغییراتی که بعدا به نسبت حوادث در آن بعمل آمده است و ترتیباتی که برای تطبیق تدریجی وضعیت سابق با وضعیت جدید اتخاذ میشود و بالاخره ترتیب فوریت در رسیدن و استقرار عوامل مختلفه در صورت بندی ابتدائی رزم یا صورت بندی رزم واحد بزرك

شرایط دیگری که باعث گروه بندی میشود وبایستی با شرایط فوق الذکر مرتبط گردد عبارت از شرایط فنی است که مخصوصا مربوط به وضعیت عمومی جاده هائی است که مورد استفاده واحد بزرك هستند وهمچنین موضوع محصول جاده ها که باید بامحصول مکانیکی که مستلزم پیشروی هر یك از عوامل بسرعت عادی آنست توام گردد .

در صورتیکه مراتب مذکوره در نظر گرفته شود حرکت درروی یك جاده معینی قابل انعطاف - منظم بوده دارای حد اکثر سرعت وحد اقل مخاطره است .

وضعیت مجموعه جاده هائیکه دراختیار واحد بزرك است یعنی تعداد جاده‌هائیکه درسمت عمومی حرکت واقع شده جاده های الحاق که بدان وسیله عوامل مختلفه را ازیك جاده میتوان به جاده دیگر اعزام داشت در ترکیبات گروههای حرکت و راه انداختن آنها تاثیر کامل دارد .

محصول جاده - محصول عملی یك جاده دریك نقطه معین ودریك نقطه مفروض در ضمن يك حرکت عبارت از تعداد کیلومتر های طول ستونهای پیاده و تعداد کیلومتر طول ستونهای سواره وتعداد عرابه های خودرو با سرعت معین وتعداد تن محمولی است که عملا ازاین نقطه دراین مدت عبور کرده است ومحصول یك قسمت

از جاده در زمان معینی عبارت است از تعداد کیلو مترهای ستونهای پیاده و تعداد کیلومترهای ستونهای سواره وتعداد عرابه‌های خودرو با سرعت معین وتعداد تن محمولی که عملا دراین مدت دراین قسمت جاده عبور نموده است.

هر گاه محصول جاده کافی نباشد مستلزم صرف وقت بیشتری دراجرای تغییر مکان میباشد.

محصول مکانیکی - این محصول بداست هر وقت که مجبور شویم موتورهارا ازهر نوع که باشد غیر از مواقع توقف معمولی متوقف سازیم یا بعلت گرفته بودن راه وغیر قابل عبور بودن آن ملایم‌تر حرکت دهیم.

از نقطه نظر فنی مقصود از تقسیم بندی واحد بزرك بگروه‌ها بادرنظر گرفتن عوامل تاکتیکی عبارت است از استفاده ازجاده بطریقی که‌ازآن جاده وموتورها (انواع مختلفه) حداکثر محصول عملی بدست آید.

طول عبور ستونها و شدت عبور ومرور اغلب مارا مجبور به جستجوی این محصول که از طرفی باعث قابلیت انعطاف حرکت نیز هست مینماید.

در حدودی که وضعیت تاکتیکی و تعداد جاده ها و شرایط عبور و مرور عمومی اجازه دهد نفع دراین است که در تشکیل حرکت یك واحد بزرك گروه‌های باسرعت مساوی که باسرعت مخصوص بخودحرکت میکنند تعیین ودر روی جاده‌هائی مخصوص به پیاده یاسواره یاخودرو ها تغییر مکان دهند.

هر گاه گروه‌های حرکت یك جنس ولی باسرعت متفاوت درروی یك جاده حرکت میکنند حرکات آنها باید طوری تنظیم شود که اصولا راه هر کدام آنهاباز باشد بنا براین ستونهای جلوتر باید دارای سرعت بیشتر باشنددرصورتیکه برعکس باشد باید فاصله بین شروع حرکت عوامل بطی مقدم باعوامل سریع بعدی موجود

باشد بطوریکه عوامل اخیر موقعی به‌قصد برسد که عوامل بطی ازآن گذشته اند وتلاقی حاصل نگردد مگر برای تجاوز از عوامل مقدم درضمن یك راحت باش.

جزدر مواقع توقف های بزرك وراحت باش طویل نباید عده‌رااز جاده‌اصلی وارد جاده فرعی نمود،

مداوم بودن محصول جاده بوسیله‌توام نمودن منطقی راحت باش عوامل وتجاوز آنها از یکدیگر بدست میاید بالنتیجه به‌دو دلیل تاکتیکی وفنی یك واحد بزرك جدید برای اجرای تغییر مکانهای خود تقسیم بندی میشود فرماندهی این تقسیمات برعهده کی است؟

ترکیب این گروه ها باعث بر هم خوردن واحد هااست واغلب بین عوامل یك گروه ارتباطی جز اجبار حرکت در روی یك جاده وجود ندارد و به محض بروزحادثه بی نظمی تولید میشودو نهایت لزوم رادارد که برای هر گروه فرماندهی تعیین شود تاتشکیل وتجزبه وحفظ نظم وترتنب آنرا تأمین ودستورات لازمه‌رادر ضمن حرکت صادر نماید.

برای آنکه فرماندهان گروه هاءلا ازعهده‌انجام وظائف خود بر آیند باید نفرات لازمه‌را بمنظور ارسال احکام خواه در موقع تشکیل خواه در موقع تجزبه ستون - تفتیش حفظ فواصل اولیه وضرورتا اکتشاف و شناسائی جاده ها در اختیار داشته باشند پس فقط فرماندهان واحد که دارای ستاد هستند بدین منظور تعیین میشوند و قسمتهائی که تحت امر آنها واقع می گردند افسر یا گروهبان یانفرات به‌نزد او اعزام میدادند

ب - تعداد ستونها در داخله واحد بزرك

بطور کلی بوسائل ساده ممکن است عیب همجنس نبودن عوامل واحدبزرك

راعلاج نمود ولی باطول عبور آن چه میتوان کرد

این طول که برای لشگر در حدود ۳۰ و برای سپاه در حدود ۱۰۰ کیلو متر است مستلزم مدت زیاد عبور میباشد و مهلت زیادی لازم است تا واحد بزرگی بتواند وسائل خود را برای عملیات در قسمت معینی از جبههٔ خود مجتمع سازد

هر قدر از طول عبور کاسته شود این مهلت کمتر میگردد و واحد بزرك را باید درجبهه حرکت داد که دارای چند جاده خوب بوده و عوامل درجه اول فوریت جلوتر واقع شده باشند.

ولی این عمل مخصوصاً در موقع احتمال تلاقی دشمن محدود است زیرا باید واحد بزرك بتواند تشکیل جبهه متصل داده و عوامل مقدم خصم را متوقف سازد یا اکتشافات لازمه را اجرا نماید

ج - دستورات وقیودات را باید کاملا مراعات کرد

در تغییر مکان این ستونها قیوداتی تحمیل میشود من جمله محدود نمودن مدت کلی تغییر مکان که مستلزم مراتب ذیل است :

طول منازل - مدت عبور - عمق منطقه توقف منزلگاه - حرکات ابتدائی برای تشکیل ستونها در موقع عزیمت حرکات لازمه برای تجزیه در موقع رسیدن و بالاخره تمام آنچه که ارتباط بازمان دارد

بوسیله نقشه های ترسیمی مراتب مذکور مورد عمل و بازرسی واقع میشود

د - طرح عمومی حرکات وعبورومرور

درآنچه ذکرشد طرق تأمین خواص لازمه حرکات بررسی گردید فقط برای یك واحد بزرك بدون در نظر گرفتن حرکاتی که خارج از این واحد

انجام میشود اینك مجموعه تغییر مکانهائی را که در یك زمان مفروض و در یك منطقه معین مثلا در موقع تهیه عملیات تعرضی در عقب جبهه تشکیل شده انجام میشود بررسی کنیم :

موضوع عبارت است از تنظیم این حرکات و عبور ومرور بطوریکه رسیدن عوامل مختلفه در نقاط مطلوب در زمان معین تأمین شده و حرکات مداوم و به‌ترتیب فوریت اجرا شود.

مشخصات موضوع عبارتند از

۱ - آنچه راجع به تغییر مکانها است

نوع عاملی که تغییر مکان میدهند

الف - حرکات قسمتها

ب - حمل ونقل تدارکات واخراجات

نقاط مبدء و خاتمه تغییر مکانها

اهمیت این تغییر مکانها ازنقطه‌نظر :

الف - فوریت قرا دادن عوامل در صورت‌بندی عمومی

ب - ممنوع نساختن جاده

مختلف بودن اشخاصیکه امر حرکات را صادر میکنند

قیوداتی که برای حرکات تعیین میشود

۲ - آنچه مربوط بجاده ها است

تعداد وقدر وقیمت جاده ها

امکان استفاده ازآنها در یك سمت یا از دو سمت

الحاقات موجوده بین جاده ها

چطور ممکن است این عوامل مختلفه را با یکدیگر توام نمود

قبل از هرچیز همه روزه باید طرح عمومی حرکات وعبور و مرور را در منطقه معینی تنظیم نمود

این طرح از نقطه نظر فنی که قبلا شرایط تاکتیکی نیز در آن ملحوظ شده است شامل است بر :

ترکیب گروه‌ها - یعنی قسمتها و ادوات مختلفه که هر کدام دارای یك مقصود یك سرعت و از یك جاده استفاده میکنند که عدهٔ فقط میروند و عدهٔ دیگر رفته و مراجعت میکنند

تقسیم آنها روی جاده ها

الف - در فضا - برای تقسیم آنها باید مراتب ذیل را در نظر گرفت :

نقاط عزیمت و رسیدن ودر صورت لزوم‌مقصدمیانی چه نوع جاده‌هائی برای آنها لازم است کدام فقط میروند و کدام رفته‌و مراجعت میکنند

ب - در زمان باید فوریت تغییر مکان و باز موضوع آنکه فقط میروند یارفته ومراجعت میکنند - ساعات و قیودات را در نظر داشت :

تعیین قواعد عبور ومرور که شامل اختصاص جاده ها و تعیین سمت حرکت و شرایط عبور و مرور عمومی و خصوصی و انتخاب نفراتیکه اجرای این شرایط را عهده‌دار هستند و احتیاطاتی که برای حوادث ممکنه عبور و مرور باید در نظر گرفت و تشکیل تفتیش اجرای حرکات

این نفرات در واحد های بزرك از قسمت حفار انتخاب میشود وچون هرقدر حرکات تنظیم شده باشد باز حوادثی ممکن است پیش آمد کند برای رفع آن باید بررسی قبلا بعمل آمده باشد که بتوان قسمتی را از جاده بجاده دیگر اعزام ومجدداً بجاده اصلی رجعت داد

بالنتیجه فرمانده مسئول عبور و مرور در یك منطقه معینی دارای وسائل تفتیش حرکات (یك پست تلفنی یا بی سیم) که در ستاد وی استقرار یافته است می‌باشد و با پستهای عبور ومرور که درمنطقه واقع‌شده‌اند ارتباط دارد تا از عهده رفع‌حوادث و معایب بفوریت برآید

ستاد نیز دائماً دارای نقشه ترسیمی اجرای حرکات است که فرمانده برطبق آن تصمیمات لازمه را اخذ میکند

چون این حرکات در منطقه ارتش یااز عقب بجلو برای تأمین وسائل لازمه سپاه اجرا میشود و یا از جلو بعقب برای اجرای اخراجات است بنابراین مسئولیت تشکیل و تنظیم طرح‌حرکات‌اصولا برعهدهٔ فرمانده ارتش در منطقه عقب‌وفرندهان سپاه در منطقه عمل آنها است

بعلاوه برای آنکه این طرح توسط فرمانده مسئول صحیحاً تهیه شود بایددر موقع مناسب این‌فرمانده ازحرکاتیکه در منطقه‌او اجرا میشود با قیودات آنها‌مطلع باشد واز طرف دیگر چون تنظیم‌حرکات قسمتهابعهده رکن۳ وحمل‌ونقل‌تدارکات و اخراجات بعهده رکن ٤ است و مستلزم اتحاد نظر بین ستاد و دوائر می‌باشد بنا براین ارتباط فکری و مادی کامل بین اشخاص ذیعلاقه ضروری است

ازآنچه‌راجع‌بکلیات‌درموضوع‌حرکات‌ذکرشد‌مقصود‌عطف‌توجه‌وتفکر‌دراطراف این‌موضوع‌مهم‌است ومخصوصاً‌درمناطقیکه تعداد جاده ها زیاد نیست براهمیت‌مسئله افزوده میشود ودر صورتی که واحد بزرگی مجبور باشد فقط از یك جاده استفاده کنند تنظیم‌حرکات ستونهای مختلفه بطوری که در موقع مطلوب از عهده انجام ماموریت خودبرآیند اهمیت خاصی را حایز است و ستادها باید در این عمل شدیداً ورزیده شوند

قسمت دوم

رزم تعرضی لشگر

الف - مقدمات رزم تعرضی

تقرب

اخذ تماس

در گیری

ب - حمله

در جنك متحرك

در يك جبهه مستحكم

ج - تكميل موفقيت

الف

مقدمات رزم تعرضی لشگر

۱ ـ تقرب

۲ ـ اخذ تماس

۳ ـ در گیری

مقدمه

برای مطالعهٔ محاربه تعرضی یك لشکر اصول جنك های متحرك را درنظر میگیریم زیرا فقط در جنك های متحرك است که نتیجه قطعی حاصل میگردد و در مقابل دشمنی که‌دارای ابتکار است فرماندهان باید دارای اصابت نظر وتصمیم باشند تا در حداقل مدت راه حل مسئله را که دارای چندین مجهول است و عوامل آن نیز دائما متغیر میباشند پیدا کنند

در حملات به‌یك جبهه مستحکم چون دشمن قبلا ثابت گردیده و در زمین مستقر شده است میدانیم که رزم در کجا واقع خواهد شد و بنابراین با دقت کافی آرایش لازمه را که باوضعیت تطبیق نماید اخذ میکنیم .

در جنك‌های‌متحرك بالعکس همه‌چیز مجهول‌است زیرابایك ماموریت‌تعرضی بطرف دشمی پیش میرویم‌باید به او رسید به او حمله کرد و او را مغلوب نمود ولی در کجا با او تلاقی میکنیم این مربوط بحرکات دشمن است در چه وضعیتی این تلاقی حاصل خواهد شد این هم مربوط بمقاصد دشمن است چه آزاد است که برای تلاقی با ما پیشروی نموده یا در روی یك موضع انتخاب شده منتظر ما باشدو حتی ممکن است در صدد اجتناب از تلاقی برآید

دشمن میتواند با تمام قوای خود مجتمعا با ما تلاقی کند یا بین خود وما عواملی با قوای متغیر برای تأخیر در پیشروی ما قرار داده وبعداً در محل‌قوای عمده خود درصدد متوقف ساختن ما برآید

خلاصه‌باید بقوای عمده اورسیده وبرای حمله در موقع خود ودرروی جبهه معینی حداکثر وسایل را مجتمع نمود

این تجمع مستلزم وقت است اگر بدون وقت ودقت کافی اقدام کنیم ممکن است بخطا رویم اگر زیاد وقت صرف نمائیم ابتکار در عملیات را از دست داده و مطیع اراده دشمن خواهیم شد این دو موضوع برای فرماندهان که برای آنان وضعیت غیر روشن - اطلاعات غیر منظم و وقایع سریعاً اتفاق می افتد به اشکال می افزاید .

آنچه گفته شده خلاصه ایست از مسئله که موردبررسی قرار میدهیم ولی قبل از دخول در شرح وتوضیح بهتر است که بطور خلاصه بمجموعه نظری افکنده تا مطلب مرتب روشن ومنطقی باشد جریان کامل یك عمل تعرضی یك لشگر تقریبا همیشه بشرح ذیل است :

این لشکر کهدر یك آرایش کلی واقع شده است حکم پیشروی بطرف دشمنی را که تصادف با آن در ضمن حرکت ممکن است وصول میکند بنابراین لشکر باید بطرف جلو حرکت کند در حالتی که پوشش وا کتشاف لازمه وپیشروی را تامین نماید تا از غفلت گیر شدن اجتناب شود

اگر درضمن پیشروی بادشمن تلاقی کند قبل ازهرچیز باید درصددتعیین قدرت وی برآمده اگر دشمن نیز در حرکت است ویرا متوقف سازد یا اگر مقاومت دشمن شدید است تشکیل جبهه دهد

همین عملیات اغلب قدرت تعرضی عوامل اولیه لشکر را مصروف میدارد در این موقع فرمانده لشکر باید مداخله کند و برطبق دستورات واصله به وسیله یك عمل قوی و متناسب در صدد امتحان قدر وقیمت مقاومت دشمن برآید اگر این عمل موفقیت یابد ودشمن عقب نشیند باید مجددا به پیشروی پرداخت ولی احتیاطات را هرقدر بقوای عمده دشمن نزدیك میشویم زیادتر میکنیم تا آنکه با

مقاومت جدیدی روبرو شویم که باوسایل لشکر نمیتوان برآن موفقیت یافت

دراین موقع فرمانده سپاه طبق اوامر واصله و ماموریت خود مداخله نموده و باید شرایط درهم شکستن مقاومت دشمن را وسیله تلاش لشکرها تعیین ووسایل آتش لازمه برای این عمل جدید را در اختیار آنها بگذارد.

اگر دشمن از پای درآید باید از موفقیت حاصله بوسیله تعاقت مغلوب باتمام شدت وسرعتی که نفرات هنوز قابل انجام ان هستنداستفاده نمود

بنا براین رزم تعرضی لشگر چندین مرحله دارد این مراحل کم و بیش متفاوت در زمان و فضارده بندی شده‌اند و هر کدام از این مراحل ازحیث مقصد و وسائل عمل با یکدیگر تفاوت دارند بطوریکه میتوان محاربه تعرضی را بچند مرحله تقسیم نمود که عبارتند از :

۱) تقرب - بمنظور پیش راندن قسمتها هرقدر سریع تر که ممکن است و با یك آرایش مناسب و منطقی برای تلاقی با عوامل اولیه دشمن .

۲) اخذ تماس - که منظور ازآن عبارت است از تعیین حدود ظاهری دشمن و سقوط مقاومت های جزئی که در مقابل پیشروی ما ظاهر میسازد بوسیله مانور یا متوقف ساختن پیشروی او بوسیله اشغال نقاط اتکاء محکم این اعمال از وظایف اصلی جلوداران است

۳) درگیری - کهبوسیله آن فرمانده بهقدر وقیمت تماس حاصله بوسیله عوامل اولیه لشگر پی برده ونقاط مهمی که برای مانور بعدی لازم است تصاحب میشود .

این سه مرحله مقدمات رزم تعرضی محسوب میشوند .

بعداز بررسی این سهمرحله حمله را مورد دقت قرارخواهیم دادوبدین منظور اصولا جنك‌های متحرك را منظور اصلی قرار داده واز حمله به جبهه های مستحکم

نیز مطالب لازمه ذکر خواهد گردید .

بالاخره خواهیم دید که درچه شرایطی غالب میتواند به تکمیل مظفریت وتعاقب که مقصود از آن درهم شکستن تشکیلات دشمن وممانعت وی از استقرار مجددی است بپردازد .

ولی قبلا باید چند تعریف را ذکر نمود وآن را روشن کنیم زیرا در مطالب مکرر مورد استعمال واقع خواهد شد .

منطقه عمل لشکر - قسمتی اززمین محدود بوسیله دوخطی که تقریبا بامحور پیشروی موازی هستند ودرداخله آن لشگر باید اکتشاف وپوشش خودرا تامین وبا استفاده کامل ازجاده‌ها پیشروی نماید این منطقه توسط مقام مافوق تعیین میگردد

هدف - خطوط مختلفه زمین که حدهریك ازخیزهارا تعیین مینماید ودرحمله خطوط متوالی که باید فتح وتصرف شود مشخص میکند .

جبهه عمل لشگر - جبهه منطقه عمل که تقریبا عمود به حدود منطقه است .

جبهه رزم لشکر - جبهه ایست که برای یك مرحله معین رزم وبامنظور داشتن قابلیت رزم عوامل درگیرشده در رده اول لشگر میتواند سریعاً قوای لازمه را درآن قرار دهد .

بنابراین ممکن است جبهه رزم کمتر یا بیشتر ازجبهه عمل باشد اگر کمتر است (این حالت عمومیت دارد) فواصلی ایجاد خواهد شد یااقلا در بعضی مناطق مداومت در آرایش خط اول کمتر است ولی اگر جبهه رزم بیشتر از جبهه عمل است بهتر است به قوای احتیاط افزوده به عملی بپردازیم که در زمان طویل تر یا در فضا عمیق تر باشد .

جبهه حمله - عبارت است از قسمتی ازجبهه رزم که درروی آن فرمانده

بامحسوب داشتن وسایل حاضره ومیسورات دشمن تصمیم به حمله کردن میگیرد .

تقرب

در ابتدای جنك بین‌المللی آئین جنگی در ارتش فرانسه بطوروضوح تعرضی بود وتمرکز تلاش ها را توصیه میکرد معهذا فرمانده تصمیم نمیگرفت مگر وقتی که وضعیت روشن شده بود - میتوان گفت وقتی که به قصد دشمن پی میبرد و بالنتیجه ماموریت عوامل جستجوی اطلاعات این نبود که تعیین نمایند آیا تصمیم فرماندهی علی رغم دشمن قابل اجراست یاخیر بلکه ماموریت این عوامل عبارت بوداز تعیین وضعیت مشروح دشمن تا فرماندهی بتواند تصمیم خود را با معرفت کامل بگیرد و بهمین دلیل قسمتهای تأمینی باید حد اکثر اطلاعات راجع به دشمن را تحصیل نمایند چنانکه میگفتند« جلو دار باید شدیداً درگیر شود تا دشمن مجبور به افشای قوای خود گردد »

و چون میخواستند قوای خود را درموقع مفید بکار برند مدت رزم جلودار را طویل تر نموده وحد اکثر مدت ممکنه قوای عمده درستونهای عمیق تحت پوشش این عوامل تامینه باقی میماندند .

ولی در چند سال قبل از جنك افکار جدیدی هویدا شد که طرفدار مراتب ذیل بودند :

فرمانده باید تصمیم خود را قبلا برطبق ماموریت واصله ومستقلا ازاراده دشمن بگیرد و تصمیم رزم و انتخاب شکل عمومی درگیری باید مقدم بر اخذ تماس باشد زیرا نمیتوان حرکات نبرد را در روی زمین هدایت کرد

از این اصل چنین نتیجه میشود که بایدازعوامل جستجوی اطلاعات خواست که تعیین کند آیا مانوری را که فرمانده درنظر گرفته است امکان دارد و جلوداران

باید اجازه دهند که فرماندهی بتواند قوای عمده و احتیاط خود را برطبق این مانور داخل عمل نماید

درگیری باید خیلی شدید باشد و برای این شدت بهتر است که بدشمن در ستونهای عمیق و بتعداد کم ترسیم بلکه برتعداد ستونها افزوده و در عوض آنها را تفرقه دهیم و در هرحالت تنها رفتار قوائی که بطرف دشمن میروند تعرضی است

ولی در ابتدای جنگ این افکار هنوز در دماغها رسوخ نکرده بود و فقط شدت در گیری و تعرض همه جائی معمول شده بود و این موضوع از بررسی احکام آن زمان واضح می گردد که مثلا یك ستون بطرف دشمن پیشروی می نموده است و در هرحکمی عبارت «هرجا دشمن ملاقات شد مورد حمله واقع خواهد گردید» مکرر درج شده است

افکار امروزه

پس از ۱۹۱٤ خیلی چیزها تغییر کرده اند

تشکیلات واحدهای بزرك عموما تصحیح گردیده و بوسیله عوامل اضافی سنگین شده و برطبق طول ستون اه به نسبت عجیبی افزوده شده این طول درلشگر دو برابر و در سپاه سه برابر و بالنتیجه قابلیت تحرك بسیار کم شده است

ظهور ادوات زره پوش سریع شرایط جدیدی برای اخذ تماس ایجاد نموده

تعمیم استعمال اسلحه خودکار به آتش چنان قدرتی داده است که هرقسمتی که در آرایش راه پیمائی در مسافت کم تحت آتش مسلسل واقع گردد در چندین دقیقه منهدم میشود و ارجحیت تفرقه در لحظه اخذ تماس اهمیت اصلی یافته بنابر این مسئله تقرب بی نهایت مشکل گردیده و باید با دقت انواع مختلفه آنرا تجزیه کنیم زیرا وضعیت از این لحاظ فوراً عکس العمل در مقدمات رزم داشته و گاهی این عکس العمل غیر قابل علاج است .

مختصات اصلی تقرب چیست

ابتدا عدم دقت و صحتی که باوجود ترقی هوا پیمائی راجع به آرایش دشمن موجود است این عدم دقت مستلزم مراتب ذیل است :

جستجوی دائمی اطلاعات تحت شرایط توجیه مانوری که ازطرف فرماندهی پیش بینی شده است .

محتاط بودن در پیشروی

قابلیت انعطاف در آرایش

لزوم تشکیل سریع جبهه رزم بنابراین اجبار استعمال حداکثر منابع جاده‌ها و رده‌بندی عوامل در ضمن راه پیمائی به ترتیب فوریت ورود آنها بمیدان نبرد

بالاخره لزوم زود حرکت کردن چه سرعت اغلب باعث موفقیت است و بنابر این تقریبا غیر ممکن است که در داخله واحدهای بزرك ارتباط سریع و مطمئنی که بدانوسیله فرماندهی بتواند وقایع مختصری را که در خط اول رخ میدهد حل وتصفیه نماید و در نتیجه نفع وی درعدم تمرکز عمل است .

بنابر آنچه ذکر شد نکات ذیل مشروحا مورد بررسی واقع میشود .

شکل پیشروی

آرایش وتشکیلات فرماندهی

پوشش آرایش بوسیله اطلاعات وعوامل حفاظت .

حرکات نسبی عوامل حفاظت وقوای عمده

الف ــ شکل پیشروی

نظامنامه استعمال واحد های بزرك مینویسد «وقتی نبرد نزدیك میشودفرمانده ارتش تغییر جا دادن های واحد بزرك خود را بادر نظر گرفتن مشخصات زمین

تنظیم میکند تا در حدود امکان میدان نبرد را انتخاب نماید

مقصود از میدان نبرد چیست

شرایط اصلی زمین برای انجام یك نبردارتش در شرایط مطلوب بقرار ذیل است :

بطرف دشمن دارای میدان دید-آتش وحرکت باشد یابطور کلی تشریك مساعی صنوف مختلفه را در فضا تامین نماید

بطرف عقب طرق مواصلات و حفاظهای لازمه برای رسیدن سریع ومطمئن قوای کمکی وادوات یا بطور کلی شرایط لازمه برای بکار بردن وسایل موجوده فراهم باشد .

بدین ترتیب ارتش که بطرف دشمنی که خود متحرك است حرکت میکند یك یا چندین میدان نبرد که عبارت از هدف‌های متوالی سپاه های خط اول میباشند انتخاب می کند .

ولی چون دشمن در حرکات خود ازاد است نمیتوان مطمئن بود که میدان نبرد انتخاب شده اشغال گردیده و بهدف مربوطه برسیم بنابراین فرمانده ارتش باید مأموریت سپاه ها با منطقه تلاش فرعی ورفتار در موقع تلاقی بادشمن را تعیین نماید تا تلاشها توام شده و حد اقل مقصود در صورتی که مداخله دشمن درموقعی صورت پذیر شود که شرایط پیش بینی شده برای تجمع نیروها در خطر افتد معین باشد .

مسافت بین دو هدف ارتش متغیر است .

اگر این مسافت از عمق عادی عمل سپاه تجاوز کند (این عمق مربوط است به برد عملی توپخانه سنگین سپاه یعنی در حدود ده کیلومتر) سپاه های خط

اول مجبورند پیشروی را بوسیله خیزهائی که متناسب با میسورات عمل وسائل آنهاست انجام دهند

برای انجام این خیزهای سپاه هر لشگر که وسائل عملش (آتش پیاده‌نظام و توپخانه ۷۵) برد کمتری دارند مجبور است که تغییر مکان خود را از منطقه رزم بمنطقه رزم دیگر یا از افق مرئی به افق مرئی انجام دهد

پس برای آنکه دائماً برای تلاقی با دشمن مهیا بوده و با وسایل حاضر بقبول اولین ضربت شویم باید برای تقرب حرکت در حالت ستون راهپیمائی را کنار گذاشته و به پیشروی بوسیله خیزها با وسایل حاضر برای گستردن سریع متوسل شویم .

ولی میتوان ایراد نمود که این حرکت بوسیله خیزها روش پیشروی رابطی مینماید مخصوصاً اگر در هر خیز برای عزیمت باید منتظر امر مقامات بالاتر شویم

این ایراد صحیح است اما مخصوصا در اول یك جنك که پیاده نظام تجربه و عمل ندارد طرز دیگری برای تقرب بسندیده نیست ولی فرماندهی باید توقف در هر خیز را کم نموده وحتی حذف کند زیرا این توقف مربوط به اطلاعات واصله از دشمن است و ممکن است اطلاعات را برای ساعتی دستور دهیم که با در نظر گرفتن مهلت لازمه برای مخابره احکام حکم عزیمت قبل از متوقف شدن واحدها رسیده باشد .

بالنتیجه یك لشگر خط اول که شروع به تقرب می نماید دستورات ذیل را دریافت میدارد :

۱ ـ سمتی که بتواند در موقع ضرورت تلاش های خود را در روی آن مجتمع سازد .

۲ ـ یك یا چندین هدف که پیشروی قوای عمده را مشخص مینماید

۳ـ یك منطقه عمل که در داخل آن باید برای تشکیل سریع یك جبهه رزم حاضر باشد .

ب — آرایش قوا ـ تشکیلات فرماندهی

در جنك متحرك منفعت در آن است که آرایش تا موقع قطعی نبرد تا حدی قابل تغییر باشد واین منظور بوسیله امکان تغییر مکان‌دادن مرکز ثقل آرایش صورت پذیر میشود و اگر قوا طوری تقسیم شده باشند که تمرکز وسایل در روی یك سمتی که فعلا مهم است امکان پذیر باشد میتوان در موقع توجیه آنها را تغییر داد

در مرحله لشکر آرایش تقرب باید از طرفی خطر حاصله از آتش توپخانه دور و نزدیك را تقلیل داده و از طرف دیگر گستردن سریع واحدهارا در موقع تلاقی با دشمن اجازه دهد .

بنابراین انواع صورت بندیهای یك‌لشکر با سه هنك پیاده نظام وهنك توپخانه ۷۵ (توپخانه سنگین‌لشگر را که دخول در عمل آن در موقع تقرب فوریت ندارد در نظر نمیگیریم) بقرار ذیل است ،

از نقطه نظر پیاده نظام چون پیشروی درحالت ستون هنـگی را رد کرده‌ایم سه حالت ممکن است اتفاق افتد :

یك هنك در رده اول دو هنك در رده دوم

دو هنك در رده اول یك هنك در رده دوم

سه هنك پیوسته در رده اول

(در لشگر هائی که دارای چهار هنك هستند یك حالت اضافه میشود)

درتدافع خواهیم دید که برای استقرار یك لشگر درموضع دفاعی قرار دادن سه

هنك پیوسته با برداشتن احتیاط کافی از بعضی از آنها معمول ترین طریق عمل بوده و چون این قوای احتیاط اغلب بطور مجزا و در قسمتی از منطقه بکار برده میشوند که قبلا مشخص شده است اگر ازهنك‌های مختلفه باشند اهمیتی ندارد .

ولی در تقرب فرمانده لشکر تا موقعی که از قصد دشمن مطلع نشده ومانور خود را قطعا تعیین ننموده است احتیاج بیك واحدقوی که دارای یك‌رئیس‌تشکیلاتی و وسائل لازمه برای اعمال فرماندهی باشد دارد و اگر بخواهیم از اختلاط‌واحدها که برای محصول مانور مفید نیست صرف نظر کنیم فرمانده لشکر باید اقلا یك هنك کامل بافرمانده آنرا در اختیار خود نگاهدارددر نتیجه قرار دادن هنك‌هارا در خط اول باید از صورت بندیها حذف کرد .

تا موقعیکه عرض منطقه عمل لشگر ها بیش از چهار کیلومتر نبود ممکن بود یك هنك در منطقه عمل لشکر قرار گیرد چه در زمین متوسط یك فرمانده هنك میتواند در روی چنین جبهه پیشروی عوامل مقدم را توام نمایدولی امروزه که‌منطقه عمل مذکور در مرحله پیشروی تا ۷ کیلومتر میرسد نباید تصور نمود که یـك فرمامده هنك از عهده فرماندهی چنین وسعتی براید پس صورت بندی یك هنك در رده اول نیز حذف میشود .

پس برای لشکر های سه هنکی یك راه حل (دو هنك در رده اول و یك هنك در رده دوم) ودر لشکر های‌چهار هنکی دوراه حل (دوهنك دررده‌اول ودوهنك دررده‌دوم یاسه‌هنك دررده‌اول ویك هنك‌دررده دوم) باقی می‌ماند

اما راجع به‌توپخانه ۷۵ دوراه حل ممکن است .

نگاهداری تمام هنك در دست‌فرماندهی هنك توپخانه که کلیه درخواست های پیاده نظام را وصول و بین واحد هـای خود به نسبت میسورات تیر اندازی آنان تقسیم مینماید ،

یاتقسیم واحدهای هنك توپخانه بین واحد های پیاده نظام که مستقیما درخواست های تیراندازی را انجام میدهند راه حل اول عملی نیست مگر در مواقعیکه یك هنك پیاده درردهٔ اول واقع شده باشد وفرمانده هنك توپخانه نیز در پهلوی وی بوده و درخواست های وی را فوراً عملی کند والادر حالات دیگر ترتیب مخابرات در داخله توپخانه بقدری مشکل خواهد شد که قطعاً تیراندازی ها با تأخیر غیر قابل قبولی انجام خواهد گرفت .

راه حل دوم بالعکس عملی است وفرماندهان واحدهای توپخانه سریعاً درخواست های پیاده نظام مربوطه را انجام میدهند .

ممکن است ایراد شود که این طرز بکار بردن توپخانه برخلاف اصول استعمال اجتماعی و شدید این صنف است ولی این ایراد وارد نیست زیرا در تقرب هنوز این نوع عمل توپخانه مورد استعمال نداشته وبعدها در موقع تهیه حمله با نهایت سهولت میتوان مجددا واحد های توپخانه را در دست گرفت ودر روی نقاط انتخاب شده متمرکز نمود

اینك بتشکیلات فرماندهی بپردازیم .

دو راه حل ممکن است در نظر گرفت

۱ ـ در حالات معمولی ـ زمین عادی و وسعت معمولی منطقه عمل فرمانده لشکر مستقیماً عوامل ذیل را تحت امر خود نگاه میدارد .

جلو دارها

قوای عمده

توپخانه (۷۵ و سنگین)

هر یك از هنك های ردهٔ اول با قسمتی از قوای خود یك جلودار که باقسمتی

از مهندس ودر صورت لزوم سوار نظام وعرابه های جنگی تقویت شده است تشکیل میدهد و قوای عمده شامل باقی مانده این هنك ها و هنك رده دوم است توپخانه تحت امر فرمانده لشکر باقی میماند

۲) درموقعی که اعمال فرماندهی تا کتیکی بموقع وبسرعت ممکن نیست (تقسیم زمین بمناطق متنوعه ـ وسعت منطقه عمل) فرمانده لشکر مجبور است موقتاً بعدم تمرکز پرداخته و ستون های مجزائی تشکیل دهد که هر کدام شاملند بر اصولا یك هنك پیاده نظام در رده اول که منطقه عمل آن کاملا مشخص بوده وحفاظت خودرا بوسیله جلودار مخصوص خود که توسط قسمتی از توپخانه که تحت امر فرمانده ستون است تقویت شده تامین مینماید.

(این توپخانه در عین حال تحت امر فرمانده توپخانه ستون نیز میباشد) بقیه لشکر در رده دوم و به طرفی که تلاش بنظر ضروری میرسد قرار می گیرد

این عدم تمرکز مستلزم آنست که فرمانده لشکر بادقت مأموریت این عوامل رده اول را تعیین نماید مخصوصاً در مورد قسمتی که موقتاً بهیچوجه نمیتواند مورد کمك قرار دهد .

اما راجع به توپخانه سنگین لشگر وقسمتی از توپخانه سنگین سپاه که نفع در جلو راندنٔ آن در نزدیکی لشگرها برای تهیه گستردن توپخانه سپاه است ممکن است برای اجرای حرکت به عوامل رده دوم منتصب بوده یاتشکیل عوامل علیحدهٔ را که تحت امر مستقیم لشگر است بدهند .

بالاخره بقیهٔ عوامل ازقبیل بنه ها ودوائر باید ابتدا قدری دور باشند وبه ترتیب فوریت استعمال آنهارده بندی شده وبه نسبت پیشروی عوامل رزم جو خیزهائی انجام دهند و گاهی برای خلاصی فرماندهی لشکر از اشتغال به این عوامل فرمانده سپاه

تنظیم حرکات آنان را به عهده میگیرد .

بنابراین یك لشگری که بطرف دشمن حرکت میکند بطریق ذیل رده بندی شده است ؛

در جلو : عوامل درجه اول ضرورت : پیاده نظام ـ ۷۵ ومهندس

در عقب : عوامل درجه دوم ضرورت : توپخانه سنگین وقسمتی از توپخانه سپاه و گاهی بعضی عوامل دوائر که بجلو رانده شده‌اند مانند قسمت خودرو مهمات وقسمت اسبی مهمات .

عقب‌تر : عوامل درجه سوم ضرورت : عوامل تشکیلاتی سپاه که بین بعضی از عوامل لشگر که جلو راندن آنها ضروری نیست قرار گرفته اند .

اصل موضوع عبارت است از جلو راندن آنچه که به یك عنوانی برای درگیری نزاع لازم است و این عمل مستلزم تنظیم دقیق عبور ومرور و استفاده کامل از تمام جاده ها میباشد .

ج ـ پوشش آرایش

این آرایش که ذکر شد نباید چشم بسته اعزام شود بلکه باید پوشیده باشد واین پوشش بوسیله جستجوی اطلاعات واستعمال عوامل حمایت حاصل میگردد .

۱ ـ اطلاعات ـ اطلاعات برای آزادی عمل فرماندهی ووضعیت مادی قسمتها نهایت اهمیت را دارد و از طرف دیگر مشاهده شد که تقرب لشگر بوسیله خیزها انجام میگردد .

فرمانده لشگر برای اجرای مانور خود بدانستن اتفاقاتی که در ۲۵ یا ۳۰ کیلو متری واقع میشود احتیاج ندارد بلکه آنچه برای او در ضمن یك خیز مفیداست وضعیتی است که برای خیز بعد مناسب‌تر است که آیا ادامهٔ پیشروی بدون

توقف است (اگر دشمن هنوز ممانعتی نمیکند) یا دردست گرفتن عوامل و جمع کردن آرایش لازم است (در صورتیکه دشمن حاضر بکار باشد) یا ضرورتاً با اطلاع به سپاه توقف روی آخرین هدف اگر بنظر برسد که منتظر دشمن شدن مناسب تر می باشد .

عوامل تجسس اطلاعات لشگر در تقرب همان گروه اکتشاف لشگری است که باید اقرار کرد کم است .

لشگر هوا پیمائی ندارد و سپاه نیز اغلب از این حیث غنی نیست که قسمتی را باختیار لشگر گذارد و در نتیجه برای جستجوی اطلاعات لشگر محتاج به سپاه است وهوا پیمائی سپاه درضمن انجام منظور فرمانده سپاه بایدبدرخواستهای فرماندهان لشگر نیز جواب دهد و گروه اکتشاف بخصوص مامور جستجوی اولین تماس با دشمن میباشد

این مسلم است که اگر در جلو سپاه سواره نظام ارتش نباشد فرمانده سپاه احتیاج باطلاعات دور دست داردواغلب مجبور میشود استعمال سوار نظام را تمرکز داده و گروه اکتشاف را بوسیله گروه های اکتشاف لشگری تقویت نموده وموقتاً تشکیل تامین بعید را دهد .

ولی همانطور که درمورد دشمن بعید لازم است که فرماندهی سوارنظام را هرچه ممکن است جلوتر مامور تجسس اطلاعات نماید همانطور هم وقتی که دشمن نزدیك است و تلاقی محتمل میباشدمنفعت درآن است که سوارنظام لشگر ها را برای تامین نزدیك تقویت نمایند .

در هر حال استعمال گروه اکتشاف لشگری دوحالت دارد :

یا فرمانده لشگر آنرا در اختیار خود نگاه داشته وبه نسبت خیزهای متوالی

جلودار ها نقاطی را که راجع به آنها اطلاعاتی لازم دارد یا مایل است تا ورود پیاده نظام حفظ شود برای آن معین میکنند

یا فرمانده لشکر برای تامین فوری جلودارهایش سوار نظام خودرا به جلو داری که ماموریت اصلی را عهده دار است منتصب مینماید بشرط اینکه در لحظات معین اطلاعات مخصوصی را برساند واگر لازم باشد قسمتی را هم باختیار جلودار دیگر میگذارد .

۲ - حمایت - جلودارها

هوا پیمائی و سوار نظام تاحدی در تامین آزادی عمل فرمانده شرکت می کنند

هوا پیمائی اطلاعات راجع به توجیه قوای عمده دشمن را داده و سوار نظام فکر اولیه راجع به حدود ظاهری عوامل مقدم خصم را حاصل میکندولی بدون آنکه وسایل متوقف ساختن تعرض دشمن را داشته باشد .

فرمانده برای آنکه بتواند مانور قوای عمده خود را با آزادی تهیه نماید بایستی استقرار آرایش خودرا بوسیله یك رده اولیه که قادر به صورت بذیر نمودن یك سدآتشین مداوم برای متوقف ساختن خط اولیه خصم باشد تامین نماید این اولین رده قوا عبارتند از جلو دارها که برای جبهه لشکر باید متعدد باشد ویکی کافی نیست ،

وظیفه جلو داری مشکل است زیرا باید بدون بطی نمودن پیشروی قوای عمده آنرا از غفلت گیرشدن بوسیله آتش اسلحه های خودکار حفظ کنند .

بنظر میرسد که جلودار نتواند این دو ماموریت خود را بدون اتلاف وقت انجام دهد مگر آنکه دارای وسایل اکتشاف سریع وقابل حرکت در تمام اراضی بوده تا بتواند نقاط تیراندازی را اکتشاف نموده و از میان بردارد و پیاده نظام

آن در حد اکثر از جاده ها استفاده نموده ودرآرایشی که کاملا در عرض تفرقه داشته باشد حرکت کنند .

عرابه های جنگی سریع در اراضی که استعمال آن ممکن است برای انجام این ماموریت بسیار مفید است .

ترکیبات جلودارها

پیاده نظام - مقدار پیاده نظام جلودارها مربوط است به :

ماموریت (گاهی ممکن است تعرضی باشد)

نوع زمین

عرض منطقه

چون جلودار احتیاجی به تفرقه در عمق ندارد زیرا قوای عمده برای پشتیبانی حاضر هستند جبهه دو کیلو متر برای یك گردان بمنظور تأمین آتش متکاثف کافی است .

مقدار پیاده نظام جلودارها غیر قابل تغییر نیست و چون عمل آنها صعودی است در وحله اول حد اقل گردانهای لازمه بمنظور اجتناب از درگیر نمودن عوامل بسیار در اولین تلاقی تعیین میشود .

سوار نظام - قبلا لزوم وجود سوار نظام رادرجلو دارها ذکر نموده ایم .

مهندسی - قسمت های مهندسی (اقلا نصف گروهان) برای هر جلو دار بمنظور ترمیم راه ها لازم است .

توپخانه - راجع به توپخانه ۷۵ هر چند که باید با آتش خود جلودارها را تقویت کنند ولی معهذا در تحت اختیار فرمانده لشکر باقی میماند زیرا این صنف را نباید به قطعات کوچك تقسیم نمود فقط در مواردی که بعلت عوارض زمین فرمانده گروه کمك مستقیم نتواند پیشروی پیاده نظام را تعقیب کند واکرادوات

مناسب تری وجود نداشته باشد ممکن است چند عرابه یا دسته موقتاً در اختیار جلو دار ها گذارده شود ولی فرمانده لشکر شخصا باید حد اکثر تعداد این عرابه ها را تعیین کند

د - حرکات نسبی جلودارها و قوای عمده

حالا باید این عوامل مختلفه را حرکت داد و حرکات نسبی آنها را نیز تنظیم کرد.

آیا اول جلو دارها را باید حرکت داد ؟

خیر زیرا فرمانده لشکر با قوای عمده خود مانور میکند نه با عوامل تامین و به نسبت تغییر مکان دادن قوای عمده است که شرایط حرکات جلودار ها را باید تعیین کرد و بنا بر این باید حرکت قوای عمده را اول تنظیم نمود .

دیدیم که تقرب لشگر عبارت است از اشغال متوالی مناطق رزم مناسب این اشغال اگر دشمن هنوز نرسیده باشد رسیدن درزمین است و اگر دشمن قبلا رسیده باشد شامل بکار بردن قوا است .

تغییر مکان قوای عمده لشگر توسط خیزها انجام میگیرد این خیز ها از قسمت عقب یك منطقهٔ رزم شروع و به قسمت عقب منطقه رزم بعد ختم میشود و برای آنکه این حرکات با شرایط لازمه از حیث تامین تا کتیکی ومادی انجام گیرد باید اصولا در لحظه که قوای عمده لشگر منطقه رزم (الف) را ترك بقصد منطقهٔ رزم (ب) حرکت میکند جلودارها نه تنها باید افق مرئی الف را (افقی که بوسیله میسورات عملی تیر اندازی دشمن محدود میشود) تصاحب نموده باشد بلکه باید بتواند میدان های تیراندازی قسمت مقدم منطقه رزم (ب) را مورد استفاده قرار دهد .

این تغییر مکانها بچه طریق وتوسط چه کسی تنظیم میشود .

ابتدا درموقع شروع حرکت قوای عمده لشگر درروی جاده‌ها حرکت میکنند

ساعات عزیمت واردوگاه ها بتوسط حکم عملیاتی تنظیم میگردد بطریقی که هیچیك از عوامل قوای عمده به قسمت عقب اولین میدان نبرد قبل از آنکه جلو دارها خط جبهه آن میدان را تصاحب نموده باشند نرسیده باشد .

تاموقعی که عوامل اکتشاف حضور دشمن رااطلاع نداده‌اند بمنظور بدست آوردن وقت بهتر است که فرمانده لشگر فرماندهان جلودارها را در تنظیم حرکات خود آزاد گذارد .

ولی هرقدر به دشمن نزدیك ترشویم احتیاطات بیشتری لازم میشود وفرمانده لشگر شخصاً حرکات جلودارها راهدف بهدف تنظیم مینماید .

وبعداً موقعی میرسد که احتیاط مستلزم آن است که جلودارها به پیشروی ادامه ندهند قبل ازآنکه تمام توپخانه ۷۵ وحتی توپخانه سنگین برای کمك آنها حاضر بوده وقوای عمده آرایش خود را جمع کرده باشد .

راجع به تغییر مکان دادن توپخانه طبق قاعدهٔ عمومی قسمتهای توپخانه که مأمور کمك جلودارها هستند در رده های متوالی حرکت مینمایند بطوریکه دائماً بتوانند باپیاده نظام درضمن انجام خیزهایش در عین آنکه تحت امر فرمانده لشکر باقی میمانند کمك کنند

در مواردیکه مستلزم عدم تمرکز فرماندهی است فرمانده لشکر می تواند حرکات توپخانه ۷۵ را تنظیم نماید وحرکات آنها تحت نظر دقیق فرمانده توپخانه لشکری بوسیله فرماندهان ستونها تنظیم میشود وآن عبارت است از رده‌های آتشبار در گردان یا رده‌های گردان در طرفی که دو گردان موجود باشد

حرکات توپخانه سنگین توسط فرماندهٔ توپخانه لشکری طبق دستورات فرمانده لشکر تنظیم میگردد اگر لشکر دارای توپخانه ۱۰۵ باشد بهتر است که این توپخانه

را در جلو آرایش قرار دهند تا تهیه تیر های ضد آتشبار امکان داشته باشد

بطور خلاصه تقرب بوسیله خیز ها شامل دو نوع اشتغال است

اولی اشتغال مانوری است بمنظور بردن قوای عمده متوالیا در مناطقی که برای استعمال ضروری آن مناسب باشد

دومی تامین است بمنظور تطبیق بین حرکات جلودارها وقوای عمده وحصول تأمین لازمه برای این قوای عمده در ضمن پیشروی

این تطبیق حرکات همیشه یکسان نیست در عزیمت شدتی ندارد و هر قدر بدشمن نزدیکتر میشویم رابطه بین جلودارها و قوای عمده شدید تر می گردد

ابتدا تبعیت جلودار ها میشود بعد متدرجا فرمانده لشکر طرز پیشروی آنها را معلوم میکند و حتی در بعضی موارد ممکن است فرمانده لشکر امر دهد که جلودارها بعد از هر خیز منتظر شوند که قوای عمده به آنها ملحق شود این طرز در زمینهای صعب‌العبور و مواقعیکه اطلاعاتی از دشمن در دست نیست قابل قبول است ولی البته این تأمین بضرر کامل سرعت میباشد

اینك چند نکته مهم راجع بتقرب را بعد از جنك ذکر میکنیم .

۱ ـ از بین رفتن ستونهای بزرك که ازدور دیده شده وبمحض رسیدن در میدان تیر توپخانه کالیبر متوسط(۱۲ الی ۱۵ کیلومتر) بسیار مورد خطر بوده است وچون ابتدای میدان نبرد نزدیك شده تقرب نیز باید زودتر شروع شود

۲ ـ طریقه پیشروی جلودارها که در عمق رده بندی نشده بلکه در عرض رده‌بندی میشوند و میتوان گفت موقعی که در تماس جبهه اخذ تمام شده باشد دیگر جلوداری وجود نداشته و یك رده اول رزم برای تشکیل سریع یك جبهه آتش که در سایه آن فرمانده لشکر مانور خود را تهیه میکند بوجود میاید

۳ ـ توجه دائم به تطبیق حرکات جلودارها وقوای عمده یعنی پیشروی به وسیله خیزها و قوای عمده نباید وارد یك منطقه زمین شوند بدون آنکه مخرج آن را جلودارها اشغال نموده و در صورت امکان دیدگاههای ممکنه برای تنظیم تیر توپخانه خصم را در دست داشته باشد

٤ ـ لزوم استتار دائمی قوای عمده بوسیله اخذ آریش مناسب چه اگر عوامل تأمینیه قوای عمده را از آتش مسلسل محفوظ میدارند ولی آنرا از هوا پیمائی و توپخانه سنگین و متوسط خصم حفظ نمیکنند

- ۲ -

اخذ تماس

ملاحظه شد بچه طریق لشگر پیشروی مینماید اینك بتجزیهٔ وقایعی می پردازیم که متوالیاً ازموقعی که لشگر داخل منطقهٔ آتش‌های دشمن میشود واقع میگردد :

اولین مانوری که مورد توجه فرمانده لشگر است چیست .

این مانور عبارت است از گستردن اولیه لشگر در موقع اخذ تماس بادشمن این گستردن عملی است که باو اجازه میدهد برای رد حملات دشمن یاضربت به آن حاضر باشد وچون مقدمهٔ عمل است باید بدون آنکه دربکاربردن پیاده نظام اصراف شود صورت پذیر گردد واین ماموریت را جلو دارها انجام داده وبقیهٔ واحدهای پیاده نظام قدری عقب‌تر دراختیار فرمانده لشگر باقی میماند .

بنابراین فرمانده لشگر میتواند باعواملی که درعمق رده بندی شده‌اند داخل درنزاع گردد یعنی :

گروه اکتشاف ـ که وسیلهٔ تجسس واکتشاف وتامین دوراست .

جلو دارها ـ که تحت امر فرماندهان هنگهای پیاده نظام مربوطه یعنی

فرماندهانی که دارای وسائل قوی فرماندهی و استخبارات بوده ویك احتیاط قوی آتش در اختیار دارند می باشند .

توپخانه ۷۵ ـ که کلیهٔ آن درروی جبهه پیشروی تقسیم شده است تابتواند فوراً احتیاجات ودرخواستهای جلودار هارا اجابت کند .

پشتیبان جلودارها ـ که عبارتند از گردانهای اولیه قوای عمده ودر موقع تقویت یا کمك جلودارها فرمانده لشگر به آنها امر لازمه را خواهد داد .

احتیاط ـ که عبارت است از بقیهٔ قوای عمده .

بنابر این فرمانده لشگر دارای یك سیستم پیوسته وقابل انعطافی است وسه عامل اصلی برای یك صورت بندی مطمئن وتدریجی جهة گستردن موجود است این سه عامل عبارتند از : عاملی که اکتشاف میکند ـ عاملی که پوشش راتامین مینماید وعاملی که حاضر برای دخول در کاراست .

حسن عمل این سیستم مستلزم حضور فرمانده لشگر است که در مجاورت گردانهای پشتیبان جلودارها قرار می گیرد وبوسیلهٔ خیزها جاده ای راکه درطول آن محور مخابرات لشگر مستقر شده است متابعت مینماید ودر نزد او فرماندهان توپخانه وپیاده نظام لشگری حضور دارند .

طبق تشکیلات مذکوره دوحالت را متوالیاً تحت بررسی قرار میدهیم :

۱) ـ دشمن درمقابل پیشروی ما وضعیت تدافعی اتخاذ ومنتظر ما است ومهلت لازمه را برای استقرار طرح آتش خود داشته است .

۲) ـ دشمن بمنظور تعرض برای تلاقی باما پیش میاید .

حالت اول ـ دشمن در موضع تدافعی

درموقع بررسی موضع دفاعی مشاهده خواهد شد که نفع مدافع دراین است که درجلوی

موضع مقاومت خود پاسدارهائی قرار دهد که خط مقاومت اصلی را پوشانده ومهاجم را مجبور کنند دیدگاهها ومبنای عزیمت لازمه برای حمله به این موضع را فتح نماید ودرجلوی این پاسدارها عوامل سبکی (سوار نظام ـ دو چرخه سوار ـ زره پوش) درصدد تلاقی بادشمن برمیایند تاپیشروی وی را به تاخیر انداخته وخط سیر ان را تعیین نمایند وبالاخره قسمتی از توپخانه موضع ابتدا برای تأخیر در پیشروی دشمن به تیرهای دور ـ قرق وتصدیع خواهد پرداخت .

بنابراین لشکر در پیشروی با مخاطرات ذیل متوالیاً روبرو میشود

تیر اندازی دور توپخانه

مقاومتها یا خطوط آتش غیر مداوم پیاده نظام پستهای مقدم .

مقاومتها یا خطوط آتش مداوم پیاده نظام وتوپخانه موضع مقاومت

طبیعی است که این رده‌بندی وسائل عمل دفاع در عمق کم و بیش به تناسب وقت ووسائل مدافع کامل است بطوری که مهاجم که هیچوقت بطور صحیح اهمیت مقاومتهائی را که به آنها برخواهد خورد نمیداند همیشه مجبور است که نوع و مقدار این مقاومت های اولیه دشمن را بوسیله مانور تحقیق وحدود ظاهری آن را معلوم کند .

معمولا سوار نظام مورد آتش اولین تیرهای تفنك واقع میشود به بینیم چه میتواند بکند .

آیا داخل رزم شده و جواب آتش را بوسیله آتش میدهد

البته این عمل محال نیست ولی سوار نظام لشکری که توپخانه ندارد برای از بین بردن موانع نیست بلکه برای آنست که از بین موانع عبور نموده به بیند در عقب این موانع چه خبر است

در نقطهٔ که مورد آتش واقع میشود باید در صدد عبور از راست وچپ براید

و باین ترتیب یا مقاومت دشمن در مقابل خطر تجاوزی سقوط می یابد یا اقلا یك تعداد نقاط مقاومت دشمن در محل تعیین میشود

ولی در صورت لزوم اگر فرمانده این سوار نظام بخواهد اطلاعات کاملتری راجع بیك نقطه که بخصوص مورد توجه فرماندهی است حاصل نماید ممکن است در صدد اجرای یك ضربتی به آن نقطه برآید ولی همیشه بدین منظور باید آتش وحرکات تجاوزی عوامل سواره بایکدیگر توأم شود زیرا قدرت گروه اکتشاف لشکری که در حالت پیاده بجنگد برای حصول نتیجه خیلی کم است

درهرصورت سوار نظام تدریجا یك عده نقاطی را که در دست دشمن است تعیین و بطور کلی حدود ظاهری آنرا مشخص میکند ولی اغلب نمی تواند مقدار مقاومت را معین نماید و وظیفه وی موقتاً تمام است و باید در تماس باقی مانده و منتظر رسیدن جلودارها شده و عمل را به پیاده نظام واگذار کند و بمحض آنکه پیاده نظام عهده‌دار عمل شد طبق اوامر اولیه فرمانده لشکر سریعا جمع شده یا در اختیار فرماندهان جلودار باقی میماند تا بعد از آنکه پیاده نظام مقاومت را از بین برد مجددا به پیشروی بپردازد یا بماموریت دیگری مانند ارتباط یا پوشش یك جناح گمارده شود.

فرماندهان جلودار که متدرجا در نتیجه وصول اطلاعات ارسالی فرمانده گروه اکتشاف از نقاط مقاومت دشمن مطلع شده‌اند آرایش لازمه‌را بواحدهای خود برای دخول سریع در رزم میدهند وچون از حیث وسایل آتش از گروه اکتشاف قویتر و کمك توپخانه نیز دارند جلودارها بنوبت خوددر صدد از بین بردن مقاومتهائی که باعث توقف سوار نظام شده است برمیایند

طرز عمل پیاده نظام در این مرحله از رزم از موضوع این کنفرانس خارج

است ولی معهذا باید متذکر بود که در این مورد باید بیشتر بمانور برداخت و بوسیله دخول تدریجی جلودارها در شکافها یا مناطق غیر متصرفه بسقوط این نقاط یکی بعد از دیگری و مقاومت فرعی دشمن با حداقل تلفات موفق شد

باید دانست که فرمانده لشکر در این مرحله باید حوصله داشته باشد زیرا عمل بطی است و پیشروی بااحتیاط وتحت آتش تعداد ولو مختصر اسلحه های خودکار انجام می گردد قبل از آنکه محل این اسلحه ها تعیین و بتوپخانه اعلام شود

در ضمن این عملیات قابلیت تعرض جلودارها که گردانهایش در منطقه عریضی تفرقه یافته و علی الاجبار دارای عمق نیست سریعاً ضعیف میشود و اگر دشمن به وسیله مانور عوامل مقدم خود گردانهای جلودار را مجبور کند که دائماً درحالت تفرقه پیشروی نمایند لحظه خواهد رسید که این جلودارها در مقابل یك خط آتش مداوم پیاده نظام واقع و متوقف خواهد گردید پس در عوض آنکه جلودارها بیك نزاع غیر متناسبی بپردازند که ممکن است باعث تلفات زیاد بدون اخذ نتیجه گردد آنها نیز بنوبت خود متوقف شده درعین آنکه دائماً درصدد اکتشاف دشمن بوسیله دیده‌بانی برمیایند به آرایش زمین میپردازند.

وظیفهٔ عوامل تأمینیه درحرکت موقتاً تمام میشود درحالتی که در روی تمام جبههٔ لشکر تفرقه یافته و تاحدی به آرایش دشمنی که باعث توقف آنها شده است چسبیده اند تشکیل اولین ردهٔ آتش را داده تا در عقب آنها فرمانده لشکر با قوای عمده وتوپخانه سنگین که مشغول انجام خیزهای خودهستند مانوری را که باماموریت آن لحظه مطابقت داشته باشد صورت بذیر نماید

حالت دوم - دشمن درحرکت

اگر دشمن برای تلاقی با ما پیش میاید البته خطر مداخله توپخانه دور زن آن کمتر است وشاید چنین بنظر می آید که باید تفرقه درعرض را دیرتر شروع

کرد ولی اگر دقت شود چون دشمن پیش می‌آید مسافتی که ما را از وی جدا میکند دو مرتبه سریع تر از حالت اول نقصان می یابد و برای اجتناب از آنکه تلاقی در عین انجام تفرقه حاصل شود که این خود عمل خطرناکی است بهتر است که در این مورد نیز مانند حالت قبل تقرب را دور از دشمن شروع کنیم.

اولین نتیجهٔ را که باید حاصل نمود عبارت است از متوقف ساختن دشمن در روی مجموعه منطقه عمل والا ممکن است ابتکار عملیات بدست دشمن افتد

بالاخره اگر در مقابل یك دشمن متوقف اطلاعات واصله از سوار نظام در موقعیکه پیاده نظام جلودارها رزم را عهده‌دار میشود هنوز حقیقت دارد و بالنتیجه جلودارها با اطلاع از وضعیت آرایش لازمه را اخذ مینمایند بالعکس درمقابل دشمن متحرك برای سوار نظام بسیار اشکال دارد که جلودار ها را بموقع در جریان تغییرات یك جبهه دائما متحرکی نگاهدارد چه فلان ده یا فلان محلی که در فلان ساعت خالی بوده است ممکن است در فلان ساعت و چند دقیقه بر از مسلسل باشد این عدم اطلاع راجع بمکان های فعلی دشمن وتوجیه جبهه او مستلزم آنست که اگر میخواهیم دشمن را متوقف سازیم آرایش لازمه را قبل از او اخذ کنیم و باوجودی که باعث بطوء پیشروی می شود جلودارها باید قبلا یك جبهه رزم تشکیل و خطوط متوالی زمین را اشغال کنند (مانند یك مانور بدون حضور دشمن) یعنی رده‌های آتشی که قادر بتحت آتش گرفتن سریع دشمنی که ناگهانی ظاهر میشود باشد در جای قرار دهند

در مقابل دشمن متحرك فرماندهی باید از نزدیك شاهد اخذ تماس باشد تا بتواند بدون تأخیر رفتار لازمه را در قسمتهای مختلفه جبهه تنظیم نماید

باید بتصرف زمین زیاد اهمیت نداد بلکه اشتغال اصلی فرمانده باید برقراری

وسایلی باشد که بر وسایل دشمن برتری داشته و قبل از او حاضر بکار باشد با جبهه های عمل امروزه نمیتوان مانند سابق گفت هرجا با دشمن تلاقی حاصل شد باید حمله کرد باید فرمانده منطقه تلاش خود را به نسبت منظوری که دارد برای تمرکز وسایل لازمه انتخاب و سریعاً قسمتهائی از جبهه را که در درجه دوم اهمیت واقع شده اند تعیین کند و در این مناطق در نتیجه اخذ وضعیت تدافعی صرفه جوئی در قوا را عملی نماید

برای آنکه تجزیه مسئله اخذ تماس کامل باشد باید حالتی را نیز در نظر گرفت که دشمن پس از آنکه جلوداران را مجبور نمود برای تعیین حدود ظاهری وی بحالت تفرقه درآیند و لشکر مشغول تهیه حمله است ناگهانی غایب شود چه این طریقه رفتار معمولی در مانور در عقب نشینی است ومقصود از آن بتاخیر انداختن مهاجم است بوسیله برقراری یك پرده آتش که اکتشاف آن مستلزم زمان میباشد

چطور در مقابل چنین وضعیتی مهاجم میتواند این مدت زمان تلف شده را بحد اقل رسانده و بعداً چه رفتاری باید داشته باشد

اول باید دانست که این عمل جز برای حصول وقت بمنظور عقب نشینی قوای عمده بعد از یك شکست یا برای استقرار روی یك موضع انتخاب شده در موارد دیگر مفید نیست

باید امید داشت که در چنین مواردی فرماندهی بوسیلهٔ قوای هوائی خود اطلاعاتی از قوای عمدهٔ خصم دارد اگر این قوای عمده نسبتاً دور هستند به جلو داران دستور داده میشود که رفتار آنها کاملا تعرضی بوده تا دشمن نتواند در روز قطع تماس نماید.

ولی فرض کنیم که بعلت فقدان اطلاعات لازمه یا نداشتن وسایل مکانیکی

برای قدرت تعرضی جلودار ها فرمانده لشکر قریب بخورد وپس از آنکه جلودار هامجبور به تفرقه شدند دشمن به موقع موفق به قطع تماس گردد آیادراینصورت میتوان با همین جلودار ها که در روی زمین پراکنده شده اند و در نتیجه تا مدتی قابلیت مانور ندارند به دنبال دشمن رفت ؟

اگر بخواهیم دشمن رادنبال کنیم برای آنکه وقت کافی برای تجدیدعمل فوق الذکر نداشته باشد باید فوراً جلودار های جدیدی از اولین عوامل قوای عمده که هنوز در روی جاده هستند تشکیل و پیشروی را ادامه داد و جلودار های سابق پس از اجتماع جزو قوای عمده میشوند و چون برای دشمن یك مدت وقتی لازم است تا طرح آتش خود را صورت پذیر نماید هر قدر عجله کنیم و فشار آوریم بیشتر امید است قبل از آنکه پرده آتش خود را تهیه نموده باشد باو برسیم.

ولی باید تمام وسایل تجسس اطلاعات را بکار برد کهاز حرکات قوای عمده دشمن اطلاعات لازمه را برساند چه ممکن است که دشمن درضمن عقب نشینی ما را درمیدان نبردی که انتخاب نموده است داخل وغفلت گیر کند وباید بهر قیمتی که هست ازرسیدن به قوای عمده دشمن باوسایل غیرمتمرکز اجتناب نمود

(۳)

در گیری

در موقع بررسی اخذ تماس ذکر شد پس از آنکه جلودار ها در مقابل یك خط آتش مداوم متوقف گردیدند تشکیل جبههٔ رزم تدافعی داده و در عقب این جبهه قوای عمده، توپخانه سنگین پیشروی راادامه و آرایش مقدماتی رزم را اخذ میکنند

برای تجزیه وقایع بعدی متوالیا دو حالت در نظر گرفته میشود یکی حالت دشمنی کهمتوقف ومنتظر ماست دیگری حالتی کهدشمن نیز باقصد تعرض بطرف ما پیشروی میکند

الف – حالت یك دشمن متوقف

در این حالت مقصود عبارت است ازتعیین قدر و قیمت مقاومتی که باعث متوقف ساختن جلو دارها گردیده است و باید دانست که این مقاومت مربوط به عوامل حمایت خط مقدم یا ردهٔ مقاومت پاسدار ها یا موضع مقاومت مستحکم و اشغال شده میباشد

بعضی علامات است کهمیتوان برطبق آنها یك فکر اولیه راجع به اهمیت عوامل دشمن پیدا نمود مانند تکاثف آتش پیاده نظام – کالیبر گلوله های توپ – اکتشاف هوائی که عمق و توسعه تشکیلات تدافعی را معلوم میکند ولی این علائم خیلی مطمئن نیست زیرا یك پرده آتش که خوب مستقر شده باشد مانند یك خط مستحکمی بنظر میرسد – گلوله های توپ ممکن است از مسافات دور یا نزدیك برسد و تشکیلات تدافعی را مستور نماید بطوری که نتوان درروی زمین تحقیقاً تشخیص داد که یك موضع مربوط به پاسداران است یا مربوط به مقاومت اصلی است.

بطور عموم بهترین طریقه کسب اطلاعات مطمئن حمله کردن است زیرا عکس العملی که درمقابل حمله دروضعیت دشمن ظاهر میشود معلوم میکند که آیادر مقابل یك پرده آتش مختصری واقع شدهایم یایك موضع مقاومت.

این حمله که مقصود ازآن تعیین ارزش تماس حاصلهاست موسوم بهدر گیری می باشد.

عملا برعهده فرمانده سپاهاست که برای لشکرهای رده اول شرایط لازمهرا

برای این حمله تعیین نماید وممکن است دوحالت اتفاق افتد .

۱ ـ فرمانده سپاه تصور میکند فقط باخط مقاومت ضعیفی که باموضع مقاومت مسافت زیادی دارد روبرو خواهدشد بنابراین احتیاجی به تمرکز عمل سپاه نیست و فرماندهان لشگر ردهٔ اول را در درگیری روی محورهای تلاش خود وانتخاب هدف ها آزاد میگذارد ولی برای اجتناب از استعمال زیاد پیاده نظام بکار بردن بیش از دو هنگ را ممنوع میسازد.

دراین صورت عمل ساده‌ترین شکل خود دراداشته وممکن است سریعاً انجام گردد .

۲ ـ فرمانده سپاه تصور مینماید درمقابل مقاومت شدیدتری مانندعوامل پوشش قوی یاپاسدار هائی که درنزدیکی یك موضع مقاومت مستقر شده‌اند واقع‌شده است :

دراین حالت درهم شکستن مقاومت خصم مستلزم عملیات اولیه پرقدرتی است وفرمانده سپاه عمل‌را عهده دار ، تلاشهای لشگرهارا توأم ، سمتهای درگیری(۱) و هدف‌هارا تعیین وعمل توپخانه سپاه‌را تمرکز میدهد .

راجع به تعیین عملیات پس‌از صورت پذیر نمودن شکاف به‌نسبت فرضی که راجع به‌دشمن شود عمل متفاوت است .

درمقابل یك آرایش پوشش به‌محض‌اینکه مقاومت دشمن‌درهم شکست میتوان لشگرهارا مجزا نمود .

---

(۱) این سمت‌ها ممکن‌است ملحق به یکدیگر یااز یکدیگر مجزا باشند در صورت اول‌قدرت درگیری سپاه بیشتر وحمایت آنرا چون دوجناح حمله بیشتر ندارد تسهیل‌میکند صورت دوم دارای قابلیت انعطاف مانور برای بعد میباشد وممکن است سریعا باعث درهم شکستن مقاومت دشمن شود ولی مستلزم حمایت چهار جناح بوده ودرعوض تمرکز دادن عمل توپخانه باعث تفرقه آن میگردد :

درمقابل یك آرایش پاسدار هادرجوار یك موضع‌مقاومت‌محکم چون‌مداخله توپخانه دفاع ممکن است ودر این موقع مهاجم هنوز توپخانه کافی حاضر ندارد فرماندهٔ سپاه محتاط مانده نه‌تنها لشگرها را مجزا نمیکند بلکه خطی را که نباید از آن تجاوز نمایند نیز مشخص مینماید

باید دانست که درگیری مستلزم هرعمل تعرضی نیست وممکن است حالاتی اتفاق افتد که بعلت اطلاع کافی ازوضعیت دشمن ازدیاد تماس لازم نشده وفرماندهی تصمیم گیرد که قوای عمده را درعقب جبهه که جلودار ها اشغال نموده اند به انتظار رسیدن وسایل لازمه برای حمله متوقف ساخته ویك مرتبه بموضع پاسدارها وموضع مقاومت حمله نماید

درهر حالت درگیری سپاه‌برای‌لشگرهای رده‌اول منجر به‌یك‌حمله می گردد ومختصات این حمله دومطلب ذیل است .

۱ ـ آرایش دشمن نسبتاً دارای عمق کمی است

۲ ـ لشگرهای مهاجم دراین موقع عموماً فقط دارای وسایل تشکیلاتی‌خود بوده وبالنتیجه قابلیت تلاش آن‌ها محدوداست .

نتیجه حاصله از مراتب فوق این است که برای درگیری تلاش در روی تمام جبهه عمل امکان ندارد وکافی است که در چندین نقطه که بخوبی انتخاب شده‌باشند آرایش‌دشمن‌را درهم شکست واین خود باعث سقوط‌وضعیت تدافعی‌خواهد گردید .

بنا براین درگیری عبارت‌است‌ازتلاش متناسب‌وموزون‌درزمان وفضا ومستلزم تعداد قلیل گردانهائی است که‌ا بوسیله‌تمامی‌وسایل‌آتش موجود تقویت شده‌ومقصود ازآن‌تولید یك یاچندین شکاف درجبههٔ‌دشمن است وعرض کلی این شکاف‌ها متناسب باوسایل توپخانه است .

عملیات تولید شکاف ها باید فوراً بوسیله عملیات دیگری مورد استفاده واقع گردد .

این عملیات ثانوی یا بوسیلهٔ واحد های رده دوم که وارد شکاف شده و در صدد توسعه آن برمیایند انجام میشود.

یا بوسیلهٔ واحد های خط اول که در مقابل قسمتهائی ازجبهه که موردحمله نیست قرار گرفته اند وابتدا ماموریت آنهابوشش حمله بوسیلهٔ آتش است و بایستی حاضر باشند که به محض ظهور کمترین لرزش در دشمن آن ها نیز به جلوروند .

اینك به جزئیات تهیهٔ طرح در گیری بپردازیم :

دشمن ـ تماس درروی تمام جبههٔ عمل و درعقب این جبهه وضعیت نامعلوم .

وسائل . جلودارها بکلی گسترده شده به زمین چسبیده و فعلا برای تلاش جدیدی قابلیت ندارند در عقب این جلودار ها قسمتهای ردهٔ اول که هنوز در گیر نشده است و باز هم عقب تر قسمتهای ردهٔ دوم که هنوز بهیچوجه استعمال نشده اند حاضر بکارند

راجع به توبخانه واحد های ٧٥ تا این لحظه به نفع جلو دار ها داخل عمل شده و قطعاً تمام آنها توپ پائین نموده اند ولی معهذا با قدری مهلت برای انجام هر ماموریت جدیدی که از طرف فرمانده لشگر تعیین شود حاضر هستند .

توبخانه‌سنگین کوتاه معمولاهنوزداخل عمل نشده دروضعیت راه حاضراست

توبخانه ١٠٥ سپاه ممکن است که در مجموعهٔ توبخانه سپاه شروع بتشکیل تیر های ضد آتشبار نموده باشد و الا برای ادامهٔ عمل تحت امر فرمانده توبخانه لشگری حاضر است

بالاخره اگرفرمانده سپاه عوامل تقویت مانند عرابه‌های جنگی یا توبخانه

خودرو در اختیار خود دارد در این موقع یك گروهان عرابه جنگی ویك گروه توبخانه باختیار لشگر میگذارد.

این عوامل تازه وارد منطقه لشگر شده از وضعیت بی خبر و هیچ ارتباطی دایر نموده اند .

زمین ـ در این موقع زمین از دونقطهٔ نظر جلب توجه فرمانده لشگر را مینماید یکی سهولت در جای خود قراردادن عواملی که بایدحمله کنند ودیگری اجرای آتشی راکه برای عوامل خودی یادشمن میتوان صورت پذیر نمودبدیهی است که انتخاب مناطق مجزای از یکدیگر ارجح است زیرا باعث تقلیل تعداد اسلحه های خود کاری که بتواند موثراً بر ضد عوامل حمله کننده داخل عمل شوند می گردد.

حال بررسی کنیم که با داشتن این عوامل چگونه باید مسئله راحل نمود .

موضوع اصلی مقدارتوبخانه موجود است زیرا در نتیجهٔ میسورات توبخانه در تقویت و حمایت پیاده نظام است که قطعاً مقدار پیاده نظام برای در گیری در شرایط مطلوب تعیین میشود.

معمولا فرمانده لشگر ٣ یا ٤ گردان ٧٥ و ٢ گردان ١٠٥ کوتاه در اختیار دارد ولی نمیتوان تمام آنها را به مصرف تقویت در گیری رساند زیرا در بقیهٔ جبهه نیز باید دشمن را تحت فشار قرار داد و برای از بین بردن تعرض دشمن در ضمنی که تعرض لشگر تهیه میشود حاضر بود واین عمل اقلا مستلزم یك گردانمیباشد بنا بر این دو گردان٧٥ باقی میماند ومیتوان در گیری را با این دو گردان تقویت نمود و با دو گردان ١٠٥ کوتاه پوشش آنرا تامین کرد و این مقدار توبخانه عمل در روی یك جبهه در حدود ١٠٠٠

متر را تامین می کند و چنین جبهۀ مستلزم به کار بردن دو گردان پیاده است .

بهتر است که این گردانها را از عوامل ردۀ اول انتخاب نمود چه منفعت درآن است که هر قدر امکان داردهنك سوم لشکر برای عملیات بعدی بطور کامل باقی بماند .

البته جلو دار ها هر چند که متوقف گردیده اند در تقویت در گیر ی مخصوصا برای پوشش جناحین آن باحد اکثر اسلحه‌های خودکار اقدام مینمایند برای بکار بردن این وسایل دو راه حل بنظر ممکن است : در گیر نمودن آنهامجموعا روی یك قسمت از جبهۀ عمل یادر گیر نمودن آنها درروی دوقسمت از این جبهه .

راه حل دوم در نظر اول مرجح‌است زیرا باعث تفرقه توجه دشمن شده و در صورت موفقیت سریع تر مقاومت خصم را از بین میبرد ولی در عوض تلاش مهاجم را نیز متفرق نموده ومخصوصاً درعوض پوشش دو جناح چهارجناح رابابد پوشاند و از تکاثف تیر های حمایت کاسته میشود و بعلاوه حملۀ که در روی جبهه خیلی کم عرض انجام میشود خطر آنرا دارد که سریعا موردآتش متمرکزموضع تدافعی واقع گردد (۱) .

به این دلایل بهتر است که تلاش در گیری فقط دریك‌قسمت از جبهه عمل اجرا شود ،

---

(۱) از تجربیات جنك چنین حاصل شده است که عمق پیشروی یك حمله تقریبا مساوی است بانصف طول مبنای حمله یعنی واحدی که روی جبهه هزارمتری حمله میکند بیش از ۵۰۰ مترنمیتواند داخل آرایش دشمن گردد .

چگونه این جبهه را باید انتخاب کرد .

اگر فرمانده سپاه در گیری دولشکر خط اول راتوأم میکند واضح است که برای‌اجتناب ازتغییر جای دادن عرضی بهتر است که در صورت موافقت زمین جبهه در حد عمومی منطقۀ عمل دولشکر انتخاب شود .

اگر فرمانده سپاه لشکرهای‌خط اول رابرای در گیری آزادومختار گذارده است لشکر ها بایستی ابتدا در روی محور تلاش خود منطقه در گری را جستجو کنندولی نباید زیاد پای بست این‌محور گردید واگروضعیت زمین طوری است که در گیری در منطقه دیگری پر حاصل تر و کم خرج تر باشد فرمانده لشکر میتواند موقتاًازاین محور تلاش منحرف شود بشرط آنکه فوراًبعد مجدداً آرایش خود را با محور سابق تطبیق دهد .

انتخاب فرمانده برای این عمل و مهلتی که برای شروع آن لازم است چگونه‌خواهد بود .

یك راه حل این است که فرماندهی در گیری را به فرمانده هنك پیاده نظامی که منطقه در گیری در منطقۀ عمل او انتحاب شده است واگذار کنیم زیرا مشارالیه با زمین آشنائی داشته رفتار و آرایش ظاهری دشمن را بهتر ازهر کس میشناسد .

ولی این فرمانده هنك کار های دیگری هم دارد و بعلاوه در گیری اغلب مستلزم بکار بردن واحد های هنك مجاور نیز بوده و باید طرح استعمال توپخانه را نیز تعیین کرد بنا بر این بهتر است که عمل بعهده فرمانده پیاده نظام لشکری که ابتدا مجموعۀ مانوررا در نزد فرمانده لشکر متابعت نموده و در جریان مقاصد فرماندهی است و یك ستاد حاضر بکار در اختیار دارد واگذار نمود .

بس ازآنکه فرمانده لشکر تصمیم خود را اخذ نمود حکم فوراً تهیه میشود.

در این مورد نباید یك حکم عمومی عملیاتی تهیه و چاپ نمود بلکه کافی است حکم مختصری توسط رئیس ستاد لشکر به دو یا سه نفر از افسران ستاد دیکته شود.

حضور فرماندهان پیاده نظام و توپخانه لشکری (فرمانده هنك توپخانه سنگین نیز نزد فرمانده توپخانه لشکری است) در نزدیك فرمانده لشکر باعث میشود که در وقت صرفه جوئی شده و قبل از آنکه حکم صادر شود مقدمات اجرای عمل فراهم شده باشد

معهذا مقصود از سرعت عجله نیست و اگر باید مهلت تهیه این عمل بحداقل تقلیل داده شود ولی نباید در اجرای آن اقدام نمود مگر وقتی که هر یك برای انجام وظیفه خود حاضر باشند چه در جای خود قرار دادن پیاده نظام و گاهی عرابه های جنگی تغییر مواضع بعضی از واحد های ۷۵ استقرار توپخانه سنگین لشکری حاضر نمودن چند ارتباط لازم مستلزم مدت زمانی است که تجربه ثابت نموده است که کمتر از ۳ ساعت نخواهد بود و این مدت لازمه را باید فرماندهی بداند تا نگذارد که مجریان عجله نموده و قبل از حاضر بودن داخل عمل شوند.

این حمله یا موفق میشود و یا موفق نمیشود.

اگر موفق نشود تجربه ثابت کرده است که تجدید آن در همان منطقه و با همان ترتیب بیفایده است و بعهده فرمانده سپاه است که در صورت لزوم در صدد توام نمودن تلاش لشکر ها به نحو دیگر برای در گیری جدیدی بر آمده یا اگر موقع آن رسیده است برای تهیه حمله متوقف گردد.

اگر بالعکس موفقیت یابد و باعث عقب نشینی دشمن شود معلوم می گردد که هنوز تماس با قوای عمده دشمن حاصل نشده و باید پیش رفت.

قبلا دیدیم که طبق اطلاعات واصله این تجدید پیشروی بصورت تقرب با روش کم و بیش سریع و احتیاطات لازمه یا بصورت شدید تر نمودن تماس درصورتی که درمقابل جلو دارانی که نزدیك یك موضع مستحکمی واقع شده‌اند باشیم انجام میشود.

ب – حالت یك دشمن متحرك

اگر دشمن به تلاقی ما میاید دیگر نباید درصدد تعیین ارزش تماس در روی یك جبهه انتخاب شده بوسیله حمله بر آمد زیرا در این مورد ارزش تماس دائما بعلت پیش آمدن تدریجی قوای دشمن متغیر است و هواپیمائی باید ستونهای دشمن را در حرکت در عقب جبهه شناخته و تا حدی توجیه ظاهری محور تلاش آن را تعیین نماید.

موضوعی که اهمیت دارد عبارت است از متوقف ساختن عوامل اولیه دشمن زیرا تا دشمن متوقف نباشد نمیتوان مانور نمود و بعداً تصاحب بعضی نقاط مهم که برای عملیات بعدی لازم است.

چون با وسایل موجوده نمیتوان همه جا معاً به تعرض بر داخت در اینحالت در گیری معمولا عبارت است از پیشروی به طرف هدفهای محدود و اخذ وضعیت تدافعی درسایر نقاط جبهه ولی اگر درمقابل دشمن متوقف فقط از آتش احتیاط مینمودیم اینجا باید امکان عملیات تعرضی را از طرف دشمن نیز درنظر داشت که ممکن است باعث درهم شکستن جبهه یا اقلا دخول درعمل قوائی گردد که قبلا منظور نبوده است.

فرمانده سپاه باید درضمن اینکه وسایل خود را مجتمع میکند رفتار هریك از لشکر ها را بوسیله تعیین مناطق تعرضی و تدافعی تعیین نماید و موفقیت با طرفی است که زودتر حاضر بوده و وسایل آتش خود را مستقر نموده باشد.

بطور خلاصه در مقابل یك دشمن متحرك اولین نتیجهٔ مطلوب متوقف ساختن وی در مجموعه منطقه عمل است برای حصول این نتیجه باید در گستردن تقدم داشت یعنی اگر منطقه عمل وسیع است جلودار ها را تقویت نمود (آرایش تقربی بادوهنك دردرهٔ اول این موضوع را تأمین میکند) و بالاخره لازم است وضعیتی را که باید درروی جبهه رزم اخذ نمود بدون تاخیر تعیین نمود. این وضعیت تعرضی است اگر اشغال نقاط اتکاء برای عملیات بعدی لازم است و تدافعی است درصورتیکه منتظر دشمن شدن در منطقه که توام نمودن عمل صنوف مختلفه را اجازه میدهد بنظر بهتر باشد.

ازاین لحظه به بعد هدایت عملیات بعهدهٔ فرمانده سپاه است اگر درگیری مبدل به رزم عمومی گردد باید بوسیله مانور لشگرهای احتیاط و آتش های توپخانه عمل جبههٔ لشگرهای خط اول را توسعه داد و اگر درگیری منجر به تماس با یك موضع تدافعی شود بازهم برعهدهٔ اواست که جبهه عمل واحدهای حمله را تقلیل داده و وسایل لازمه حمله را حاضر بکار کند.

نتیجه

درآنچه ذکر شد منظرهٔ تقرب واخذ اولین تماس باوسایل فعلی روشن گردید ولی باید دانست که جنك گذشته رانباید درنظر داشت بلکه باید متوجه جنك آینده بود آیا میتوان نفرات باسینه مکشوف را مقابل اسلحه‌های خودکار برای تعیین جبهه اعزام داشت.

آیااز گروه اکتشاف لشگری نتیجهٔ مطلوب حاصل میشود.

درچه مدت وباچه خستگی وچه تلفاتی پیاده نظام یك مسلسل رااز میان برمیدارد.

واضح است که باطرز عمل فعلی هر اخذ تماس بسیار مشکل و بطئی است وچنین بنظر میرسد که وسیله حقیقی شناسائی سریع ارزش یك مقاومت دخول درآن است با ادواتی که بتواند سریعاً ودر تمام اراضی وبدون تلفاتی در مقابل گلوله‌ها پیشروی نماید این وسیله یعنی عرابه جنگی سریع جانشین پیاده نظام که اشغال زمین را تامین میکند نخواهد شد ولی در جلوی او حرکت وراه را پاك میکند.

وبالاخره گروه اکتشاف مبدل به یك واحد زره داری خواهد شد که وظیفه آن ازبین بردن مقاومت های جزئی که باعث تاخیر پیشروی پیاده نظام است بوده و بدون تلفات زیادی پیاده نظام راتاتماس باقوای عمده خصم میرساند.

ولی وجود عرابه جنگی مستلزم اسلحه ضد عرابه جنگی میباشد وبنا براین پیاده نظام بایددارای اسلحه باشد که بتواند عرابه جنگی دشمن را متوقف سازد نوع اسلحه که آیا مسلسل باکالیبر بزرك یاتوپ ترفیقی یاعرابه جنگی قوی تری است از موضوع این فصل خارج است و باید افکار خودرا متوجه این وسائل جدید و طرز بکار بردن آنها بنمائیم.

ب

حمله

۱ ـ در جنگ متحرك

۲ ـ در یك جبهه مستحکم

۱ ـ حمله به یك موضع موقتی

درجنك‌های متحرك نبرد ممکن است به‌دوصورت انجام شود اول نبرد تدافعی بمنظور تهیه تعرض دوم نبرد تعرضی برضد دشمنی که وسایل خودرا مجتمع نموده ومصمم‌است که دفاع کند

حالت دوم مورد بررسی واقع‌میگردد زیرا بهتر می‌توان‌مشخصات رزم‌لشگر را بررسی نمود فرض کنیم که قوای ما در تماس یك موضع موقتی هستند مقصود از موضع موقتی درجنك های متحرك‌موضعی‌است که‌دشمن‌برای دفاع انتخاب نموده طرح آتش خودرا مستقر وآرایش زمین را شروع نموده‌است

چنین موضعی مانند موضع مستحکم نیست ولی وسایل دفاع درعمق رده‌بندی شده‌است دراین موضع نه‌پناهگاه عمیق ونه سنگرهای متصل به‌یکدیگر ونه سیم‌های خاردار متعدد وجوددارد ولی دشمن اسلحه های خودکار خودرا دقیقا قرار داده وآنهارا مستور نموده واز عوارض زمین برای تهیه مراکز مقاومت استفاده کرده ساختن سیم خاردار را درعمق چند متر شروع نموده است

چنین‌موضعی رانباید بدون احتیاطات کافی مورد حمله قراردادومقصود عملیات درگیری نیست بلکه باید عمیقاوارد اینموضع شد وبرای موفقیت‌تنها ورودبموضع پیاده نظام کافی نیست بلکه برهم‌زدن‌آرایش توپخانه‌خصم نیزلازم‌است یعنی پیشروی باید چندین کیلومتر درمنطقه آتش دشمن ادامه یابد

مهاجم باید قبل‌از حمله‌تفوق آتش‌را چه‌در پیاده‌نظام وچه درتوپخانه‌صورت پذیر کند وبرای انکه لشگر موفق به این تفوق آتش شود باید انرا تقویت نمود بنابراین‌باید مناطق عمل‌لشگرهای خطاول‌را کم کردوآنهارا بوسیله‌توپخانه

وعرابه جنگی تقویت نمود ومهمات‌کافی فراهم کرد

هرقدر دراین اقدامات‌عجله شود دوو گاهی سه‌شب برای‌انجام آنهالازم‌است تا وسایل آماده شده مخابرات و ارتباط بر قرار گردد دراین مدت فرماندهی‌نیز درنتیجه‌ا کتشافات هوائی و اطلاعات واصله از دیده بانی زمینی طرح عمل خود را بااندیشه‌کافی تهیه می کند

برای چنین حمله تهیه توپخانه لازم‌است یاخیر ؟

تهیه توپخانه به‌معنی تیرهای دقیق وتنظیم شده که درمدت کم یازیادی قبل از حمله اجرا میشود درصورتی منطقی‌است که‌دشمن آرایش لازمه‌را بموضع داده‌باشد واین آرایش ازطرف مهاجم شناخته ونشان شده باشد

درحالتی که مورد بحث است دشمن وقت آرایش نداشته واطلاعات مهاجم‌نیز ناقص‌است واگر تهیه توپخانه بوسیله تیراندازی روی‌منطقه اجرا شود باعث‌مصرف مهمات‌زیاد میگردد وممکن‌است‌درموقع حمله مهمات کسرآید

بعلاوه چون قسمت مهم توپخانه تقویتی شب حمله موضع می گیرد باید روز به تهیه‌توپخانه پرداخت واین عمل باعث هوشیار کردن دشمن و بالنتیجه اشکال شروع حمله توسط پیاده نظام‌وعرابه های جنگی میشود

به‌این دلایل اگر ممکن است که حمله صبح زود به کمك‌عرابه‌های جنگی شروع شود بهتراست که توپخانه بفاصله خیلی کمی قبل ازساعت حمله تیر اندازی را شروع کندوباید بوسیله تشکیلات دیدبانی نزدیك و ارتباط توپخانه وپیاده نظام برتاثیر تیرهای کمك مستقیم افزود

ولی اگر بعلت وجود یك‌مانعی که عرابه هانمی توانند ازآن عبور کنندیا عرابه جنگی‌حاضرنیست تهیه‌توپخانه اقلا درروی‌آرایش‌شناخته شده دشمن‌لازم‌است

حال به‌بینم درچنین حمله وظایف لشگرها چیست وچگونه عمل خودرا تنظیم می کنند حمله به‌یك موضع هر قدر که این موضع بدون ارایش باشد مستلزم تطبیق تلاش واحدهای بزرگی است که در آن شرکت می کنند بنابر این حمله یك عمل متمرکز شده‌است یعنی فرماندهی بدون مداخله درجزئیات اجرای حمله تلاش هارا بوسیله تطبیق سمت‌های تلاش وتعیین هدف های متوالی وتنظیم کمك‌های متقابله و واگذاری وسایل تقویت لازمه توأم می نماید

سپاه برای لشگرهای خط اول مراتب ذیل‌را معین می نماید

تدبیر فرماندهی که مخصوصا شامل نکات ذیل است :

سمت تلاش سپاه

هدف‌های متوالی که باید درزمان معینی تصرف شود

آرایش کلی مثلا سه‌لشگر پیوسته

یك ماموریت برای هر لشگر به‌نسبت این آرایش که شامل است بر :

سمت تلاش

هدف‌های متوالی

طرز اجرای مانور

جبهه حمله در صورت لزوم

طرز رفتار پس‌از تصرف آخرین هدف

وسایل تقویت (توپخانه - عرابه جنگی - هواپیما)

حدود منطقه عمل

- انتخاب هدف‌های متوالی توسط‌سپاه نتیجه طرز مانوری است که فرمانده می خواهداجرا کندواین موضوع ارتباط کامل باشکل زمین ومیسورات عمل توپخانه‌دارد

یك هدف سپاه شامل منطقه از زمین است که تصرف آن مربوط به یك مرحله مشخص مانور است وباعث تغییر مکان توپخانه یاتغییر تشکیلات گروه‌بندی آن نمی گردد بخصوص اولین هدف سپاه بعداز موضع دفاعی دشمن است ولی این هدف را نمی توان دریك وحله تصرف نمود و بلکه تصرف آن مستلزم تلاش توأم بامتوالی لشگرهااست وسپاه باید عملیات مختلفه‌را درزمان تنظیم کند یعنی آهنك حمله‌راتعیین نماید مدت توقف درروی هدف ها مربوط به‌دلیل آن‌است اگر توقف برای تغییر مکان ادوات وترمیم آرایش پیاده نظام است مدت آن ۳ تا ٤ ساعت واگر فقط برای تغییر آتش توپخانه و پیوستگی دولشگر است مدت آن کمتر خواهد بود

طرز رفتار دراخر عملیات مربوط به‌عقیده‌ایست که‌فرماندهی‌راجع به‌مقاومت محتمل دشمن ودرجه اشکال عملیات حاصل نموده

اگر تصور می کنند که دشمن پس از شکست در موضع مقاومت در صدد استقرار دریك موضع دومی که چند کیلومتر عقب‌تر است برخواهد آمد لشگر ها باید پس‌از تصرف موضع اولی برای اخذ تماس باموضع دومی عزیمت نمایند وفقط درصدد شناسائی آن برآیند زیرا وضعیت مادی آنها اجازه نمیدهد که مجدداً وفوراً حمله کنند

اگر تصور می نماید که دشمن پس‌از شکست درموضع مقاومت‌دارای احتیاط کافی برای مقاومت دیگری نیست باید مقدمات تکمیل موفقیت را در عمق فراهم و برای لشگرها یك محور پیشروی تعیین واجرای آنرا به‌ابتکار آنهاواگذار نماید

وسایل تقویت که در اختیار لشگرها گذارده میشود اگر تلاش سپاه در سر تا سر عملیات در یك محوروبا یك ترتیب انجام میشود این وسایل در تمام‌مدت در اختیار آنها خواهد بود ولی اگر تلاش سپاه از هدفی به هدف دیگر از منطقه

يك لشكر به لشكر ديكر منتقل ميشود به نفع سپاه است كه به هر لشكر وسايل حداقل را واگذار و بقيه را به اختيار خود نكاهداشته و در موارد لازمه بكار برد

با آنچه ذكر شد به تجزيه طرح حمله فرمانده لشكر بپردازيم

الف - عوامل تصميم

ماموريت - مأموريت معمولا شامل است بر :

يك حمله شديد به موضع دشمن درعمق متوسط سه كيلومتر براى تصرف هدف اول سپاه كه شامل درهم شكستن موضع مقاومت است

يك پيشروى در زمينى كه داراى تشكيلات دفاعى نيست (يا خيلى كم) براى تصرف هدف هاى بعدى سپاه وشامل برهم زدن ارايش توپخانه دفاع است

بعداً اكتشاف موضع دوم ياشروع تكميل موفقيت در عمق

وسايل - وسايل مربوط به عمل لشكر درضمن حمله است ولى درجنك هاى متحرك خيلى نادر است كه بتوان به لشكرى كه حتى ماموريت سختى دارد بيشتر از حدود يك توپخانه لشكرى - يك گردان عرابه جنگى و يك گروه هواپيما واگذر نمود

راجع به پياده نظام لشكر بايد درنظر داشت كه قابليت تعرض آن بزودى ضعيف شده و بايد آنها را عوض كرد وبدين منظور بايد داراى دو رده گردان براى اجراى حمله بود

از طرف ديكر وسعت منطقه عمل لشكر در تعيين تعداد گردانها براى حمله مداخله تام دارد

اگر بعلت اهميت مأموريت عرض منطقه عمل لشگر تقريباً مساوى با عرض منطقه ايست كه توپخانه كافى براى حمله به آن موجود است تمام پياده نظام براى حمله بكار برده ميشود دو رده بندى آن درعمق (رده اول ودوم واحتياط) مربوط به توسعه ايست كه براى عمليات پيش بينى شده

اگر بالعكس منطقه عمل لشگر بيش ازجبهه حمله است (اين حالت اكثريت پيش مى آيد) بايد قسمتى از پياده نظام با پشتيبانى حداقل توپخانه در قسمتى ازجبهه كه مورد حمله نيست حفظ شود وبنابراين به مقدار اين گردانها از گردانهاى حمله كسر ميشود ولى گردانهائى كه در حمله شركت نمى كنند بايد آماده بوده واز هر موقع مناسبى براى پيشروى استفاده نمايند

دشمن - نهايت اهميت رادارد كه بطور دقيق وبابكاربردن كليه وسايل كسب اطلاع معلوم شود كه وسايل دفاع دشمن چيست قدرت و عمق تشكيلات آن چه مقدار است

محتمل است كه مهاجم درضمن پيشروى با يك رشته عوامل سنگرى كه وسايل دفاع فرعى اسلحه هاى خود كار را پوشانده و قدرى عقب تر با نقاط اتكاء و آرايش چندى كه مربوط به خط مانع است تلاقى خواهد نمود اين وسايل درعمق ۲تا۳ كيلومتر قرار گرفته وباستثناى منطقه احتياط لشگر ديگر زمين داراى آرايش نبوده ومهاجم به مواضع آتشبار ها ميرسد

زمين - بررسى زمين از طرفى براى تعيين مراحل متوالى حمله در مجموعه جبهه است واگر وسايل براى حمله در تمام جبهه كافى نيست تعيين قسمتهائى از زمين كه بايد تلاش درانجا محدود شود وازطرف ديگر براى تشخيص آنكه طبق شكل زمين چه محصولى مى توان از صنوف مختلفه انتظار داشت و به چه ترتيب بايد آنها را تقسيم كرد

اثر این بررسی طرح تصرف زمین حاصل میشود

ابتدا زمین را درعمق موردبررسی قراردهیم

اولین هدف سپاه معمولا ازمبدء عزیمت دوراست و نمی توان پیاده‌نظام رادر یك وحله تاآن هدف اعزام داشت زیرا خطرزم نمی تواند از چندین کیلومتربدون توقف عبور نماید بدون آنکه وضعیت آن درهم وبرهم شود وبعلاوه به‌محض آنکه پیاده‌نظام درعقب اولین ارتفاع غایب شدپشتیبانی توپخانه از دیدگاههای اولیه بخوبی صورت پذیرنمیگردد وبرای خوبی این پشتیبانی باید دیدبانها به‌این ارتفاع اولی رفته وازانجا تیرهارا تنظیم نمایند

بنابراین بایدبین مبدء عزیمت واولین هدف سپاه یك یاچند هدف تعیین نمود که پیاده‌نظام درروی آنها متوقف شده آرایش‌خود را منظم وزمین را موردبررسی قرار داده سمت خودرا بازرسی کندوتوپخانه دیدبانی ومخابرات خودرا به جلو اعزام دارداین توقف‌ها اصولا از۳۰ تا ۴۰ دقیقه تجاوز نمی کنند

این هدف های میانجی بساید طوری انتخاب شوند که برای پیشروی مبدأ عزیمت خوبی بوده و در صورت رجعت تعرضی دشمن خط مقاومت خوبی نیز باشد.

بین هدف های اول و دوم سپاه ظاهراً دیگر لشگر با مقاومتهای جزئی سروکارداشته واحتیاجی به‌تمرکز وسایل برای‌حمله نخواهدبود وبنابراین بین این هدف‌هاانتخاب هدف میانجی غالبا موردندارد وازبین بردن‌مقاومتهای محلی باختیار فرماندهان زیردست واگذارمیشود

به‌این ترتیب زمین به‌قطعه های‌متوالی تقسیم میشود که‌برای تصرف هرکدام آنها حمله اجرا میگردد

برای تعیین آنکه تصرف این قطعه‌ها معاً یامتوالیاً انجام می گردد باید ابتدا وسایل موجوده را باجبهه عمل مقایسه نمود وبعد شکل زمین را در عرض مورد بررسی قرار داد اگر وسایل کافی است ولی شکل زمین باعث است ابتدا قسمتی و بعد قسمت دیگر را مورد حمله قرار دهند واگر وسایل کافی نیست بساید قسمت به قسمت زمین را درعرض تقسیم ودرصدد تصرف آن برایند

نتیجه این تجزیه تعیین شکل حمله است که دارای انواع ذیل می‌باشد

حمله یك نواخت ودر تمام جبهه اجرا میشود

تلاش تعرضی فقط درقسمتی ازجبهه‌بوده وبقیه جبهه به‌حالت دفاعی باقی‌میماند

حمله شامل تلاش‌های متوالی است که ابتدا دریك قسمت وبعد درقسمت‌دیگر از زمین انجام میگردد

ب — تصمیم

تجزیهٔ که ذکر شدعوامل لازمه را برای تهیه تصمیم بدست مادادهاست

تصمیم اصولا شامل نکات ذیل‌است :

تدبیر فرماندهی

تقسیم قوا

دستورات راجع به‌اجرای مراحل مختلفه حمله

استعمال قوای احتیاط

مأموریت هوا پیمائی

۱ — تدبیر مانور ـ تدبیر فرماندهی درضمن تجزیه که قبلا ذکرشد تقریباً روشن شده است این تدبیر نتیجه‌مأموریتی است که ازطرف‌مقام مافوق تعیین گردیده (محور تلاش وهدف های متوالی) وشرایط مخصوصی کـه زمین تحمیل می نماید (سهولت پیشروی پیاده نظام ـ تطبیق آتش‌های توپخانه)

مانور لشگر دارای چندین مرحله است (تعداد مراحل مساوی است با تعداد هدف های سپاه) وهر مرحله درچند زمان کههر زمان مربوط بهیکی از هدف های میانجی لشگراست می باشدودر هرزمان تلاش یادر تمام جبهه لشگرویادر قسمتهای متوالی است

اگر بخواهیم حمله دارای قابلیت انعطاف باشد باید زمانها (یاتوقف های معین شده توسط لشگرروی هدف های میانجی) رابتوان درصورتیکهموقعیت تکمیل موفقیت پیش آمد کند حذف یاکوتاه نمود واین قابلیت انعطاف حاصل نمی گرددمگرانکه توپخانه کمك مستقیم قبل از خاتمه یك مرحله یعنی موقع تغییر مکانهای عمده توپخانه انشبارهائی بهجلو اعزام دارد

۲ ـ تقسیم قوا ـ پیادهنظام ـ اگر در ضمن یك حمله تغییر جا دادن عرضی خطوط سیر توپخانه نسبتاً سهل است ودر موقع ضرورت می توان عرابههای جنگی را ازقسمتی بهقسمت دیگر منطقه عمللشگر اعزام نمود واین باعث است که بتوان یك واحدرا دردو حمله متوالی بکار برد ولی تمام پیاده نظام کهبایدحمله کند باید سمت بههدف خود قرار گیرد یعنی باید ازابتدای عمل پیاده نظام رادرجای خود قرارداد که مستقیماً درجلوی خود رزم کند

آرایش هنگهای پیاده نظام دارای انواع ذیل است :

درلشگرهای سههنگی دوهنگ دررده اول ویك هنگ درردهٔ دوم یاسههنگ در رده اول آرایش اولی اگرمنطقه عمل کمعرض باشد یااگر تکمیل موفقیت درسمتی غیراز سمت حملهاجرا گردد مرجح است

ولی اگرعرض منطقهعملمستلزم نگاهداری گردانهائی درمقابل جبههٔ که حمله اجراخواهد شد باشد قراردادن دوهنگدررده اول بنظر مشکل میرسدزیرا این دوهنگ اجبار خواهند داشت کهتمام گردانهای خود را در خط قرار دادهو

آرایش آنها دارای عمق نخواهد بود درچنین حالتی قرار دادن سه هنگ در رده اول مرجح است ومناطق عمل آنها بهنسبت پیشروی کم یا بیش عمیقی که بایدصورت پذیر نمایند وبهنسبت شکل زمین تعیین خواهد شد

درلشگرهای چهار هنگی دوهنگ درردهاول ودوهنگ درردهدوم یا سههنگ دررده اول ویك هنگ دررده دوم وبالاخره چهار هنگ دررده اول آرایش دوم وسوم دارای همان خواصی است کهدرمورد آرایشهای لشگرهای سههنگی ذکرشدوآرایش اول در صورتیکهعرض منطقه عمل اجازهدهد دارای این خاصیت خواهد بود کهردهبندی درعمق کاملا صورت پذیر شده ومی توان در موقع تعویض پیادهنظام رده اول بدون هیچ تغییری درآرایش کلی حمله ادامه داد

تشکیل فرماندهی در پیادهنظام بهنسبت شکل حملهتغییرپذیراست وهروقت که اجرای حمله مستلزم توأم نمودن تلاش دوهنگ پیادهنظام یابیشترباشد فرماندهی آن بهفرمانده پیادهنظام لشگر واگذار میشود ولی در هرصورت این فرمانده باید با فرماندهان هنگ دریکموقع بههدفها برسدبرای آنکه درصورت لزوم بهنام فرمانده لشگر دستورات لازمه راصادر نماید

عرابههای جنگی ـ چنین بنظر میرسد که عرابهها راباید درمنطقه بکاربرد که تلاش اصلی صورت پذیرمیشود ولی زمین دراستعمال این ادوات بی نهایت مؤثر است وسهولت یااشکال توپخانهرا دربشتیبانی پیادهنظام نیزباید منظورنمود ودرتقسیم عرابه های جنگی مقدار توپخانه که در هرقسمت جبهه دراختیار است باید محسوب نمود

دو موضوع بخصوص جلب توجه فرماندهی را می نماید :

آیاباید واحدهای عرابه جنگی را ابتدادر احتیاط نگاهداشت

آیا عرابه های جنگی باید از ابتدای حمله وارد عمل شوند یا خط رزم را تعقیب نمایند تا درلحظه که اثرات پشتیبانی توپخانه کم میشود پیاده نظام به کمك این ادوات مسلسل های دشمن را از مسافت کم از بین بردارد

در مرحله لشگر معمولا تشکیل واحد های احتیاط عرابه جنگی ممکن نیست زیرا اولا اغلب لشگر از این حیث غنی نیست ثانیاً فرمانده لشگر از وقایع خط رزم دیر اطلاع حاصل می کند که عرابه هارا برای ترمیم بااستفاده از وضعیت به جلو براند

به نظر میرسد که قاعده عمومی این است که کلیه عرابه های جنگی باید از ابتدا بین هنك های پیاده نظام تقسیم شوند بشرط آنکه در ابتدای کار فقط قسمتی از آنرا بکار برند

راجع به سؤال دوم جواب مربوط به شکل زمین و پیشرفت کار های آرایش زمین توسط دشمن واستعمال توپخانه است

بدون در نظر گرفتن مواردی که بعلت وجود مانع غیر قابل عبور بدون فکر و تردید بکار بردن عرابه ها مستلزم تهیه چند نقطهٔ عبور است استعمال عرابه ها از ابتدای حمله به نظر لازم میرسد و این نیز مربوط به این است که آیا توپخانه قادر به خنثی نمودن تمام اسلحه های خودکار هست یا خیر و میسورات توپخانه لشگری چیست و بالاخره شکل زمین تا چه حد از اثر گلوله های توپخانه کم می کند

بنابراین هر موردی را باید بررسی و تصمیم لازم اخذ نمود

توپخانه - نهایت اهمیت را دارد که پیاده نظام تمام کمك مستقیمی را که لازم دارد در اختیار داشته باشد . مقدار توپخانه که باید بدین منظور بکار برد مربوط به شکل زمین و کمك عرابه های جنگی است و بقیه توپخانه لشگری تشکیل عمل کلی را میدهد

اگر زمین تقریباً یك نواخت و حمله در تمام جبهه یك شکل انجام میشود تقسیم توپخانه کمك مستقیم بین هنك ها و در مدت حمله تغییر نمی کند

بالعکس اگر تلاش حمله تغییر می نماید باید مقدار توپخانه را نیز تغییر داد و سهل ترین راه حل این است که قسمتی از توپخانه ۷۵ را درعمل کلی نگاهداریم که متوالیاً درمنطقه هر هنگی که لازم شود توپخانه کمك مستقیم آن هنك را با آتش خود تقویت کند

بعلاوه نگاهداری توپ ۷۵ در توپخانه عمل کلی هروقت که ممکن باشد مفید است زیرا تنها وسیله ایست که فرمانده لشگر می تواند سریعاً و به درخواست هواپیما هر هدف ناگهانی را که مانع پیشرفت حمله است تحت آتش قرار دهد

۳ - وظیفه واحد های احتیاط - معمولا پس از آرایش خط رزم برای فرمانده لشگر فقط پیاده نظام کمی بطور احتیاط باقی میماند و مورد استعمال آنها بشرح ذیل است

درصورت فرسودگی خط رزم دریك نقطه از جبهه قوای احتیاط جانشین گردانهای رده دوم شده و این گردانها وارد خط رزم می شوند

درصورت رجعت تعرضی دشمن قوای احتیاط موقتاً یك موضع دفاعی در جناح یا در عقب واحدهای حمله اشغال می نمایند

درصورت حصول موفقیت به توسعه جانبی شکاف و تکمیل موفقیت می پردازند

استعمال سوار نظام لشگر در این مرحله فرعی است و معمولا مأموریت آن مراقبت یك جناح یا ارتباط با واحد بزرك مجاور است و پس از موفقیت حمله وظیفه سوار نظام دارای اهمیت می گردد

٤ - دستورات راجع به اجرای حمله - چون مانور مشخص شد و وسایل

تقسیم گردید باید تلاش عموم را بایکدیگر تطبیق داد

این تطبیق صورت پذیر میشود وقتی که فرمانده لشگر مراتب ذیل را انجام نماید :

ـ خطوط اصلی مانور پیاده نظام را ضمن مراحل مختلف حمله تعیین وعمل توپخانه را با این مانور تطبیق نماید

ـ توسعه وپیشرفت عملیات خودرا درحدود حکم سپاه درزمان تنظیم کند

ـ طرز رفتار را پس از اشغال آخرین هدف در ابتدای تکمیل موفقیت پیش بینی نماید

۵ ـ ماموریت هواپیمائی ـ احتیاجات فرمانده لشگر بقرار ذیل است :

قبل از حمله :

اطلاعات راجع به دشمن (پیشرفت کارها ـ علائم اشغال زمین) بنابراین باید از موضع دشمن عکسی با مقیاس بزرك برداشت وباعکس های مورب انرا تکمیل نمود

اکتشاف نظری درمجموعه منطقه عمل برای تطبیق اطلاعات حاصله ازعکاسی ودیدبانی زمینی بررسی راهها وهر نوع عملیات دشمن

مأموریت های دیدبانی به نفع توپخانه که درموضع است

درضمن حمله :

ترفیق پیاده نظام

مراقبت به نفع توپخانه

اگر این دومأموریت را نتوان دائما انجام داد (واین بخصوص درجنك های متحرك زیاد است) فرماندهی باید مواقعی را که پرواز هواپیما مفیدتر است انتخاب کند (شروع حمله ـ رسیدن به هدفها ودرضمن تغییر مکان توپخانه)

نتیجه

از آنچه ذکر شد نتیجه می گردد که خاصیت اصلی حمله تمرکز وسایل توسط فرماندهی برای حصول تطبیق و اشتراك تلاش ها است

حمله بعد از مرحله تقرب و اولین زدوخوردها که مملو از بی دقتی است اجرا میشود در این مراحل عمل فرماندهی به اشکال محسوس می گردد ولی حمله از طرف فرماندهی مستلزم تطبیق تلاش ها در تمام دقایق است

در حضور مدافعی که آتش های خود را سرفرصت تنظیم نموده هیچ چیز را نمی توان به قضا وقدر واگذار نمود وباید تمام جزئیات عمل را با دقت پیش بینی و تنظیم نمود

۲ ـ حمله در یك جبهه مستحکم

یك جبهه مستحکم عبارت از جبهه‌ایست که دارای یك مجموعه آتش کاملا مستقر و آرایش دفاعی خیلی محکم باشد یعنی پناهگاه‌های مستحکم ووسایل فرعی دفاع درآن توسعه یافته باشد

هر چند که از عملیات مستقر که منجر به دفاع درجبهه های مستحکم میگردد باید اجتناب نمود ولی ممکن است پیش آمد کند و بدین دلیل بررسی آن لازم است

دو موضوع نهایت اهمیت را دارد :

جستجوی غفلت گیری

در صورتیکه بخواهیم پیاده نظام بتواند از وسط موانع عبور نماید باید مراتب ذیل درابتدای حمله صورت پذیرشود :

تخریب قبلی وسائل فرعی دفاع

از کارانداختن وسایل آتش پیاده نظام

ساکت نمودن توپخانه دشمن درحدود امکان

چگونه ممکن است این شرایط را صورت پذیر نمود

مراتبی که درتجزیه عوامل درفصل حمله به یك موضع موقتی ذکر شد دراین مورد نیز صدق دارد وراجع به نکات ذیل بررسی بیشتری بعمل خواهد آمد

قدرت وسایلی که باید بکار برد

مشی حمله ووسایل صورت پذیر نمودن تطبیق استعمال پیاده نظام وتوپخانه

موضوع تهیه توپخانه

موضوع استعمال گازها

الف ـ قدرت وسایلی که باید بکار برد ـ این موضوع اولین و واضح ترین خاصیت حمله در جبهه های مستحکم است چه درمقابل دشمنی که وقت داشته است نفرات ووسایل آتش را مستقر و محفوظ نموده و منتهی محصول را ازآنها بدست آورد باید قوای خیلی بیشتری بکار برد

پیاده نظام ـ جبهه حمله هر گردان از مورد حمله به یك موضع موقتی کمتر است زیرا آرایش دفاعی خصم مستلزم نزاع طویل تر وبا نفرات بیشتری است وتشکیل یك رده دوم گردانها کاملا لازم میشود

وظیفه این رده دوم گردانها عبارت است از :

پاك نمودن مقاومتهائی که باقیمانده است

عبور ازعوامل خط اول پس ازمدتی رزم

(در ارتش فرانسه جبهه حمله گردان را ۴۰۰ متر وجبهه حمله لشگر را ۱۲۰۰ تا ۲۴۰۰ متر منظور می نمایند)

توپخانه ـ وظیفه اصلی توپخانه دراین موقع عبارت است از :

تخریب قبلی موانع و بعضی از وسایل آتش

پشتیبانی پیاده نظام و عرابه های جنگی درضمن حمله

تخریب و یا اقلا خنثی کردن توپخانه دشمن

بنا براین مقدار توپخانه بنا بروضعیت دشمن متغیر است و در حد اکثر از مقدار سه توپخانه لشگری تجاوز نمی نماید

عرابه های جنگی ـ دراین مورد باید عرابه های جنگی رابه مقدار زیاد بکاربرد زیرا وسایل دفاع ضدعرابه در نزد دشمن حاضر ومستقر گردیده وبعلاوه

ماموریت های عرابه های جنگی که عبارت است از تولید شکاف درسیم های خار دار ـ پاك کردن سنگر ها وازبین بردن مراکز مقاومت مستلزم مقدار زیاد است وچنین بنظرمیرسد که برای لشکری که مأمور تلاش اصلی است در حدود دو گردان عرابه جنگی کفایت می کند

مهندسی ـ مأموریت اصلی مهندسی قبل ودر ضمن حمله نگاهداری و تعمیر خطوط مواصلات است تا ادوات ووسایل مستقرشده وتدارکات انجام گردد

ب — مشی حمله ـ برای آنکه حمله در چنین جبهه موفقیت حاصل کند باید فرماندهی تطبیق کامل بین استعمال پیاده نظام و توپخانه را در ضمن حمله صورت پذیر نماید

در جنك بین المللی اغلب سد غلطان بکار می بردند ولی سد غلطان باعث مصرف مهمات زیاد و ممکن است دراولین توقف غیرمنتظره پیاده نظام از آن جدا شود و بنابراین لازم است توقف های زیاد پیش بینی نمود تاثیر اندازی دربعضی خطوط متوقف شود وانطباق آن باعمل پیاده نظام تامین گردد

عزیمت پیاده نظام بعداز هر توقف ممکن است به یکی ازطرق ذیل انجام شود:

ازروی ساعت

بوسیله علامت که از طرف فرماندهی داده شود

ج - موضوع تهیه توپخانه ـ راجع به لزوم تهیه توپخانه در حمله به یك جبهه موقتی در فصل قبل بررسی گردید اینك موضوع را در حمله به یك جبهه مستحکم مورد بررسی قرار دهیم

قبل ازحمله توپخانه در ضمن تیر تهیه کم وبیش طویلی طبق دستور فرماندهی موانع مادی پیشروی پیاده نظام را تخریب وجدیت می نماید که قابلیت اجرای آتش خصم را کم کند

بنابراین مقصود ازتیر تهیه توپخانه دوموضوع است یکی تخریب موانع مادی پیشروی پیاده نظام یعنی وسایل دفاع فرعی ودیگری کم کردن قابلیت اجرای آتش دشمن بوسیله تخریب وسایل آتش شناخته شده خصم وچون این عمل خیلی گران تمام میشود خنثی نمودن آتش دشمن باصرفه تر ولی کم اثرتر است

بین وسایل آتش باید بین وسایل پیاده نظام وتوپخانه تفاوتی قائل گردید و بالاخره منظور ازتهیه توپخانه عبارت است از:

تخریب موانع مادی پیشروی پیاده نظام

تخریب یاخنثی کردن وسایل آتش پیاده نظام وتوپخانه دشمن

موضوع لزوم تهیه توپخانه را باید با بررسی وضعیت مخصوص ومنطقاً مورد بحث وتصمیم قرارداد

عامل غفلت گیری ممکن است فرماندهی را وادار کند که از تهیه توپخانه صرف نظر نماید زیرا اجرای تهیه توپخانه باعث خبردادن به دشمن وبنا براین از دست دادن غفلت گیری تاکتیکی است واگر مدت آن زیاد واز نصف روز تجاوز کند غفلت گیری استراتژیکی نیز ازبین میرود واگر بین تهیه وحمله فاصله شود دشمن وقت برای تعمیر تخریبات وتعویض نفرات و تغییر مکان توپخانه خواهد داشت

پس تهیه توپخانه دارای معایب جدی است و گران تمام میشود ولی گاهی مفید است وبخصوص ازنظر روحی برای پیاده نظام لازم می باشد

درهرحالت مخصوص سه موضوع را باید بررسی نمود

ـ ایا تهیه توپخانه لازم است

ـ در صورت لزوم مدت آن چیست

- درچه موقع باید انوا اجرا نمود

۱ - **لزوم تهیه توپخانه** - انچه مقصوداز تهیه است مورد بررسی قرار دهیم تاموارد‌ی را که این تهیه مفید یاواجب است تشخیص دهیم

تخریب موانع مادی در مقابل پیشروی پیاده نظام - اگرسیم‌خاردار وجود دارد قطعاً باید معبر پیاده نظام را باز کرد بدیهی است که این معابررا از عرابه های جنگی نیز می‌توان خواست ولی با عرابه های امروزه مداخله آنها از زحمت توپخانه کم می کند ولی نمی توان بکلی توپخانه را حذف نمود

برای پیاده نظام بطور متوسط یك شکاف درصدمتر جبهه لازم‌است درصورتیکه عرابه‌هانیزشرکت نمایند توپخانه‌عهده‌دارتولید یك شکاف درهر ۲۰۰ مترخواهدبود

تخریب یاخنثی نمودن وسایل آتش پیاده نظام دشمن - اغلب این وسایل دارای حفاظهای کم مقاومتی هستند وباید اقلا در مدت مدیدی وسایلی که شناخته شده‌است خنثی کرد این نتیجه ممکن است درلحظه‌حمله توسط تیرهای پشتیبانی یاحفاظت بدست آید

ولی ایا اگر بعضی ازاین عوامل دارای پناهگاههای با مقاومت زیاد باشند خنثی کردن یاکور کردن آنها توسط گلوله های دود انگیز درلحظه حمله کافی است یاخیر

جواب این سئوال منفی است زیرا تیرهای حفاظت با گلوله های محترقه یا افشان مانع تیراندازی پیاده نظامی که دارای پناهگاه است نخواهد بود و گلوله‌های دود انگیز نیز فقط باعث زحمت تیر انداز اسلحه خودکار خواهد بود و این تیر انداز مانند انچه برای شب یادرمه معمول است تیراندازی خودرا اجراخواهد کرد

پس باید این عوامل‌را تخریب یاتوسط گلوله های مسموم کننده خنثی نمود

خنثی نمودن یاتخریب توپخانه دشمن - ایاممکن است درضمن یك حمله در صدد تخریب توپخانه دشمن برآمد تخریب آتشبارهای دشمن مستلزم وقت و مهمات و وسایل دیدبانی است که معمولا برای یك تهیه توپخانه حتی مهم‌در اختیار نیست بعلاوه برای تخریب باید محل آنها را شناخت و دیدیم که یکی از اشتغالات اصلی فرماندهی در تدافع مخفی نگاهداشتن آرایش توپخانه دفاع است

بنابر این فقط خنثی نمودن توپخانه دشمن ممکن است حال بررسی کنیم که این خنثی نمودن باچه شرایطی صورت پذیر میشود اگر مهاجم یك قسمت مهمی از مواضع آتشبارهای دفاع را بشناسد امید حصول خنثی کردن کافی وتحت آتش گرفتن آنها از ابتدای حمله موجوداست ودراین حالت تیرضد آتشبارلزومی ندارد

ولی میدانیم که در مرحله دفاع توپخانه تیرهای روزانه خودرا از مواضع موقتی یاتوسط آتشبارهائی که به جلو اعزام شده‌اند اجرا می کند وهر آتشبار باید سه موضع کاملا مستور فراهم کند (یك موضع عادی - یك موضع تعویضی و یك موضع تقویتی) وبالاخره هرآتشباری که مجبور شود قبل ازحمله‌ازموضع‌عادی‌خود آتش کند باید فوراً آنرا عوض نماید

پس می‌توان گفت که‌توپخانه دشمن در روزهای قبل ازحمله خودرامکشوف نخواهد ساخت وباکمال آزدای پیاده نظام مهاجم را در موقع شروع حمله تحت آتش خواهد گرفت

برای مهاجم بسیار مطلوب است که اقلا قسمتی از توپخانه دشمن قبل از حمله شناخته شود واین موضوع در نتیجه تهیه توپخانه حاصل میشود زیرا وقتی تیرهای تخریب شروع میشود به دلایل روحی ومادی توپخانه‌دشمن درعمل مداخله‌می نماید وقسمت اعظم آتشبارهای دشمن شروع به‌تیر ضدتهیه نموده وحتی بوسیله شروع‌تیر

سد غلطان دروغی مانند انکه حمله شروع میشود ممکن است آتشبارهای مأمور سد دفاع رانیز بتیر اندازی وادار نمود پس می‌توان امیدوار بود که در ضمن اجرای تهیه اقلا قسمتی از آتشبارهای دشمن خودرا مکشوف ساخته‌ومی توان خنثی نمودن آنها را قبل از ساعت حمله شروع نمود

باید دانست که قبل از حمله تیر ضد آتشبار را بـاوسایل قوی می توان اجرا نمود زیرا دراین موقع توپخانه سپاه وتوپخانه لشگری در آن شرکت می نمایند

بنا بر آنچه ذکر شد می توان چنین نتیجه گرفت :

بمنظور تخریب لزوم تهیه توپخانه مربوط به وجود وسایل دفاع فرعی و پناهگاه‌های محکم است

بمنظور ضد آتشبار به نسبت انکه مواضع توپخانه دشمن راخوب‌یابد بشناسیم اجرای تهیه‌مرجح یابکلی لازم است

۲ — مدت تهیه توپخانه ـ اینك که مقصود از تهیه توپخـانه روشن شد مدت این تهیه ازآن حاصل می گردد نتایج مطلوب مستلزم مقداری مهمات وبرای این مقدار مهمات بامحسوب داشتن تعداد توپ وسرعت تیراندازی آنهامدت‌زمانی لازم است که این زمان مدت تهیه می باشد

عملا موضوع قدری تفاوت‌دارد چون‌تعداد توپ ومقدار مهمات محدوداست واز طرف‌ارتش تعیین میشود بنابراین ارتش مدت تهیه رابدون درنظر گرفتن‌تعداد تخریبی که باید انجام شود تحمیل می کند

پس درمرحله سپاه و لشگر مقام مافوق برای تهیه مقدار مهمات ومدت مصرف آنها را معلوم‌نموده است ازطرف دیگر اجرای کلیه تخریب های لازمه‌مستلزم مقدار مهماتی است اگر این دومقدار مهمات مساوی یااولی بیش‌از دومی باشد اشـکالی

دربین نیست اما اگر دومی بیش‌از اولی بودواین حالت اکثر اتفاق میافتدفرمانده لشگر مجبوراست از تعداد تخریب ها کم نموده وبرای‌آنها ترتیب‌ارجحیت‌قائل‌شود

بنابراین طرح تخریبات مقدرجاً که اطلاعات جدید یاعکس‌های‌روزانه نیروی هوائی وگزارش های پیاده نظام میرسد تصحیح میشود واین عمل توسط فرمانده لشگر انجام میشود که‌مسئول مانور واحد خود می باشد

۳ ـ موقع اجرای تهیه توپخانه ـ ساعت‌شروع تهیه مربوط به ساعت شروع حمله است وپیاده‌نظام برای انکه مدتی‌درروز باارایش خطرناکی تحت آتش توپخانه دشمن واقع نشود همیشه تقاضا دارد که حمله را درطلوع آفتاب شروع کند وفرماندهی که باید به دورترین هدف برسد نیز مایل است که حمله‌هرچه زودتر شروع شود

باین ترتیب موضوع تهیه‌توپخانه درشب پیش می آید

شب توپخانه نمی بیندتفتیش وتنظیم‌تیر توسط‌هواپیماممکن‌نیست ولی باتهیه‌نقشه برداری خیلی دقیق وگلوله های یك نواخت تخریب پناهگاه‌ها وسیم‌هـای خار دار درشب قابل اجرا است ولی درمجموعه آنها مطمئن نبوده ومستلزم مصرف مهمات زیادتری است واز طرف دیگر در مدت شب تعیین محل آتشبار هائی کـه از طرف دشمن وارد عمل میشوند مشکل است

پس وقتی که تهیه توپخانه لازم باشد از نظر تیرهای ضد آتشبار باید در روز انجام شود وازنظر‌تخریب‌ممکن‌است درشب اجرا گردد (بشرط انکه عوامل آتش دشمن را با دقت‌شناخته بـاشیم) ولی البته مطمئن نیست و تصمیم آن بر عهده فرماندهی می باشد

یك راه حل دیگر این است که تهیه در آخرین ساعات روز قبل اجرا وحمله

در طلوع صبح شروع شود در اینصورت اجرای تخریب وشناسائی ارایش توپخانه دشمن مطمئن است ولی غفلت گیری استراتژیکی وجود نخواهدداشت ودشمن در مدت ۱۰ تا ۱۲ ساعت وقت کافی برای حاضر کردن قوای احتیاط دارد وبعلاوه باید در مدت شب باتیر اندازی شدید مسلسل‌ها وتوپخانه مانع شد که دشمن شکاف هارا مسدود وسنگر هارا تعمیر قوارا تعویض وتوپخانه را تغییرمکان دهداین عمل محال نیست ولی باعث مصرف مهمات زیاد است

یك راه حل دیگر نیز این‌است که در مواردی که مبنای عزیمت پیاده نظام‌از دید گاه‌های‌زمینی دشمن دیده نمیشود ممکن است‌تهیه توپخانه را شب درروی آنچه از تشکیلات دشمن که شناخته شده است شروع نمود ودر مدت یك یادو ساعت در اول روز به کمك هوا پیماها و با اجرای ضد آتشبار قوی تخریب را تکمیل کرد

انچه ذکر شد برای راهنمائی فرماندهی در انتخاب ساعت تهیه کافی است راه‌حل عمومی موجود نیست وباید بابررسی موضوع تصمیم مناسب اخذ نمود

بالاخره فرماندهی است که راجع بلزوم ـ مدت‌وموقع تهیه‌توپخانه‌تصمیم‌میگیرد

۵ ـ **استعمال گاز ها** ـ آخرین موضوع مورد بررسی درحمله یك‌جبهه مستحکم موضوع استعمال گاز هااست

ازبررسی این موضوع طریقه دفاع از آن روشن میشود

استعمال‌اسلحه شیمیائی درجنك بین‌المللی بوسیله فرستادن امواج کلر شروع شد (۲۲ اوریل ۱۹۱۵) ودارای اثر غفلت گیری زیاد بود وباعث‌مرك چندین هزار سربازشدولی تدریجاًوسایل دفاع اماده‌شدواستعمال امواج‌ازژوین ۱۹۱۷ متروك گردید

گلوله های مسموم کننده در ۱۹۱۵ ظاهر گردید و استعمال آنها تا آخر جنك معمول بود

چون استعمال امواج مستلزم استقرار جبهه درمدت مدیدی است به بررسی استعمال گلوله‌های مسموم کننده قناعت میشود

۱ ـ **اثارگلوله های مسموم‌کننده ـ استعمال آنها در تعرض ـ** گاز هائی که درجنك بین‌المللی استعمال شدند به‌سه طبقه تقسیم میشوند

مسموم کننده فوری که اثرآن سریع‌است ولی دوام ندارد

مسموم‌کننده بادوام وبااثرفوری که‌اثر آن سریع‌وچندساعت بعداز تیراندازی دوام دارد

مسموم کننده بادوام وبااثر باتاخیر که‌اثر آنها بطئی ولی چندین روز دوام دارد (ایپریت)

فقط‌مسموم کننده های فوری‌ممکن است اثرتخریب آنی داشته باشند بشرط انکه دشمن وقت استعمال ماسك نداشته وتمرکز کافی گاز آنا اجرا شود اثراین گلوله ها تاچند لحظه بعد از بین رفته وممکن است درضمن تیرهای حفاظت حمله بکار برد ولی در تیرهای کمك مستقیم‌استعمال آنهاممکن نیست امااثر خنثی‌نمودن بوسیله گلوله های مسموم کننده بنابر وضعیت جوی و نوع ماده مسموم کننده متغیر است

خنثی نمودن‌بوسیله ایپریت کم خرج‌تر ومطمئن تراست وپس‌از چند ساعت دشمن را مجبور می کند که از منطقه مسموم شده خارج شود ولی چون آثار این سم مدتی باقی میماند نمی‌توان انرا در تعرض روی هدفی که باید اشغال نمود تیراندازی کرد

سایرانواع گلوله‌های مسموم کننده بااثرفوری یاغیرفوری به‌نوع مخصوصی خنثی می کند زیرا فقط مدافع را مجبور به‌استعمال ماسك نموده و باعث زحمت

تنفس او میشوند که این البته در مدت مدید مشگل است بخصوص برای اشخاصی که باید حرکات سریع انجام دهند واثرات روحی آن نیز زیاداست دراین صورت پیاده نظام وخدمتگاران توپخانه تیر ترفیقی را اجرا می نمایند ولی اگر از چند ساعت قبل مجبور بهداشتن ماسك شده اند تیراندازی آنها دارای دقت وسرعت کمتری است

باید دانست که این تیراندازی برای آنکه مؤثر باشد مستلزم تمرکزمعینی است تاتعفین حاصل وبعداً نیز باید تیراندازی را ادامه داد تادر مدت ٤ تا ٥ ساعت دشمن دائماً تحت اثر آن واقع شود

باین ترتیب در تعرض خنثی نمودن مدافع برعهده وسایل ذیل است :

باایپریت درمنطقه از زمین که پیاده نظام ما نباید در آنجا داخل شود

بامسموم کنندههای باتاخیر دیگر درمناطق دور که پیاده نظام ماموقعی خواهد رسید که اثرات آنها تمام شده است

واغلب بامسموم کنندههای فوری

۲ ـ **مختصات يك حمله بوسیله گاز** ـ درآنچه سابقاً گفته شد بوسیله استعمال گلولههای محترقه وتخریب تشکیلات تدافعی و خنثی نمودن وسایل آتش درهم شکستن يك جبهه منظور میگردید

با گلوله های مسموم کننده چون تخریب دشمن بوسیله غفلت گیری قبل از آنکه وقت استعمال ماسك را داشته باشد بهنظر غیر قابل اجرااست فقطخنثی نمودن نفرات وزمین را باید انتظار داشت

حال بررسی کنیم که بااین ترتیب مختصات حمله چه خواهد بود

۱ ـ چون تخریب های زیادی لازم نیست ادوات با کالیبر بزرك بیفایده است وبالعکس توپخانه سنگری بعلت ظرفیت بمبهایش برایخنثی نمودن نزدیكترین عوامل بسیار مفید میباشد ولی تعداد توپ تغییر نمی نماید

۲ ـ پیشروی در چنینزمینی که توسط گلوله های کالیبر بزرك زیرورو نشده است سهلتر است وبانوپخانه سبك تری میتوان پیشروی را پشتیبانی نمودوتدارکات نیز آسانتراست

۳ ـ درتمام منطقه حمله دروضعیت عادی باید بالاخره درهمه جا حمله کرد چه پیاده نظام نمیتواند درعقب یادر خارج خود ازعوامل دشمن صرف نظر کند ولی باایپریت میتوان مناطقی از زمین را که برای مانور های بعدی مورد استفاده نیستند خنثی نمود ودر ضمن حمله نیز از آنها بکلی صرف نظر کرد

بنابر آنچه گفته شد خواص اصلی حملهتوسط گاز عبارتازاین است کهحمله عبارت است از يك رشته تلاش های قوی و متفقی که در مناطق مجزائی که توسط مناطق دیگری که بوسیله گازها خنثی شده جدا شدهاند اجرا میشود شکل عمومی حمله نیز تغییر می نماید چه جبهه عمل ارتش درنتیجه امکان تولید مناطق خنثی شده اضافه شده وجبهه حمله واحدهای بزرك مانند سپاه ولشگر کوچك شده وعمل آنها بیشتر در عمق اجرا میشود

٤ ـ بااستعمال گازها می توان در دهلیز بندی زمین مداخله نمود و بوسیله خنثی کردن بعضی از قسمتهای زمین خواص انرا تغییر داد

۳ ـ **تاکتیك گازها** ـ اینك ممکن است درصدد تعریف تاکتیك گازها در مدت تهیه ودر ضمن حمله بپردازیم ومعلوم نمائیم که از گازها واز گلوله های محترقه چه می توانیم بخواهیم

مقصود از تهیه تغییر نمی کند وعبارت است از

تخریب موانع مادی که مانع پیشروی پیاده نظام است

این تخریب لازم است زیرا نمی توان پیادهنظامرا برای تولید شکاف درسیم

های خاردار باوسایل خود تحت آتش دشمنی که فقط مجبور به حمل ماسك است مجبور به توقف نمود وبدین منظور گاز کافی نبوده و گلوله محترقه لازم است مگر انکه عرابه های سنگین ومناسبی بدین منظور در اختیار باشد

تخریب یاخنثی کردن عوامل آتش. مشاهده شد که فقط تخریب پناهگاه‌های محکم قبل از حمله لازم است زیرا خنثی نمودن مدافعی که دارای پناهگاه محکم است با گلوله های محترقه یا افشان حاصل نمی گردد

با گلوله‌های مسموم کننده خنثی نمودن مدافعی که دارای پناهگاه بتونی باشد بسهولت مسلسل مکشوف بدست می آید بشرط انکه یك سیستم حفاظت اجتماعی مؤثری مدافع را از اثرات گاز حفظ نکند واین حفاظت اجتماعی را جز در پناهگاههای بتونی که در مدت مدیدی تهیه شده است بهاشکال می توان صورت پذیر نمود

بنابراین خنثی نمودن با گاز برای تمام عوامل آتش دشمن جز آنهائی که دارای استحکامات دائمی هستند کافی است

این خنثی نمودن ممکن است با تیراندازی درمدت ٤ ساعت حاصل شود و باید اثرات آنرا حفظ ونگاهداری نمود کمال مطلوب این است که خنثی نمودن هریك از خطوط متوالی دشمن در موقعی ختم شود که این خط تحت آتش تیرهای حمایت حمله واقع می گردد

خنثی کردن توپخانه دشمن - توپچی ها ترجیح میدهند که توپخانه دشمن را بوسیله ایپریت خنثی کنند زیرا اثر آن مطمئن وباصرفه است ومستلزم چهار ساعت تیراندازی وبعداً نگاهداری وحفظ اثر آن است درصورتیکه درتیر ضد آتشبار بامسموم کننده های فوری باید تیراندازی را تا لحظه که آتشبار های دشمن در منطقه تیر های حمایت واقع شوند ادامه داد واین عمل بسیار گران تمام میشود

ولی جز در مورد تجمع آتشبارها که درخارج از منطقه پیشروی عادی پیاده نظام واقع شده‌اند اجرای ضد آتشبار باایپریت خطرناك است زیرا نمی توان پیاده نظام را ممانعت نمود که خودرا روی توپهای دشمن که نتیجه زحمات ودلیل فتح و ظفر است نیفکند

بنابر این قسمت اعظم ضد آتشبار با مسموم کننده های فوری اجرا میشود و می توان مسموم کننده های بادوام وبااثر فوری را درمورد آتشبارهای خیلی دور بکار برد واستعمال ایپریت خیلی استثنائی است

۲ - آتش های توپخانه حمله همیشه شامل تیرهای حمایت وتیرهای کمك مستقیم است

تیرهای حمایت را ممکن است با گلوله های مسموم کننده فوری و گلوله های محترقه اجرا نمود ولی باید از اختلاط آنها اجتناب کرد زیرا گلوله های محترقه امواج مسموم کننده راپرا کنده می کند وبهتر است که گلوله‌های محترقه را در مناطقی از زمین استعمال نمود که برای دیدبانی دشمن مناسب است زیرا داشتن ماسك مانع آن نیست که دیدبان ها وظایف خودرا انجام دهند ودر قسمتهای زمین که فقط آتش پیاده نظام مورد دقت است مخصوصاً در گودی ها تیرهای حمایت با گلوله‌های مسموم کننده کافی است زیرا پیاده نظام دشمن که چند ساعت ماسك گذارده از اجرای تیرهای دقیق ومؤثر عاجز خواهد بود

اما تیرهای کمك مستقیم را فقط با گلوله محترقه می‌توان اجرا نمود زیرا گلوله های مسموم کننده حتی فوری ممکن است برای مهاجم خطرناك واقع شوند

۵ - ساعت حمله وموقع تهیه - ایا بااستعمال گلوله‌های مسموم کننده نمی توان تهیه را فقط درشب اجرا نمود

چون اجرای تیر تهیه درروز برای تخریب پناهگاههای محکم وعدم آشنائی به مکان توپخانه دشمن بود اینك که درصدد تخریب پناهگاهها نیستیم وخنثی نمودن

آنها کفایت می کنند . این تیرها در روی منطقه وممکن است درشب اجرا شود اما در مورد تیرهای ضد آتشبار نمی‌توان درتمام مناطقی که احتمال وجود آتشبارهای دشمن هست تیراندازی نمود وباید مناطقی راکه احتمال وجود آتشبار دشمن در آنها زیاد است خنثی نمود ولی این عمل در روز بهتر انجام میگردد

ه - تاثیر وضعیت جوی - برخلاف گلوله های محترقه و افشان مواج مسموم کننده درمعرض عمل باد و باران هستند

امواج مسموم کننده فوری یا بادوام فوری دربادی که سرعت آن بیش از سه متر باشد ودر باران شدید بی‌اثر هستند فقط ایپریت نسبتاً درمقابل وضعیت‌جوی اثرات خود را حفظ میکنند

بطور خلاصه استعمال زیاد گاز قبل ودرضمن حمله دارای مزایای ذیل‌است

امکان توسعه جبهه عمل ارتش بوسیله ایجاد مناطق خنثی شده

درعین توسعه جبهه عمل واحد هـای بزرك امکان کم کردن جبهه حمله و افزودن برعمق آن

امکان تغییر وضعیت طبیعی زمین

ولی در مقابل این مزایا عیب لزوم شرایط جوی مساعد موجود است

نتیجه

حمله به‌یك موضع مستحکم مستلزم تهیه ایست که ممکن است بر ۱۰ تا ۱۵ روز برسد تا ادوات ومهمات حاضر شود بنابراین اهمیت تشکیلات تدافعی مستحکم که در زمان صلح تهیه شده باشد روشن میشود و چنین تشکیلاتی را باید بوسیله حرکات احاطهٔ دور زد وبه تخریب شدید باکالیبرهای بزرك برداخت وازعرابه‌های جنگی قوی وبزرك استفاده نمود اجتماع چنین وسایلی مستلزم وقت زیاد است و اگر تشکیلات تدافعی دارای عمق باشد باید به‌عملیات باجبهه محدود و فاصله زیاد بین دونبرد متوالی برداخت

ج

تکمیل موفقیت

تکمیل موفقیت

در فصل های قبل عمل تعرض یعنی تقرب ، اخذ تماس ودرگیری وبالاخره نبرد بررسی شد و تدریجاً مراتب ذیل واضح گردید :

ارتش واحد اصلی مانور استراتژیکی وفرمانده آن نبرد را تشکیل وهدایت میکند .

سپاه در نبرد لشگرها را بکار برده وعمل آنها را با یکدیگر تطبیق میدهد .

لشگر واحد بزرك ابتدائی است ووظیفه اصلی فرمانده آن توأم نمودن عمل و آتشهای صنوف مختلفه است

یک موضوع دیگر نیز بمرور روشن شد و آن عبارات از این است که واحد های بزرگی که فقط با وسایل تشکیلاتی خود درروی جبهه های غیرمتناسب با میسورات تعرضی آنها پیشروی میکنند مانند جلو داران ارتشی هستند که قابلیت تدافعی آنها اجازه میدهد جبهه های بزرك را بپوشانند اطلاعات لازمه را کسب و بطور خلاصه عمل را در زمان و فضا تهیه کنند .

بدینطریق فرمانده ارتش تدریجاً و با تأمین لازمه تصمیم خود را اخذ وبر طبق آن آرایش لازمه را به وسائل خود میدهد .

با دریافت وسائل تقویت لازمه سپاه نبرد را درگیرو پیشرفت آنرا تا حصول نتیجه مراقبت مینماید یعنی عمل لشگرها را تطبیق داده و کمک توپخانه را برای آنها تأمین میکند .

بالاخره لشگر درروی یک سمت مشخصی پیشرفت دشمن را با آتشهای خود معدوم و وی را مجبور بترك مواضع خود یا استقرار در آنها نموده درموقع لزوم بوسیله هجوم آنرا بعقب رانده زمین را اشغال و در نتیجه این اشغال بدون تردید ارادهٔ

خود را بدشمن تحمیل میکند .

موضوعی که مانده است بررسی تکمیل موفقیت است که درتمام مراحل فرماندهی عبارت است از استفاده فوری از نتایجی که تدریجاً در نبرد صورت پذیر شده و مقصود از آن بر هم زدن کلی تشکیلات محلی است که در آرایش خصم حاصل گردیده است .

تجزیه تکمیل موفقیت درجنگهای امپراطوری اول وجنك ۱۸ ـ ۱۹۱۴ طرز عمل را در شرایط فعلی واضح میکند وافکار ومقصود ما نسبت بطرز عمل با ترقی مکانیك شدن وسائل مشخص میشود

۱ ــ تکمیل موفقیت در جنگهای امپراطوری اول و در جنك ۱۸ - ۱۹۱۴

انقلاب فرانسه در موضوع جنك نیز تغییر بزرگی تولید نمود یعنی جنك ملی بوجود آمد جنگی که ازمجموعه وسائل و عوائد کشور استفاده مینماید و تدریجاً ارتشهای ملی که عملا تهیه نفرات آن تمام نشدنی است ظاهر شد و بالنتیجه نبرد اهمیت بسیاری پیدا کرد و تبدیل یك شکاف موضعی بتخریب تشکیلات عمومی مشکل شد زیرا هرقدر بر تعداد نفرات ارتشها اضافه گردید روحیه آنها قویتر ـ جبهه ها وسیعتر و میدان نبرد پر عمق ومشگل گردید بر قدرت اسلحه اضافه و تحرك نفرات وحتی آتشها زیاد شد .

فرانسه اولین کشوری است که داخل این راه جدید شد ودرجه تکمیلی که ناپلئون بنبرد و تکمیل موفقیت داد در تاریخ ثبت است یعنی :

نبردهای یکروزه

شکافهائی که توسط توپخانه درآرایش دشمن تولید میشد بزودی توسط پیاده

نظام اشغال ـ تکمیل موفقیت تاکتیکی بمنظور از بین‌بردن عواملی که میخواستند در این منطقه مقاومت کنند ـ ازبین بردن آخرین عوامل احتیاط و اسوارانهائیکه با عجله میخواستند خود را برسانند ـ تکمیل موفقیت تاکتیکی که سوار نظام عمل اصلی آنرا عهده‌دار ودرهم شکستن و تعاقب تاکتیکی سریع دشمن که در محل شکست خورده بود خاتمه آن محسوب میشد .

تکمیل موفقیت استراتژیکی فوراً شروع وباعث میشد که یك جنگ درچند روز خاتمه یابد .

سوار نظام دائماً دشمن را تعاقب و اغلب وی‌را مجبور میکرد که بایستد و دفاع کند و باین ترتیب در حرکت وی تأخیر حاصل شده و بقیه ارتش فرصت میبافت که رسیده و کارآنها را بسازد وحتی شهرهای مستحکم را بطرز تغافل تصاحب می نمودند

توپخانه سبک باعث تزلزل روحیه و تولید بی نظمی درستونهائی که درحال عقب نشینی بودند میگردید و آنها را مجبور میکرد که جاده را ترك و موانعی را که برای سوار نظام دوست موجود بود در هم میشکست

پیاده نظام در عقب سوار نظام میدوید واز تمام مواقع استفاده میکرد پیاده نظامی که در روز ۸ تا ۱۰ فرسخ راهپیمائی میکرد

نبردهای یکروزه و تکمیل موفقیت سریعی که بین طلوع و غروب آفتاب منجر بفتح میگردید زیرا درآنزمان یعنی تا ۱۸۱۲ عده نفرات کم وعموماً یکمرتبه داخل نبرد میشدند میدانهای نبرد کم وسعت بدون عمق وقدرت تدافعی اسلحه ضعیف بود

بعد از ۱۸۱۲ دشمن ها نیز تشکیل ارتش های ملی دادند در مقابل این

ارتشها ناپلئون مجبور باجرای مانور گردید بدون آنکه وقت برای تکمیل استراتژیکی فتح خود داشته باشد

این یادآوری مختصر از طرز اجرای تکمیل موفقیت در زمان ناپلئون و شرایط موفقیت آن دلایل اشکالات مانورهای تکمیل موفقیت زمان جنك اخیر را واضح و انواع ممکنه آنرا در جنگهای آتیه روشن میکند

ابتدا اهمیت اصلی قوای روحی که در یك لحظه بفاتح جرئت از بین بردن مقاومتهای موضعی را میدهد و همین قوای روحی باعث میشوند که مغلوب تسلیم نشود و بالاخره قوای روحی است که ملتی را با وجود شدید ترین ضربت ها سرپا نگاه میدارد .

بعد اهمیت عمق اولیه میدان نبرد که باعث درهم شکستن فشار مهاجم بوسیله موانع متعددمیگردد واسلحه تکمیل موفقیت (سوار نظام دیروز وواحدهای موتوری فردا) دچار بتاخیر میشوند و بر این عمق دائما اضافه میشود چه قوای احتیاطی رسیده و موقعی که پیاده نظام تصور میکندوارد زمین آزاد شده داخل رزم شده و مانع تعاقب میشوند

از نقطه نظر تاکتیکی اهمیت قوای احتیاط که وارد شکاف شده ودرروی یك‌سمت مشخصی باعث ادامه مانورتکمیل موفقیت میگردد

بالاخره ازدیاد عده محارب و فضائی که در آن حرکت یا رزم میکنند طول و عمق میدان نبرد اهمیت اصلی قدرت آتش و تحرك عده ها تشکیل جبهه های‌تعرضی و تدافعی واجرای مانور های تکمیل موفقیت محلی را اجازه میدهد .

در سپتامبر ۱۹۱۴ پس از نبرد مارن موقعی برای اجرای تکمیل موفقیت نصیب فرانسویها گردید ولی آنچه باعث بی نتیجه ماندن آن شد نداشتن سرعت

بود . سرعت ، جسارت ، اشتیاق در جستجوی اطلاعات و تجدید اخذ تماس بقدر کافی وجود نداشته و از طرف آلمانیها اراده مقاومت دراطراف شکاف موجوده ، صرفه جوئی درقوا در سایر قسمتهای جبهه درنتیجه استفاده ازقدرت تدافعی اسلحه پیاده نظام و بالاخره سرعت در رساندن قوا بهنقطه مورد خطر میدان نبرد ظاهر گردید .

ولی در مجموعه عمل نبردمارن چه در اصل رزم و چه در تکمیل موفقیت بر طبق اصول قدیمی اجرا شده است و در آن بطور مشخص توام نمودن قدرت آتش و زمینی که سریعاً آرایش یافته باشد ظاهر نگردید .

از ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۷ اشکالاتی که نتیجه استقرار طولانی بود عرض اندام نمود و تعداد و قدرت وسائل برای اجرای تکمیل موفقیت غیر کافی شد فقط در ۱۹۱۸ پس از درهم شکستن جبهه مانورهای تکمیل موفقیت در زمین آزاد جریان یافت و شاید مانند آن عملی است که در ابتدای جنك آتیه صورت پذیر شود .

در نظامنامه استعمال تاکتیکی واحد های بزرك مصرح است که « وقتیکه واحدهاموفق بدخول درموضع دشمن گردیدندفرمانده سپاه جدیت میکند کهشکاف راوسیع نموده و موفقیت خود را تکمیل کند » وبعلاوه چنین دستور میدهد « تا وقتی که آخرین هدف فتح نشده است هر موفقیتی باید فوری و کاملا تکمیل گردد این عمل یا طبق احکام فرماندهی یا مستقیما به ابتکار زیر دستان انجام می شود »

ولی این شروع تکمیل موفقیت در حقیقت همان حمله است که ادامه میابد حمله که هدف بهدف واحد بزرك را درزمینی هدایت میکند که فرماندهی درآنجا

جز مقاومتهای محلی بدون عمق خطری تصور نمیکند و از همان وقت قسمتها را متوجه سمت های عمل مینماید این حمله قبلا تنظیم وپیش بینی شده یا برضدنفراتی است که در موضع قرار گرفته اند یا بر ضد احتیاطهای محلی دشمن است که قبلا محل و قدرت آنها شناخته شده .

دراین مرحله فرماندهسپاه همهچیزرابکار میاندازد مانور آتش توپخانه سنگین سپاه را اداره نموده احتیاطهای جزئی یا واحد بزرك رده دوم را داخل عمل میکند تا مداومت در فشار را در سمت حمله تأمین نماید .

فرمانده لشگر بمحض عبور از منطقه مقاومتهای شدید دشمن عدم تمرکز را اجرا قوای احتیاط و آتشهائی را که در اختیار نگاهداشته است بکار میبرد .

واحد ها با ابتکار زیاد که لازمه پیشرفت رزم است عمل نموده مانور هائی انجام و آتش های خود را متوجه جناحین و عقب قسمتهائی که به مقاومت دروسط شکاف ابتدائی ادامه میدهند نموده ومعافشار خود را متوجه سمت حمله میکنند ودر نتیجه تعداد شکاف ها زیادشده کم کم بپوستگی مستقیم آتش دشمن متزلزل واز بین میرود .

در ۱۹۱۸ موقعیت اجرای تکمیل موفقیت نصیب ارتش آلمان گردید ولی منجر به نتیجه نشد زیرا فرماندهی ارتش فرانسه سریعا قوای احتیاطی زیادی در محل خطر مجتمع و بر عمق میدان نبرد افزود وبا نهایت جدیت در جناحین منطقه شکست مقاومت کرد

ازبررسی تاریخ جنك اخیر چنین نتیجه می گردد که در یك میدان نبردمعینی که فرض کنیم مجزا باشد مهاجم مجبور است که هیچوقت در مقابل موفقیت خود متوقف نگردد وچون پیشروی را شروع نماید مجبور به اجرای رزم جدیدی شده

وداثما بر جدیت خود برای وارد آوردن تلفات جدیدی به دشمن بیفزاید تا مانع تجدید تشکیلات خصم شود ولی مدافع وقتی موفق به تشکیل جبهه شود و آخرین هجوم مهاجم را درهم شکند بالاخره درمیدان نبرد غالب بوده است

۲ - طرز اجرای ممکنه تکمیل موفقیت با اوضاع حاضره

رساندن سریع قوای احتیاط استراتژیکی تدافع - قدرت دفاعی اسلحه آنها و تصمیم در فداکاری - مقاومت لجوجانه در اطراف منطقه شکست عوامل اصلی هستند که باید در هدایت یك مانور تکمیل موفقیت در نظر باشد اینك به بینیم در شرایط حاضره فنی نظامی به چه ترتیب میتوان در مقابل این عوامل اقدام نمود .

فکر اصلی ساده است : در مقابل سرعت رسیدن قوای دفاع وقدرت عملیات تدافعی محلی باید سرعت زیادتری بمانور تکمیل موفقیت داده و عملیات تعرضی آنرا با قدرت بیشتری مجهز نمود ولی بشرط آنکه اگر روحیه مهاجم بر روحیه مدافع تفوق نداشته باشد اقلا تساوی روحیه بین طرفین موجود باشد

سرعت در مانور - مقصود از این سرعت در این مورد بخصوص چیست

مقصود از این سرعت افزایش سرعت متوسط در موارد مشخص با تطویل شدید مدت زمانی که عمل انجام میشود با نقصان نسبی مدت راحتی نیست بلکه این سرعت با وسایل ذیل تامین میگردد

زود شناختن مجموعه وجزئیات وضعیت دشمن

امکان اجرای مانور در مقابل مقاومتهای محلی بدون اتلاف وقت و با نظم در ضمن ادامه فشار درسمت عمل معین .

اجرای سریع عملیات شدید لازمه در صورت بندی که قدرت مقاومت دشمن ایجاب میکند

بنا بر این مراتب ذیل در تکمیل موفقیت بیشتر از سایر مراحل دارای اهمیت است

اطلاعات

آرایش کلی

جسارت از روی عقل در فشار بجلو

رساندن تدارکات تعمیر طرق مواصلات تنظیم عبور و مرور

الف - اطلاعات

مقصود از اطلاعات عبارت از میسر ساختن مراتب ذیل است :

پیشروی با تامین در سریعترین صورت بندیهائی که متناسب با وضعیت باشد

عملیات شدید فقط درموقعیکه لزوم آن حتمی است اجرا گردد

اطمینان آنکه این عملیات شدید بدون اتلاف وقت اجرا خواهد گردید

اطلاعات حاصله از تماس در مورد تکمیل موفقیت اهمیت اصلی پیدا میکند زیرا در نتیجه اطلاعات رزمجویان خط اول است که در اولین مرحله تکمیل موفقیت یعنی مرحله که حمله درداخله موضع مقاومت توسعه میباید فرماندهی متوجه خرابی تدریجی وصعودی آرایش دشمن میگردد

رزمجوی خط اول است که متوجه میشود که از شدت آتشهای پیاده نظام و توپخانه کم کم کاسته میشود صحت آن از بین رفته و نواقص زیاد میشود و بفرماندهی اطلاع میدهد که منطقه شکست کجا است تا فرماندهی موقع مطلوب قوای احتیاط خود را در گیر کند

این رزمجو مناطق مقاومتی را که مانور وی در مقابل آنها بدون قدرت است و باید فرماندهی شخصاً عملیات جدیدی بر ضد آنها توام کند تعین می نماید :

رزم‌جوی خطا اول است که بفرماندهی اطلاع خواهد داد آیا مدافعی که تا رسیدن شب بمواضع خود چسبیده است در مدت شب با استفاده از تاریکی عقب میرود یا خیر و بنا براین مقتضی است صبح حمله را تجدید نمود یا به پیشروی معمولی پرداخت و بالنتیجه از اصراف در وقت و مهمات اجتناب و هرچه زودتر تماس از دست رفته اخذ میشود

بعد اگر در ضمن عقب نشینی فضای لازمه را فدا نموده است سوار است که بعمق این فضا پی برده و فرماندهی را مطلع خواهد کرد که آیا می تواند روی جاده بحرکت سریع بپردازد یا باید با صورت بندی تقربی که بطی و خسته کننده است ازوسط اراضی پیشروی کند و بالاخره سوار است که ابتدا در مانور نمودن مقاومتهای محلی بر آمده و چون جبههٔ دشمن را معلوم کرد و بعدم قدرت خود در مقابل این جبهه واقف گردید در نتیجهٔ ارسال اطلاعات برای فرماندهی پیش‌بینی موقع عملیات شدیدی را که ممکن است لازم شود و تشکیلات فشار جسورانه را میسر میکند و پس از آنکه دراز بین بردن این مقاومت ها با وسائل خود یعنی با توپخانه کمك مستقیم یا درعملی که توسط فرماندهی تهیه گردیده است موفقیت حاصل شود یا نه باز پیاده راجع بنواقص آرایش دشمن شکافهائی که باز می شود و مناطقی که مقاومت پایداری میکند اطلاع داده بطور خلاصه دائما مانور فرماندهی را توجیه میکند.

مقصود از ذکر مطالب واضح ساختن اهمیت ارتباط و مخابرات بطرف جلو اشغال پستهای فرماندهی خیلی مقدم و جدیتی است که ستاد و فرماندهی در استفاده از اطلاعات بکار میبرند

اطلاعات حاصله از ارتباط با جناحین نیز اهمیت زیاد دارد زیرا در مقابل

عقب رفتن قسمتی از جبههٔ دشمن باید در تمام مراحل بر آن واقف گردید تا در موقع مطلوب پوشش جناحین تامین گردد و الا بزودی عملیات تغافلی جناحی شروع و باعث متوقف ساختن مهاجم میشود

اطلاعات هوائی نزدیك که بموقع از مقاومت های مداوم یا غیر مداوم دشمن اطلاع داده محل آنها را تعیین و اجرای حملات متقابله را به اطلاع میرساند

اطلاعات هوائی دور که در حد مقدم منطقه عمل هوائی واحد بزرك جستجو می شود رسیدن قوای جدید دشمن را اطلاع داده و پیشروی آن را قدم بقدم مشخص میکند

ولی باید دانست که اطلاعات هوائی خواه نزدیك خواه دور بزحمت بدست میاید زیرا دشمن برای پوشاندن عقب نشینی خود و تهیهٔ مقاومت جدید قوای هوائی زیادی بکار برده و دفاع ضد هوائی وی در زمین نیز نهایت اهمیت را دارد

ب — آرایش کلی

باوجودی که دائما این اطلاعات میرسد فرماندهی در تمام مراحل نمیتواند مانور تکمیل موفقیت را باسرعت لازمه اجرا کند مگر آنکه آرایش کلی قوایش متناسب با اجرای مراتب ذیل باشد :

مداومت در پیشروی در سمت عمل معین را تأمین کند

مانور آتش ها یعنی اجرای آنها در روی جناحین یا عقب مقاومتهای جزئی که در جبهه فلج شده‌اند ممکن باشد

پوشش جناحین مکشوف در فواصلی که باز میشود بوسیله اعزام واحدهائی در سمتهای مشخص میسر باشد

برای حصول تمام این مراتب رده بندی در عمق لازم است رده بندی عمیق ولی با منطق.

چون نهایت اهمیت را دارد که عملیات شدید لازمه سریعاً اجرا گردد در مانور تکمیل موفقیت ترتیب فوریت استعمال عوامل مختلفه یك واحد بزرك در رزم تشکیلات رده بندی آنرا تحمیل میکند

در لشگر باید پیاده نظام و توپخانه ۷۵ را بجلو فرستاد در سپاه بایستی توپخانه ۱۰۵ بلند را بجلو اعزام و توپخانهٔ ۷۵ و پیاده نظام واحد بزرك ردهٔ دوم را نزدیك به عوامل درجه دوم اهمیت واحدهای بزرك ردهٔ اول قرار داد

زیادی جاده ها و راه ها و توپخانه تقویت و مهمات مربوطه نیز نهایت اهمیت را دارد .

تمام عواملی که مورد استعمال فوری نیستند درعقب مانده و سپاه حرکات آنها را تنظیم مینماید.

درخاتمه روز وقتیکه تماس بین طرفین موجود است برای مهاجم ضرورت دارد که در مدت شب آرایشی بقوای خود دهد که درصورت دفاع دشمن برای حمله فردا صبح حاضر بوده ودر صورت عقب نشینی او برای پیشروی آماده باشد درصورت عقب نشینی دشمن همان آرایش آخر روز برای شروع به پیشروی فردا مناسب تر است

ج - جسارت در پیشروی

دراین مورد نیز مانند آنچه برای سرعت ذکر شد به بینیم مقصود از جسارت چیست :

درهیچ موردی مقصود از جسارت اعزام پیاده نظامی که بقدر کفایت محفوظ نشده است درمقابل اسلحه خودکار نیست بلکه باید عرابه‌های جنگی یا مقدار لازم مهمات رادر محل های مظنون برای فلج نمودن دشمن ریخته وعمل پیاده نظام را با سایر صنوف دقیقاً توام نمود چه رفتاری غیر از این باعث تولید بی نظمی و بی تکلیفی شده ودر عوض حصول سرعت بی حرکتی حاصل میگردد .

جسارت در پیشروی عبارت است از تشکیلات فرماندهی محل فرماندهان طرز اجرای عمل .

تشکیلات فرماندهی - سابقا ذکر شد که لازم است مجموعهٔ عوامل واحد های بزرك حتی الامکان بجلو رانده شود و این خود دلیل بر جسارت است ولی منظور از تشکیلات فرماندهی استفاده سریع از اطلاعات وسیله بکاربردن سریع قدرت آرایش است .

باینطریق تا وقتی زمین بکلی یا نسبتاً در عمق زیادی آزاد است عدم تمرکز فرماندهی لازم میباشد فرمانده سپاه برای فرماندهان لشکر یك مقصد ودریك منطقه و یك سمت عامل تعیین قسمتی از توپخانه سنگین خودرا بانها وا گذار وبه آنها عموما اجازه میدهد که در موقع تلاقی با دشمن تمام وسائل خودرا بکاربرند فرماندهان لشکر نیز گروه های مختلط رده اول را با ابتکار زیاد تشکیل میدهند .

ولی بمحض آنکه مجدداً وضعیت تغییر و محتاط بودن وتوام نمودن استعمال قوا لازم شود باید درتمام مراحل مجدداً وسائل را دردست گرفت هدفهای نزدیك تعیین و شرایط تصاحب آنها را تعیین نمود .

فرماندهی در نزدیکی جلو دار قرار گرفته با آن حرکت و وقایعی را که ممکن است طبق اطلاعات حاصله پیش آمد کند پیش بینی مینماید .

طرز اجرا - تکمیل موفقیت عبارت است از پیشروی کم و بیش عمیق از منطقه مقاومتی به منطقه دیگر - تقرب - اخذ تماس - واجرای عملیات شدید .

ولی اشتغالات فکری دفاعی که در مراحل فرماندهی از مشخصات تقرب و اخذ تماس مخصوصا در مقابل دشمن متحرك است یعنی ابتدا قرار گرفتن درزمین و بعد پیشروی دائما حاضر بودن برای متوقف ساختن دشمن بوسیله تشکیل جبهه

در این مورد اهمیتی ندارد بلکه پیشروی با استقامت درسمت معین وبا تأمین پوشش خود و استفاده کامل از محل های خالی آرایش خصم ضرورت دارد .

پیاده نظام باید سریعا تمام وسائل آتش مخصوص بخود را برای ازبین بردن مقاومتهای محلی بکاربرد توپخانه ۷۵ به پیاده نظام بچسبد ووسائل درحد اقل مدت استقرار یابد و این مراتب در نتیجه پیش بینی های دور فرماندهی و قابلیت انعطاف اولیه آرایش صورت پذیر میشود وبااجرای این دستورات است که جسارت درپیشروی تامین می شود .

۵ — تدارکات - مواصلات وعبور ومرور

خاتمه تکمیل موفقیت در محلی است که ریختن گلوله اسلحه های خودکار و توپخانه کم شود و بایدستادها قبل ازشروع حمله پیش بینی های لازمه را راجع بتدارکات نموده و در ضمن اجرای تکمیل موفقیت نیزوسائل تدارکات مهمات را بنزدیکی واحد ها اعزام دارند .

موضوع غذا بعلت خستگی فوق العاده نفرات که لازمه این مرحله ازعملیات است نیز نهایت اهمیت رادارد .

بجلوراندن توپخانه وتدارکات مستلزم طرق مواصلات خوب است وباید پیش بینی های لازمه را برای تعمیر و نگاهداری آنها نمود ووسائل لازمه صورت پذیر نمودن این تعمیرات باعوامل درجه اول فوریت واحدهای بزرگ اعزام میشوند .

تشکیلات عبور ومرور نیز درعقب واحدهای بزرگ خط اول بانهایت دقت تنظیم می شود وباید مخصوصاً پیشروی توپخانه سنگین. توپخانه تقویت و قسمتهای حمل مهمات ودخول درعمل سریع آنها حتی برای واحدهای بزرگ خط دوم در آرایش رزم تامین شود .

۳ - تکمیل موفقیت ووسائل مکانیکی

آنچه ذکر شد مربوط بطرز اجرای تکمیل موفقیت دروضعیت حاضره است ولی آیا باین ترتیب اشکالات موجوده برای این عمل مرتفع میشود یاخیر چنین بنظر میرسد که بااسلحه ووسائل حمل ونقل موجوده وتکمیل فنی استعمال آنهایك فرماندهی جدی وکاری که دارای ستاد جدی نیز بوده ودارای استعداد تشکیلات و جسارت باشد و نفرات تحت فرماندهی وی روحیه قوی دارا باشند درمیدان نبرد معینی بزودی مانع اجرای تکمیل موفقیت درعمق درمقابل موقعیت جبهه مهاجمی که دارای وسائل وروحیه شبیه به مدافع باشد میگردد وباین دلیل برای یافتن راه حل باید متوجه آتیه گردید .

مقصود دریك میدان نبرد معینی عبارت است ازپیشروی سریع تر ازرسیدن قوای احتیاطی دشمن - تخریب مطمئن وزود مقاومتهای جدید - توسعه منطقه شکاف از پای درآوردن دشمن که استقامت خودرا از دست داده است .

پیشروی سریعتر ازرسیدن قوای احتیاطی دشمن - بدین منظور باید بوسیله هواپیمائی نقاط اصلی خطوط آهن وجاده هائی که مورد استفاده دشمن برای حمل ونقل قوای احتیاط است ونقاط سوارشدن وپیاده شدن بواگونها وستون های کامیون را بمباران کرد در آتیه شاید واحد های بزرگ مکانیکی نیز این ماموریتها را عهده دارشوند

تخریب مطمئن وزود مقاومتهای جدید - درداخله موضع دشمن عرابه های جنگی متوسط وسبك که دارای وسائل قوی وسریع برای ازبین بردن مقاومتها وتوسعه دادن شکافها وبرهم زدن آرایش خصم است پیاده را همراهی نموده راه او را باز وبرای او وبااو برضد اسلحه های خودکار رزم میکند .

وقتیکه موضع فتح شد زمین آزاد گردید و پشتیبانی توپخانه ضعیف شد باز هم عرابه جنگی مخصوصا عرابه سبك قادر به از بین بردن اسلحه‌های خودکاری که درصدد تجدید مقاومت هستند میباشد و عرابه‌های سنگین که در جلوی عرابه های سبك حرکت و آنهارا حمایت مینمایند عموما وارد آرایش خصم شده و آتشبار هائی را که به عمل ادامه میدهند تخریب وتشکیلات فرماندهی دفاع وقوای احتیاطی که هنوز موجود باتازه میرسند برهم میزند وباین ترتیب شکاف موجوده باسرعتی توسعه میابد که شاید قوای احتیاط دورتر فرصت رسیدن وممانعت از آن را ندارند درآنچه ذکر شد فقط وسائل امروزه درنظر گرفته شده است ووسائل جدید فردا البته تاثیرات بیشتری خواهد داشت

پس از تصرف موضع مقاومت دشمن ودخول وسیع وعمیق درآرایش اولیه وی باید باعجله واحدهای بزرك متحرکی راکه باعث ازپای در آوردن دشمن شوند وارد منطقه شکاف نمود

آیا این واحد بزرك متحرك سوار نظام است یا واحد مکانیکی

واحدهای بزرك سوار نظام جدید جای زیاد گرفته ومورد اصابت زیاد است سرعت آن نسبتاً کم وچون تحت آتش مسلسلها واقع گردید مجبوراست مانندواحد بزرك پیاده نظام ولی باقدرت تعرضی کمتری واردنزاع شود و باین ترتیب جز در مواردیکه دشمن واقعا شکست خورده باشد ازعهدهٔ انجام این ماموریت برنمیآید در این حالت نیز واحد بزرك مکانیکی که دارای عرابه های جنگی سریع وزیاد و قادر برعقب راندن دشمن است لازم میشود این عمل توام با عملیات هوائی روی مواصلات خصم باعث عقب نشینی عمیق وی خواهد شد .

قسمت سوم

رزم تدافعی لشگر

الف ـ دفاع یك موضع

ب ـ مانور در عقب نشینی

الف

دفاع یك موضع

۱ ـ دفاع یك موضع

۲ ـ موضع مقاومت ـ دفاع آن

۳ ـ نبرد تدافعی ـ هدایت آن

۱ ـ دفاع یك موضع

مقصود از نبرد درهم شکستن قوای مادی وروحی دشمن است در تعرض خصم را از مواضع خود رانده آرایش وی‌را درهم شکسته و در انهدام قوایش می کوشیم در تدافع از حملات او دفاع میکنیم .

از این تعریف منظور از تدافع ودر عین حال عدم تکافو و عدم قدرت آن ظاهر می شود .

فتح وظفر نظامی یعنی انهدام قوای خصم‌هیچوقت‌بوسیله تدافع صورت‌پذیر نمیشود ولی معهذا باید بدان متوسل گردید .

چه وضعیت عمومی سیاسی یا نظامی ممکن است در بعضی از موارد طوری باشد که موقتاً نتوان بوسیله‌دیگری‌پرداخت‌هرچند که‌چنین تدافعی دلیل برعدم‌قدرت است ولی معهذا باعث دوام آوردن وانتظار کشیدن میگردد .

ولی جنگهای امروزه که طول جبهه و اهمیت وسائل بکار برده شده‌ولزوم تفوق مادی درهر عمل تعرضی غیر قابل بحث است واصل مهم صرفه جوئی قوانتیجه آنهاست تدافع را متمم تعرض نموده و این دو عمل کاملا و مستقیما به یکدیگر مربوط شده اند.

دیگر نباید همیشه وهمه‌جا درهر نقطه‌تلاقی به‌دشمن حمله کرد ومشاهده میشود که چه‌در مراحل استراتژیکی وچه‌در مراحل تاکتیکی به‌یك واحد بزرك فقط مأموریت‌تدافعی داده می شودتابتوان باوسایل مختصری که‌اغلب‌همان‌وسایل‌تشکیلاتی یك واحد بزرك‌است‌برطول جبهه عمل افزود وهر گاه نیز همین مأموریت واحد

بزرگ تعرضی گردد چون عملا نمی توان وسایل لازمه تعرضی را به اختیار آن گذاشت باعث محدود نمودن جبهه تعرضی واحد مذکور میگردد .

این واحد در قسمتی از جبهه خود به تعرض و در قسمت دیگر با حفظ حداقل وسایل برای نگاهداری دشمن به تدافع خواهد پرداخت .

برای فرماندهی تدافع وسیله وطریقه ایست که باعث صرفه جوئی در نفرات وادوات در قسمتی ازجبهه که موقتاً دارای اهمیت درجه دوم است گردیده ووسایل بیشتری را می توان در عملیات تعرضی که در قسمت دیگری از جبهه تهیه می شود به کار برد .

ولی تقرب اخذ تماس با دشمنی که درموضعی قرار گرفته است مستلزم طول مدت تهیه حمله وباوضعیت فعلی اسلحه در جای خود قرار دادن وسایل لازمه ازحیث نفرات - ادوات ومهمات در یك منطقه که شدیداً تحت آتش است همیشه محتاج به وقت زیاد وباعث خستگی وتلفات است .

پس باز تدافع است که بفرماندهی اجازه میدهد که :

وقت بدست آورد وقتی که خواه برای جمع آوری وسایل مورد احتیاج است یعنی مسئله مهم پوشش خواه برای آن که وضعیت مساعدتری برای خود ایجاب کند .

دشمن را فرسوده کند یعنی تلفاتی بوی وارد آورد که اغلب تناسبی با نتایج حاصله توسط خصم نداشته آرایش اورا درهم وروحیه اورا متزلزل نماید .

بالاخره تدافع است که گاهی باعث آن می شود که بتوان سریعاً باوضعیت غیر مساعدی مقابله نمود وبوسیله یك مانور عقب نشینی قابلی یك وضعیت کم وبیش از دست رفته ومتزلزلی را ترمیم نمود .

بنا برآنچه که ذکر گردید تدافع را نباید شکل ثانوی و بدون اهمیت جنگ

دانست وآنرا مانند وسیله وطرز عمل ضعفا تصور نمود بلکه تدافع برای فرماندهی یك وسیله لازم ویك طرز عمل واجبی است .

برای اجرای یك نبرد تدافعی فرماندهی یك موضع مقاومت که بوسیله یك موضع پاسدارها پوشیده شده است تعیین مینماید

پس عمل اصلی مدافع همیشه عبارت است از تعیین یك موضع یعنی تعیین منطقه اززمین که درجلوی آن مصمم است که دشمن را متوقف سازد

انتخاب این موضع اگر بوی تحمیل نشده باشد متوجه فرماندهی است که مأموریت اولیه را مشخص می نماید ولی چون مراحل مختلفه فرماندهی به اشکال متفاوت درانجام مأموریت می کوشند بنابر این باطرز های مختلفه درانتخاب موضع مقاومت مداخله می کنند .

ارتش درمانور استراتژیکی خود سمت‌های اصلی را که ممنوع داشتن آنها مهم است تعیین ومیدان نبرد خودرا بوسیله تعیین چند نقطه جغرافیائی که مهم و تصاحب آنها لازم است مشخص میکنند .

سپاه که مسئولیت مانور تاکتیکی را عهده‌دار است مخصوصاً به توافق عمل لشگر های خود پرداخته دیدگاههای لازمه جهة توپخانه را تعیین نقاطی را که از طرفی برای مانور سپاه ومداخله قوای احتیاط لازم واز طرف دیگر محل ارتباط لشگرهای ردهٔ مقدم است مشخص میکنند .

بالاخره لشگر که مأمور توأم نمودن استعمال صنوف است با در نظر گرفتن اشکالات ارتباط جانبی طرح مشروح موضع مقاومت را تعیین میکند .

پس این موضع انتخاب ومشخص میگردد با در نظر گرفتن مأموریتی که ازطرف مافوق داده شده است ودر نتیجه بررسی عوامل مهم واصلی زمین - دشمن - وسایل در حدود مأموریت مذکور .

بررسی زمین برای استفاده‌از مزایای آن مخصوصا ازموانع دید گاههای ، پوشش ها، ووسایل مواصلات .

بررسی دشمن برای ظاهر کردن ممکنات وی به‌نسبت فرضهای قابل قبولی که راجع بعمل احتمالی وی شده‌است وتعقیب این بررسی برای ازبین بردن یامحدود کردن فرضهای مذکور .

بررسی وسایل ازحیث نفرات وادوات برای اطمینان ازاینکه تعداد ومقدار نفرات وادوات مذکور برای انجام دفاع معمولی وعادی موضع منظور کافی است

بدین طریق در روی زمین بخودی خود ماموریت واصله مشخص و معین میگردد و مدافع برای انجام این مأموریت اسلوبی را صورت پذیر میکند که از مشخصات تدافع وبه‌نسبت اهمیت عبارتنداز :

آتش ها

استفاده از زمین و آرایش آن

حرکات

بااین سه‌اسلوب اصلی باید غفلت گیر نمودن رانیز اضافه نمود چه غفلت گیر نمودن یکی ازعوامل اصلی موفقیت است وصورت پذیر نمودن آن درتدافع عبارت است از اینکه دشمن حتی الامکان دیرتر به منطقه گستردن اسلحه ها و منطقه مورد آتش آنان پی‌ببرد .

آتش ها

دفاع یعنی متوقف ساختن دشمن بوسیله آتش

هرعمل تدافعی قبل‌ازهر چیز یك عمل بوسیله آتش است

تمام جدیت مدافع بایستی صرف تشکیل وصورت پذیر نمودن آتش های قوی‌عمیق ومؤثری گردد که بایکدیگر وفق وتطبیق داده‌شده باشد .

بطورکلی فکر اساسی که بر همه چیز ارجحیت‌دارد عبارت است‌از بوجود آوردن یك‌طرح آتش‌متوالی که دائما با شرایط پیشروی دشمن منطبق بوده ازحد اکثر برد ادوات وی راتحت آتش گرفته‌و بر شدت آن تارسیدن دشمن به‌موضع مقاومت افزوده شود .

درجلو ودرعمق موضع مداومت‌آتش باید صورت‌پذیر شود .

منظور تحت آتش گرفتن دشمن‌است هرچه‌دورتر که ممکن باشد بوسیله هواپیمائی توپخانه و کلیه وسایل دیگر اسباب زحمت دشمن‌را درحرکات بعیده‌و تقرب فراهم نمود در اخذ تماس بیشتر درصدمه زدن‌بوی گوشیده وبالاخره حمله اورا متوقف ساخت اگر دشمن موفق به دخول در موضع گردد باز و دائما باید بوسیله آتش باوی‌مقابله نمودتالحظهٔ که‌بردن آتشهادر مناطق اولیه ممکن‌شود

زمین

اثر آتش ها در قسمت عمده مربوط بزمین است و بمنظور آنکه شدت‌و حداکثر محصول ازآتش تأمین گردد باید از زمین استفاده نمود ودر آرایش آن کوشید .

در حدودی که‌مأموریت‌اجازه می دهدانتخاب‌موضع بایدطوری زمین‌رامورد استفاده قراردهد که‌شرایط ذیل‌صورت پذیرشود :

بطرف جلو

میدانهای تیری که عمل توأم ومؤثر زیادترین تعداد ممکنه اسلحه‌های خود کاررا اجازه‌دهد :

دید گاههائی که دید کافی به‌نسبت نوع عمل و برد اسلحه ها داده یا عمل فرماندهی را تأمین کند .

موانعی که مهاجم را در نتیجه ملایم کردن پیشرویش تحت آتش قرار داده و مدافع را در مقابل حملات ادوات زره پوش یا در مقابل حملات بوسیله تغافل محفوظ دارد .

بطرف عقب

حفاظهائی که نفرات و ادوات مأمور اجرای آتش را از دید و گلوله های دشمن حفظ کنند .

ولی زمینی که تمام این محاسن را در برداشته باشد بسیار کمیاب است و اغلب تا حدی مغایرت بین ماموریت و زمین وجود دارد

بالاخره موانع طبیعی و حفاظهائی که در مقابل گلوله مدافعین را محفوظ دارد به ندرت هر دو وجود دارند و بالنتیجه استفاده از زمین دیگر کافی نیست بلکه باید به آرایش آن برداخت یعنی بطور مصنوعی خواص زمین و شرایط استفاده از آن را تغییر داد بمنظور آنکه برای عمل دفاع مناسب تر گردد

باید در نظر داشت که آرایش زمین باید طبق اسلوب معین انجام شود اسلوبی که تدریجی است و مستلزم وقت زیاد میباشد

حرکات

حرکات را باید از دو نقطه نظر مورد بررسی قرار داد .

تدافع اصولا چنانکه فوقاً ذکر گردید متکی بر استعمال آتش است این آتش ها بوسیله ادواتی حاصل میکردند که غیر متحرك و به نسبت مأموریت مخصوص که در دفاع کلی بهر یك محول گردیده است در عمق قرار داده شد و تشکیلات آنان طوری پیش بینی شده است که در هر حالت میتوانند در جلوی موضع مورد دفاع متوالی بودن آتش را تأمین کنند .

ولی در ضمن رزم اجرای این آتش ها به علل مختلفه غیر کافی ظاهر میگردند و بوسیله حرکت قسمتهای احتیاط است که قبلا در روی زمین به نسبت ماموریت محوله قرار گرفته اند که مجددا متوالی بودن آتش تامین میگردد

عوض کردن واحد های فرسوده تقویت مسدود نمودن بریدگیها و حمله متقابله دارای این منظور هستند .

ولی ممکن است که خواه بوسیله احکام مافوق خواه بعلت وضعیت رزم مدافع مجبور شود که عقب نشینی کند .

بوسیله حرکت است که مدافعین می توانند رزم و تماس را قطع قوای خود را مجدداً جمع آوری نموده تشکیلات لازمه را داده و در موضع جدیدی برای انتظار دشمن یا رد حمله جدیدی از طرف وی حاضر باشند .

***

اجرای این اصول از طرف فرماندهی مستلزم بکار بردن وسایلی است که در اختیار خود دارد .

آیا در چه حدود از این وسایل برای دفاع یك موضع میتوان استفاده نمود .

– یا مأموریت مقاومت در زمان نامحدود است و بهیچوجه امکان ترك کردن زمین را پیش بینی نمی کند در اینصورت مدافع آرایش خود را به قصد قبول کردن نبرد وهدایت آن در طول مدت لازمه برای حصول نتیجه مطلو به انجام میدهد در اینحالت از دفاع باید مجموعه وسایل را بکار برد و قبلا فدا نمودن نفرات و ادوات لازمه را پیش بینی کرد .

– یا مأموریت مقاومت در زمان محدود است و امکان ترك زمین را در عمق محدودی پیش بینی می نماید این حالت موسوم به مانور در عقب نشینی است و مدافع قبلا در

عمقی اژزمین که معین شده است یك‌عده مواضعی پیش بینی می نماید ودراین مواضع به‌نسبت وضعیت عمومی متوالیاً یك مقاومت محدودی درزمان ابراز میدارد .

قبلا به‌از دست دادن قسمتی از زمین‌تن‌در میدهد‌بمنظور آنکه خواه‌ازتزلزل در وسایل خود اجتناب خواه وضعیت مناسب‌تری فراهم نماید .

بنابراین دریك موضع مشخص بایستی وسایلی رابکار برد که باانجام مقصود و لزوم قطع رزم درموقع مطلوب متناسب باشد .

از آنچه ذکر گردید خواص هرعمل تدافعی واضح میگردد

تشکیل یك‌موضع تدافعی یعنی تهیه دفاع آن عبارت است از تجزیه دقیق وضعیت نسبت به مأموریتی که دریافت شده‌است یعنی :

برقرار نمودن آتش‌ها که منجر به‌بی‌حرکت نمودن اسلحه‌ها میگردد

قرار دادن عوامل احتیاط برای حرکت درروی زمین .

مجموعه این اعمال درروی زمین مناطقی را ایجاد می کند که درآنجا قدرت بکار برده میشود ومناطق دیگری که بالعکس فرماندهی ضعیف‌تربودن‌را قبول‌میکند :

ازاین موضوع آرایش تدافعی نتیجه میشود که‌عبارت ازآرایشی است که‌بوسیله آن مدافع امید دارد که بطریقه کاملتروصحیح‌تری ازعهده‌انجام‌مأموریت‌خودبرآید

- ولی در تجزیه عوامل وضعیت قصد ونیاتی برای دشمن فرض شده است و احتمالاتی که‌دراین‌موقع‌درنظر گرفته شده است محتمل ترین‌است وبرروی‌بررسی عمیق نکات ذیل قرار گرفته :

میسرات محتمل دشمن ونتایج آن .

تسهیلات‌صورت‌پذیرنمودن‌آنها‌ومخصوصاً‌تسهیلاتی که‌زمین‌فراهم‌میکند‌یعنی :
راهها وتجمع قوا . میسرات حرکات بعید

گستردن وسایل

شروع وپیشروی حمله

میسرات تکمیل مظفریت

ولی این نیات ممکن است پس از شروع عملیات دشمن به حقیقت پیوسته یا بالعکس از بین برود .

زیرا دشمن مهاجم آزادی عمل دارد ومدافع خواهی نخواهی خودرابرای قبول کردن اراده وی‌آماده‌نموده مهاجم‌به‌نسبت مأموریت خوددرانتخاب جبهه حمله سمت آن ونقطه مورد تلاش خود آزاد ومختار است .

جنك اخیر ثابت نموده است که باوسایل امروزه که روز بروز تکمیل میشود نباید تصور نمود که یك موضع تدافعی محکمی غیر قابل‌درهم شکستن است ومورد حمله واقع‌نخواهد شد یایك سمتی که‌برای‌دفاع‌به‌نظر اصلی واهم میاید ممکن است برای مهاجم اهمیتی نداشته باشد .

بنابراین نبرد تدافعی ممکن است پس‌از درگیر شدن وضعیت بکلی مخالفی باطرح اولیه به‌خود گیرد

هدایت نبرد عبارت است از تطبیق آنچه موجود است با آنچه صورت پذیر میگردد که اراده دشمن درآن مدخلیت دارد

بالاخره تدافع یك‌وسیله عمل ضروری وقوی است ومنظور ازآن هرچه باشد عمل منجر میگردد به‌دفاع یك موضع که درآن موضع‌قسمتها بمنظور درهم‌شکستن حمله دشمن بوسیله آتش استقرار می‌یابند .

این موضع ازقرار دادن ادوات آتشی که محفوظ بوده یاعقب یك‌مانع‌طبیعی واقع شده اند شروع وبه مواضع مستحکم باسیم های خاردار ختم میشود .

ولی این موضع از هر نوع که باشد قدرت طبیعی یا مصنوعی آن هرچه باشد ارزش آن مربوط است به تهیه آن روحی که فرمانده در آن ایجاد می کند و جدیتی که مدافعین ابراز میدارند.

هر قدر آرایش یك موضعی کامل باشد قدر و قیمت آن مربوط به مدافع است و مدافع باید مصمم باشد که باتمام قدرت خود مقاومت کند تا موقعی که تمام وسایل عملش تمام شود والا بدون این تصمیم باید قبلا خود را مغلوب بداند.

۲ - موضع مقاومت و دفاع آن

اینك که ما با اصول کلی تدافع آشنا شدیم ببینیم اجرای آن در یك لشکر بچه طریق است فرمانده لشگر چگونه به تشکیلات مجموعه آتش ها پرداخته و بعداً بچه نحو نبرد تدافعی را اداره میکند بدین منظور باید مطالب ذیل را مجدداً متذکر گردید.

- لشگر جزو واحد بزرگ دیگری است
- لشگر واحد بزرگ ابتدائی است
- فرمانده لشکر صنوف مختلفه را تحت فرماندهی داشته عمل آنها را در تمام مراحل رزم توافق میدهد چه اتحاد کامل صنوف و تلاش باتفاق آنها باعث حصول نتیجه میگردد

الف — شرایط عمومی استقرار لشگر

یك لشکر ممکن است مأمور اتخاذ وضعیت تدافعی شود خواه درضمن رزم، خواه در تماس، خواه دور از دشمن

این حالات بقدری مختلف و هر دفعه بنسبت عوامل مأموریت - دشمن

و زمین راه حل های مختلفه دارد و بطور کلی نمیتوان گفت که دو حالت شبیه بیکدیگر وجود دارد ولی اصول کلی همیشه ثابت است این اصول ثابت را مورد بررسی قرار میدهیم تا از آنها نتایج عملی حاصل کنیم ولی این نتایج همیشه باید با حقیقت تطبیق داده شود

- همیشه لشکر در داخله یك سپاه بمأموریت تدافعی گمارده می شود و فرمانده سپاه به نسبت مانور خود منطقه عمل وی را تعیین طرز عمل خود را در تشکیلات تدافعی و ماموریت سپاه را باطلاع وی می رساند و مراتب ذیل را جهة وی مشخص میکند:

یك ماموریت

یك منطقه عملی که با این مأموریت متناسب بوده و منطقه رزم لشکر را تشکیل میدهد

وسایل

- در ضمن ماموریت فرمانده سپاه منظور اصلی خود را ذکر و نقاط مهمه و راههای اصلی را متذکر میگردد
- حدود جانبی و عمقی لشگر را تعیین میکند
- وسایلی که میگیرد یا میدهد مشخص میکند

ب - عوامل استقرار تدافعی لشگر

پس از آنکه مأموریت لشگر منطقه عمل و وسایل وی تعیین گردید فرمانده لشگر باید راه حل منطقی برای مسئله پیدا کند. دو نکته برای او مهم است

تعیین مجموعه موضع : نقاط مورد آتش

بکار بردن وسایل اشغال موضع

فوراً متذکر گردیم که در یك لشکر این قضایا در اطاق حل نمیشود یك موضع ابتداء روی نقشه بررسی شده و همیشه روی زمین و در حالت پیاده انتخاب و معین میگردد

ج - انتخاب موضع

برای انتخاب موضع باید به نسبت‌ماموریت واصله و بررسی کامل وضعیت نقاط مشخص زمین را که فرمانده لشگر میخواهد در داخل موضع قرار دهد و مناطقی را که دارای اهمیت حیاتی است معین میکنند

- بدین ترتیب طرح‌سپاه کامل میشود نقاط مورد آتش‌تعیین و بالنتیجه محل اسلحه های مختلفه مشخص میگردد
- این موضع از جلو محدود است به‌خط مقاومت‌اصلی
- یعنی‌حد بین‌منطقه مورد آتش‌ومنطقه استقرار اسلحه ها
- خطی که‌مورد سداصلی آتش‌است ودشمن نباید ازآن بگذرد
- وازعقب محدود است بخط مانع
- یعنی‌حدی که پس‌ازآن تشکیلات‌دفاعی پیوسته وجودندارد
- خطی که پوشش توپخانه‌را تأمین‌مینماید
- خطی که حدعقب‌احتیاط گردان‌وهنگ رامشخص میکنند

این حدودرا چگونه باید عملا روی زمین انتخاب نمود بدین منظور قاعده کلی وجود ندارد ولی طرزعمل باید همیشه بررسی سه‌عامل اصلی تدافع یعنی آتش زمین و حرکت باشد

آتش‌ها

بااسلحه فعلی در ارتش فرانسه‌قبول کرده اند که یک گردان قابل بوجود آوردن سد آتشینی درجبهه هزارمتر میباشددرصورتیکه اسلحه‌های خودرا درعمقی تقریباً مساوی رده‌بندی کند

یک گروه‌توپخانه (سه‌آتشبار) قادراست که‌تیر توقیف دریک‌جبهه ۶۰۰ متری اجرا نماید

بنابراین یک‌لشگر ازنقطه نظر آتش پیاده نظام در جبهه ۹۰۰۰ متر واز نقطه نظر آتش توپخانه یک‌جبهه ۳۰۰۰ متری را میتواند تحت آتش قرار دهد .

نسبت بین آتش پیاده نظام و توپخانه نسبت ۳ به ۱ است ومی‌توان گفت‌غیر ممکن‌است به‌لشگری که جبهه تدافعی آن معمولا واقلا ۷ الی ۸ کیلومتراست‌آنقدر توپخانه داده شود که‌تمام جبهه‌راتحت آتش آن قرار دهدبنابراین اسلحه پیاده‌نظام است که باید آتش‌را تأمین کند وآتش توپخانه‌را درنقاط معین واضافهٔ برآتش‌پیاده درمحل های ذیل باید قرارداد .

- قسمتهای خیلی مهم
- محل‌هائی که وسایل پیاده نظام بطور غیرکافی یاباشکال‌تحت آتش‌میگیرد .

ازطرف دیگر وسایل یک لشگر بدان اجازه میدهد که به‌نسبت خطی که حد مقدم محل اسلحه‌ها را تعیین میکند رده‌بندی عمومی ذیل را در عمق قائل شود .

از	۰	الی	۲۰۰	متر	آتش پیاده نظام فقط
از	۲۰۰	الی	۴۰۰	متر	» و توپخانه سبک صحرائی
»	۴۰۰	»	۱۲۰۰	»	» » » وسنگین صحرائی
»	۱۲۰۰!	»	۳۵۰۰	»	آتش توپخانه وآتش بعید وتیر اندازی غیر مستقیم مسلسل‌ها

بیشتراز ۵۳۰۰ متر آتش توپخانه فقط

بنابراین عملا بین ۲۰۰و۱۲۰۰ متریعنی درعمق ۱۰۰۰ متر توافق‌وتمرکز وسایل آتش ممکن است بعلاوه آتش‌های‌مذکور باید موثر باشند یعنی

تکاثف داشته باشد یعنی حد اکثر اسلحه های ممکنه در آن شرکت کنند

با نقاط منظور منطبق باشد این موضوع برای اسلحه هائی که هدف را میبینند و تیر اندازی می کنند سهل الاجرا است ولی برای توپخانه مستلزم دید گاه است.

دائمی باشد یعنی ادوات و نفراتی که آنرا حاصل میکنند ازخطر تخریب یا خنثی شدن محفوظ باشند.

از مطالب فوق فکر عمومی تدافع بشرح ذیل ظاهر میگردد -

مبنای دفاع یک موضع آتش پیوسته پیاده نظام است که به نسبت متغیری بوسیله آتش توپخانه تقویت شده باشد.

پس انتخاب حد مقدم این موضع باید از نقطه نظر پیاده نظام میدان تیر کافی برای اسلحه های این صنف تامین نماید و از نقطه نظر توپخانه دیدبانی امکان داشته باشد.

امکان سد آتشین پیاده نظام وامکان دیدبانی توپخانه دوعنصری است که باید در انتخاب خط مقاومت اصلی صورت پذیر گردد.

زمین

عملا این آتش باید بازمین تطبیق داده شود.

- زمین در دو موضوع دارای اثرات است
- یکی در انتخاب منطقه مورد آتش
- دیگری دراستقرار اسلحه‌ها

در بعضی از اراضی که پوشیده است میدان تیر خوب کمیاب است وبایستی برای این عیب بموانع طبیعی متوسل گردید.

در انتخاب حد مقدم موضع در روی زمین باید حفاظت ادواتی را که تولید

آتش میکنند نیز درنظر داشت مثلا پیاده نظام مدافع در مناطقی که برای تیر توپخانه خصم مناسب است یعنی ازدید گاههای زمینی وی دیده میشود بیشتر مورد مخاطره است

انتخاب شیب مقابل دشمن راه حل خوبی است ولی همیشه میسر نیست و حفاظت باید بیشتر بوسیله تفرقه ادوات تامین گردد ودر مناطقی که احتمال تخریب وسایل مدافع بیشتر است باید اسلحه های متعددی مأمور آتش درهمان منطقه باشند که‌درصورت‌ازبین رفتن یکی دیگری آتش نماید.

بالاخره درانتخاب حد مقدم موضع باید ازپیش رفتگی های تند اجتناب نمود چه تمرکز آتش خصم، عمل جانبی و دست برد وی را تسهیل میکنند.

حرکت

از نقطه نظر حرکت فرمانده لشگر باید دونکته را در نظر داشته باشد.

- اولا برای آنکه اسلحه ونفراتی که باید درحدمقدم قرار گرفته‌اند بتوانند مقاومت کنند بایستی تدارکات آنها را رساند و در موقع آنها را عوض نمود بنا بر این باید راههای مستوری برای مواصلات بین عقب و جلو موجود باشد.
- ثانیاً برای بکار بردن قوای احتیاطی.

اصولی که فوقاً ذکر شد قابل صورت پذیر شدن است درصورتیکه جبهه یک لشگر از ۸ الی ۱۰ کیلومتر تجاوز نکند و الا باید آتش توپخانه و پیاده نظام را بوسیله موانع طبیعی یا استحکامات یاوسایل شیمیائی تقویت کرد

عمق و حد عقب موضع

عمق موضع تمام منطقه را که ادوات آتش پیاده نظام درآن استقرار یافته اند در بر دارد.

رده بندی این ادوات در عقب حد مقدم اصولا مربوط به زمین است.

مطلوب عبارت است‌ازتامین.

شرکت بالاتفاق و مستقیم آنها در سد مقدم.

تجدید آنی تسلسل آتش در داخل موضع هر گاه دشمن دست یـابد .

یك گردان معمولا با شرایط قابل قبول درداخل یك مربع (۱۰۰۰ متر هرضلع) استقرار می یابد .

ولی در عمق موضع نباید فقط شرکت در سد مقدم را منظور داشت بلـکه رزم بـاید با همان شدت کـه شروع میشود درداخل موضع ادامه یابد وباآنکه فرمانده لشـکر نبایدبه جزئیات تشکیلات موضع مداخله کندمعهذا بـاید حدی را که از آن به بعد مقاومت پیوسته موجود نیست تعیین کند بدین منظور باید فرض کنند که دشمن در موضع دست یافته ونسبت به ماموریت خود نقاطی تعیین کنند که بنا باهمیت باید در داخل موضع باشند و آنهائی که باید مخرج آنها ممنوع گردد و مناطق وسمتهائی که بخصوص خطرناك ترهستند .

بالنتیجه در روی زمین در عقب حد مقدم منطقهٔ دیـگری انتخاب میشود که آنرا خط مانع نامیم تمام شرایطی کـه برای حد مقدم ذکر شد در این مورد نیز عملی است با این تفاوت که این حد محل دورترین اسلحه هائی که درعمل شرکت دارند مشخص میکند .

وسایلی که برای این سد عقب باقی میماند معمولا کم و شامل است بر :

پیاده نظام احتیاط گردان و هنگ

قسمتی از توپخانه لشکری (قسمتی که امکان تیر اندازی در داخل موضع را دارند)

ولی تقویت آنها توسط احتیاط لشکری حتی سپاه باید پیش بینی شده باشد .

ولی باید متذکر گردید که اسلحه هائی که مأمور آتش درسد عقب هستند باید درسد مقدم نیز یابوسیله تیر اندازی مستقیم یاغیر مستقیم شرکت کنند .

تیرهای سد مقدم‌در نتیجه یك‌علامت موشك اجرامیشود ولی درداخل‌موضع پیاده نظام باید به‌بیند وتیر اندازی کند وتوپخانه بـاید حکم وصول کـند بنابراین اشکالاتی وتأخیراتی حاصل میـگردد ،

بادرنظر گرفتن شرایط فوق‌الذکر عمق موضع به‌نسبت زمین متغیراست‌و حدود آن بین ۵۰۰ الی ۲۰۰۰ متر تغییر میکند البته هرچه عمق زیادتر شود سطح بیشتر وتعدادزیادتری ادوات واسلحه لازم خواهد بود .

***

۵ ـ پوشش موضع

پس از آنکه موضع انتخاب گردیدبایستی پوشش آنرا تأمین کرداین پوشش مانند تمام موارد دیـگر بوسیله اطلاعات وآرایش تأمین میشود .

اطلاعـات ـ قبلاموردد بررسی واقع شده است به نسبت اطلاعـات است که ممکن است تغییرات لازمه داده شود .

آرایش - خط پاسدارها

مقصوداز آن عبارت است‌از :

خط پاسدارها درجلو خط مقاومت واقع ، مقصود ازآن‌عبارت‌است ازتحصیل وقت کافی برای گرفتن‌وضعیت‌لازمه وحفظ‌موضع اصلی ازضربت‌فوری‌مهاجمین‌خصم .

این خط باید حتی‌المقدور موضع مقاومت‌را مخفی داشته وآنرا از تیر توپخانه سنـگری محفوظ دارد .

بنابراین نفرات این‌خط ممکن‌است یکی ازدو مأموریت‌ذیل‌را داشته باشند .

مأموریت مراقبت اگر طرح آتش اسلحه‌ها حاضر شده است .

مأموریت مقاومت‌هر گاه مهلتی برای استقرار مدافعین لازم‌است .

درمرحله اول قضیه سهل است عده مختصری این مأموریت راانجام میدهد فقط باید فرماندهی مسئولیت عقب نشینی واجازهٔ آن‌را شخصاً عهده‌دار گردد .

درمرحله دوم چون لشگر دریك موضع رزم میکند وبس بایستی دقت نمود .

دوحالت ممکن است اتفاق افتد

مقصود حصول وقت است . بردهٔ آتشین

یا مقصود ممانعت دشمن است از تصرف دید گاهها و نقاط مهم بدون رزم : مراکز مقاومت

درهر دوحالت بایدعوامل سبك‌تری نیز جلوتر فرستاده‌شود .

و درهر دوحالت خط پاسدارها بایدازآتش موضع استفاده کنند: آتش مستقیم یاغیر مستقیم مسلسل - توپخانه

پس از بررسی مراتب فوق فرمانده لشگر اگر فرمانده مافوق تعیین ننموده باشد وضعیت وماموریت پاسدارها راتعیین میکند .

ه — آرایش کلی موضع

پس ازتعیین موضع مقاومت فرمانده لشگر باید مجموعه‌وسایل خودرا برای دفاع آن تقسیم کند وآرایش خود راتعیین نماید یعنی منطقه لشکر رابین واحدهای زیر دست تقسیم ماموریت ومحل قوای احتیاطی راتعیین وماموریت توپخانه رامشخص کند

صرفه جوئی درخط رزم

خط رزم اصولا بوسیله قسمت اعظم پیاده‌نظام تشکیل ودر روی خط مقاومت اصلی واقع می‌شود .

پاسدارها اصولاتوسط پیاده‌نظام خطرزم فرستاده میشوند.

یك گردان درهزار متریك فکر اولیه‌است ولی عوامل دیگر مداخله‌دارد.

مناطق بیشتریا کمتر موردآتش هستند جاهائی مخفی و جاهائی دیگر دیده میشوندعمق موضع کم وزیاداست اهمیت نقاط کم وزیاداست .

بنابراین تقسیم زمین به‌قطعات هر قطعه یك رئیس و یك ماموریت پس حدود این قطعات باید معلوم شود

این حدود باید انجام‌ماموریت را تامین‌کند . از بلندیها بگذرد . یك قسمت مهم را واضحابه‌یك‌واحد وا گذار کند نقاط ارتباط بین‌واحدها مشخص باشد.

پاسدارها راهنگها می‌فرستند عده‌آنها ازیکی الی چندین گروهان برای یك هنك متغیراست گاهی چندمسلسل بدانهاداده میشود.

بهتر است که سه‌هنك یك لشگر در خط رزم باشند تاازوسایل آنها استفاده کامل گردد .

احتیاط لشگر

عده‌این احتیاط به‌نسبت وضعیت کلی متغیر است حد اکثر سه و حداقل یك گردان است .

احتیاط‌لشکر درعقب‌موضع قرار گرفته محل آن‌هارا درموقع خطرقبلا تعیین می کنند .

ماموریت آن‌ها تقویت خطرزم یااجرای حملات متقابله‌است .

باید متوجه‌بود که حملات متقابله‌مهلت‌ووقت زیاد لازم دارد .

و - ماموریت توپخانه

توپخانه در تمام مراحل رزم شرکت دارد یعنی از دقیقهٔ که دشمن داخل منطقه عمل وی میشود یعنی حدتیر رس آن‌تاآخرین‌نقطه یعنی موقعی که بایددفاع نزدیك خویش‌را تأمین کند .

فرماندهی لشگر توپخانه خود را به دو قسمت پشتیبانی مستقیم و عمل کلی تقسیم. مأموریت آن‌ها را تعیین می کند

این مأموریت‌ها مشروط به تعداد و میسورات اجرا و ملاحظات عمومی ذیل است :

شرکت در رزم بعید توپخانه .

بعد داخل منطقه عمل لشگر می شویم و دو مرحله را باید بررسی کرد .

اول مرحله که فرمانده لشگر مستقیماً داخل عمل می شود یعنی در عمقی از زمین بین حد اکثر تیر رس الی سد مقدم

- تصدیع و تأخیر دشمن - برهم زدن مقدمات حمله .

- تیر ممانعت و تمرکزهای آتش در نقاط مهم .

در این مرحله تیر غیر مستقیم مسلسل‌ها باید کمک کنند .

ولی وقتی دشمن داخل منطقه سد مقدم گردید فرمانده لشگر قسمت‌های پشتیبانی مستقیم را آزاد گذارده و فقط بوسیله قسمت‌های عمل کلی رزم میکند مأموریت قسمت اخیر شرکت در سد مقدم است در حدود امکان و تهیه تیرهای ضروری دیگر

ولی عمل با توپخانه در این مرحله بسیار مشکل است و بایستی دستورات فنی اجرای تیر و عملیات گستردن توپخانه را در نظر داشت .

برای عمل این مطالب است. که فرمانده توپخانه لشگر تقسیم توپخانه را برای مأموریت‌های مختلفه تعیین و پیشنهاد می کند ولی فرمانده لشگر در قبول یارد آن مختار و ممکن است تغییراتی را امر دهد و گاهی نیز پیشنهادات فرمانده توپخانه لشگری باعث تغییر مأموریت های اولیه می گردد .

۳ - نبرد تدافعی و هدایت آن

پس از آن که مطابق آنچه ذکر گردید مانور تدافعی لشگر تعیین گردید به بینم هدایت نبرد بچه وسیله انجام می شود.

وظیفه فرماندهی در نبرد عبارت است از حفظ خطوط اصلی مانور خود و تطبیق طرز اجرای آن با وقایع یعنی تکامل مانوروی بطرف مقصودی که دارد

بنابراین نبرد تدافعی مستلزم تطبیق آنچه موجود داشت با آنچه صورت پذیر میباشد بوده و اطلاعات مبنای آن است هدایت نبرد عبارت است از استفاده از این اطلاعات در موقع معینه بوسیله بکار انداختن وسایل مختلفه که در دست دارد یعنی.

عمل مستقیم و دائمی در زیر دستان

اطلاع دادن بدانها

راهنمائی آنها

کمک به آنها

هدایت آتش‌ها ، آتش تمام توپخانه قبل از حمله

آتش توپخانه عمل کلی دور

استعمال قسمتهای احتیاط

درخواست از مقاومت مافوق

حفظ نظم در لشکر

عمل دائمی فرماندهی در لشکر

نتیجه

مطالبی که ذکر شد باعث وضوح چند فکر اصلی میگردد

آتش وزمین مبنای هر عمل تدافعی است.

لشگر در روی یك موضع و برای یك موضع نبرد می کند.

تشکیل یك موضع عبارت است از استقرار آتش درحدا کثر عمق به نسبت مأموریت معینه.

بعد در صورتی که وقت باشد تقویت عمل آتش بوسیله آرایش زمین.

هدایت نبرد عبارت است از:

تطبیق اسلوب خود بااسلوب حمله دشمن و انجام ماموریت خود علی رغم دشمن.

یعنی ابتدا کسب اطلاع کردن.

بعد از این اطلاعات استفاده کردن بمنظور.

هدایت آتش هائی که در دست باقیمانده است.

تهیه و اجرای عمل قسمتهای احتیاط.

نگاهداری نظم و در صورت امکان طرح آتش اولیه.

واحدی که مورد اولین ضربت دشمن است عملش آسان نیست مستلزم قدرت بدنی وروحی وفعالیت فکری دائمی است

ب

مانور در عقب نشینی

۱ - عقب نشینی

۲ - مانور درعقب نشینی

ب

مانور درعقب نشینی

موضوع دفاع علی رغم دشمن در یك موضع مشخص مورد بررسی واقع گردید وملاحظه شد که دراین نوع دفاع ماموریت مدافع عبارت است ازدر گیر نمودن کلیه وسائل خود درموقع حمله دشمن برای حفظ یا ترمیم وضعیت موضع تدافعی خود - در این نوع دفاع آتش عامل اصلی وحرکت عامل فرعی محسوب میشود ، ولی ممکن است مهاجم انقدر وسائل بکار برد که باوجود مزیت هائی که مدافع بعلت آرایش زمین دارد ودر عین آنکه نفرات نیز منتهی شجاعت را ابراز دارند معهذا نتواند مانع از هجوم وی گردد ،

دراینصورت دوحالت ممکن است اتفاق افتد .

یافرماندهی عالیه درعقب جبهه که مورد حمله واقع شده است دارای واحدهای بزرك احتیاط است که مداخله بموقع آنها برای حمله متقابله ممکن است وضعیت از دست رفته را ترمیم کند ،

یافرماندهی واحدهای خودرا درمحل دیگر بکار برده وموقتا قادر به تقویت منطقه مورد تهدید نیست دراینصورت درعوض پافشاری در یك نزاع بدون تساوی که ادامه آن منجر به انهدام مدافع میگردد باید تاوقت ازدست نرفته به عقب نشینی پرداخت وبوسیله قطع تماس ناگهانی به فضا متوسل گردید تادرتحت حمایت آن مجددا ازادی عمل را فراهم واحدهارا منظم وبه تهیه یك مانور دیگر پرداخت .

بالاخره دربعضی موارد نفع مدافع دراین است که منتظر ضربت مهاجم نشده وبه تاخیر درپیشروی وی قناعت کند .

مثال این مورد متعدد است مانند واحد بزرگی که بدوی آنکه مستقیما وفورا مورد تهدید واقع شده باشد بعلت عقب نشینی واحد های هم جوار در خطر احاطه شدن واقع گردد یاواحد بزرگی که درصدد کشیدن خصم درمنطقه زمینی که برای نبرد مناسب تر است میباشد بالاخره مانند واحد بزرگی که بعلت حاضر نبودن واحد های خود نمی خواهد داخل نزاع گردد (حالت مخصوص قسمتهای پوشش) .

این مانور چون بااراده وبا نفرات تازه نفس یااقلا قابل مقاومت اجرا گردد آنرا مانور درعقب نشینی نامیم ، قطع تماس ومانور درعقب نشینی وحمله متقابله نیز جزو اشکال تدافع محسوب میشوند ودراجرای آنها هرچند آتش دارای وظیفه مهمی است ولی مقصود ازآن امکان پذیر نمودن وتسهیل حرکت است که عامل اصلی این نوع عملیات میباشد .

اینك به بررسی خواص قطع تماس بالسلحه جدید پرداخته وبعد اصول عمومی که درهر مانور درعقب نشینی قابل اجرا است وهدایت عملیات درمرحله لشگری می پردازیم .

عقب نشینی

عقب نشینی عبارت است ازعقب رفتن تحت فشار دشمن بوسیله نفراتی که مورد شکست واقع شده و بالنتیجه قابلیت مقاومت آنها جسما وروحا درآن موقع ضعیف شده است (۱) بنابراین چنین عملی بسیار مشکل و پرتلفات است و از طرف فرماندهی

(۱) این وضعیت حالتی است که اغلب در موقع عقب نشینی پیش آمد میکند ولی حالات دیگری نیز ممکن الوقوع است یعنی عقب نشینی با تصمیم اجتناب از درگیری در مدت معینی بدون فشاردشمن توسط نفراتی که حکم عقب نشینی تا موضع جدیدی را دریافت داشته اند مثلا موقعی که واحد بزرگی درصدد کوتاه کردن جبهه خود بر میاید یابمنظور تمرکز وسایل تعرضی خود یك قسمت از جبهه را به عقب یك بریدگی طبیعی میاورد تا صرفه جوئی در نفرات را صورت پذیر نماید — این نوع عقب نشینی ها که به آزادی ودر موقع مناسب انجام میشود اشکالات عقب نشینی در نتیجه شکست را ندارد وبه بررسی عقب نشینی اخیر قناعت میشود.

مستلزم تعلیمات ساده و سریعی است که باید حل دو مسئله ذیل را درنظر گیرد:

تخلیه عقب میدان نبرد

قطع تماس عوامل درگیر شده

الف - تخلیه عقب میدان نبرد - برای آنکه عقب نشینی باسرعت وبانظم که شرط اصلی آنست انجام شود باید بمحض آنکه فرمانده تصمیم عقب نشینی رااخذ نمود شروع به تخلیه عقب میدان نبردنموده عوامل مربوطه بدوائر بنه های جنگی و بنه های هنگی را بعقب اعزام دارد تاجاده هائی که بعدا برای حرکات نفرات لازم است آزاد شوند

معمولا سپاه این عمل را عهده دار شده وتجمع مجدداین عوامل را تنظیم میکند تا لشکر هائی که از تماس دشمن بعقب میایند بتوانند درآن مناطق جمع شده صورت بندی راه پیمائی را اتخاذ کنند .

این عمل یکی ازاعمال ستاد است ولی بعلل ذیل مشکل است:

مدت مهمات برای تهیه آن کم و مخابره احکام مشکل است.

وضعیت روحی دراین موقع ممکن است باعث بی نظمی درعمل گردد:

اجرای آن بعلت عملیات هواپیمائی دشمن سهل نیست.

بنابراین لازم است تشکیل گروههای راه پیمائی باحضور افسران و گروهبانان داده عبور و مرور راتحت مراقبت شدید قرار ودر صورت لزوم برای نظم حرکت از سوارنظام لشگری استفاده نمود.

ب - قطع تماس عوامل در گیر شده

به نسبت ساعتی که تصمیم عقب نشینی اخذ شده است دو حالت ممکن است اتفاق افتد :

حالت اول - اگراین ساعت نزدیک به شب است بهترین راه حل و کم خطر ترین عبارت است از اینکه بهیچوجه آرایش قسمتهائی را که در تماس هستند تغییر ندهند و این قسمتها قدم به قدم بجنگند تا تاریکی در میدان نبرد حکمفرما شده وبرای قطع تماس وضعیت مناسبی ایجاد کنند .

در شب دشمن نمیتواند از جاده ها خارج شود و اگر این جاده ها بوسیله اسلحه خود کاری که در محل مناسب با مهمات کافی قرار گرفته باشد مسدود گردد محتمل است دشمن که تلفات داده وتشکیلات آن بی ترتیب شده است فورا در صدد تلاش جدیدی برنیاید .

بنا براین طریقه عمل عبارت است از استقرار قسمتهای عقب داری که در صورت لزوم بوسیله عوامل توپخانه تقویت گردیده اند در روی تمام راههای قابل عبور با ماموریت آنکه مدت حتی المقدور مدید تری دشمن را ازتوجه بقطع تماس بازدارند .

در تحت حمایت قسمتهای عقب دار قوای عمده لشکر تدریجا در قسمت اول شب و با استفاده از تمام جاده ها برای مضاعف نمودن ستونها جبهه را ترک مینماید طبیعی است عواملی ابتدا حرکت میکنند که درشب مورداستفاده نیستند مثلاتوپخانه سنگین بعدبنه های جنگی سپس توپهای صحرائی وبالاخره هنگهای پیاده نظام یعنی تقریبا به همان ترتیبی که عوامل مختلفه در روی زمین عمقا رده بندی میشوند .

قسمتهای عقب دارباید درجای خودباقی بمانند تا ستونهای قوای عمده تشکیل شده ومقداری پیش رود واغلب این عمل تا اواخر شب بطول میانجامد واین موضوع دارای مزایای ذیل است :

چنانکه در مورد تکمیل مظفریت گفته خواهد شد دشمن مجبوراست که

درمدت شب در صدد بازرسی وضعیت تماس برآید تا بر طبق آن رفتار خود را در اول صبح تنظیم کند و هر قدر که در مدت بیشتری تصور نماید که تماس قطع نشده است بیشتر در صدد اقدام به عمل قوی برخواهد آمد و بنابر این مدت قابل ملاحظه را از دست خواهد داد.

بدین دلیل است که اگر موضوع حفظ قسمتهای عقب دار منظور نبود بهتر است که این قسمتها هرچه ممکن است بیشتر در جای خود بمانند وازعواملی تشکیل شده باشند که بتواند سریعا قبل از طلوع آفتاب عقب نشینی اختیار کنند.

قسمت اکتشاف لشکری که در مدت نبرد مداخله زیادی نداشته است برای این عمل مناسب است و اگر بتوان عوامل پیاده نظام را که در جزو قسمت عقب دار هستند به وسیله خودرو بعقب آورد بسیار مفید است ولی اجرای چنین عملی مربوط بوضعیت ستونهائی است که جاده ها را گرفته اند.

آیا مغلوب در ضمن عقب نشینی از عهده انجام تخریبات بر میاید یا خیر.

اگر قبل از شروع عقب نشینی طرح تخریبات تهیه شده و وسایل آتش دادن قبلا قرار داده شده است هیچ اشکالی نیست که در لحظه عقب نشینی عقب دار ها طبق دستور و شرایطی که از طرف فرماندهی بالاتر تعیین شده است بانها آتش زد.

اگر عقب نشینی در نتیجهٔ یك نبرد تصادفی است بنظر مشکل میاید که مغلوب بتواند تخریباتی انجام دهد معهذا در مدت چند ساعتی که از شب باقی مانده است میتواند با مواد محترقه که در عرابه های مهندسی موجود است چند نقطه معبر اجباری را منهدم نماید (چنانچه چنین نقاطی در منطقه مقدم تماس موجود باشد) یا چند تخریب در روی جاده هائی که ممکن است مورد استفاده دشمن واقع گردد تهیه کنند ولی نباید فراموش کرد که این تخریبات بسیار مختصر هستند.

حالت دوم - چنانچه وضعیت مستلزم آن باشد که قسمتهای در گیر شده درمدت روز عقب نشینی را شروع کنند موضوع قطع تماس پیاده نظام بسی مشکل تر است

یکی از مختصات رزم های امروزه اشکال زیاد پیاده نظام است در قطع تماس در مدت روز و در زمین مکشوف موقعی که در فاصله کم تحت آتش اسلحه خود کار واقع گردد (۴۰۰ تا ۵۰۰ متر برای مسلسل سبك ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ متر برای مسلسل).

اقدام باین عمل حتی با تلفات سنگین میسر نیست مگر آنکه از طرفی نزدیك ترین اسلحه های خود کار خصم درمدتی که برای عوامل اولیه پیاده نظام لازم است که سریعا خود را به نزدیك ترین مانع یا حفاظ برسانند خنثی شوند واز طرف دیگر دشمن که در تعاقب عوامل ما پیشروی میکند مجبور شود مدت قابل ملاحظه در لحظه که در صدد خروج از این مانع یا حفاظ است و در عقب آن عوامل عقب نشینی کرده مشغول اخذ آرایش لازمه برای رفتن بعقب هستند متوقف گردد.

این دو شرط مستلزم آن است که:

۱ - یك سد آتشینی که حتی الامکان متکاثف باشد ومخصوصا تیرهای شدید توپخانه در جلوی عواملی که در اراضی مکشوف مشغول عملیات هستند بر قرار شود تا دود تلاشی گلوله ها (درصورت فقدان گلوله های دود انگیز) تا حدی عقب نشینی این عواملی را مخفی کند.

۲ - گردانهائی که هنوز در دست فرماندهی باقیمانده اند موضعی را اشغال کنند که درمدت حرکت قوای عمده لشگر دشمن را درجای خود نگاهدارد.

این موضع تشکیل عامل اصلی مقاومت را میدهد در لحظهٔ که عقب نشینی وارد مرحله خطرناکی شده و فرماندهی در صدد تجدید نظم وترتیب در عواملی است که عقب نشینی نموده اند.

چنین موضعی بهتر است که در عقب یك رودخانه انتخاب شود و باید دارای میدان تیر عمیقی بوده وحفاظت جناحین آن سهل باشد که ناگهانی مورد خطر حرکات احاطه دشمن واقع نشود.

عمل پیاده نظام دراین موضع باید با کمك تمام توپخانه تقویت و گروها کتشافی ماموریت مراقبت جناحین وتامین ارتباط باواحدهای بزرك هم جوار راخواهدداشت بالاخره این موضع بایددارای یك نفر فرمانده باشدتاتلاش صنوف مختلفه راموزون نماید بطور خلاصه فرمانده لشگر باید به ترتیب به تنظیم نکات ذیل بپردازد:

انتخاب وتشکیل یك موضع عقب دار .

عقب نشینی عوامل در گیر شده .

عقب نشینی عقب دار .

برای این عملیات مختلفه اغلب نمیتوان یك حکم صادر نمود چه بسیار متغیر و نمیتوان آنها را به یکدیگر وصل کرد زیرا عقب نشینی عوامل در گیر شده موفقیت نخواهد یافت مگر آنکه موضع عقب دارها برای انجام وظائف خودحاضر باشد وبعد از آنکه فرمانده لشگر از تشکیل آن مطمئن گردید میتواندحکم عقب نشینی خط رزم راصادر کند .

طول مدت لازمه برای عقب آمدن این عوامل بقدری مربوط به قضایای مجهولی است که چون عقب دار مستقر گردید فرمانده نمیتواند مدت مأموریت آنها را تعیین کند وبعداز آنکه مشاهده نمود که قوای عمده لشگر قطع تماس نموده است میتواند عقب نشینی عقب دارا تنظیم کند .

در موقع بدین مشکلی باید عملیات را طبقه بندی کرد واز دادن احکام بی مورد وغیر قابل اجرا خود داری نمود .

۲

مانور در عقب نشینی

مانور در عقب نشینی عبارت است ازعقب رفتن باراده واغلب با قسمتهای منظم که هنوز قابلیت رزم را دارند و مقصود ازآن عبارت است از :

مطلع ساختن فرماندهی بوسیله نشان دادن پیشروی خصم درروی محور های معینه یا به تأخیر انداختن این پیشروی در حدودامکان (مانند عمل قسمتهای پوشش)

یا بدست آوردن وقت وفرصت لازمه برای تهیه یك مانور جدید تارسیدن قوای کمکی بوسیله ترك تدریجی قسمتی از زمین باعمق معین (مانند عملیات ارتش فرانسه درجنك ۱۸_۱۹۱۴ بعداز نبرد سرحدات)

یا بمنظور کشیدن دشمن دریك میدان نبردی که قبلا انتخاب شده است

در کلیه این حالات باید حرکت دشمن را بهتأخیر انداخت و از رزم قطعی که ممکن است باعث انهدام قسمتها گردد اجتناب نمود برای رسیدن باین مقصود باید اسلوب های ذیل را مورد استفاده قرارداد.

موانع و آتش های بعید

قسمتهای تاخیری که درحالت عقب نشینی رزم نمایند

اشغال مواضع مقاومت موقتی

حمله متقابله برای خروج از در گیری یاضربت های کوتاه و شدید و فوراً بعد قطع تماس

الف - موانع و آتش های بعید

انواع اسلحه های امروزه وتوسعه ماشین درارتش های جدید باعث شده است

که این ارتشها نمی توانند پیشروی کنند مگر آنکه تدارکات زیاد ومتنوعی خواه بوسیله راه‌آهن خواه‌بوسیله خودرو آنهارا تعقیب کند

هر گاه دشمن رااز استعمال راه‌آهن و جاده‌منع کنیم اگر تعرض بکلی فلج نشود خیلی بطئی‌خواهد شدمخصوصاًاگر قسمتی ازتخریباتی کهانجام میگردد در تیر رس توبخانه بلند قسمت مدافع باشد که تعمیرات را به تأخیر اندازد

تعفین بعضی مناطق که دشمن‌را مجبور کند ازمناطقی عبور نماید که مورد آتش مدافع است‌همین نتیجه‌را حاصل میکند

اگر بدلائلی فرماندهی عالیه‌نخواهد تخریباتی اجرایا درصدد تعفین‌مناطق برآید باید بوسیله تیرهای بمسافت بعید دشمن راهرچه دورتر درروی جاده‌هاتحت آتش‌قراردهد تا بیاده‌نظام وی مجبورشود جاده‌هارا ترك ودراراضی باآرایش های گسسته حرکت کند یعنی ازسرعت وی کاسته شود(۱الی ۲ کیلومتر درساعت) وجلو راندن عوامل سنگین که بجاده‌بسته هستند به تأخیر افتداین آتش‌های‌بعیدطبق موارد‌مختلفه توسط هواپیمائی ، توبخانه یامسلسل هاکه اسلحه های اصلی مانوردر عقب نشینی هستند اجرا میشود

ب - قسمتهای تاخیری و مواضع موقتی

تخریبات و آتش های بعید هرقدر که مؤثر باشند به‌تنهائی کفایت مانوردر عقب نشینی رانمی کند زیرااجرای تخریبات مهم مستلزم وقت ووسائل زیاد است کهمعمولا درجنك های‌متحرك موجود نیست از طرف دیگر اجرای بموقع تیرهای فرق در مسافات بعید مستلزم شرایط جوی مناسب است که بتوای دیدبانی زمینی و هوائی‌را انجام نمود و تدارکاتی از حیث مهمات‌لازم است که همیشه مقدور نیست بنابراین باید چنین درنظر گرفت :

استعمال قسمتهائی که دارای اسلحه های خودکار کافی بوده‌وتوسط‌واحدهای توبخانه ۷۵ تقویت شده ووظیفه آنها عبارت است ازتحت آتش قراردادن دشمن در مسافات متوسط وتأخیر پیشروی آنها بوسیله رزم در عقب نشینی بدون انکه خود در گیر شوند ولی این قسمتها اغلب نمیتوانند یك خط آتش مداوم ایجاد کنند و اگر دشمن قابلیت مانوز داشته باشد درفواصل آنها دخول وآنهارا سریعاً مجبور بعقب نشینی میکنند

یابرای انکه از حصول وقت وفرصتی که توسط فرماندهی تعیین شده است مطمئن باشیم تشکیل موضع موقتی دهیم (دراین موضع نباید مقاومت‌لجوجانه ابراز داشت زیرا چنین عمل برخلاف اصول مانور درعقب نشینی است) تادشمن مجبور شود که اخذ تماس نموده در صدد شناسائی دقیق آن برآمده وخود را برای حمله حاضر کند تمام این عملیات باعث اتلاف وقت وی میشود و چون این حمله شد مدافع باید از آن احتناب وبعقب آمده وهمین عمل را دورتر تجدید کند

ج — حمله متقابله وقطع تماس

ضمن این مقاومتهای موقتی اگردشمن زیاد فشار آورد ممکن است اقدام‌به حمله متقابله سریع وشدیدی نمود تادشمن درمحل خود میخ کوب ومحتاط شود این عمل باعث تقویت روحی نیروئی که عقب نشینی میکنند میشود ولی نباید باعث اختلال درعمل اصلی عقب نشینی شود ونباید بدان اقدام نمود مگر موقعیکه وضعیت دشمن باعث استفاده ازآن باشد یاشرایط زمین وزمان خلاصی قسمتهائی را کهدر آن شرکت میکنند تسهیل نماید

چون دشمن در نتیجه این ضربت موقتادچار بی تصمیمی گردید بایدازموقع استفاده نموده وناگهانی تماس‌را قطع کرد

تشکیل مانور در عقب نشینی . بوسیله فرماندهی عالیه

مانور درعقب نشینی مبنی است برصورت پذیر نمودن یك یا چند ازاصول مذکوره معاً یامتناوباً وبرای آنکه لشگرها بتوانند عقب نشینی خودرا بادقت مرتب کنند باید فرماندهان ارتش یاسپاه مراتب ذیل را مشخص نمایند :

یك محور عقب نشینی ویك منطقه عمل

خطوط متوالی که باید درروی آنها متوقف گردید ـ تعداد نفراتی که باید بکار برد ومدتی راکه باید درروی هر کدام بدست آورد

شرایط اجرای تخریبات وضرورتاً تعیین بعضی مناطق

طرز عمل بعید توپخانه بلند وهواپیمائی

طرز رفتار درمواقع در گیریهای جدی این طرز ممکن است حتی منجر بفدا نمودن بعضی از واحدها گردد

١ ـ محور عقب نشینی ومنطقه عمل

تعیین این محور در ضمن مانور درعقب نشینی یك موضوع اصلی است زیرا تعیین آن مقدمه مانور بعدی وتوجیه جبهه راکه درعقب آن این مانور تهیه میشود مشخص می کند واحدهای بزرك را متدرجاً بطرف مکان نبرد درمجموعه که توسط فرماندهی پیش بینی شده است سوق میدهد وازدورشدن آنها ازیکدیگر ممانعت میکند

تعیین منطقه عمل نیز ضروری است زیرا وسعت جبههٔ هرلشگر را مشخص و اختلافات راجع باستفاده از جاده هارا مرتفع میکند

٢ ـ خطوط مقاومت متوالی

تعیین خطوط مقاومت متوالی که تالحظه معینی نگاهداری شوند تنظیم آهنك مانور را برای فرماندهان تسهیل ارتباط جانبی راکه لازمه عملیات اجتماعی است تأمین می کند

مقصود از این مواضع بدست آوردن وقت وفرصت است وبنا براین نباید به تشکیلات در عمق پرداخت بلکه تقرب دشمن واخذ تماس وی‌را دچار تأخیر نمود

بنابراین مواضع باید اصولا :

استعمال آتشها رادر حد برد مؤثر اجازه دهد یعنی دارای دید گاههای خوب ومیدان تیر مکشوف باشد

برای دفاع برضد عرابه های جنگی سریع مناسب باشد بدین دلیل بهتراست که در عقب مجاری میاه انتخاب گردند .

احاطه آنها مشکل باشد یعنی جبههٔ نسبتاً وسیع وجناحین آنها به موانعی متکی باشند که عبور از آنها برای خصم مشکل باشد

بالاخره مطلوب است که درعقب ونزدیکی موضع مانع یاحفاظی موجود باشد که در صورت صدور حکم درمدت روز بتوان قطع تماس نمود

حال بررسی کنیم که چه فاصله باید بین دوموضع متوالی موجود باشد

این فاصله باید اقلا طوری باشد که توپخانه دشمن نتواند ازیك محل حمله به دوموضع متوالی را کمك وتقویت کند (درحدود ٥ کیلومتر) ولی این فاصله حد اقل نظری وغیر کافی است زیراا گر مقصود مابدست آوردن وقت است ونمیخواهیم سریعاً بادشمن در گیر شویم باید وقتی دشمن در اول صبح متوجه گردید که موضع تخلیه شده است بامحسوب داشتن تمام وسائل تأخیری که بکار می بریم حتی المقدور نتواند قبل از ساعتی که در گیری شدید وتهیه حمله برای موضع ثانوی ممکن باشد خودرا بدان برساند بنابراین مطلوب است که دشمن بین دوموضع در حدود ده ساعت صرف راه پیمائی ـ تقرب واخذ تماس نماید واگر فرض کنیم که سرعت پیشروی دشمن ١٠٠٠ الی ١٥٠٠ متر درساعت است باید بین دوموضع متوالی فاصلهٔ درحدود

ده کیلومتر موجود باشد(۱) چه مقدار نفرات دراین مواضع باید بکار برد

دوعامل درتعیین این مسئله دخالت دارد :

آهنك مانور یعنی مدتی که میخواهیم در روی هر موضع صرف کنیم

وسعت منطقه عمل لشگر

برای مبنای محاسبه دوعدد ذیل‌را میتوان بکار برد :

جبهه رزم عادی یك گردان که ممکن است یك مقاومت جدی ابراز دارد عبارت است از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ متر (این عدد برای نیروی فرانسه است درنیروی شاهنشاهی باید ۲۰۰۰ متر محسوب داشت)

جبهه رزم یك گردان که فقط درزمان محدودی بایدمقاومت کند ۲۰۰۰ متراست(دراین مورد نیز برای مابابد ۳۰۰۰ متر حساب کرد)

اگر مقصود صرفه مدت یك‌روز در روی هرموضع باشد وبنظر میرسد که دشمن نمی‌تواند درهمان روز به حمله بپردازد مقاومت محدود کافی است وتعداد گردانهای لازمه عبارت است از نتیجه $\frac{۱}{۲۰۰۰}$ ($\frac{۱}{۳۰۰۰}$)

اگر به‌علت مهلتی که منظور است مجبور باشیم که‌مدت مدیدتری به‌مقاومت پردازیم وبالنتیجه ممکن‌است مجبور به‌در گیری شویم باید بقدری نفرات در خط قرار دهیم که دشمن پس‌از اخذ تماس درصددانجام حمله برآید ومدتی را که‌وی صرف تهیه حمله‌خواهد نمود به‌صرفه مابوده وبا جستجوی دقیق اطلاعات بایدلحظه حمله را بدانیم تا قبل از شروع آن محل را تخلیه کنیم

(۱) وضعیت زمین برای تعیین تعداد مواضع متوالی اهمیت زیاد دارد واین تعدادمربوط به میسورات تدافعی زمین است ونباید قبلا چنین تصور کرد که اگر ۳۰ کیلومتر بایدعقب نشینی نمود بنابر این سه‌موضع متوالی باید انتخاب شود در صورتیکه درنتیجه بررسی دقیق زمین بیش از دوموضع برای دفاع مناسب نیست

به‌این ترتیب آهنك مانور در عقب نشینی قابلیت انعطاف یافته و متنوع بودن آن باعث گیجی دشمن میشود هرجازمین مناسب باشد عمل تـأخیری توسط عوامل سبك که باعث تصدیع دشمن میگردند .

هرجا میدان تیر خوب داشته باشیم ایجادیك پرده ، آتشین که نزدیك شدن خصم را درروز مشگل میکند وبالاخره هرجابایدمدتی مقاومت کرد انتخاب موضع واستقرار درآن تادشمن مجبور شود که به‌تهیه حمله بپردازد .

۳) — تخریبات .

تخریبات را نمیتوان به‌ابتکار واحد های زیر دست واگذار نمود زیرا این تخریبات مؤثر نیستند مگر آنکه در یك طرح کلی واقع شده وفقط فرماندهی است که میتواند به‌نسبت مانوری که تهیه میکند تصمیم بگیرد که‌چه تخریباتی را میتوان اجرا نمود بنابراین فرمانده نیرو معمولا برگرام‌واجرای انرا تقسیم و لحظه صورت بذیر کردن را مشخص میکند

۴) - توپخانه بلند وهوا پیمائی .

توپخانه بلند سپاه و نیرو اسلحه اصلی آتش های بعید‌محسوب‌میشوند وچون آتش آن‌ها درمناطقی اجرا میشود که بدواً قسمتهای مقدم در آنجا وجود دارند شرایط عمل آنها باید بانهایت دقت ترتیب داده شده خطوط زمین وساعتی را که پس‌از آن این تیرها ممکن است شروع شود باید تعیین کرد .

اما راجع به‌هواپیمائی به‌ترتیب ذیل درعمل مداخله مینماید :

بوسیله هوا پیمائی صیادبرای ممانعت هوا پیمائی خصم‌از اکتشاف وشناسائی وضعیت صحیح اهمیت وتوجیه حرکات قسمتهائی که مشغول عقب نشینی هستند .

بوسیله هوا پیمائی بمباران برای تطویل باتقویت عمل توپخانه

مهم‌است که برو گرام عمل هواپیمائی را لشگرها بدانند تابتوانند درمورد

لزوم از بعضی از عملیات آن برای تنظیم حرکات خود استفاده کنند مثلا قطع تماس پس از یك بمباران هوائی یا عقب نشینی بعضی از عوامل تحت حفاظت عمل هواپیمائی صیاد .

اجرای مانور

الف - قسمتهای مقدم

مانور قسمتهای مقدم درمجموعه محوطه منطقه عمل سپاه تنظیم میشود .

این قسمتهای مرکب اند از گروههای اکتشافی که توسط عوامل پیاده نظام (هرگاه وسعت جبهه عدم استعمال آنهارا در وضع مقاومت اجازه دهد) و درصورت احتیاج توسط توپخانه تقویت شده است .

مأموریت اولیه آنها عبارت است از تأمین مراقبت هرچه دورتر که ممکن است و متوقف ساختن اکتشافات اولیه دشمن ،

اگر دشمن با نیروی بیشتری پیشروی کند وظیفه آنها اطلاع دادن بفرماندهی است ازاین پیشروی و تأخیر حداکثر آن بدون درگیر شدن بنابراین فرماندهی نمیتواند برای آنها مدت مقاومتی قائل شود زیرا سرعت تلاقی مربوط بـه قدرت مانوری دشمن است .

در مقابل دشمن محتاط این قسمتها ممکن است قوای خود را بیشتر از حقیقت نشان داده ومدت قابل ملاحظه را صرفه کنند بالعکس درمقابل دشمن جسور ومانور کننده که سریعا مکانهای خالی را یافته ودر آنها رخنه کند چون این قسمتها از تشکیل جبهه مداوم عاجزند مجبورند بزودی عقب نشینی کنند والا مورد حرکات تجاوزی یا احاطه واقع خواهند شد .

برای هریك ازاین قسمتهای مقدم یك محور عقب نشینی تعیین میگردد که در طول آن مستقلا در ضمن آنکه جناحین خود را اکتشاف و حفظ میکنند مانور می نمایند .

علامات معهوده که توسط هواپیمائی ترفیقی یا تلگراف بی سیم مخابره میشود باید بموقع فرماندهی را از تخلیه نقاط مشخص مطلع نماید تا فرمانده بدون خطر اجرای آتش های بعید توپخانه را اجازه دهد .

ب — مانور لشگر

فرماندهی سپاه معمولا خط تجزیه بین منطقه عمل بعید توپخانه سپاه (که ممکن است توسط قسمتی از توپخانه لشگری تقویت شده باشد) و منطقه عمل عادی توپخانه های لشگری را تعیین مینماید این خط حد منطقه را که از آن ببعد هدایت رزم بعهده فرماندهان لشگر است معین میکند .

مانور لشگرها درروی هریك از مواضع اصولا عبارت است از:

تشکیل و اشغال موضع با تطبیق دقیق آتشهای پیاده نظام و توپخانه .

پیش بینی وشروع به تشکیلات موضع بعد .

ضرورتا تعیین یك موضع میانجی بین دوموضع برای تسهیل قطع تماس درموقع هجوم شدید دشمن وملایم نمودن پیشروی وی وحفاظت توپخانه .

بدین ترتیب عمل رده های مختلفه انجام میشود این رده ها یکی پس از دیگری خود را مکشوف میسازند ولی نه مأموریت و نه مقدار قسمتهای آنها با یکدیگر مساوی است .

تشکیل و اشغال یك موضع

این موضوع را در یکی از مواضع متوالی بررسی کنیم :

تشکیلات این موضع باید حتی المقدور شبیه به تشکیلات یك موضع مقاومت معمولی باشد و مدتی که برای مقاومت پیش بینی شده است هر قدر باشد بهتر است که قسمتها تشکیلات خود را مانند آنکه بخواهند مقاومت شدید نمایند انجام دهند .

بنابراین موضع شامل خواهد بود بر :

یك خط اصلی که حتی الامکان بوسیله یك مانع طبیعی پوشیده شده باشد ؛

در جلوی این خط اصلی :

طرحهای آتش توپخانه و مسلسل ها برای آنکه دشمن را هرچه دورتر تحت آتش قرار دهند .

طرحهای آتش نزدیك توپخانه و پیاده نظام برای موقعیکه برخلاف تصمیم اولیه مجبور به قبول رزم شوند .

آتش های متقاطع برای دفاع از درهم شکستن خط اصلی یا تأمین مداومت آتش با واحد بزرك مجاور که نسبت به خط اصلی عقب تر واقع شده باشد پاسدار هائی که در جلوی این خط قرار میگیرند واغلب دارای مأموریت مراقبت هستند فقط در مواردی که فرماندهی احتیاج به مهلتی برای تهیه آرایش قوای خود یا ختم تهیه بعضی از تخریبات مهم دارد ممکن است در بعضی از نقاط و برای مدت محدودی مأموریت مقاومت به پاسدارها داده شود .

باید دانست که این تشکیلات که نسبتاً در عمق رده بندی شده است مربوط به مواردی است که حصول وقت وفرصت لازمه ما را مجبور به پیش بینی و قبول رزم نزدیك میکند و بالنتیجه لشکر ها باید اکثریت وسایل پیاده نظام خود را در روی موضع موقتی نگاهدارند .

در این مورد اشغال موضع ابتدا شبیه است به آنچه که در مورد دفاع یك موضع

مقاومت ذکر شد با این اختلاف که در موقع دفاع حفظ خط اصلی بر سایر مطالب رجحان دارد در صورتیکه در مانور در عقب نشینی حفظ آزادی عمل باید ارجحیت یابد و بنا بر این طرز استعمال قوای احتیاط در این مورد مختلف است در حالت اول حفظ پیوستگی در نزدیکی خط مقاومت اصلی با انتظار اجرای حمله متقابله و در حالت دوم خلاصی عواملی که از نزدیکی تحت فشار دشمن واقع شده اند .

اما راجع به آرایش پیاده نظام ممکن است ۲ هنك در رده اول و یك هنك در رده دوم یا هر سه هنك را در رده اول با رده بندی درعمق در هریك از هنکها قرار داد .

راه حل اول دارای این مزیت است که قوائی در دست فرمانده لشکر باقی میماند استعمال آنها سهل وممکن است سریعاً در موضع بعدی استعمال شود ولی درمقابل وظیفه هنکهای رده اول و رابطه وسعت منطقه عمل مشکل میکند .

راه حل دوم عمل رده های مختلف را در هر هنك تسهیل ولی قوای احتیاط یك نواخت برای فرماندهی باقی نمیگذارد

آنچه راجع به آرایش پیاده نظام ذکر شد مربوط به لشگرهائی است که دارای سه هنك پیاده نظام میباشند ولی در لشکرهای چهار هنکی نیز میتوان دو راه حل درنظر گرفت : ۳ هنك در رده اول یك هنك در رده دوم یا چهار هنك در رده اول .

اگر وسعت منطقه عمل وعوارض طبیعی زمین را درنظر گیریم راه حل اول ارجح است زیرا هروقت که بروسعت منطقه عمل افزوده میشود حفظ قوای احتیاط واجب تر میگردد .

وظیفه توپخانه درضمن مانور درعقب نشینی بسیار مهم است زیرا وظایف آن عبارت است از تأخیر در پیشروی دشمن بوسیله خارج کردن وی از جاده وتحمیل

صورت بندی باز بروی ، تصدیع وی در اخذ تماس و بالاخره تسهیل قطع تماس عوامل خودی .

تامین ادوات توپخانه مستلزم آن است که قسمت اعظم آن درعقب موضع گسترده شود معهذا برای تصدیع دشمن واستفاده از برد تمام توپها گاهی منفعت در جلو راندن بعضی از واحد های توپخانه تحت حفاظت قسمتهای مقدم است در این موقع باید فرماندهی بانهایت دقت شرایط عقب نشینی این واحدهارا تعیین نماید .

اماقسمت عمده توپخانه لشکری هر گاه دورده بعلت وسعت جبهه عمل موجود نباشد باید درعمق رده بندی شود تاحد اکثر مداومت عمل وی تامین گردد (۱)

تهیه موضع بعد

درهمان وقتی که فرمانده درموضع معینی مستقرمیگردد باید مشغول به تهیه موضع بعدی باشد .

اگر سپاه بالشکرهای متوالی مانور میکند موضوع سهل است چه هر لشکر باتمام وسایل خود به نوبت وباوقت کافی یك موضع موقتی رااشغال میکند .

هر گاه بالعکس سپاه درمانور خود لشکرهارا بهلوی یکدیکر بکار می برد (این حالت درجبهه های وسیع حالت معمولی است) هرلشکر باید هم موضع موقتی را اشغال وهم اشغال موضع بعدی را تهیه کند .

به نسبت ماموریتی که برای موضع قبل معین شده است دو حالت باید در نظر گرفته شود :

---

(۱) فرمانده لشکر میتواند دربعضی حالات مخصوصه قسمتی از توپخانه را بحالت بسته برای تقویت عمل قوای احتیاط پیاده نظام نگاهدارد این موضوع بسیار مفیداست درمواقعیکه لشکر در جناح آرایش واقع شده یادر روی جبهه وسیعی عمل میکند ودرنتیجه ممکن است مورد مانور احاطه دشمن واقع شود ودر اینصورت نمیتوان ازتوپخانه که داخل درعمل شده است در سمت دیگری استفاده نمود .

۱ ـ این موضع توسط عقب دارها اشغال وماموریت آنها عبارت است ازمقاومت در مدت کم وبعد رزم در عقب نشینی برای حفظ زمین دراین صورت قسمت عمده پیاده نظام را میتوان فورا بموضع بعدی فرستاد تابه تشکیل آن مشغول شوند .

۲ ـ موضع قبل باید بتواند تامدت معینی دشمن رامتوقف سازد ودر صورت لزوم در گیر شود دراین حالت قسمت عمده قوای لشکر دراین موضع بمصرف رسیده وفقط ممکن است عوامل مختصری برای اکتشاف ـ تعیین وتوجیه کار واحدهای مهندس وکارگران بمنظور تهیه تشکیلات دفاعی وتخریبات بموضع بعد فرستاد .

ولی حتی درحالت دوم نباید فرمانده فقط بفکر اشغال موضع اولیه باشد بلکه باید بمرور که بانتهای مدت معینه نزدیك میشود بادر نظر گرفتن رفتار ووضعیت دشمن تدریجاًعواملی را ازاین موضع مخصوصاً عواملی را که درعقب آن قرار گرفته اند ووجود آنان ایجاب نمیشود بطرف موضع بعدی اعزام داشت .

هدایت مانور

فرض کنیم یك لشکر درروی یك موضع موقتی مستقر گردیده .

در جلوی خط اصلی قسمتهای مقدم با عوامل اولیه دشمن در تماس وپیشروی آنها را رابه تاخیر میاندازند چند کیلومتر درعقب عوامل احتیاط برای انجام وظایفی که ذکر شددر نزدیکی محل خطرخود قرار گرفته قسمتی ازمهندسی وحفاران درموضع بعدی مشغول تهیه مقدمات تشکیلات دفاعی هستند

حال چگونه فرمانده لشکر میتواند مانورخود راهدایت کند:

دیدیم که فرمانده لشکر میتواند عمل قسمتهای مقدم را که مربوط به رفتار دشمن است اداره کند ولی باید تمام وسایل خود را بکاربرد تا متدرجا تعیین نماید که در چه ساعتی عوامل خودی تا کدام خط را تخلیه نموده اند وتوپخانه میتواند بدون نگرانی تا خط مذکور تیر اندازی کند .

هدایت دفاع در روی موضع در صورتیکه مجبور به رزم شوند راجع به تشکیلات طرح آتش مانند مراتبی است که در تدافع ذکر شد راجع باستعمال قوای احتیاطی نباید در صدد حفظ موضع علی‌رغم دشمن بر آمد بلکه‌باید بموقع‌مقاومت‌را به عقب انتقال داد .

مشکل ترین مراحل شروع بعقب نشینی است

چگونه این عقب نشینی توسط فرمانده بالاتر در نظر گرفته شده است

مدتی را که باید درروی هریك ازمواضع صرفه نمود ممکن است بدوصورت ذیل درنظر گرفته شود .

یا مقاومت تا موقع معینی با قبول خطر در گیری .

یا مقاومت تا موقعیکه دشمن بیك خط مشخص برسد برای آنکه در عقب نشینی اختلالی حاصل نگردد .

یا مقاومت تا حکم جدید درمواردی که وضعیت معلوم نشده وباید حد اکثر مدت را صرفه نمود دراین حالت باید تمام وسایل عقب نشینی پیش بینی شده بمحض وصول حکم اجرا گردد .

از نقطه نظر اجرا عقب نشینی در یکی ازحالات ذیل اجرا خواهد شد .

عقب نشینی در روز یا در شب .

عقب نشینی قبل از اخذ تماس یا بعد .

وقتی که دشمن با موضع مقاومت تماس نزدیك نگرفته است عقب نشینی حتی در روز اشکال زیادی ندارد زیرا ممکن است بموقع تخریباتی را که تهیه شده است انجام داد و باید بوسیله اتخاذ آرایش راه پیمائی متناسب‌عقب نشینی ستونها را بوجه احسن از اکتشافات هواپیمائی دشمن مخفی نمود .

عقب نشینی درشب حتی درصورت تماس نیز ممکن است با شرایط خوبی تحت حفاظت عوامل عقب دار انجام شود بشرط آنکه ستاد ها احتیاطات لازمه را درتنظیم دقیق راه پیمائی یعنی اجتناب ازاشتباه درجاده ها یا مسدود نمودن‌آنها مرعی داشته باشند .

اما عقب نشینی در روز در ضمن حمله یعنی تحت فشار فوری دشمن در حقیقت تخلیه اجباری محسوب میگردد ـ اشکالات آنرا سابقا ذکر کردیم وباید از این عمل شدیداً اجتناب نمودچه ممکن است اجرای‌مانورهای بعدی را مختل سازد

نتیجه

مانور در عقب نشینی مرحله احاله بین دو آرایش آست ومنظورازآن بدست آوردن مهلت‌لازمه است برای فرماندهی عالیه بمنظورتجدید تشکیلات جبهه نبرد یا رساندن قوای احتیاطی بدون بخطرانداختن واحدهای بزرگی که ماموراجرای آن هستند .

این مانور اصولا مبنی است بر تاخیر انداختن دشمن بوسیله اقسام موانع و آتش های بعید طرز عمل عادی آن بکار بردن رده های متوالی است که ماموریت آنها ابرازمقاومت است درمدت و بشدت متفاوت به نسبت نفرات حاضر کار ـ وسعت منطقه عمل ـ نوع زمین ـ عمق عقب نشینی ،

اصولا باید از رزم نزدیك اجتناب نمود ولی معهذا گاهی مجبور بقبول آن میشویم و در این صورت باید بانفرات کافی بدان پرداخت تادشمن مجبور شود که نفرات ووسایل کافی بکار برد تابرای اجتماع آنها مدتی را از دست دهد .

بالاخره در ضمن تشکیل چنین مانوری نباید اصول ذیل را ازنظر دور کرد

۱ - اجتناب از تفرقه تلاش ها - دریك موقع معین رزم برای یك موضع انجام میشود - عواملی که در جلو یا عقب آن واقع‌شده اند وظیفه اصلی آنها شرکت در عمل مقاومت یا ضرورتا خلاصی عواملی است که در مضیقه واقع شده اند .

۲ - اجتناب از پیش بینی عملیات متوالی متعدد که سریعا پیاده نظام را ازپای در میاورد .

یك واحد نباید اصولا دو دفعه دریك روز در گیرشود .

۳ - بالاخره در حضور یك دشمن جسور مانور در عقب نشینی درجبهه های وسیع که تشکیل سد آتشین مداوم رااجازه نمیدهد مشکل است .

حتی برای صورت پذیر نمودن یك برده ساده آتش باید بهر گردان ۲ تا ۳ کیلو متر واگذار نمود در جبهه وسیع تری آتش غیر کافی و خطر رسوخ دشمن و حرکت تجاوزی آن موجود خواهد بود .

قسمت چهارم

نمونه احکام

مقصود از نمونه احکام این است که از فراموش شدن مواد اجتناب شود ولی برای موارد مختلفه ودرعملیات شاید لازم باشد که بعضی مواد آنرا حذف و بعضی دستورات رااضافه نمود

منظور اصلی تهیه احکام کوتاه است ودر احکام‌عمومی باید مطالبی را ذکر کرد که‌برای اطلاع‌عموم‌لازم‌است وبوسیله‌احکام بادستورات‌مخصوص‌انرا تکمیل نمود

در مواقع فوری باید مجریان را بوسیله احکام مقدماتی از وضعیت مطلع و حکم عمومی‌عملیاتی‌را بعداً تهیه وارسال نمود

راجع به‌سرلوحه وگیرندگان در هر نمونه حکم ذکرنشده است وبه‌صفحه ۲۴۱ مراجعه شود

ورقه اطلاعیه

(روز . . . . . .)

۱ ـ وضعیت عمومی دشمن

۲ ـ اطلاعات راجع به آرایش نبرد

تعیین واحدها

اشغال جبهه ـ احتیاط ها

۳ ـ وضعیت جبهه

۱ ـ پیاده نظام
۲ ـ توپخانه
۳ ـ نیروی هوائی ودفاع ضد هوائی
۴ ـ حرکات دشمن
۵ ـ کارها
۶ ـ مخابرات

فعالیت ـ آرایش ـ تغییرات‌وغیره

۴ ـ فعالیت در عقب دشمن

۵ ـ اطلاعات مختلفه و مدارک (۱)

ترجمه وانتشار مدارک

تاریخچه واحدهای دشمن ـ بررسی‌ادوات ، طرز رزم‌وغیره

۶ ـ نتیجه

راجع به میسورات دشمن

(۱) این اطلاعات ممکن‌است ازورقه اطلاعیه واحد مافوق یاواحدهای مجاور استخراج شود ودر اینصورت باید منبع آنرا صراحتا ذکر نمود

گزارش اطلاعیه نمره . . . . .

(روز . . . . .)

۱ ـ آنچه در مدت روز شناخته شده است

۲ ـ وضعیت جبهه

۱ ـ رفتار پیاده نظام

فعالیت توپخانه دشمن

فعالیت نیروی هوائی ودفاع ضد هوائی دشمن

حرکات دشمن در جبهه ودر عقب جبهه (نتایج دیدبانی زمینی وهوائی)

۲ ـ آرایش عمومی دشمن (یاتغییرات آرایش ومرکز ثقل جبهه)

۳ ـ نتیجه

نتیجه حاصله از مجموعه مواد ۱ و۲ ـ میسورات دشمن

۴ ـ اطلاعات مختلفه ومدارك

حکم حرکت دور از دشمن لشگر

۱ ـ وضعیت عمومی

۲ ـ مقصود و شرایط عمومی حرکت

۳ ـ صورت بندی در آخر راه‌پیمائی (۱)

منظور تاکتیکی این صورت بندی

تامین

۴ ـ اجرای حرکت

به تعیین راهها واشکالات عمومی قناعت شود

۵ ـ تامین در حرکت

الف ـ تامین دور

۱ ـ تعیین قسمتهای تامین دور

فرماندهی ـ ارتباط ـ ترفیق بوسیله هواپیما

۲ ـ مأموریت : سمت ـ خطوط متوالی ـ طرز رفتار در روی هر یك از این خطوط ـ اطلاعاتی که باید فرستاد

ب ـ تامین نزدیك : جلودارها (مأموریت ـ ترکیب ـ حرکت) پهلو دارها (در صورت لزوم)

ج ـ تأمین فوری : احتیاطات مخصوص بر ضد هوا پیماها وادوات زره دار

۶ ـ تشکیلات عبور ومرور

---

(۱) طرز توقف مشروح درجدول ذکر میشود

۷ - دستورات مخصوص

راحت باش‌های بزرگ - راحت باش های ساعتی

حرکت بنه‌های هنگی

عواملی که حرکت نمی کنند

بهداری - پستهای قبول مرضی

مواصلات : اکتشاف فنی مهندس - تعمیرات

۸ - پست فرماندهی و قرارگاه

محل جدید پست فرماندهی و قرارگاه و ساعت افتتاح آنها

۹ - مخابرات

اشکالات استعمال

مراکز جدید مخابراتی - ساعت افتتاح

ضمیمه حکم عملیاتی نمره ۰۰۰۰۰۰۰

جدول حرکت

ستونها و فرمانده	ترکیبات ستون	راهها (۱)	نقطه مبدأ	ساعت عبور		توقف در آخر راه پیمائی	ملاحظات (۲)
				سر	آخر		

سرعت راه پیمائی : (از حیث کیلومتر در ساعت)

عوامل پیاده

عوامل اسبی

» اتومبیلی

(۱) بهتر است که در مادهٔ ٤ حکم راههارا تعیین و در جدول فقط نمره آنهارا درج نمود

(۲) درستون ملاحظات درموقع لزوم باید ساعتی راکه واحدها اردوگاه مربوطه را برای دخول درستون ترك می کنند وراه مخصوص آنرا ذکر نمود

حکم حرکت قرارگاه

١ - توقف گاه در آخر راه پیمائی

٢ - اجرای حرکت

ستون پیاده	فرمانده - نقطه تجمع
ستون اسبی	ساعت عزیمت
ستون اتومبیلی	راه
	راه‌پیمائی درعقب ......
	نقطه مجزاشدن از ستون

٣ - دستورات مختلفه

وسایل اردوئی - تغذیه‌وغیره

٤ - افتتاح قرارگاه

قسمت اعزامی قبلی - مخابرات

٥ - جدول تقسیم افسران قرارگاه در اتومبیل های سواری

تقرب لشگر

١ - وضعیت ومیسورات دشمن (١)

٢ - ماموریت لشگر وواحدهای مجاور

آخرین هدف - سمت عمومی پیشروی

حدود منطقه عمل

٣ - تدبیر فرماندهی

طرز عمومی پیشروی : خیزهای متوالی قوای عمده وجلودارها

آهنك عمومی مانور

قصد فرماندهی لشگر راجع به استعمال قوای عمده در موقع تلاقی بادشمن (مثلا استقرار درروی خطی که رسیده اند یااجرای عمل تعرضی سریع با تعیین سمت تلاش)

٤ - آرایش عمومی

قوای‌عمده - جلودارها (ترکیب - تشکیلات فرماندهی)

٥ - تأمین (٢)

الف - تأمین‌دور

١ - تعیین قسمتهای تامین دور

فرماندهی - ارتباط - ترفیق‌بوسیله هوا پیما

٢ - مأموریت : سمت - خطوط متوالی (باشرابط زمان) - طرز رفتار در

روی هر کدام از این خطوط - اطلاعاتی که باید فرستاد

ب - تامین نزدیك : جلودارها : ترکیب - مأموریت (سمت وخیزهای متوالی) - طرز رفتار درموقع تلاقی درضمن خیزها - ارتباط باواحدهای بزرك مجاور حدود مناطق عمل

پهلو دارها (درصورت لزوم)

ج - تامین فوری : احتیاطات مخصوص برضد هواپیماها وادوات زره‌دار

۶ - توپخانه

توپخانه کمك مستقیم جلو دارها : ترکیب - مأموریت - تشکیلات - حرکات - شرایط درگیری

توپخانه احتیاط : ترکیب - مأموریت احتمالی - شرایط درگیری

مصرف مجاز مهمات

۷ - نیروی هوائی

مأموریت هائی که نیروی هوائی سپاه به نفع لشگر اجرا خواهد نمود

۸ - مهندس

مأموریت واحدهای مهندسی که در اختیار جلودار ها هستند - مدت هریك از این مأموریتها

۹ - اجرای حرکت (۳)

راه یامحور راه پیمائی - تقسیم به ستونها

خطوط متوالی که باید سرستونها به‌آن برسد

اولین آرایشی که باید توسط بنه‌ها ودوایر صورت پذیر شود

۱۰ - اطلاعات لازمه برای راهنمائی مانور (٤)

۱۱ - پست فرماندهی - ارتباط ومخابرات

پست فرماندهی لشگر و فرماندهان جلودار ها و قوای عمده

محور مخابرات

مرکز اطلاعات مقدم

توضیحات راجع به حکم تقرب لشگر

(۱) - درج فکر فرماندهی راجع بهمیسورات دشمن ودرصورت اشغال تعیین :
تاچه خطی حرکت بدون مداخله قوای عمده بنظر ممکن میرسد
بعد ازچه خطی اولین تماس محتمل است
(این ماده توسط رکن ۲ و ۳ تهیه میشود)

(۲) - الف - برای تامین دور اغلب حکم بخصوص صادر میشود
ب - شرایط عزیمت جلودارها از هدفها تعیین شود

(۳) - بوسیله جدول حرکت باید شرایط حرکت قوای عمده را اقلا تاخیز اول و برای عزیمت از این خیز تعیین نمود

(۴) - این ماده موقعی درج میشود که احکام مخصوص تجسس اطلاعات بمجریان نرسیده باشد در اینصورت باید اصول آنچه را که فرمانده لشگر باید برای هدایت مانور خود بداند درج شود

حکم حمله لشگر

۱ — وضعیت عمومی ومیسورات دشمن

۲ — ماموریت لشگر ولشگر های مجاور - منطقه عمل

۳ — تدبیر فرماندهی

مراحل وزمان ها - سمتها وهدف های متوالی

٤ - آرایش اولیه

۱ - پیاده نظام - هنگ های رده اول - وسایل (تشکیلاتی وتقویتی) که به اختیار گذارده میشود - منطقه عمل
۲ - عرابه‌های جنگی (درصورتیکه در مجموعه مانور بکار روند)
۳ - احتیاط ها - مکانهای اولیه
٤ - توپخانه - تشکیلات : کمک مستقیم وعمل کلی - مناطق عمل - حدود عمق - تقویت توپخانه سپاه (درصورت لزوم)
مهمات : مقداری که باید تدارک شود
شرایط شروع آتش
تیر تهیه : مقصود - مدت - مصرف مهمات

٥ - مرحله اول حمله . ساعت حمله

۱ - پیاده نظام : مأموریت هنگها(۱) - سرعت پیشروی - تعیین محل در پیشروی
۲ - عرابه‌های جنگی : (درصورتیکه درمجموعه مانور بکار روند) مأموریت ها
۳ - توپخانه : تقسیم واستعمال عمل کلی - هدایت آتش ها (نوع عمومی تیرها - هدفها وساعات تیرهای عمل کلی) تغییر مکانها (درصورت لزوم)

۴ - نیروی هوائی : مأموریت‌ها به نفع صنوف مختلفه

۵ - احتیاط ها : شرایط تغییر مکان و مداخله آنها در عمل

۶ - **مرحله دوم**

تغییراتی که باید در آرایش اولیه و تقسیم وسایل صورت پذیر نمود و بقیه مانند مادهٔ ۵

۷ - **طرز رفتار پس از تصرف آخرین هدف**

مأموریت سوار نظام (۲) وقسمتهای اکتشافی در صورت لزوم - طرز رفتار هنك های پیاده نظام وتوپخانه

۸ - **اطلاعات لازمه برای هدایت مانور (۳)**

۹ - **مهندس (٤)**

۱ - مأموریت ومدت واگذاری واحدهای مهندس به‌اختیار واحدهای دیگر

۲ - تعمیر خطوط مواصلات

۱۰ - **پست فرماندهی - ارتباط ومخابرات**

۱ - پست فرماندهی لشگر وهنگهای رده‌اول - محل های اولیه وشرایط تغییر مکان

۲ - محور مخابرات لشگر وهنك ها

توضیحات راجع به حکم حمله لشگر

(۱) مأموریتی که به‌یك هنك پیاده نظام داده میشود باید دارای شرایط ذیل باشد :

الف - مأموریت به‌نسبت مراحل (زمان‌ها وخیزها) منظوره درتدبیر فرماندهی معین شده باشد

ب - بنا براین باید هریك ازمراحل (زمانها وخیزها) شامل مراتب ذیل باشد

۱ - سمت تلاش درمدت اجرای مرحله منظور

۲ - نقاط مهم منطقه عمل که باید معا یا متوالیا تصرف نمود

۳ - هدف (یعنی خطی که درروی آن عوامل اولیه پیاده نظام متوقف شده وان طرف این خط توپخانه می‌تواند تیراندازی نماید)

(۲) این ماده ممکن است ضمن حکم یادستور مخصوص صادر شود

(۳) این ماده موقعی درج میشود که احکام مخصوص تجسس اطلاعات به مجریان نرسیده باشد دراینصورت باید اصول انچه راکه فرمانده لشگر باید برای هدایت مانور خود بداند درج شود

(٤) این ماده ممکن است ضمن حکم یادستور مخصوص صادر شود

حکم استقرار تدافعی یك لشگر

۱ - وضعیت عمومی ومیسورات دشمن

۲ - ماموریت لشگر وواحدهای هم‌جوار . منطقه عمل

۳ - تدبیر فرماندهی

۱ ـ منطقه تلاش تدافعی

۲ ـ تعین موضعها :

موضع مقاومت (خط مقاومت اصلی ـ خط مانع)

موضع پاسدارها

۳ ـ طرز عمومی دفاع برضد ادوات زره دار

۴ ـ هدایت عمومی مانور

۴ - آرایش کلی

حدود قطعه های جزء

۵ - ماموریت قطعه های جزء (برای هر کدام)

تعیین ماموریت (۱) :

سمتی را که باید ممنوع نمود

جبهۀ را که باید حفظ نمود

طرز رفتار در صورت دخول دشمن درموضع مقاومت

وسایل تشکیلاتی وتقویتی

پشتیبانی توپخانه

نقاط ارتباط ـ کمك متقابله آتش بین قطعه‌های جزء مجاور

۶ - دفاع برضدادوات زره‌دار

مناطق عامل ـ مناطق غیر عامل

سدهای آتش متوالی ـ موانع ـ میدانهای مین

۷ - تامین

الف ـ تامین دور (درصورت لزوم ممکن است حکم علیحده صادر نمود) :

۱ ـ تعیین قسمت یاقسمت های تامین دور ـ فرماندهی ـ ارتباط ـ ترفیق بوسیله هوا پیما

۲ ـ مأموریت : محورتلاش تاخیری ـ مقاومتها(شرایط زمان) ـ اطلاعاتی که باید فرستاد (خطوطی که تخلیه شده‌است) ـ خط خاتمه مأموریت ـ راه عقب نشینی ـ نقطه اجتماع

ب ـ تامین نزدیك : پاس دارها ـ مأموریت ـ تعدادی که نباید در هر قطعه جزء از آن تجاوز نمود نقطه ارتباط

۸ - توپخانه

مأموریت بخصوص به نفع پاسدارها ـ تقویت توپخانه سپاه

تشکیلات وتقسیمات کمك مستقیم وعمل کلی ـ منطقه عمل

شرایط گسترش

مهمات : تدارکاتی که باید تهیه نمود

شرایط شروع آتش

هدایت آتش‌ها : تیرهای نزدیك ـ تیرهای توقیفی ـ تیر در داخل موضع

۹ - نیروی هوائی

ترتیب ارجحیت مأموریت‌ها

مراقبت میدان نبرد

عمل به نفع توپخانه لشگری

ترفیق

۱۰ - **کارها**

نوع :

آرایش زمین

مواصلات

تخریب (تهیه تخریب - گذاردن مواد محترقه - تعیین نماینده برای آتش گذاری)

کارهای مختلفه

ترتیب ارجحیت کارها

۱۱ - **مهندس وحفار**

مأموریت - تقسیم وسایل - مأموریت و مدتی که واحدهای مهندس دراختیار واحدهای دیگر می باشند

۱۲ - **احتیاط ها**

ترکیب - توقف گاه - مکان ومأموریت درموقع خطر - استعمال احتمالی

۱۳ — **عبور ومرور**

حد عبور ومرور در روز

۱۴ — **پست فرماندهی — ارتباط ومخابرات**

پست فرماندهی لشگر وقطعه های جزء

مراکز مخابرات

(۱) مأموریت تدافعی که به یک واحد پیاده نظام داده میشود باید مراتب ذیل را معین نماید :

الف - سمتی را که باید ممنوع نمود - این موضع برای واحدهائی که در جبهه های معمولی دفاع می کنند در درجه دوم اهمیت است ولی برای واحدهائی که درجبهه های وسیع هستند ونمی توانند درهمه جا آرایش عمیقی صورت پذیر نمایند لازم است

ب - جبههٔ را که باید حفظ نمود - این موضوع در دفاع بدون قصد عقب نشینی در درجه اول اهمیت است وباید باتعیین قسمتی ازجبهه که درجلوی آن باید آتش دارای حد اکثر تکاثف باشد تکمیل گردد

ج - طرز رفتار - یعنی استعمال احتیاطها : مسدود نمودن یاحمله متقابله

درحالت اول تعیین خط یانقاطی که بهر قیمتی که هست باید ممنوع نمود

در حالت دوم تعیین نقاطی که باید در وحله اول در صدد راندن دشمن از آنجا برآمد

حکم مانور در عقب نشینی لشگر

۱ - وضعیت عمومی ومیسورات دشمن

۲ — ماموریت لشگر وواحدهای هم‌جوار - منطقه عمل

۳ - تدبیر فرماندهی

طریقه قطع تماس وعقب نشینی

طریقه اشغال موضع

« پوشش مانور

« دفاع برضد ادوات زره دار

مهلتی را که باید بدست آورد

۴ — آرایش

وضعیت عمومی عوامل محارب ودوایر

مناطق عمل

ساعت صورت پذیر نمودن آرایش

۵ - قطع تماس

۱ - عواملی که در تماس می‌مانند : ترکیب - مأموریت - ساعت خاتمه تماس - شرایط عقب نشینی (وسایط حمل ونقل)

۲ - عقب دارها : ترکیب - مأموریت - قرار گرفتن در محل خود - شرایط عقب نشینی

۳ - اجرای تخریبات

۴ - عمل توپخانه

۶ - عمل تاخیری

۱ - قسمتهای تاخیری : تشکیلات - فرماندهی - ارتباط - قرار گرفتن

درمحل خود - ترفیق بوسیله هواپیما

مأموریت : محور تلاش تاخیری ومناطق عمل - خطوط متوالی که بایدتخلیه آنها نشان داده‌شود

راه عقب نشینی - نقاط تجمع

۲ - تخریب ها : شرایط آتش گذاری - مأموریت ومدتی که واحد های مهندس در اختیار واحد های دیگر خواهند بود

۳ - عمل دور توپخانه : مقامی که مأمور صورت پذیر نمودن آن است

۷ - دفاع موضع

۱ - آرایشی که باید دراین موضع صورت پذیر شود : پیاده نظام وتوپخانه

شرایط عمومی استقرار - ساعت صورت پذیر شدن آن - پوشش موضع بوسیله پاسدارها (در صورت لزوم)

۲ - مأموریت هنگ های پیاده نظام : سمتی که باید ممنوع شود - نقاط اصلی وجبهه که باید اشغال شود - مدت ماموریت - طرز رفتار در صورتی که دشمن قبل از خاتمه ماموریت وارد موضع شود

۳ - وسایلی که در اختیار هنگ‌ها گذارده میشود

۴ - تشکیلات دفاع برضد ادوات زده دار : مناطق عامل وغیر عامل - سدهای آتش متوالی - موانع - مناطق مین

۵ - احتیاط‌ها : ترکیب - محل استقرار - مکان وماموریت درموقع خطر - استعمال احتمالی عرابه‌ها

۶ - توپخانه: ماموریت - تشکیلات - هدایت آتش‌ها - شرایط عقب نشینی

۷ - مهندس : آرایش زمین

۸ - نیروی هوائی : اطلاعات در خواستی - ترتیب ارجحیت ماموریت ها

۸ - تشکیلات آخرین موضع (۱)

تعین ماموریتها ـ اکتشافات ـ ماموریت مهندس ـ دفاع ضد ادوات زره دار

۹ - حرکات (۲)

راهها ـ مناطق توقف ـ ساعت یا خطی که باید عوامل محارب و دوایر از آن گذشته باشند

۱۰ - پست فرماندهی - ارتباط و مخابرات

پستهای فرماندهی متوالی لشگر

محور مخابرات لشگر و هنگها

مراکز اطلاعات متوالی

---

(۱) در صورت لزوم واغلب بوسیله حکم مخصوص

(۲) این ماده بایك جدول حرکات تکمیل میشود

سپاه .... پست فرماندهی .....

ستاد تاریخ ....

رکن ۲ و ۳

نمره ....

دستور مخصوص برای استعمال نیروی هوائی از ..... تا .....

۱ - وضعیت عمومی . ماموریت سپاه . ادراك مجموعه مانور (۱)

۲ - منطقه عمل نیروی هوائی سپاه

۳ - ماموریت نیروی هوائی

الف ـ اطلاعات :

اطلاعاتی که خواسته شده است به ترتیب ارجحیت

ساعت ومحلی که باید این اطلاعات واصل شود

کالك مناطقی که باید عکس برادری نمود ـ مقیاس تقریبی.

اطلاعاتی که بوسیله عکاسی تجسس میشود

ب ـ ماموریت ارتباط باصنوف دیگر

توپخانه سپاه ودرصورت لزوم توپخانه لشگرها

قسمت تامین

ترفیق رزم

ج ـ ترتیب ارجحیت مأموریتها درمراحل مختلفه مانور

۴ - هوا پیماهای شکاری

ماموریت هوا پیماهای شکاری ارتش

---

(۱) اگر وقت کم باشد این ماده را باید به حکم عمومی عملیات معطوف نمود

۵ - فرودگاه‌ها

محل اولیه فرودگاههای اصلی و کار

بیش بینی برای تغییر مکان فرودگاه کار

کارگرهائی که باختیار فرمانده نیروی هوائی گذارده میشود

حسب‌الامر رئیس ستاد . . . . . .

هر ورقه (حکم - دستور وغیره) که بستادی وارد یا از ستادی صادر میشود باید دارای مراتب ذیل باشد :

سپاه . . . .　　　　پست فرماندهی . . . .

لشگر . . . .　　　　بتاریخ . . . . ماه . . . ۱۳۱۶ ساعت (۱)

ستاد

رکن ۳

غره . . . . . / ۳ (۵)

حکم عمومی عملیاتی غره . . . . . . (٤)

صادر شد نمره . . . . ، . . (۲)

ورود بهنگ . . . .

تاریخ . . . . . ساعت . . . . . .

نمره . . . . (۳)

فرمانده لشگر . . . . - سرلشگر . . . .

۶) ازطرف فرمانده لشگر - رئیس ستاد . . . .

گیرندگان .

---

(۱) ساعتی که پس از تاریخ ذکر میشود ساعتی است که حکم ارسال میشود (نه ساعتی که حکم نوشته میشود)

(۲) نمره صدور توسط دفتر توزیع روی اوراق زده میشود

(۳) نمره ورودی درقسمتی که حکم واصل میشود زده میشود وباید تاریخ وساعت داشته باشد

(٤) این نمره در رکن ۳ زده میشود ومربوط باحکام عملیاتی است

(۵) نمره ثبت عمومی رکنی که ورقه راتهیه نموده است که عدد علیحده آن نمره رکن می باشد

(۶) فرمانده اصل احکام را امضا وبقیه را رئیس ستاد ازطرف فرمانده امضا می کند

صورت گیرندگان احکام لشگر

سپاه (به‌عنوان گزارش ۲ نسخه)

لشگرهای مجاور (به‌عنوان اطلاع)

پیاده نظام لشگری (۵ نسخه در لشگرهای ٤ هنگی)

سوار نظام لشگری(۳ نسخه درلشگرهائی که دارای ۲هنگ‌سوار نظام‌هستند)،

توپخانه لشگری (۳ نسخه)

مهندس (۲ نسخه)

مخابرات

کاربردازی

بهداری

بار کشی

قرارگاه

امنیه (قسمت دوم احکام)

این صورت‌شامل گیرندگان تشکیلاتی است ودرصورتیکه عوامل تقویتی دراختیار لشگر باشد به این صورت اضافه میگردد



